

آتش  
خاموش  
نگاهی به  
اعتراضات آبان  
۹۸

به کوشش  
مؤسسه رحمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آتش خاموش

## نگاهی به اعتراضات آبان ۹۸

(گزارش داخلی)

مدیر: سعید مدنی

همکاران:

محمدامین زندی، اسما صارمی، امیرحسین غلامزاده نطنزی، عطیه  
ملک‌زاهدی، زهرا موحدی‌ساوجی، حمیدرضا نظری کرمانی، سپیده یادگار



مؤسسه رحمان

خرداد ۱۳۹۹



## آتش خاموش؛ نگاهی به اعتراضات آبان ۹۸ (گزارش داخلی)

به کوشش: مؤسسه رحمان (رشد، حمایت، اندیشه)

مدیر طرح: سعید مدنی

همکاران: محمدمبین زندی، اسما صارمی، امیرحسین غلامزاده نطنزی، عطیه ملک‌زاهدی، زهرا موحدی ساوجی، حمیدرضا نظری کرمانی، سپیده یادگار

طراح جلد: سارا کریمی

تیراژ: ۱۰۰ جلد

تاریخ نشر: خرداد ۱۳۹۹

### مشخصات ارتباطی مؤسسه رحمان:

نشانی: میدان توحید، خیابان نصرت غربی، پلاک ۵۶، طبقه اول

کدپستی: ۱۴۵۷۸۶۴۷۱۱

تلفن: ۶۶۹۴۵۸۰۹ و ۶۶۱۲۰۱۹۸

نمبر: ۶۶۵۸۱۷۷۵

سایت: [www.rahman.org.ir](http://www.rahman.org.ir)

کانال تلگرامی: @RahmanInstitute

صفحه اینستاگرام: @rahman.inst

### خواننده گرامی؛

خواهشمند است با هدف حمایت از فعالیت‌های مطالعاتی مستقل و کمک

به توسعه فعالیت‌های مدنی مؤسسه رحمان، برای نسخه چاپی مبلغ

۵۰۰,۰۰۰ ریال و برای نسخه الکترونیک مبلغ ۲۰۰,۰۰۰ ریال به شماره کارت

مؤسسه واریز نمایید.

شماره کارت: ۶۱۰۴-۳۳۷۷-۷۰۱۲-۵۶۸۸

به نام مؤسسه رشد و حمایت اندیشه، بانک ملت

## فهرست

پیش‌گفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
یکم؛ روزنگار اعتراضات آبان.....	۱۱
دوم؛ ابعاد اعتراضات آبان.....	۲۷
سوم؛ ماهیت اعتراضات آبان.....	۳۷
چهارم؛ تهیدستان شهری در اعتراضات آبان.....	۴۷
پنجم؛ حاشیه‌نشین‌ها در اعتراضات آبان.....	۷۱
ششم؛ طبقه متوسط در اعتراضات آبان.....	۹۷
هفتم؛ جوانان در اعتراضات آبان.....	۱۱۵
هشتم؛ زنان در اعتراضات آبان.....	۱۳۱
نهم؛ پیامدها و آثار اعتراضات آبان.....	۱۳۹
دهم؛ چشم‌انداز آینده.....	۱۴۵
یازدهم؛ توصیه‌ها.....	۱۵۳
سخن آخر.....	۱۶۳
منابع.....	۱۶۹





### پیش‌گفتار

از عمر مطالعات اجتماعی در ایران بیش از نیم قرن می‌گذرد، ولی شمار سیاست‌هایی که از این مطالعات استفاده کرده‌اند، اندک است. گران کردن قیمت بنزین در آبان ماه ۱۳۹۸ یکی از این سیاست‌ها بود که شوک بزرگی به جامعه وارد کرد، باعث اعتراضات گسترده و در نهایت داغدار شدن خانواده‌های بسیاری شد.

وقایعی از این دست، پیشتر توسط مطالعات کارشناسی و دانشگاهی پیش‌بینی شده بود و دلسوزان کشور نسبت به آن هشدار داده بودند. مؤسسه رحمان نیز به‌عنوان قسمتی از بدنه کارشناسی و جامعه مدنی کشور، در گزارش‌های وضعیت اجتماعی (گزارش اول ۸۸-۱۳۸۰ و گزارش دوم ۹۶-۱۳۸۸)، زمینه‌های بروز این وقایع را مورد مطالعه قرار داده و پیامدهای سیاست‌های کلان اجتماعی را بررسی کرده است. همچنین در مجموعه نشست‌های «واکنش ما به چالش‌های اجتماعی» (۱۳۹۸ و ۱۳۹۹) به بررسی شرایطی پرداخته است که طی آن جامعه می‌تواند واکنشی پرخاشگرانه یا تاب‌آورانه به مسائل و مشکلات داشته باشد. از سوی دیگر یکی از فعالیت‌های مؤسسه رحمان، بررسی مسائل روز جامعه است. در این مسیر هدف اصلی آن است که با واکاوی این مسائل، نسبت به موضوعات روز جامعه آگاهی بیشتری به دست آید و با انباشت نظر کارشناسی، نسبت به چهارچوب‌یابی مسائل روز جامعه و ارائه راه‌حل‌های متناسب با آن، گامی هر چند کوچک به جلو برداشته شود. مؤسسه با همین هدف نسبت به برگزاری نشست‌ها

و میزگردهایی با موضوعات اسیدپاشی (۱۳۹۴)، ایدز (۱۳۹۵)، فرو ریختن ساختمان پلاسکو (۱۳۹۶)، مدیریت بدن (۱۳۹۶) و پاندمی کرونا (۱۳۹۹) اهتمام ورزیده است. بررسی اعتراضات آبان ماه ۹۸ نیز با همین هدف، ولی با شکلی متفاوت انجام شد و از زمستان ۱۳۹۸ در دستور کار مؤسسه قرار گرفت. در این طرح دکتر سعید مدنی در رأس گروهی هفت نفره از دانش‌آموختگان علوم اجتماعی طی چهار ماه به بررسی این وقایع پرداختند.

وقایع آبان ۹۸ را باید تلنگری در نظر گرفت که لازم است ندای آن شنیده شود. این وقایع در میان گروهی اتفاق افتاد که طی فشارهای اقتصادی سالیان، کاسه صبر خود را سرریز دید و پا به خیابان گذاشت، این قشر از جامعه، باز هم و شاید متأسفانه با توجه به پاندمی کرونا شدیدتر در معرض فشارهاست. آیا این قشر دیده می‌شود؟ آیا صدایشان شنیده می‌شود؟ آیا تدابیری اندیشیده شده است که حداقل اگر به مرور زمان از نفرات این قشر کاسته نمی‌شود، به نفرات آن افزوده نگردد؟ امید که این دست بررسی‌ها بتواند چراغ راهی برای عملکرد درست فراهم آورد.

در پایان از تمامی همراهان و زحمات عزیزانی که مؤسسه رحمان را در انجام این طرح یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود.

**با احترام**

**مؤسسه رحمان**

**خرداد ۱۳۹۹**

## مقدمه

جمعه ۲۴ آبان ۱۳۹۸ خبر سهمیه‌بندی سوخت و افزایش قیمت بنزین اعلام شد. در پی آن پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که مردم را به حضور در خیابان‌ها و خاموش کردن اتومبیل‌ها در اعتراض به این تصمیم فرا می‌خواند. به تدریج از غروب روز جمعه، تجمعات اعتراضی در برخی شهرها برپا شد. روز بعد شنبه ۲۵ آبان اعتراضات خیابانی در شهرهای مختلف ایران شدت گرفت. این اعتراضات اگرچه نتوانست تأثیری در کاهش قیمت بنزین داشته باشد، تبعات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای داشت. علت اعتراضات چه بود؟ چگونه اعتراضات محدود اولیه به سرعت و در سطح ملی گسترش یافت؟ معترضان چه کسانی بودند؟ آیا به لحاظ سطح خشونت بین این اعتراضات و اعتراضات پیش از آن در دی ۱۳۹۶ تفاوت معناداری وجود داشت؟ ماهیت اعتراضات چه بود؟ آیا اعتراضات مقدمه‌خونین انقلابی بود که به شکست منتهی شد یا شورش کور و خشونت‌آمیز مردم ناراضی و هیجان‌زده کوچه و بازار بود؟ آیا اعتراضات سرآغاز جنبش اعتراضی تهیدستانی بود که فشار معیشت از آستانه تحملشان عبور کرده بود؟ آیا احتمال سر برآوردن مجدد اعتراضات فروکش کرده وجود دارد؟ این گزارش مدعی آن نیست که به همه سؤالات مورد اشاره پاسخ داده بلکه تلاش کرده در چارچوب محدودیت‌های دسترسی به منابع و دیگر محدودیت‌ها به بخشی از این سؤالات پاسخ دهد.

در گزارش حاضر، با بهره‌گیری از مجموعه دیدگاه‌های صاحب‌نظران اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، کوشش شده ارزیابی‌ای از اعتراضات آبان بر مبنای میانگین آرای کارشناسان مستقل ارائه شود. بر این اساس، تلاش شده تا همه اظهارنظرهای منتشرشده بازبینی شود و در گزارش بازتاب داشته باشد. از این رو، می‌توان مدعی شد گزارش پیش رو نوعی جمع‌بندی کارشناسی در سطح ملی از اعتراضات آبان است.

### مروری بر نظریه‌ها

ارائه چارچوب نظری خاص برای تبیین و تحلیل ماهیت اعتراضات آبان به دلیل تنوع کنش‌ها، تکثر نیروها و طبقات اجتماعی حاضر در آن، و پیچیدگی شرایط کنونی ایران بسیار دشوار است. صاحب‌نظران به برخی زمینه‌های مؤثر در وقوع این اعتراضات مثل فقر و نابرابری، فقدان سرمایه اجتماعی، بی‌اعتمادی به دولت، بحران مشروعیت، جامعه جنبشی و امثال آن اشاره کرده‌اند. از دیدگاه بسیاری، افزایش میزان نارضایتی و عبور آن از آستانه تحمل جامعه، همراه با سرکوب خشونت‌بار اعتراضات مسالمت‌آمیز، شرایطی را رقم زد تا دامنه اعتراضات به سرعت گسترده شود. آنچه در آبان ۹۸ اتفاق افتاد با جرقة افزایش قیمت بنزین آغاز شد، اما خطای بزرگی است که علل و اسباب اعتراضات به همین یک عامل تقلیل داده شود. اغلب ناظران معتقدند اعتراضات نتیجه انباشت نارضایتی‌ها در حوزه‌های متفاوت اجتماعی، سیاسی و به‌خصوص اقتصادی بود.

برای مثال، به گفته آصف بیات: «به لحاظ محتوا، این اعتراضات شبیه اعتراضات مردم لبنان بود که با جرقة مالیات بستن بر روی برنامه تلفنی واتس‌آپ آغاز شد، ولی در واقعیت نتیجه سیستم بانکی فاسد و سیستم سیاسی مبتنی بر تقسیم فرقه‌ای - مذهبی بود که عملاً مفهوم شهروندی را مخدوش کرده‌اند. وقایع آبان ۹۸ در ایران از حیث شکل و چنته (repertoire) شبیه روزهای اولیه شورش‌های تونس در سال ۲۰۱۰ بودند که پس از یک ماه منجر به رفتن زین‌العابدین بن علی شدند. از این رو، اتفاقات آبان ۹۸ جزو آن دسته از شورش‌ها - یا قیام‌های - مردمی است که در دهه گذشته با سرعت در کشورهای مختلف دنیا گسترش پیدا کرده‌اند. این‌ها تجسم درخواست‌های مردم عادی برای تغییرات اقتصادی و سیاسی است که با استفاده از وسایل ارتباطی جدید (اینترنت، تویتر، تلگرام و...) به سرعت منجر به بسیج گروه‌های ناراضی و سیاست‌خیابانی می‌شوند» (بیات، ۱۳۹۸).

به نظر برخی صاحب‌نظران، این اعتراضات را می‌توان در چارچوب نظریه

«محرومیت نسبی» توضیح داد. مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار نویسندگان کتاب *سرباز/امریکایی* در دهه ۱۹۴۰ به کار بردند. آنان از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده کردند که تصور می‌کند شرایط تحمیل شده بر او با منزلت وی یا آنچه استحقاقش را دارد مغایر است. معیار چنین افرادی وضعیت اشخاص یا گروه‌های دیگر است (گر، ۱۳۷۷). هولندر معتقد است این محرومیت زمانی اتفاق می‌افتد که مردم به چیزی میل می‌کنند که آن را ندارند و خود را مستحق به دست آوردن آن می‌دانند، و به دلیل ناتوانی در تملک آن خود را مقصر نمی‌دانند (هولندر، ۱۳۷۸). بنابراین، محرومیت نسبی عبارت است از اختلاف منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت (گر، ۱۳۷۷: ۵۶). از نظر گر، هرچه امکانات پیشرفت و ارتقا در افراد و گروه‌های مرجع دیگر (یعنی گروه‌هایی که انسان خود را با آنها مقایسه می‌کند) بیشتر باشد، انتظارات انسان‌ها بیشتر می‌شود و یک نوع احساس بی‌عدالتی نسبی به وجود می‌آید. هرچه امکان دستیابی به ارزش‌های مورد نظر یا ارتقای اجتماعی مورد انتظار کمتر باشد، محرومیت نسبی افزایش بیشتری می‌یابد.

بنابراین گر نقطه عزیمت خود برای تحلیل خشونت‌های مدنی را محرومیت نسبی قرار می‌دهد. وی محرومیت نسبی را درک کنشگر از تفاوت میان توانایی‌های ارزشی و انتظارات ارزشی می‌داند. انتظارات ارزشی عبارت‌اند از منافع و شرایطی از زندگی که مردم خود را در به دست آوردن آن ذیحق می‌دانند. اما توانایی‌های ارزشی به محیط اجتماعی و فیزیکی بستگی دارد و عبارت است از شرایطی که انتظار مردم را برای به دست آوردن یا حفظ ارزش‌ها معین می‌کند. به بیان دیگر، محرومیت نسبی عبارت است از تفاوت میان انتظارات مشروع و برآورد مدعیان نسبت به احتمال دسترسی به هدف. گر، در تبیین رفتار اعتراضی، نقطه عزیمت را عوامل و مجموعه فرایندهای ذهنی می‌داند. این عنصر ذهنی در بستر ساخت‌ها و فرهنگ‌ها و سنن جمعی شکل می‌گیرد و به کنش جمعی می‌انجامد. وی علل بروز شورش‌ها را با رویکردی روان‌شناسانه به مبحث خشونت جمعی و سیاسی تبیین می‌کند (گر، ۱۳۷۷).

- گر الگوهای محرومیت نسبی را به سه دسته تقسیم می‌کند:
- محرومیت نزولی: در این گونه از محرومیت، انتظارات ارزشی یک گروه نسبتاً ثابت باقی می‌ماند، اما این تصور وجود دارد که توانایی‌های ارزشی رو به کاهش است (گر، ۱۳۷۷: ۷۹).
  - محرومیت ناشی از بلندپروازی یا محرومیت آرزویی: در این دسته از محرومیت، توانایی‌های ارزشی به طور نسبی ایستا باقی می‌ماند ولی انتظارات افزایش می‌یابد و تشدید می‌شود (همان: ۸۶-۸۷).
  - محرومیت پیش‌رونده: این نوع محرومیت با افزایش شدید انتظارات و کاهش هم‌زمان توانایی‌ها همراه است (همان: ۸۰).
- هر سه الگو می‌توانند زمینه‌ساز کنش‌های اعتراضی شوند. به نظر گر، هرچه شدت و گستره محرومیت نسبی بیشتر باشد، خشونت جمعی نیز گسترده‌تر خواهد بود. برخی صاحب‌نظران با اشاره به بستر عمومی وقوع اعتراضات، یعنی جامعه ایران، از عبارت «جامعه جنبشی» (movement society) برای تبیین اعتراضات بهره گرفته‌اند. جامعه جنبشی جامعه‌ای است که در آن نارضایتی‌های اجتماعی تبدیل به کنش جمعی می‌شود. در هر جامعه‌ای میزانی از نارضایتی وجود دارد ولی در همه جوامع، به‌ویژه جوامع غیردموکراتیک، واکنش یا نارضایتی لزوماً به عمل اجتماعی و کنش اعتراضی منجر نمی‌شود. در جامعه امروز ایران شاهد مجموعه نسبتاً قابل توجهی از کنش‌های اعتراضی هستیم. این کنش‌ها اغلب در قالب مدنی و غیرخشونت‌آمیز و برای طرح مطالبات شهروندی بروز می‌کند. اعتراضات کارگری، واکنش‌های زنان به حجاب اجباری، اعتراضات دی ۹۶، و بالاخره اعتراضات آبان ۹۸ اشکال مختلفی از اعتراض در جامعه ایران است. گسترش تدریجی اعتراضات، انتشار تدریجی اعتراضات، نهادینه شدن تدریجی اعتراضات، و نهادینه شدن پاسخ تدریجی دولت به اعتراضات چهار ویژگی اصلی جامعه جنبشی است (تارو، ۱۹۹۴).
- گروه دیگری از صاحب‌نظران نقش فناوری‌های جدید ارتباطی را در وقوع



اعتراضاتی مشابه آبان ۹۸ در ایران و کشورهای منطقه مهم و اساسی قلمداد می‌کنند. گروه‌های ناراضی می‌توانند با استفاده از امکانات شبکه‌های ارتباطی، با سرعت و به طور گسترده، به هم نزدیک شوند و گروه متعارضی را با درد مشترک در سطح ملی تشکیل دهند. بارزترین فناوری و نتیجه اصلی انقلاب اطلاعات و ارتباطات را می‌توان اینترنت دانست، پدیده‌ای که منجر به ابتکار کاستلز در وضع اصطلاح «جامعه شبکه‌ای» و طرح مباحث گسترده در خصوص ویژگی‌ها و تأثیرات آن شد. استدلال کاستلز آن است که همه جهان به صورت یک شبکه درآمدی است، شبکه پهنای که بافت اصلی و تار و پود آن را اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد (آیت‌الله‌زاده شیرازی، ۱۳۷۶).

نظام ارتباطات جدید مسیر تشکیل شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی را هموار کرد. این نظام را می‌توان به هفت گروه دسته‌بندی کرد: شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، پادکست‌ها، فروم‌ها، کامیونیتی‌های محتوایی، و میکروبلگ‌ها. شبکه اجتماعی سایتی است که در مرحله اول به افراد و سازمان‌ها اجازه می‌دهد صفحات خودشان را در آن ایجاد کنند، و سپس این امکان را فراهم می‌سازد که صفحات براساس مشترکات گوناگون به هم متصل شوند. وقتی صحبت از شبکه اجتماعی می‌شود باید به جماعت (کامیونیتی) یا جامعه کاربران توجه کرد. در حقیقت، شبکه اجتماعی یک سایت یا مجموعه سایتی است که اجازه می‌دهد کاربران علاقه‌مندی‌ها و افکار و فعالیت‌های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. استقبال از شبکه‌های اجتماعی از آن روست که کاربران می‌توانند آنلاین برای اغلب نیازهای خود در این وبسایت‌ها پاسخ مناسبی بیابند. کاستلز (۱۳۹۴) می‌گوید: «در حاشیه جهانی که به آستانه ظرفیت خود برای زندگی انسان‌ها در کنار هم و سهیم شدن زندگی با طبیعت نزدیک می‌شد، افرادی دوباره گرد هم آمدند تا اشکال نوینی از ما بودن، مردم بودن، را تجربه کنند. در آغاز تعدادی اندک بودند، صدها تن به آنها پیوستند، سپس شبکه‌ای از هزاران تن ایجاد شد، و آنگاه میلیون‌ها تن با صداها و تمنای درونی‌شان برای امید از آنها حمایت کردند.»

در گزارش حاضر تلاش شده تا وقایع و حوادث از منظرهای گوناگون مورد بررسی قرار گیرد و گزارش به چارچوب نظری مشخص یا دیدگاه واحدی محدود نشود.

## روش

این گزارش حاصل واکاوی اخبار، گزارش‌ها، اظهارنظرها، مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای متعددی است که در جریان حوادث آبان و پس از آن در فاصله جمعه ۲۴ آبان تا ۱۵ دی ۱۳۹۸ منتشر شده است. از این جهت می‌توان روش آن را تحلیل محتوای کیفی دانست. در جریان تدوین گزارش تلاش شد، با بازبینی مداوم داده‌ها، صورت‌بندی اولیه از وقایع و حوادث آبان بازبینی و اصلاح شود. علاوه بر این، به منظور تحلیل و واکاوی مسائل، منابع مرتبط با کلیدواژه‌هایی همچون جنبش، شورش، جوانان، زنان، تهیدستی، حاشیه‌نشینی، فقر، نابرابری، محرومیت و نظایر آنها جست‌وجو شد و مورد استفاده قرار گرفت.

مصاحبه عمیق با برخی افراد صاحب‌نظر در زمینه موضوع گزارش از دیگر روش‌های گردآوری اطلاعات بود. به این منظور از افرادی که سابقه پژوهش یا اظهارنظر درباره جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات سال‌های اخیر به‌ویژه حوادث پس از سال ۱۳۸۸ را داشتند دعوت شد تا در مصاحبه نظرات خود را درباره اعتراضات آبان بیان کنند. این مصاحبه‌ها پس از استخراج و دسته‌بندی نظرات در متن گزارش مورد استفاده قرار گرفت. محدودیت زمانی برای تدوین گزارش موجب شد تا امکان استفاده از نظرات همه علاقه‌مندان و صاحب‌نظران فراهم نشود.

در فرایند جمع‌آوری اطلاعات و تدوین گزارش، تیم پژوهش تلاش کرد با برگزاری مداوم جلسات و به اشتراک گذاشتن داده‌ها، تا حد امکان ابعاد جدیدی از حوادث آبان را بازنمایی کند و در هر مرحله تصویر شفاف‌تری از آن حوادث ارائه دهد. در آخرین مرحله تدوین گزارش، نسخه اول برای بازبینی و اظهارنظر برای گروهی از استادان و پژوهشگران ارسال شد و تعدادی از آنان لطف کردند و در موعد مقرر ما را از راهنمایی خود بی‌نصیب نگذاشتند.

## سپاس و قدردانی

این گزارش حاصل همکاری جمعی علاقه‌مند و داوطلب خانم‌ها اسما صارمی، عطیه ملک‌زاهدی، زهرا موحدی و سپیده یادگار و آقایان محمدامین زندی، امیرحسین غلام‌زاده و حمیدرضا نظری است که به دعوت مؤسسه رحمان پاسخ مثبت دادند و در این پروژه مطالعاتی شرکت جستند. از همکاری صمیمانه آنان متشکرم.

همچنین شایسته است از خانم‌ها فاطمه صادقی و زهرا اسکندری و آقایان علی اصغر قاسمی سیانی، محسن گودرزی، حسین راغفر، سعید ذکایی و جعفر هزارجریبی که موافقت کردند در فرصتی محدود نظرات و دیدگاه‌های خود را در مصاحبه با همکاران طرح بازگو کنند سپاسگزاری کنم.

دریافت نظرات اصلاحی استادان و پژوهشگران آقایان عباس عبدی، حمیدرضا جلایی‌پور، حسن رفیعی، پیام روشنفکر و رضا امیدی درباره ویرایش اول گزارش بر انسجام آن افزود. از همه آنان سپاسگزارم.

این گزارش تقدیم می‌شود به روح همه گرسنگانی که در میدان اعتراض خونشان بر زمین ریخت، به خانواده‌های داغدار آنها، و همه آنان که تا سال‌ها پس از این، شرمسار به آن روزها می‌اندیشند.

سعید مدنی قهفرخی



## یکم؛ روزنگار اعتراضات آبان

### ○ جمعه ۲۴ آبان

- محمدباقر نوبخت، رئیس سازمان برنامه و بودجه: منابع حاصل از افزایش قیمت بنزین به خانواده‌های نیازمند می‌رسد . . . به گزارش ایسنا، نوبخت افزود: بیش از ۱۸ میلیون خانوار متشکل از ۶۰ میلیون نفر از جمله دریافت‌کنندگان بسته‌های حمایت معیشتی محسوب می‌شوند.
- عرضه بنزین در جایگاه‌های سوخت از ۲۲ مرداد امسال صرفاً با ارائه کارت هوشمند سوخت خودرو امکان‌پذیر شده است. با وجود این، کارت سوخت جایگاه‌داران نیز در اختیار متقاضیان بنزین قرار داشته و هر فردی تا هر میزانی که تمایل داشته می‌توانسته در جایگاه‌ها سوخت‌گیری کند.
- اعتراض یک شهروند یاسوجی به گران شدن بنزین.
- حسن روحانی، رئیس‌جمهور: افزایش نرخ بنزین به نفع مردم است.
- انتشار فیلم تجمعات اعتراضی در برخی از شهرها از جمله مشهد، سیرجان و اهواز. در اهواز تعدادی از شهروندان در این تصاویر شعار می‌دهند: «اهوازی باغیرت، ماشینت رو خاموش کن»، «نیروی انتظامی، حمایت حمایت». در تصاویر چنین به نظر می‌رسد که پلیس از شهروندان می‌خواهد محل را ترک کنند.
- اختلال در اینترنت تلفن همراه در مشهد، اهواز، بهبهان و امیدیه.

### ○ شنبه ۲۵ آبان

- ادامه اعتراضات به بالا رفتن قیمت بنزین در برخی مناطق ایران. تصاویری از شهرهای مختلف از جمله اصفهان، کرج، شیراز، ارومیه و خرم‌آباد نشان

- می‌دهد که معترضان اتومبیل‌ها را در خیابان پارک کرده‌اند و در برخی شهرها شعارهایی هم سر داده‌اند.
- رضا پهلوی در واکنش به اعتراضات به افزایش قیمت بنزین و سهمیه‌بندی بنزین در برخی مناطق ایران در توئیتی از معترضان دفاع می‌کند.
  - مجمع تشخیص مصلحت نظام: از افزایش قیمت بنزین بی‌خبر بودیم و دخالتی نداشتیم.
  - فرماندار سیرجان کشته شدن یک نفر را در اعتراضات به افزایش قیمت بنزین تأیید می‌کند.
  - قیمت دلار ۳۰۰ تومان نسبت به روز پنجشنبه افزایش می‌یابد و از ۱۲ هزار تومان بالاتر می‌رود.
  - آیت‌الله صافی گلپایگانی و آیت‌الله علوی گرگانی، از مراجع تقلید شیعه قم، از نمایندگان مجلس می‌خواهند افزایش قیمت بنزین را لغو کنند.
  - تشکیل جلسه سران قوا در واکنش به اعتراضات به افزایش قیمت بنزین در ایران.
  - پروانه سلحشوری، نماینده تهران در مجلس، در واکنش به نگرانی‌ها از گرانی بنزین: مدت‌هاست که مجلس در رأس امور نیست.
  - بیانیه فرح پهلوی درباره اعتراضات به افزایش قیمت بنزین در ایران.
  - اعتراضات در شهرستان‌های استان تهران از جمله شهریار، بهارستان، رباط‌کریم، قدس، دماوند و پردیس. مردم در این تجمعات، با خاموش کردن اتومبیل‌ها، به سیاست‌های دولت در زمینه اصلاح قیمت بنزین انتقاد می‌کنند.
  - محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، در واکنش به اعتراضات در خصوص افزایش قیمت بنزین: با اخلاگران و مسببان بی‌نظمی عمومی برخورد می‌کنیم.

- امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، عضو هیئت رئیسه مجلس: استانداران خواستار به تعویق افتادن اجرای طرح افزایش نرخ بنزین بودند.
- خبرگزاری دولتی ایرنا: معترضان در شهرهای شیراز، گرگان، خرم‌آباد، قم، ایلام و کرج، با خاموش کردن خودروهایشان و ایجاد ترافیک، نارضایتی خود را نسبت به نرخ جدید بنزین اعلام کردند. در شهرهای سنندج، دورود، قزوین، مهدی‌شهر، گرمسار و شاهرود نیز اعتراض‌هایی انجام شد.
- علی اصغر یوسف‌نژاد، عضو هیئت رئیسه مجلس، از تهیه طرح دو فوریتی از سوی جمعی از نمایندگان خبر می‌دهد که براساس آن قیمت بنزین به قبل از ۲۴ آبان بازگردد.
- بستن خیابان در اصفهان در اعتراض به قیمت بنزین.
- انتشار گزارش‌هایی از به خشونت کشیده شدن اعتراض‌ها در تعدادی از شهرها از جمله تهران، شیراز، تبریز و بهبهان. یک نفر در اعتراض‌های بهبهان کشته می‌شود.
- در برخی فیلم‌ها، دو خودروی پلیس دیده می‌شود که به آتش کشیده شده‌اند. گزارش‌هایی از تیراندازی منتشر می‌شود.
- انتشار گزارش درگیری در آریاشهر تهران و شلیک گاز اشک‌آور.
- مدارس ابتدایی و متوسطه اول تهران روز یکشنبه تعطیل می‌شود.
- انتشار تصاویری از خشونت با معترضان در جریان اعتراض‌ها در معالی‌آباد شیراز.
- واکنش مریم رجوی به تجمعات اعتراضی در ایران.
- انتشار گزارش‌هایی از درگیری معترضان و نیروهای امنیتی در جاده ساوه.
- فراکسیون امید مجلس طرح دو فوریتی بازگشت قیمت بنزین را به مجلس می‌دهد.



- در شهرهای مریوان و شیراز برخی معترضان کشته می‌شوند.
- همه مدارس شیراز در نوبت عصر روز شنبه و همین طور در روز یکشنبه تعطیل می‌شود.
- آیت‌الله مکارم شیرازی، از مراجع تقلید شیعه قم، در بیانیه‌ای ضمن انتقاد از افزایش قیمت بنزین، از دولت و رؤسای قوای سه‌گانه می‌خواهد که دلایل خود را برای این کار بیان کنند.
- انتشار تصویرهایی از آتش زدن مجسمه انگشتر آیت‌الله خمینی در شهریار و تیراندازی در این شهر.
- عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور: خویشتن‌داری نیروی انتظامی در برابر معترضان در صورت ادامه برخی رفتارها پایان خواهد یافت. او هشدار می‌دهد که با اسناد و مدارکی که از این موضوع تهیه می‌شود، با استفاده از دوربین‌هایی که در میان جمعیت تصویربرداری می‌کنند و دوربین‌های نصب‌شده در مناطق مختلف، و نهایتاً شناسایی دقیق معترضان، با آنان برخورد خواهد شد.
- ابراز حمایت وزیر امور خارجه آمریکا از معترضان در ایران.
- اختلال گسترده در شبکه اینترنت ایران.
- تعطیل شدن مدارس اصفهان در روز یکشنبه.
- صحنه‌هایی از تیر خوردن یک شهروند در اصفهان در شبکه‌های مجازی منتشر می‌شود.

#### ○ یکشنبه ۲۶ آبان

- اختلال در شبکه اینترنت و قطع شدن تدریجی آن.
- حمایت رهبری از افزایش قیمت بنزین.
- عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور: نیروهای امنیتی خویشتن‌داری کرده‌اند.

- ارائه طرح سه فوریتی برای بازگشت قیمت بنزین به پیش از روز جمعه از سوی ۲۶ نماینده مجلس. براساس آیین‌نامه داخلی مجلس، این طرح باید همان روز بررسی می‌شد.
- سخنگوی نیروی انتظامی: مماشاتی با برهم‌زنندگان امنیت نداریم.
- رهبری: آتش‌زدن به فلان بانک، این کار مردم نیست، این کار اشرار است؛ این را باید توجّه داشت.
- اسدالله عباسی، سخنگوی هیئت رئیسه مجلس: طرح سهمیه‌بندی بنزین به تصویب شورای عالی امنیت ملی و تأیید سران قوا و رهبری رسیده است و مجلس از آن حمایت می‌کند.
- دستگیری ۴۰ نفر از معترضان در شهر یزد.
- فراقسیون امید پس از سخنان رهبری طرح بازگشت قیمت بنزین را پس می‌گیرد.
- اعتراض نمایندگان مجلس به لحاظ نشدن نظر مجلس در افزایش قیمت بنزین.
- اعلام اینکه اینترنت با تصمیم شورای امنیت کشور و به دلایل امنیتی قطع شده است.
- اعتراضات در بازار تهران.
- آسیب دیدن ۱۵ جایگاه سوخت در استان اصفهان.
- نورالله طاهری، فرماندار شهریار: ۶۰ تا ۷۰ نفر در روز شنبه مجروح شدند.
- متروی اصفهان در روز یکشنبه تعطیل اعلام می‌شود.
- سفیر امریکا در آلمان: می‌توانیم اینترنت را برای مردم ایران وصل کنیم.
- یک سرگرد نیروی انتظامی به نام ایرج جواهری در کرمانشاه کشته می‌شود.
- ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، افزایش قیمت بنزین را پیشنهاد دولت توصیف می‌کند.

- عضو هیئت رئیسه مجلس: یک نفر در شهریار کشته شده است.
- شهباز حسن پور بیگلری، نماینده سیرجان در مجلس: آرامش به شهر سیرجان بازگشته است.
- برخی نمایندگان مجلس از جمله محمدقسیم عثمانی، نماینده بوکان، در اعتراض به نقش نداشتن مجلس در افزایش قیمت بنزین استعفا می‌کنند.
- اعتراض‌هایی در شهرهای سنندج، شیراز، کرمانشاه و تبریز رخ می‌دهد.
- تعدادی از مسابقات ورزشی از جمله دو بازی نمایندگان مازندران در لیگ برتر فوتسال و والیبال باشگاه‌های کشور لغو می‌شود.
- یک نهاد امنیتی: اعتراض در ۱۰۰ نقطه کشور با متجاوز از ۱۰۰۰ بازداشتی. در این اعتراض‌ها به بیش از ۱۰۰ بانک کشور آسیب رسیده است.
- تعطیلی بازار اصفهان.
- حسن روحانی، رئیس جمهور: کمک‌های معیشتی از دوشنبه ۲۷ آبان آغاز می‌شود.
- تجمع دانشجویان دانشگاه تهران با شعارهایی در مورد مسائل اقتصادی از جمله افزایش قیمت بنزین.
- پیام صوتی رضا پهلوی: آشکار است که درد شما بیش از آنکه قیمت بنزین باشد، کرامتی است که از دست‌رفته‌اش می‌بینید.
- دادستان اصفهان: با اغتشاش‌گران با قاطعیت برخورد می‌شود.
- تذکر مصطفی کواکبیان و احمد مازنی، دو نماینده مجلس، به وزیر کشور نسبت به فراهم نبودن امکان اعتراض مدنی مردم.
- دو حوزه علمیه به نام‌های مدرسه علمیه صالحیه مکتب الصادق در کازرون و مدرسه خاتم‌الانبیا در شیراز به آتش کشیده می‌شوند.
- حسن روحانی، رئیس جمهور: خوشبختانه طبق آمار این سه روزه، آنهایی که اغتشاش کردند عددشان بسیار کم است.

- کاخ سفید در بیانیه‌ای کاربرد قوه قهریه علیه معترضان و اعمال محدودیت شدید بر ارتباطات را محکوم می‌کند.

### ○ دوشنبه ۲۷ آبان

- مدارس در نجف‌آباد، خوزستان، شیراز، البرز، شهریار، رباط‌کریم و اسلامشهر تعطیل می‌شود.
- اختلال در فعالیت برخی جایگاه‌های عرضه سوخت.
- متروی اصفهان برای دومین روز پیاپی تعطیل می‌شود.
- علی لاریجانی، رئیس مجلس: نمایندگان از رهبری تبعیت می‌کنند.
- رئیس دادگستری خوزستان: سردسته اغتشاشات را دستگیر کردیم.
- سازمان اطلاعات سپاه: دو لیدر اعتراض‌های شیراز را دستگیر کردیم.
- دستگیری ۱۸۰ نفر در خوزستان.
- محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، خواستار لغو همایش «رواداری در دولت تدبیر و امید» می‌شود و می‌گوید در آن شرکت نمی‌کند.
- به ۳۶ بانک در خرم‌آباد خسارت وارد می‌شود.
- ترامپ و مکرون، رؤسای جمهور امریکا و فرانسه، تلفنی درباره ایران گفت‌وگو می‌کنند.
- کلاس‌های دانشگاه شیراز در روزهای سه‌شنبه ۲۸ و چهارشنبه ۲۹ آبان تعطیل می‌شود.
- محمدرضا عارف، نماینده تهران در مجلس، خواستار توضیح سران قوا و مسئولان امنیتی در مورد افزایش قیمت بنزین می‌شود.
- غلامرضا سلیمانی، فرمانده بسیج: در کشور آزادی وجود دارد و مردم نظرات خود را اعلام می‌کنند. وی ادعا می‌کند که امریکا می‌خواسته اعتراضات روزهای اخیر را در سال ۹۷ انجام دهد که موفق نشده است.
- یک عضو بسیج در غرب تهران کشته می‌شود. تابناک این فرد را یکی از اعضای گردان امام حسین بسیج در ملارد معرفی می‌کند.

- آیت‌الله بیات زنجانی، از مراجع تقلید شیعه قم: با این مردم برخورد بد نکنیم، آه این مردم تا عرش خدا را می‌زند.
- سپاه: با هرگونه ناامنی برخورد می‌کنیم.
- تجمع حامیان رهبری و نظام در زنجان.
- سخنگوی دولت: اینترنت استان‌هایی که مشکل امنیتی ندارند وصل می‌شود.
- ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه: افزایش قیمت بنزین باید در طی پنج سال انجام می‌شد.
- مدارس شیراز در روز سه‌شنبه تعطیل می‌شود.
- آلمان خواستار به رسمیت شناختن حق اعتراض مردم ایران می‌شود.
- انتشار گزارشی از کشته شدن ۱۶ نفر در کرمانشاه.
- وزیر امور خارجه ترکیه: امیدواریم اعتراضات اخیر ایران هرچه زودتر خاتمه یابد.
- سپاه ۱۵۰ نفر را در کرج دستگیر می‌کند. خبرگزاری تسنیم می‌نویسد دستگیرشدگان اعتراف کرده‌اند که در داخل و خارج کشور آموزش دیده‌اند.
- تعدادی از دانشجویان معترض دانشگاه تهران بازداشت می‌شوند.
- دادستان کرمانشاه: کسانی که اموال عمومی را تخریب کنند مفسد فی الارض هستند.
- به ۸۰ اتوبوس در اصفهان خسارت وارد می‌شود.
- حمله به دفتر نماینده رهبری در یزد.
- تیراندازی در قلعه حسن‌خان.
- محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات: اینترنت اختلال ندارد، قطع شده است.
- فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران خواستار رفع محاصره اینترنت در ایران می‌شود.

- انتشار فیلمی از عده‌ای معترض در جاده ساوه، محدوده سهراب آذران، که در حال پرتاب سنگ، به سمت نیروهای ضد شورش می‌روند.
- بعد از تجمع اعتراضی گروهی از دانشجویان در دانشگاه تهران، تعدادی آمبولانس حامل نیروهای لباس شخصی وارد محوطه دانشگاه می‌شوند و شماری از دانشجویان را دستگیر و سوار همان آمبولانس‌ها می‌کنند و از دانشگاه بیرون می‌برند.

### ○ سه‌شنبه ۲۸ آبان

- هشدار محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه، به کشورهایی که از اعتراضات ایران حمایت کنند.
- غلامرضا سلیمانی، رئیس کل بیمه مرکزی: خسارت‌های اعتراضات را پرداخت می‌کنیم.
- ابراز نگرانی آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، از برخورد نیروهای امنیتی با معترضان در ایران.
- سپاه استان تهران کشته شدن دو بسیجی و یک پاسدار را تأیید می‌کند.
- حسین رحیمی، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ: افراد زیادی را دستگیر کردیم و به‌زودی سراغ تعدادی دیگر می‌رویم.
- بازداشت ۳۰ نفر در زنجان تأیید می‌شود.
- فرماندار مریوان: مجوز نداریم اطلاعات بدهیم، اما کشته شدن ۱۵ نفر دروغ است.
- درخواست سازمان ملل از مقامات ایران برای رعایت حقوق معترضان و وصل کردن اینترنت.
- اولین نوبت یارانه نقدی حذف سوبسید بنزین برای حدود ۲۰ میلیون خانوار ایرانی واریز می‌شود. بنا بر اعلام سازمان برنامه و بودجه، بیش از ۱۸ میلیون خانوار (حدود ۶۰ میلیون نفر) مشمول دریافت یارانه‌های

جدید هستند. بر همین اساس، قرار است خانوارها ماهانه مبلغی تا حداکثر ۲۰۵ هزار تومان دریافت کنند. به گفته محمدباقر نوبخت، یارانه جدید به یارانه قبلی (۴۵۵۰۰ تومان) اضافه خواهد شد.

- تیراندازی مستقیم در کرمانشاه.
- غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه: قطع اینترنت دیر هنگام اجرا شد.
- لغو چهار مسابقه از رقابت‌های لیگ برتر.
- مانور نظامی ارتش در شمال غرب کشور.
- تجمع حامیان رهبری و نظام در تبریز.
- سازمان عفو بین‌الملل: دست‌کم ۱۰۶ تن در ۲۱ شهر کشته شده‌اند.
- بیانیه ارتش در پنجمین روز اعتراض‌ها.
- کشته شدن یک سروان نیروی انتظامی به نام رضا صیادی در ماهشهر.
- سه حزب کردستان ایران در بیانیه‌ای مشترک خواهان حمایت جامعه جهانی از معترضان در ایران می‌شوند.
- خبرگزاری فارس: دستگیری تیم هفت نفره اتباع بیگانه که بانک‌ها را تخریب می‌کردند. همه آنها اتباع یکی از کشورهای همسایه شرقی بوده‌اند.
- رهبری: اعتراض‌ها مردمی نبود.
- فرماندار جم: تعدادی از معترضان دستگیر شده‌اند.
- تنش در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی. گفته می‌شود در پی بحث و جدلی بین حسن روحانی و حسن رحیم‌پور ازغدی، از فعالان اصولگرا، روحانی جلسه را ترک کرده است.

#### ○ چهارشنبه ۲۹ آبان

- روپرت کلویل، سخنگوی کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد،



می‌گوید این سازمان گزارش‌هایی مبنی بر کشته شدن ده‌ها نفر در اعتراض‌های چند روز گذشته در ایران دریافت کرده، و می‌افزاید که حجم تلفات قطعاً بسیار جدی است.

- حسن روحانی، رئیس‌جمهور: آشوب‌های اخیر سازمان‌یافته بود.
- حمایت توکل کرمان، برندهٔ یمنی جایزهٔ صلح نوبل، از اعتراضات سراسری ایران.
- برنی سندرز خواستار وصل شدن اینترنت در ایران و توقف خشونت‌ها می‌شود.
- علی ربیعی، سخنگوی دولت: به لوله‌های عسلویه دینامیت بسته بودند.
- دیدار تیم‌های پرسپولیس و نفت مسجد سلیمان لغو می‌شود.
- اعلام خسارت ۱۵۰ میلیارد تومانی فروشگاه‌های زنجیره‌ای در ناآرامی‌های اخیر.
- خبرگزاری فارس: بعضی رهبران ناآرامی‌های اخیر در کرج دوتابعیتی بوده‌اند.
- دستگیری ۳۰ نفر در تبریز. دستگیرشدگان هیچ کدام از شهروندان کشورهای منطقه نیستند، اما در بین آنان افرادی با مذاهب دیگر وجود دارد. ۱۵ نفر از نیروهای بسیج و پلیس در این درگیری‌ها زخمی شده‌اند.
- ده‌ها مجروح اعتراضات در بیمارستان‌های تهران بستری شده‌اند.
- محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات: برای وصل شدن دوبارهٔ اینترنت برآورد زمانی ندارم.
- جنازهٔ برخی از کشته‌شدگان اعتراضات به خانواده‌ها تحویل داده نشده است.
- پادشاه عربستان: سیاست‌های ایران به مردم این کشور آسیب می‌زند.
- گزارشگران بدون مرز: دسترسی به اینترنت از حقوق بنیادی بشر است.
- ابراز نگرانی فرانسه از کشته شدن تعداد زیادی از معترضان در ایران.

- شهردار شیراز: زیرساخت‌های بخش ترافیک شهری در مناطق ۴، ۵، ۹ و ۱۰ شهرداری شیراز کاملاً از بین رفته است و در منطقه ۴ شهرداری شیراز متأسفانه حتی یک ایستگاه اتوبوس سالم هم نداریم.
- گروه نت بلاکس از قطعی اینترنت و برآورد ۱۸۰ میلیون دلار خسارت به اقتصاد ایران خبر می‌دهد.
- استاندار تهران: بیشترین خسارت‌های ناشی از اعتراضات در تهران در غرب این استان و در شهرستان‌های ملارد، بهارستان، قدس و شهریار رخ داده است. در این شهرستان‌ها، بانک‌ها و پمپ بنزین‌ها آتش گرفته و فروشگاه‌های زنجیره‌ای مانند رفاه و اتکا غارت شده‌اند. در بعضی شهرستان‌ها مانند فیروزکوه و پاکدشت خسارتی گزارش نشده است.
- گزارش‌ها از ادامه بازداشت دانشجویان.
- سخنگوی سپاه: سلطنت‌طلبان به معترضان پول می‌دهند.
- پخش اعترافات یکی از بازداشت‌شدگان از تلویزیون که در آن ادعاهایی مبنی بر نقش زنان و همچنین مخالفان حکومت ایران در اعتراضات مطرح می‌شود.

### ○ پنجشنبه ۳۰ آبان

- علیرضا میریوسفی، عضو نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد، گزارش سازمان عفو بین‌الملل را مغرضانه می‌خواند.
- برگزاری تجمع‌هایی در حمایت از دولت.
- رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی از برپایی راهپیمایی در تهران در دوشنبه آتی خبر می‌دهد.
- برای سرپرستان ۲۰ میلیون خانوار کمک هزینه معیشتی واریز شده است.
- رئیس دانشگاه تهران: با وزارت علوم برای رفع مشکل اینترنت مذاکره کردیم.
- سخنگوی سپاه: اغتشاشات در ۱۰۰ شهر مهار شد.

- علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی: تک‌تک اغتشاشگران به سزای عمل خود می‌رسند.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی مشاجره بنزینی در جلسه شورا را تکذیب می‌کند.
- اتحادیه اروپا: هرگونه خشونت غیرقابل قبول است.
- بازداشت عامل انسداد بزرگراه امام علی.
- نیروی انتظامی: آتش فتنه را خاموش کردیم.
- گزارش‌های منابع مختلف: ده‌ها نفر از فعالان در روزهای اخیر در شهرهای مختلف ایران بازداشت شده‌اند، از جمله فعالان دانشجویی در دانشگاه تهران و اطراف آن.
- واکنش آلمان به برخورد با معترضان ایرانی.
- دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در اولین واکنش به اعتراض‌ها در ایران توثیق کرد: ایران آنقدر بی‌ثبات شده که رژیم، کل سیستم اینترنت را خاموش کرده تا مردم بزرگ ایران نتوانند از خشونت عظیمی که در کشورشان رخ می‌دهد حرف بزنند.
- حسام‌الدین آشنا، مشاور حسن روحانی: عملیات مرصاد ۲ کلید خورده است.
- گروهی از محصلان و طلاب حوزه‌های علمیه قم و اصفهان طرفدار رهبری در حمایت از حکومت راهپیمایی می‌کنند و شعار می‌دهند:  
«ایران دمشق نمی‌شه.»
- فرمانده عملیات بسیج: اطلاعات تکمیلی پس از اعترافات اعلام خواهد شد. وی پنجشنبه شب در یک سخنرانی در همدان این اتفاقات را جنگ جهانی تمام‌عیاری علیه نظام و انقلاب می‌خواند و می‌افزاید: به عنوان کسی که در صحنه بودم معتقدم فقط خدا ما را نجات داد.

○ **جمعه اول آذر**

- سازمان عفو بین‌الملل: در اعتراضات ایران دست‌کم ۱۱۵ نفر کشته شده‌اند.
- حراست دانشگاه تهران: از هویت عوامل بازداشت دانشجویان اطلاعی نداریم.
- خبرآنلاین تصاویری از درگیری‌ها در معالی‌آباد شیراز را منتشر می‌کند.
- دبیرکانون صرافان: با قطع اینترنت، تمام فعالیت صرافی‌ها متوقف شده است.
- رئیس اورژانس تهران انتقال دستگیرشدگان با آمبولانس را تکذیب می‌کند.
- ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه: مجازات سختی در انتظار کسانی است که به اموال مردم خسارت وارد کردند.
- احمد خاتمی، امام جمعه تهران، با ستایش از قطع اینترنت در ایران: اینترنت را باز نکنید.
- سهمیه بنزین سواری‌های شخصی و موتورسیکلت‌ها تا ۶ ماه ذخیره می‌شود.
- قطع اینترنت باعث تعطیلی تعدادی از آژانس‌های هواپیمایی شده است.
- انتشار تصاویری از سرکوب معترضان در خیابان ستارخان تهران.
- هشدار انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران نسبت به افزایش محدودیت‌های رسانه‌های داخلی ایران.
- امریکا محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات ایران، را تحریم می‌کند.
- هشدار فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران درباره دور جدیدی از تهدید و ارعاب روزنامه‌نگاران ایرانی فعال در خارج از این کشور.
- هیلاری کلینتون خواهان تحقیق درباره سرکوب معترضان در ایران می‌شود.
- غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه: ۱۰۰ نفر بازداشت شده‌اند و تعداد بیشتری در شرف بازداشت هستند.

○ **شنبه دوم آذر**

- محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، از زندان فشافویه بازدید می‌کند.
- مقام‌های امنیتی سپاه و وزارت اطلاعات یکشنبه به جلسه غیرعلنی مجلس می‌روند.
- عضو شورای شهر تهران: قطع اینترنت روزانه ۴ هزار میلیارد تومان خسارت می‌زند.
- اظهارات مقام‌های امنیتی درباره شناسایی و بازداشت معترضان.
- دادستان کل کشور: جالب است که همه دستگیرشدگان از شرایط زندان راضی هستند.
- اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور، به همسایگان ایران درباره پیامد مداخله در اعتراضات هشدار می‌دهد.
- وصل مجدد اینترنت آغاز می‌شود.
- نیروی انتظامی از دستگیری ۱۸۰ نفر از لیدرهای ناآرامی‌های اخیر خبر می‌دهد.
- رحیم امین‌آبادی، محافظ سابق وزیرای علوم دولت احمدی‌نژاد، در ناآرامی‌ها کشته می‌شود.
- انتشار ویدئویی از اعتراضات در یزد در شنبه ۲۵ آبان. حاضران شعار می‌دهند: «چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم»، «یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل می‌شه» و «رضاشاه روحت شاد». در ادامه، صدای شلیک گلوله به گوش می‌رسد و دود گاز اشک‌آور دیده می‌شود.



## دوم؛ ابعاد اعتراضات آبان

برای شناخت و تحلیل مجموعه اتفاقاتی که پس از اعلام سهمیه‌بندی بنزین و بالا رفتن قیمت آن رخ داد، ناگزیر از پاسخ به برخی پرسش‌ها هستیم، از جمله: ابعاد جغرافیایی اعتراضات خیابانی چه بود؟ آیا آن طور که برخی ناظران می‌گویند، تجمعات منحصر به شهرهای کوچک و برخی مناطق حاشیه‌نشین و فقیرنشین بود؟ آیا اعتراضات منحصر به مناطق حاشیه شهرها یا مناطق اسکان غیررسمی بود؟ معترضان در چه نقاطی و تحت چه شرایطی رفتار خشونت‌آمیز انجام دادند؟ در بررسی پراکندگی و ویژگی‌های اعتراضات از منابع زیر استفاده شد:

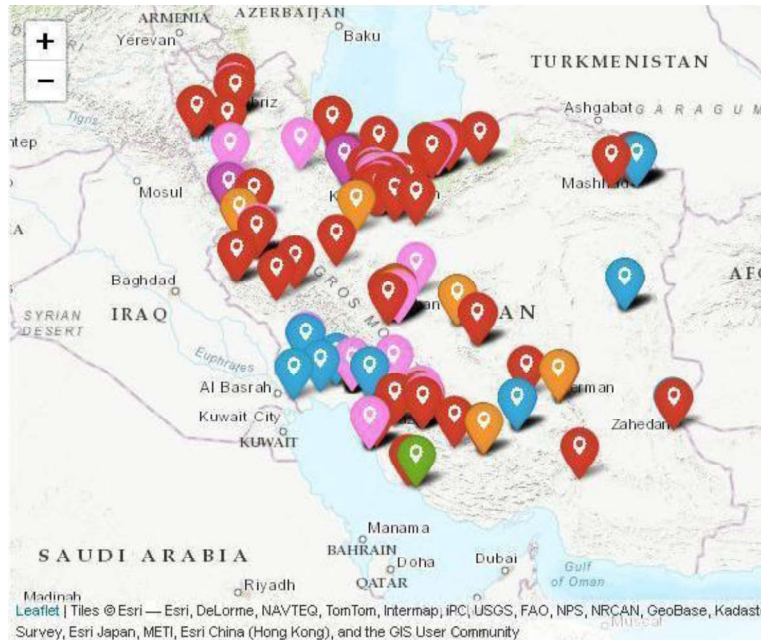
یک) کانال تلگرامی مجمع دیوانگان: این کانال، با استفاده از ویدئوهایی که در کانال وحید آنلین به اشتراک گذاشته شده بود — از هر شهر حداقل یک ویدئو، نقشه پراکندگی اعتراضات آبان را در سطح کشور به تفکیک استان‌ها و شهرهای وقوع اعتراضات ترسیم کرد.

دو) سایت‌ها و خبرگزاری‌های داخلی: اگرچه سایت‌ها و خبرگزاری‌های داخلی به کلی گویی درباره حوادث آبان بسنده کردند و جزئیاتی از چگونگی وقوع اعتراضات، شعارها، یا روز و ساعت تجمع‌ها ارائه ندادند، برخی ویژگی‌های اعتراضات از میان خبرهای محدود منتشرشده استخراج شد.

سه) سایت‌ها و خبرگزاری‌های خارجی: منبع دیگر برای تکمیل نقشه اعتراضات سایت‌های فارسی‌زبان خارج از ایران بود که با انتشار ویدئوهای اعتراضات، محل وقوع تجمعات، شعارها و برخی دیگر از نکات را گزارش کردند.

چهار) گزارش‌های مسئولان: اظهارات مسئولان کشور درباره اعتراضات و گزارش‌های رسمی در این زمینه منبع دیگر در تکمیل نقشه اعتراضات بود. فرماندهان سپاه پاسداران و ائمه جمعه اغلب به اظهارنظر درباره اعتراضات آبان پرداختند.





نقشه ۱. نقشه پراکندگی اعتراضات آبان در سطح کشور

### ۱. محل وقوع اعتراضات

برای آنکه تصویر کاملی از محل وقوع اعتراضات داشته باشیم، فهرست استان‌ها و شهرها را به تفکیک آورده‌ایم. در صورت اشاره منابع به جزئیات بیشتر مثل محله و خیابان، این جزئیات نیز مورد توجه قرار گرفته است. در مجموع، گزارش‌هایی از تجمعات اعتراضی در بیشتر استان‌های کشور منتشر شد اما شدت و مدت تجمعات در بین استان‌ها متفاوت بود. بر این اساس، از میان ۳۱ استان کشور، ۲۵ استان حداقل یک اعتراض در وقایع آبان ۹۸ داشتند. اسامی این استان‌ها و شهرهای محل تجمع در آنها به ترتیب الفبایی به شرح زیر است:

۱. آذربایجان شرقی (تبریز)

۲. آذربایجان غربی (ارومیه، بوکان)

۳. اصفهان (اصفهان، بهارستان، فولادشهر، نجف‌آباد)

۴. البرز (کرج، فردیس، گلشهر، مشکین‌دشت، هشتگرد)
۵. ایلام (ایلام)
۶. بوشهر (بوشهر، جم، چغادک، کنگان، عسلویه)
۷. تهران (تهران، اسلامشهر، بومهن، بهارستان، پاکدشت، پردیس، پرند، تهرانسر، حسن‌آباد، دماوند، رباط‌کریم، سلطان‌آباد، شهرک اندیشه، شهر قدس، شهریار، فیروزکوه، مارلیک، ملارد، ورامین)
۸. خراسان جنوبی (بیرجند)
۹. خراسان رضوی (مشهد، نیشابور)
۱۰. خوزستان (اهواز، آبادان، امیدیه، بهبهان، ماهشهر)
۱۱. زنجان (زنجان)
۱۲. سمنان (شاهرود، گرمسار، مهدی‌شهر)
۱۳. سیستان و بلوچستان (زاهدان)
۱۴. فارس (شیراز، داراب، صدرا، فسا، کازرون)
۱۵. قزوین (قزوین)
۱۶. قم (قم)
۱۷. کردستان (سنندج، مریوان)
۱۸. کرمان (کرمان، رفسنجان، سیرجان، کهنوج، کیان‌شهر)
۱۹. کرمانشاه (کرمانشاه، جوانرود)
۲۰. کهگیلویه و بویر احمد (یاسوج، گچساران)
۲۱. گلستان (گرگان)
۲۲. گیلان (رشت)
۲۳. لرستان (خرم‌آباد، پلدختر، دورود)
۲۴. مازندران (ساری، بهشهر، عباس‌آباد، قائمشهر)
۲۵. مرکزی (اراک، ساوه)
۲۶. یزد (یزد)

برای شناخت ابعاد متفاوت و متنوع اعتراضات در استان‌ها و شهرهای مختلف، برخی گزارش‌ها دربارهٔ حوادث آبان به تفکیک و به اختصار ارائه می‌شود:

- **آذربایجان شرقی:** به گفتهٔ سردار عابدین خرم، فرمانده سپاه عاشورا، در شهر تبریز «سه بانک و سه پمپ بنزین و تعدادی از خودروهای مردم و تعدادی مغازه آسیب دید».

- **اصفهان:** استان اصفهان از جمله استان‌هایی بود که درگیری‌های زیادی در آن گزارش شد. به گفتهٔ یدالله جوانی، معاون سیاسی سپاه «در ۱۱۰ نقطه از استان اصفهان، اعتراضات و درگیری‌هایی رخ داد. این استان از حیث تجمعات بعد از استان‌های فارس و تهران رتبهٔ سوم را در کشور دارد». در فولادشهر شعار «.. مرگ به نیرنگ تو، خون جوانان ما می‌چکد از چنگ تو» سر داده شد، و در نجف‌آباد بازار اعتصاب کرد.

- **البرز:** بنا بر گفتهٔ محمد مهدی طاهر، مدیر حوزهٔ علمیهٔ خواهران استان البرز «اغتشاشگران و فرصت‌طلبان شنبه شب حدود ساعت ۲۰ در حالی که برخی از آنان صورت خود را پوشانده بودند با در دست داشتن سلاح‌های سرد مانند چاقو و قمه به سمت مدرسهٔ علمیهٔ کوثر حمله‌ور می‌شوند و در آن را برای ورود تخریب می‌کنند و پس از ورود به مدرسه، به جهت قطع صدای آژیر خطر، کنتور برق را منهدم و اقدام به شکستن شیشه‌ها می‌کنند. سپس وسایل و تجهیزات مدرسه را در قسمت میانی حوزه انباشته می‌کنند و به آتش می‌کشند». در هشتگرد، رانندگان اتومبیل‌های خود را در خیابان خاموش کردند. در فردیس به فروشگاه‌ها حمله شد.

- **بوشهر:** در شهر بوشهر، مردم در مقابل استانداری تجمع کردند.

- **تهران:** مردم شهر تهران با بستن اتوبان امام علی و همچنین توقف با اتومبیل‌ها در خیابان‌های مختلف از جمله زیر پل ستارخان اعتراض خود را نشان دادند. در این مناطق شعارهای «پول نفت گم شده، خرج فلسطین شده»، «مرگ بر گرانی»، «مرگ بر دیکتاتور»، «توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه» سر داده شد. در شهرک اندیشهٔ تهران با

شعار «نترسید نترسید، ما همه با هم هستیم» به پایگاه بسیج حمله شد. در شهر بومهن، درگیری مردم و نیروهای انتظامی که از شبانه آغاز شده بود، تا ساعت ۲ بامداد یکشنبه ادامه داشت. براساس گزارش خبرگزاری ایرنا، اعتراضات بعدازظهر یکشنبه ۲۶ آبان به افزایش نرخ بنزین در بومهن ۲ کشته و ۴ مجروح داشت. روزنامه‌سازندگی ادعا کرد که در شهر پرنده به فروشگاه‌های زنجیره‌ای حمله و اجناس دزدیده شد. علاوه بر پرنده، به فروشگاه‌های شهرهای مارلیک، شهریار، رباط کریم، ملارد، شهر قدس، ورامین، و حسن‌آباد نیز حمله شد. در اعتراضات شهر قدس یگان ویژه مورد حمله قرار گرفت.

- **خراسان جنوبی:** در گزارش خبرگزاری ایرنا از بیرجند آمده بود: «طبق زمزمه‌هایی که همان شب بین برخی معترضان به گوش می‌رسید، قرار شد صبح شنبه ۲۵ آبان در میدان امام خمینی (ره) نزدیک به بازار بزرگ بیرجند تجمعی برگزار شود. اما غیر از چند نفر، جمعیت دیگری از مردم بین معترضان مشاهده نشد. تعدادی از این افراد قبل از پمپ بنزین جنب میدان از رانندگان می‌خواستند بنزین نزنند، اما شعار یا حرکت ساختارشکنانه مشاهده نشد و روند عادی در پمپ بنزین نیز ادامه یافت. شماری از افراد در دومین شب این بار به صورت پراکنده از حوالی ساعت ۱۹ شنبه در محدوده چهارراه مدرس به شکل رفت و آمد حضور یافتند ولی از جمعیت شب اول خبری نبود.»

- **خراسان رضوی:** در این استان، مردم در دو شهر مشهد و نیشابور اتومبیل خود را در خیابان متوقف کردند. شعارهای «روحانی حیا کن، مملکت رو رها کن» و «دیکتاتور حیا کن، مملکت رو رها کن» در شهر مشهد شنیده شد.

- **خوزستان:** در اهواز و آبادان مردم در خیابان تجمع کردند. در اهواز شعار «اهوازی باغیرت، ماشینت رو خاموش کن» و در آبادان شعار «حقمون رو می‌گیریم، ذلت نمی‌پذیریم» سر داده شد. در ماهشهر

- معترضان جاده را بستند. شعار «بنزین گران تر شده، فقیر فقیرتر شده» در بهبهان شنیده شد. در امیدیه معترضان راه‌ها را بستند.
- **سیستان و بلوچستان:** شعار «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر...» در زاهدان شنیده شد.
- **فارس:** در شیراز به حوزه علمیه و پمپ بنزین‌ها حمله شد. شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» هم در این شهر سر داده شد. در داراب شعار «سوریه کم آورده، تقصیر ملت چیه؟» داده شد. شهر صدرا نیز از جمله شهرهایی بود که در آن به دفتر امام جمعه شهر حمله شد. در گزارش ایرنا آمده بود: «شامگاه شبیه گذشته اغتشاشگران به دفتر امام جمعه صدرا نیز هجوم آوردند و این محل را به آتش کشیدند. دفتر امام جمعه صدرا تا بامداد روز یکشنبه سوخت و عملاً تجهیزات داخل ساختمان کاملاً نابود شد. همچنین روز یکشنبه پیش از آن اغتشاشگران به مسجد امام رضا (ع) صدرا که کمتر از یک سال پیش احداث شده هجوم آوردند و خسارت بسیاری به این مسجد وارد کردند. منبر، فرش، کتاب و قرآن‌های موجود در مسجد امام رضا (ع) صدرا توسط اغتشاشگران به آتش کشیده شد، و سیستم صوتی این مجموعه نیز که اخیراً با هزینه سنگینی تأمین شده بود توسط این افراد به سرقت رفته است.»
- **کرمان:** در شهر کرمان معترضان خیابان را بستند. به گزارش عصر ایران «این افراد با استفاده از خودرو اقدام به سد معبر و ایجاد بی‌نظمی در عبور و مرور شهروندان و همچنین هرج و مرج در نقاط تجمع شهروندان کرده بودند که پس از دستگیری و مواجهه با اسناد و شواهد موجود، به اتهامات خود اعتراف کردند و با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند». سیرجان هم از جمله شهرهایی بود که در آن به پمپ بنزین حمله شد. به گفته سرپرست فرمانداری سیرجان «برخی اموال عمومی تخریب شده و به برخی پمپ بنزین‌ها خسارت وارد شده و برخی از معترضان قصد داشتند به مخازن اصلی شرکت نفت دسترسی پیدا کنند

که با مقاومت نیروهای امنیتی، انتظامی، سپاه و بسیج روبه‌رو شدند و عقب‌نشینی کردند».

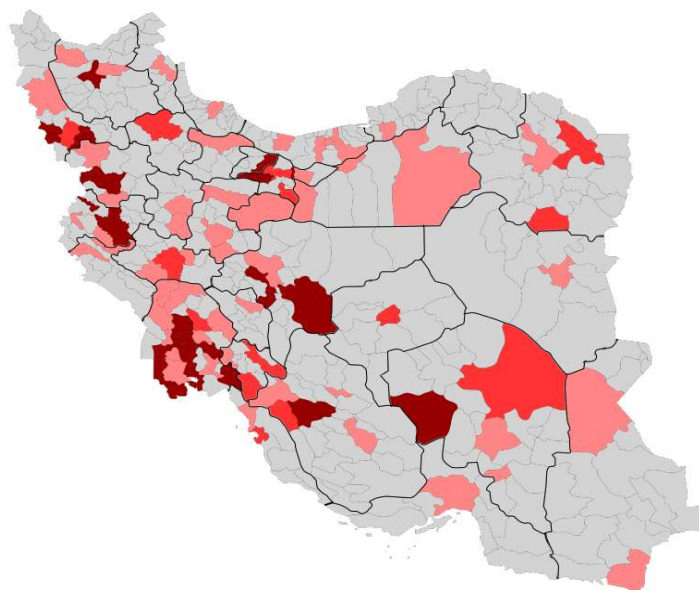
- **کهگیلویه و بویر احمد:** در یاسوج راننده‌ها در خیابان اتومبیل‌های خود را خاموش کردند.

- **گلستان:** در گرگان مردم در مقابل تاکسیرانی جمع شدند و شعار «روحانی حیا کن، مملکت رو رها کن» و «ایرانی بسه دیگه، غیرت رو نشون بده» سر دادند. در گزارش خبرگزاری ایرنا آمده بود: «تجمع اعتراضی عده‌ای در گرگان نسبت به افزایش نرخ بنزین که امروز شنبه از مقابل ساختمان تاکسیرانی در بلوار الغدیر و نیز چهارراه میدان آغاز شد، پس از ساعاتی و با دخالت پلیس پایان یافت. این تجمع باعث بروز مشکلاتی همچون ترافیک در خیابان‌های منتهی به چهارراه میدان و نیز بسته شدن واحدهای صنفی این محدوده مرکزی شهر گرگان شد. تعداد معترضان در ابتدا اندک بود اما پس از ساعتی و با پیوستن عده‌ای دیگر به آنها، به دخالت پلیس منجر شد هرچند به جز موارد معدود درگیری لفظی و برخورد فیزیکی، فرجامی مسالمت‌آمیز داشت. حمیدی فرماندار گرگان و سردار قاسمی فرمانده پلیس استان گلستان نیز با حضور در جمع معترضان از آنها خواستند خواسته‌های خود را از مجاری قانونی پیگیری کنند.»

- **مازندران:** شعار معترضان در ساری «نیروی انتظامی، حمایت حمایت» بود. در قائمشهر هم مردم با تجمع در خیابان شعار «بی‌غیرت خاموش کن» سر دادند. در تجمع دانشجویان در دانشگاه بابل این شعارها داده شد: «برادر شهیدم راهت ادامه دارد»، «خیابون‌ها خونی شد، آزادی قربونی شد»، «جواب ما تفنگ نیست، این همه کشته کم نیست»، «قضائیه، جلادان، مقدمتان خون باران» و «فقر کشتار، گرانی، مردم شدن قربانی». کمربندی ساری - بهشهر یکی دیگر از جاده‌هایی بود که معترضان بستند.

همان طور که شرح داده شد، در بیشتر استان‌های کشور اعتراضاتی با شدت و مدت تجمع متفاوت رخ داد. پراکندگی اعتراضات در نقاط مختلف کشور نشان از اهمیت موضوع و متفاوت بودن این پدیده با دیگر اعتراضات سال‌های اخیر مانند دی ۹۶ یا مجموعه حوادث سال ۸۸ دارد.

نقشه زیر پراکندگی اعتراضات را برحسب شدت آن نشان می‌دهد. در نقشه، مناطق فاقد اعتراضات خشونت‌آمیز با قرمز کم‌رنگ، مناطقی که اعتراضات در آنها با خشونت همراه بوده با قرمز پررنگ‌تر، و مناطقی که اعتراضات منجر به جان باختن افراد شده با قرمز بسیار پررنگ نشان داده شده است.



	اعتراض‌های بدون خشونت
	اعتراض‌های توأم با خشونت
	اعتراض‌های همراه با کشته
	فاقد داده

Source: <https://commons.wikimedia.org/wiki/file:2019-protests-in-iran.svg>

نقشه ۲. نقشه پراکندگی اعتراضات آبان برحسب شدت

## ۲. شعارها

تحلیل شعارها می‌تواند یکی از راه‌های درک پدیده و فهم مطالبات و خواست‌های معترضان باشد. شعارهای سر داده شده در اعتراضات آبان را براساس محتوا و برحسب مخاطب و ارتباط با افزایش قیمت بنزین و سیاست‌ها و نهادهای نظام می‌توان در سه دسته قرار داد.

### دسته اول: مخاطب

الف) رهبر، مانند ...

ب) رئیس‌جمهور، مانند: روحانی حیا کن، مملکت رو رها کن

ج) مردم، مانند: ایرانی بسه دیگه، غیرت رو نشون بده/ اهوازی باغیرت، ماشینت رو خاموش کن/ بی‌غیرت خاموش کن/ نترسید نترسید، ما همه با هم هستیم

د) نیروی نظامی، مانند: نیروی انتظامی، حمایت حمایت

ه) رژیم پهلوی، مانند: ای شاه ایران، برگرد به ایران

### دسته دوم: اعتراض به افزایش قیمت بنزین

الف) مرتبط با بنزین، مانند: بنزین گران تر شده، فقیر فقیرتر شده/ اهوازی باغیرت، ماشینت رو خاموش کن/ بی‌غیرت خاموش کن

ب) اعتراضی و بی‌ارتباط با بنزین، مانند: مرگ بر دیکتاتور/ نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران

### دسته سوم: علیه سیاست‌ها و نهادهای نظام

الف) در نقد سیاست‌های جمهوری اسلامی درباره فلسطین و سوریه، مانند: پول نفت گم شده، خرج فلسطین شده/ نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران/ سوریه کم آورده، تقصیر ملت چیه؟

ب) تشویق به اعتراض و مخالفت با نظام، مانند: برادر شهیدم راحت ادامه دارد/



خیابون‌ها خونی شد، آزادی قربونی شد/ جواب ما تفنگ نیست، این همه کشته کم نیست  
ج) علیه نهادهای نظام، مانند: قضائیه، جلادان، مقدمتان گل‌باران

### ۳. تاکتیک‌های معترضان

نوع و گستره واکنش‌های اعتراضی را در طی اعتراضات می‌توان در چند دسته تحلیل کرد.

- ۱) خاموش کردن اتومبیل‌ها در ساعت‌های اولیه تجمع و ایجاد ترافیک در خیابان‌ها، مانند بستن اتوبان امام علی در تهران و خاموش کردن اتومبیل‌ها در کیان پارس اهواز. این نوع اعتراض در شهریار، بهارستان، دماوند و مناطق دیگری نیز در روزهای اول گزارش شد.
- ۲) اعتراضات فردی در خیابان، نظیر اعتراض یک شهروند یاسوجی در روز جمعه.
- ۳) بستن جاده‌ها، مانند بستن جاده ساوه، سه‌راه آذران، بستن جاده ماهشهر و بستن کمربندی ساری - بهشهر.
- ۴) تجمع‌های آرام و بدون خشونت با حمل پلاکارد و سر دادن شعار در شهرهای مختلف، مانند تجمع‌های دانشجویی در دانشگاه بابل و دانشگاه تهران.
- ۵) اعتصاب و بستن مغازه‌ها و بازارها، مانند بستن مغازه‌های بازار تهران در روز یکشنبه ۲۶ آبان و اعتصاب بازار نجف‌آباد اصفهان.
- ۶) به‌کارگیری خشونت و وارد آوردن خسارت به وسایل حمل و نقل عمومی، مانند خسارت زدن به ۱۸۰ اتوبوس در اصفهان و آتش زدن پمپ بنزین در تهران و شیراز.
- ۷) حمله به مکان‌هایی که نماد ایدئولوژیک حاکمیت شناخته می‌شود، مانند حمله به پایگاه بسیج شهرک اندیشه تهران، آتش زدن مجسمه انگشتر آیت‌الله خمینی در شهریار، آتش زدن مرکز پلیس فتا در بهارستان اصفهان، و واژگون کردن خودرو یگان ویژه در شهر قدس تهران.

## سوم؛ ماهیت اعتراضات آبان

اعتراضات آبان ۹۸ را ذیل کدام اصطلاح جامعه‌شناختی می‌توان قرار داد، کنش اعتراضی، شورش، جنبش اجتماعی یا انقلاب؟ اعتراضات خیابانی بسته به ویژگی‌های آن می‌تواند با یکی از این عنوان‌ها توصیف شود. این اصطلاحات بی‌ارتباط با یکدیگر نیستند و به هم مرتبط‌اند، اما هر کدام تعاریف و ویژگی‌هایی دارند که آنها را از موارد دیگر متمایز می‌کند و می‌تواند در تحلیل نهایی بسیار تعیین‌کننده باشد. در اظهارنظرها درباره‌ی وقایع آبان ۹۸ از تعبیر مختلفی استفاده شد که در ادامه مروری خواهیم داشت بر این تعبیر و معانی متبادر از آنها.

### ۱. کنش جمعی اعتراضی

چارلز تیلی در آثار خود، به‌ویژه *از بسیج تا انقلاب*، تلاش کرده نظریه‌ای برای توصیف و تبیین کنش‌های جمعی ارائه دهد (تیلی، ۱۹۷۸). به نظر او کنش‌های جمعی در شکل‌ها و شیوه‌های گوناگون مانند انقلاب، شورش، جنبش اجتماعی، توطئه سیاسی، و حتی کودتا، با هدف ایجاد تغییر یا ممانعت از تغییر در جامعه اتفاق می‌افتد. او همانند نظریه‌پردازان کلاسیک همچون مارکس و وبر منشأ این کنش اجتماعی را در تضاد اجتماعی می‌داند؛ اگرچه به عقیده تیلی، مارکس فرایندهای درونی کنش جمعی را نادیده می‌گیرد. تیلی برای تبیین و توصیف کنش‌های جمعی ابتدا دو الگوی نظری ارائه می‌دهد: «الگوی سیاسی» که توصیفی ایستا از جامعه سیاسی به دست می‌دهد، و «الگوی بسیج» که به توضیح کنش جمعی می‌پردازد. عناصر الگوی سیاسی وی عبارت‌اند از: جمعیت، حکومت، یک یا چند مدعی، چالشگران، جامعه سیاسی عرصه کنش جمعی، و ائتلاف به معنی گرایش مجموعه‌ای از اعضا یا حکومت به هماهنگی در کنش جمعی. این الگو تا حد زیادی مفهوم کنش جمعی را به جنبش اجتماعی نزدیک می‌کند که

راجع به تناسب آن با مختصات اعتراضات آبان بحث شد. الگوی دومی که تیلی ارائه می‌کند «الگوی بسیج» نام دارد. نخستین مفهوم در این الگو «منافع» است که به اختصار شامل مجموعه‌ی انتظارات و منافع مشترک یک جمعیت است. گروهی که کنش جمعی را اعمال می‌کند، بر اثر تعامل با دیگر گروه‌ها یا عوامل، امتیازات و محرومیت‌های مشترکی را احساس می‌کند. تیلی در تعریف منافع، با تلفیق رویکرد ساختارگرایی مارکس و رویکرد فرهنگی ماکس وبر، شیوه‌ی تولید یا عوامل ساختاری را عامل پیش‌بینی منافع در بلندمدت عنوان می‌کند و فصل‌بندی ذهنی کنشگران از منافع خود را عامل تعیین‌کننده‌ی علایق و منافع برای حضور در جنبش‌های اجتماعی برمی‌شمارد.

به نظر می‌رسد در اغلب تعابیر از کنش اعتراضی یا اعتراض جمعی برای توصیف حوادث آبان الگوی دوم مورد نظر بوده است. اعتراض جمعی عبارت است از هرگونه کنش جمعی غیرمستمر و ستیزه‌آمیز که در نظم عمومی اختلال ایجاد کند. روان‌شناسان اجتماعی و برخی جامعه‌شناسان آشوب‌ها و اعتراض‌های شهری را در ذیل مفهوم و مبحث رفتارهای جمعی اعتراض‌آمیز مورد بحث قرار می‌دهند. مراد آنان از رفتارها و کنش‌های جمعی اعتراض‌آمیز کنش‌هایی است که تحت شرایط خاص از گروه‌های زیادی از شهروندان سر می‌زند، فاقد ساختار و ثبات است، و موجب نقض آشکار هنجارهای جامعه می‌شود (دوب، ۱۹۸۸).

رضا امیدی، جامعه‌شناس، در مصاحبه با همکاران گزارش، در تأیید کاربرد این نظر می‌گوید: «در واقع، آن شکل از اعتراضات نوعی کنش اعتراضی بود. زمانی که ابزارهای گفت‌وگوی مدنی را از جامعه بگیریم و به جامعه بگوییم که حتی اگر می‌خواهد اعتراض هم داشته باشد، باید با کلمات مورد نظر ما اعتراض کند، چنین شکل اعتراضی هم رخ خواهد داد. وقتی عرصه را تا این حد محدود کنیم، نهایت آن اعتراض خیابانی و کنش اعتراضی خواهد بود. وقتی امکانات به این حد نیست که فضا گفت‌وگویی و مسالمت‌آمیز باشد، کنش‌ها اعتراضی می‌شود و دولت هم نحوه‌ی مواجهه با آن را بلد نخواهد بود.»

تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس، نیز در تأیید این نظر چنین می‌گوید: «شما یک جامعه‌ای دارید که من آن را "جامعه اعتراضی" تعبیر کرده‌ام. چون اعتراض کنش اصلی جامعه می‌شود، هر نیروی اجتماعی در یک موقعیت و شرایط به یک شیوه اعتراض می‌کند و سطح اعتراضی‌اش را پی می‌گیرد. در صورتی که ما از ساحت کنش مدنی به ساحت هیجانی و اعتراضی انتقال پیدا کرده‌ایم. بعضی این ساحت هیجانی و اعتراضی را جنبشی می‌گیرند اما من آن را جنبشی نمی‌دانم، چرا که هر لحظه و هر جا امکان حادثه‌ای وجود دارد» (سایت جماران، ۱۳۹۸/۹/۱۶).

اما برخی مثل جعفر هزارجریبی، جامعه‌شناس، با کاربرد عبارت «کنش اعتراضی» موافق نیستند. وی در این زمینه در مصاحبه با همکاران گزارش می‌گوید: «من نام کنش اعتراضی را نیز به این وقایع نمی‌دهم، چرا که "کنش" معمولاً در سطح خرد و فردی معنا می‌شود.»

## ۲. انقلاب

به جز برخی مخالفان در خارج از کشور، در میان صاحب‌نظران کمتر کسی از تعبیر «انقلاب» برای توضیح و توصیف حوادث آبان استفاده کرد. واژه انقلاب در توصیف یک پدیده سیاسی - اجتماعی اولین بار در قرن چهاردهم به کار گرفته شد. در آن زمان کلمه رولوزین (revoluzion) به جایگزینی سریع، غیرقابل انتظار و همراه با خشونت نخبگان در برخی دولت - شهرهای ایتالیایی اطلاق می‌شد (هادیان، ۱۳۹۱). در واقع، انقلاب نمایان‌گر برجسته‌ترین و دوربردترین شکل تغییر است. انقلاب در رایج‌ترین معنا به براندازی و جایگزین‌سازی نظام حکومت اشاره می‌کند و با اصلاحات که در درون چارچوب پایدار قانون اساسی صورت می‌گیرد کاملاً فرق دارد (هی‌وود، ۱۳۹۱). در تعریف انقلاب آمده است: «انقلاب فرایند تغییر سیاسی و با بسیج توده‌ای در یک جنبش اجتماعی همراه است و با توسل به خشونت در سرنگونی نظام موجود کامیاب می‌شود و حکومت تازه‌ای تشکیل می‌دهد» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۱۳). تیلی می‌نویسد: «نتیجه انقلاب

به این معناست که مجموعه‌ای از صاحبان قدرت جانشین مجموعه‌ای دیگر شوند» (تیلی، ۱۹۷۸). بنا بر این تعریف، انقلاب مستلزم دگرگونی اساسی در توزیع قدرت است و در آن اغلب از روش‌های غیرقانونی و خشن که نشانه‌ای از تضاد بین حکمرانان و محرومان جامعه است استفاده می‌شود. پس انقلاب منازعه‌ای سیاسی برای تصرف قدرت حکومتی است که در آن گروه‌های درگیر برای کسب قدرت عمدتاً خارج از دستگاه مستقر قدرت برمی‌خیزند و بخش عمده‌ای از جمعیت به گونه‌ای مؤثر در آن شرکت می‌کنند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۷۵). اسکاچپول معتقد است که انقلاب‌های اجتماعی تغییراتی سریع و بنیادی در وضع جامعه و ساختار طبقاتی ایجاد می‌کنند. این گونه انقلاب‌ها با همراهی طبقه پایین جامعه به ثمر می‌رسند. انقلاب‌های اجتماعی با دیگر انواع مبارزات و فرایندهای تحول‌آفرین تفاوت دارند، به‌ویژه هنگامی که ترکیبی از این دو حالت صورت می‌گیرد: تقارن تغییرات اجتماعی با شورش‌های طبقاتی و تقارن تغییرات سیاسی و اجتماعی (هادیان، ۱۳۹۱). به طور کلی، هرگونه تغییر عمده غیرقانونی و زورمندانه در رأس هرم نخبگان حکومتی انقلاب نامیده می‌شود (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶).

تیلی انقلاب‌ها را ذیل عنوان «خشونت جمعی» بررسی می‌کند. وی در کتاب قرن شورش از سه نوع کنش جمعی اعتراضی در تاریخ جوامع اروپایی نام می‌برد:

۱. عمل جمعی اعتراضی رقابتی: زمانی صورت می‌گیرد که منابع مورد ادعای یک گروه همزمان مورد ادعای گروه‌های دیگر نیز باشد؛
۲. عمل جمعی اعتراضی واکنشی: در واکنش به اقداماتی صورت می‌گیرد که از نظر یک گروه به منزله پایمال شدن حقوقشان تلقی می‌شود، مانند شورش‌های مالیاتی و شورش‌های علیه گرانی نان؛
۳. عمل جمعی اعتراضی نوحواهی: زمانی مصداق می‌یابد که ادعاهایی از سوی یک گروه مطرح شود که قبلاً مطرح نبوده است، مانند مشروطه‌خواهی. اگرچه گیدنز (۱۳۸۷) انقلاب را از شورش متمایز ساخته، برخی دیگر از صاحب‌نظران از جمله چارلز تیلی شورش را مقدمه انقلاب می‌دانند و

مرحلهٔ اولین آن. همچنین در مباحث مربوط به جنبش‌های اجتماعی، انقلاب را در ردیف جنبش‌های اجتماعی قدیم قرار می‌دهند. می‌توان گفت فرق اساسی جنبش و انقلاب در نوع برخورد آنها با نظام حاکم است. انقلاب بنا بر تعریف مستلزم دگرگونی اساسی در توزیع قدرت است و اگر موفقیت‌آمیز باشد، الزاماً نخبگان جامعه تغییر می‌کنند و ساختار مستقر واژگون می‌شود. اما در جنبش چنین امری الزامی نیست و بسته به قدیم یا نو بودن جنبش سرنوشت نظام مستقر روشن می‌شود. در جنبش‌های اجتماعی جدید، ولو اینکه بعضی از قدرتمندان مقام خود را از دست بدهند یا افراد جدیدی روی کار بیایند، جنبش تغییر رفتار نظام موجود و اصلاحات را در دستور کار خود قرار می‌دهد. ابعاد، مطالبات و شعارها، و نحوهٔ برآمدن اعتراضات آبان فاقد ویژگی‌های برشمرده شده برای انقلاب است؛ از این رو، کاربرد این واژه را تنها می‌توان حاصل ناآشنایی با مفهوم و مبانی آن دانست.

### ۳. جنبش اجتماعی

برخی از صاحب‌نظران در توصیف اعتراضات آبان از عبارت «جنبش اجتماعی» استفاده کردند. در تعریف جنبش اجتماعی آمده است: گروه‌بندی بزرگی از کسانی که خواهان به انجام رساندن یا منع کردن یک فرایند تغییر اجتماعی‌اند. جنبش‌های اجتماعی معمولاً در تضاد با سازمان‌هایی هستند که با اهداف و نگرش‌های آنها مخالف‌اند. با این حال، جنبش‌های موفق در کسب قدرت می‌توانند پس از نهادی شدن به سازمان تبدیل شوند (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۱۷). اصطلاح «جنبش‌های اجتماعی جدید» برای توصیف جنبش‌هایی استفاده شد که از دههٔ ۱۹۶۰ در عرصهٔ اجتماعی اهمیت یافتند. مهم‌ترین این جنبش‌ها عبارت‌اند از جنبش دانشجویی، جنبش حقوق مدنی، جنبش زنان، جنبش زیست‌محیطی، جنبش صلح، و اخیراً جنبش‌های ضد نژادپرستی، جنبش‌های حقوق مردم بومی، جنبش‌های ضد سیاسی اروپای شرقی و غیره (نش، ۱۳۹۸). دلاپورتا و دیانی

- (۱۳۸۳) چهار عنصر اختصاصی برای جنبش‌های اجتماعی ذکر کرده‌اند:
- شبکه‌های تعامل غیررسمی: این شبکه‌ها که از عناصر ذاتی جنبش‌ها هستند ویژگی‌های متفاوتی دارند. برخی سست و ضعیف‌اند و بعضی دیگر بسیار محکم و پیچیده. چنین شبکه‌هایی هم منابع عمل جمعی (منابع اطلاعاتی، مهارتی و مادی) را مهیا می‌کنند و هم نظام‌های معنایی را نشر می‌دهند، و از این رو برای بسیج و نیز تقویت شیوه زندگی و نگرش‌های خاص هر جنبش ضرورت دارند.
  - عقاید مشترک و همبستگی: هر جمعیت و جماعتی که فعالیتی جمعی را به مرحله عمل درمی‌آورد باید از مجموعه‌ای از عقاید و احساسات مشترک برخوردار باشد. جنبش‌ها خود واژگان، اصطلاحات، تعابیر و مفاهیم سمبلیکی تولید می‌کنند و از این طریق، ضمن ارائه تعریفی جدید از امور جدید و ممکن، دست به ایجاد هویت‌های جدید و طرح آنها می‌زنند. به این ترتیب، جنبش‌ها گاه عناصری را که مدت‌های مدید بی‌ارتباط با هم در کنار هم بوده‌اند، با یکدیگر ترکیب و به جزئی از جنبش بدل می‌کنند.
  - عمل جمعی معطوف به منازعه: منظور از منازعه مخالفت بین بازیگرانی است که می‌کوشند بر چیزهای واحدی تسلط پیدا کنند. برای این منظور ابتدا بازیگرانی به صورت غیر و مخالف تعریف می‌شوند. اغیار کسانی هستند که می‌خواهند بر چیزهایی تسلط یابند که بر سر آنها بین ما و آنان اختلاف وجود دارد. البته این منازعات لزوماً به امور ایجابی منحصر نمی‌شود و حالت سلبی (تقاضای کنار نهادن چیز یا چیزهایی) نیز می‌تواند داشته باشد.
  - دست زدن به اعتراض: محققان اعتقاد دارند که یکی از خصوصیات اصلی جنبش‌ها رفتار سیاسی غیرمتعارف آنهاست، یعنی لزوماً از مجاری موجود اقدام نمی‌کنند.

معترضان آبان ماه اغلب فاقد هویت و دیدگاهی واحد یا هماهنگ بودند اما در واکنشی اعتراضی به تصمیمی که معیشت و زندگی آنان را در معرض نابودی قرار داده بود به خیابان‌ها آمدند. بنابراین کنش آنان فاقد الزامات تبدیل شدن به یک «جنبش اجتماعی» بود. معمولاً کنش‌های اعتراضی طی فرایندی مشخص و در بازه زمانی کوتاه یا بلند قابلیت آن را خواهند یافت که در قد و قامت یک جنبش اجتماعی ظهور کنند. یکی از این الزامات برخورداری از هویت واحد است. البته هر اعتراض یا کنش اعتراضی بالقوه قابلیت تبدیل شدن به جنبش اعتراضی را دارد و هنوز مدت زمان تبدیل شدن اعتراضات آبان به یک جنبش اجتماعی به سر نیامده و آن اعتراضات ممکن است در آینده تبدیل به یک جنبش شود، اما تا آن زمان نمی‌توان آن را جنبش اجتماعی نامید.

#### ۴. شورش

رایج‌ترین واژه به کار رفته برای اعتراضات آبان «شورش» بود. شورش عبارت است از هرگونه تظاهرات خشونت‌بار یا برخورد و درگیری‌های جمعی میان بیش از یکصد نفر که دربردارنده استفاده فیزیکی از زور باشد (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶). آشوب یا شورش اجتماعی نوعی خشونت سیاسی است که فقدان سازمان‌یافتگی آن را از سایر کنش‌های جمعی همچون توطئه، کودتا و انقلاب متمایز می‌کند. شورش نوعی خشونت نسبتاً خودجوش است که با مشارکت مردمی قابل ملاحظه همراه است و در درون یک اجتماع سیاسی علیه رژیم سیاسی یا بازیگران آن یا سیاست‌های آن صورت می‌گیرد. این اعتراض خشونت‌آمیز نسبت به وضعیت موجود فاقد هدف و جهت‌گیری مشخص و طرحی برای آینده است و برنامه‌ای برای تأثیر بر نهادهای اجتماعی و سیاسی ندارد. شورش زمانی بروز می‌کند که انسان‌ها دچار نوعی سرخوردگی می‌شوند. ترس، هیجان، خشم، تخریب و رفتارهای بیهوده و بی‌هدف محور آشوب‌ها را تشکیل می‌دهد. مردم گرفتار در هیجان جمعی، با تلفیق‌پذیری بسیار بالا، به آسانی تحت



تأثیر قرار می‌گیرند و رفتارهای خشن از خود بروز می‌دهند. در این میان هرچه مشروعیت یک نظام کمتر می‌شود، تمایل مردم به شورش افزایش می‌یابد. مشروعیت بیشتر هر رژیم به معنای احتمال کمتر وقوع منازعهٔ مدنی به هنگام بروز محرومیت است (قره‌داغی، ۱۳۹۶).

حسین راغفر، اقتصاددان، در این زمینه می‌گوید: «اینها [نارضایتی‌ها] مواردی است که موجب انباشت شده و جامعه را آمادهٔ انفجار کرده است. شورش مدت زمان مدیدی است که صورت گرفته، اما نمی‌خواهیم با آن روبه‌رو باشیم» (ایسنا، ۱۳۹۸/۹/۲۷).

محمد مهدی مجاهدی، پژوهشگر اجتماعی، به رغم استفاده از عبارت «بیقراری طبقه» تلاش کرده ویژگی‌هایی برای اعتراضات آبان برشمارد که بی‌شباهت به شورش نیست. وی در این زمینه (کانال تلگرامی، ۱۳۹۸/۹/۲) می‌نویسد: «در این دست بیقراری‌ها که در غیاب جنبش‌ها و ناجنیش‌ها شکل می‌گیرند، خودآگاهی صنفی یا طبقاتی مفقود است، موضوع اعتراض معین نیست، هدف ایجابی مشترک و مشخص دنبال نمی‌شود، آرمان اخلاقی در میان نیست، ساخت و سازمان و منطق درونی یکپارچه غایب است، امواج توده‌ای قدرتمند است، پیوندی معنایی و عاطفی و حتی منفعتی معترضان را به یکدیگر نمی‌پیوندد، و افقی اخلاقی یا آرمانی سیاسی پیش رو گشوده نیست. چنین بیقراری‌هایی برای همهٔ نامیدان از سیاست، که خشم و حرمان ایشان را به آستانهٔ پرخاشگری کشانده است، جذاب است.»

## ۵. جمع‌بندی

در اغلب تلاش‌ها برای تعریف و تبیین پدیده‌هایی مثل انقلاب و جنبش اجتماعی، از شورش و اعتراض به عنوان مرحلهٔ اول و آغازین این پدیده‌ها نام برده شده است. در اعتراضات آبان ۹۸ وجه اعتراضی جمع حاضر در میدان بسیار برجسته‌تر از دیگر ویژگی‌های آن بود. تا این مقطع شواهدی مبنی بر تداوم آن اعتراضات

گزارش نشده؛ بنابراین، استمرار اعتراضات که یکی از پیش‌شرط‌های انقلاب یا جنبش اجتماعی است تاکنون مشاهده نشده است. از این رو به نظر می‌رسد کاربرد مفاهیمی مثل انقلاب یا جنبش اجتماعی برای حوادث مورد اشاره خالی از اشکال نیست. کنش اعتراضی مفهومی است که اشاره عام دارد به اعتراضات جمعی، و می‌تواند دربرگیرنده همه مفاهیمی مثل انقلاب، جنبش اجتماعی و شورش باشد. به همین دلیل هم کنش اعتراضی مفهوم دقیقی برای توصیف آنچه در آبان ۹۸ شاهد آن بودیم نیست، اگرچه به کاربرد آن نیز نمی‌توان ایرادی وارد کرد. بنابراین شاید همان طور که اغلب صاحب‌نظران درباره اعتراضات آبان اشاره داشته‌اند، مناسب‌ترین واژه برای توصیف حوادث آبان «شورش» باشد.

در عین حال ویژگی‌های خاص و برجسته اعتراضات آبان، به ادعای برخی صاحب‌نظران، آن را منحصر به فرد کرده است. لذا همان طور که علی‌اصغر قاسمی سیانی، جامعه‌شناس، معتقد است، این ویژگی‌ها اعتراضات را به پدیده‌ای بین شورش و جنبش تبدیل می‌سازد. وی در مصاحبه با همکاران گزارش چنین استدلال می‌کند: «من فکر می‌کنم با یک فقر واژگانی برای تحلیل و چارچوب‌بندی اعتراضات مواجه هستیم. ولی اگر بخواهیم خودمان را در یک قالب بیاوریم، اتفاقی بین شورش و جنبش اجتماعی بود. علتش هم این است که اگر ما برای جنبش‌های اجتماعی یک سری شاخص تعیین کنیم، مثلاً در هر جنبش اجتماعی یک رهبری هرچند متکثر وجود دارد، یک ایدئولوژی هم هست (هرچند ممکن است در این ایدئولوژی هم یکسانی وجود نداشته باشد)، یک انسجام فکری و مطالباتی هم وجود دارد، یا اینکه ساختار دارد که ممکن است به قول دلاپورتا شبکه تعامل غیررسمی باشد، ولی به هر حال شبکه تعاملی وجود دارد، خیلی از این ویژگی‌ها را در اعتراضات آبان ماه ندیدیم.»

قاسمی در ادامه توضیح می‌دهد: «در اعتراضات آبان ماه، رهبری مشخص، تشکیلات مشخص، مطالبه مشخص وجود نداشت و این نشان می‌دهد که یک جنبش به معنای کلاسیک کلمه نبود. از آن طرف، لفظ شورش هم از یک جهت

درست است و از یک جهت نیست. مثلاً شورش این ویژگی را دارد که خشونت در درونش وجود دارد که در اعتراضات آبان ماه هم بود. یا اینکه یک گسستگی و تفرقاتی از لحاظ مطالباتی و جغرافیایی وجود دارد. این اعتراضات از بنزین شروع شد ولی تا شعارهای ساختارشکنانه‌ی اساسی هم رفت. حتی به لحاظ مشی مقابله هم افرادی بودند که اسلحه به دست می‌گرفتند و با نیروی انتظامی مقابله می‌کردند تا کسانی که اعتراضات مسالمت آمیز می‌کردند. یعنی این ویژگی‌های شورش را داشت و در عین حال یک سری از ویژگی‌های شورش را هم نداشت. شورش معمولاً هم از لحاظ مفهومی و مطالعاتی و هم از لحاظ جغرافیایی محدود است. مثلاً فرض کنید زمانی که نان گران می‌شود، می‌گویند قیمت نان را پایین بیاور. وقتی قیمت نان پایین آمد، همه می‌گویند حل شد و جنبش یا شورش تمام شد. ولی این اعتراضات از بنزین شروع می‌شود و فقط به بنزین محدود نمی‌شود و به خیلی از مسائل دیگر هم سرایت می‌کند.»

فاطمه صادقی، پژوهشگر علوم سیاسی، نیز معتقد است اعتراضات آبان وجوهی از کنش‌ها از جمله شورش و جنبش را داشته است. وی در مصاحبه با همکاران گزارش می‌گوید: «می‌شود گفت که هم شکل شورش دارد، هم شکل جنبش و هم شکل کنش اعتراضی. به این دلیل شکل شورشی دارد که واقعه‌ای مثل بالارفتن قیمت بنزین ناگهان جرقه را می‌زند و با توجه به زمینه‌ای که فراهم هست، منجر به شورش می‌شود. شکل جنبشی دارد به دلیل اینکه بر یک بستر اعتراضی شکل می‌گیرد. این بستر اعتراضی که در واقع یک بستر جنبشی است قبلاً فراهم شده است. این بستر اعتراضی هر زمان می‌تواند به یک شکل خاص دربیاید. این جنبش یعنی وقایع آبان دارای کنش‌های اعتراضی خرد هم هست، و بسیاری از کسانی که احتمالاً در کنش‌های اعتراضی خرد شرکت کردند محتمل است که در جنبش اعتراضی آبان هم حضور داشته‌اند.»

## چهارم؛ تهیدستان شهری در اعتراضات آبان

برخی صاحب‌نظران معتقدند که «تهیدستان» در آبان ۹۸ حضوری جدی و اعتراضی داشتند. علی مطهری، نماینده مردم تهران، در نطق خود در مجلس شورای اسلامی، با اشاره به آمارهای نهادهای امنیتی درباره اعتراضات خونین آبان گفت: «براساس اعتراف نهادهای اطلاعاتی، معترضان آبان ۹۸ توده‌های فقیر جامعه بودند و باید فکری به حال آنها بکنیم.»

محسن رنانی، اقتصاددان، تهیدستان را «پابرهنگان» می‌نامد و می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های آبان ماه ورود پابرهنگان به اعتراضات بود. فقرا، حاشیه‌نشینان و پابرهنگان چیزی برای از دست دادن ندارند. آنها معمولاً رهبری‌پذیر نیستند و وقتی هم هیجانی می‌شوند مدیریت‌پذیر نخواهند بود. یعنی با آنها نمی‌شود گفت‌وگو کرد. آنها یا باید به خواسته خود برسند یا تخریب و نابود می‌کنند، راه سومی هم وجود ندارد. بنابراین یا باید به خواسته آنها پاسخ مثبت داده شود یا سرکوب خونبار شوند» (رنانی، ۱۳۹۸).

در تحلیل اعتراضات آبان «تهیدستان شهری» یکی از مفاهیم پرکاربرد بود که نیازمند بازنگری و بازتعریف است. جنبش اجتماعی تهیدستان شهری، در مقایسه با دیگر جنبش‌های اجتماعی، مختصاتی خاص و متفاوت دارد. مهم‌ترین دلیل این تفاوت راه نیافتن روایت تهیدستان از منافعشان به حوزه عمومی است. تهیدستان شهری رسانه و ارگان ندارند و به طور کلی فاقد هرگونه نهاد برای بیان مطالبات خود در صف‌بندی هژمونیک هستند. دشوار بتوان لحظه‌ای را یافت که تهیدستان شهری خود را ذیل هویت «تهیدستان شهری» بازشناسی کنند و یکی از کنشگران جنبشی بدانند که قرار است منافع آنها را پیگیری کند. این جنبش در بیشتر وهله‌های خود فاقد یک ساختار سازمان‌یافته است و عملکرد آن از منطقی تصادفی تبعیت می‌کند (نادری و دلورانی، ۱۳۹۶: ۳).

در کوران بزرگ‌ترین جنبش انقلابی ایران معاصر، یعنی انقلاب ۵۷ نیز تهیدستان شهری در آخرین لحظات انقلاب به این جنبش پیوستند. دلیل آن نیز موج جدید تخریب اسکان‌های غیررسمی به‌ویژه در تهران در سال‌های منتهی به انقلاب بود که سبب مقاومت و ایجاد درگیری میان تهیدستان و دولت شد (همان: ۱۶). آصف بیات، جامعه‌شناس، در اثر خود با عنوان *سیاست‌های خیابانی جنبش تهیدستان در ایران می‌نویسد: «مقوله تهیدست یک مفهوم اقتصادی نیست و در درجه اول به هویتی فرهنگی و اجتماعی اشاره دارد. اعضای این گروه، که ما آنها را گاهی تهیدستان شهری و گاهی گروه‌های فاقد امتیاز می‌نامیم، اساساً به دلیل درآمد پایین، مهارت پایین و جایگاه اجتماعی پایین و شرایط نامنشان شناسایی می‌شوند. واژه شدیداً مورد انتقاد "حاشیه‌ای بودن" نیز گاهی برای توصیف تهیدستان به کار گرفته می‌شود»* (بیات، ۱۳۷۹: ۵۴-۵۵).

#### ۱. تهیدست کیست؟

ریشه این گروه اجتماعی به سیاست‌های نوسازی عصر پهلوی بازمی‌گردد که در نتیجه مدرنیزاسیون در ایران، رشد سریع شهرنشینی، مهاجرت به شهرها، ایجاد طبقات اجتماعی جدید و افزایش عمومی درآمدها پدید آمد و در همان حال موجب حاشیه‌نشینی اقتصادی و اجتماعی بخش وسیعی از جمعیت شهری شد (بیات، ۱۳۷۹: ۵۵). به زعم بیات، تهیدستان جدید حاصل نظام لایه‌بندی مدرن هستند. از اوایل قرن بیستم به این سو لایه‌بندی سنتی کم‌کم جایش را به «ساختار طبقاتی دوگانه» داد. پیوستن ایران به اقتصاد جهانی به همراه ایجاد صنعت کارخانه‌ای به گروه‌بندی اجتماعی جدیدی منتهی شد که عمدتاً در قالب یک طبقه متوسط مدرن، یک طبقه کارگر و یک بوروکراسی مدرن، که همگی ساکن مناطق شهری بودند، جلوه‌گر شد. بیات این تغییرات اجتماعی را با نوعی مدرنیزاسیون رفتار و سلوک شهری، الگوی سکونت و مسکن و ساختار اجتماعی همراه می‌داند. از نظر او، الگوی سنتی جامعه به گونه‌ای تغییر کرد که برخی آن را

محلله‌های جدید نامیدند که با ویژگی‌هایی مانند ناهمگونی قومی و تباری، تمایل به مدرنیزاسیون سنت‌ها، مراقبت از اماکن عمومی، مشارکت در کار جامعه و کنترل دولت بر نظم عمومی مشخص می‌شود (همان).

محمد مالجو، اقتصاددان، در نشست با عنوان «حیات تهیدستان شهری»، تهیدستان شهری را این گونه تعریف می‌کند: «افرادی که مطلقاً از سه منبع اصلی قدرت یعنی سرمایه مادی، دانش و مهارت انسانی واجد ارزش مبادله در بازار کار، و اقتدار سازمانی، خواه در نهاد دولت و خواه در سایر نهادها، نابرخوردارند تهیدستان هستند. یعنی توزیع قدرت در جامعه به گونه‌ای بوده که بخشی از جامعه از این سه منبع قدرت نابرخوردار هستند و در نتیجه مثل طبقه کارگر برای تأمین معاش ناگزیر از عرضه نیروی کار در بازارند، با این تفاوت که طبقه کارگر در قیاس با تهیدستان شهری درجه بالاتری از دانش و مهارت را دارد. همچنین در بسیاری از موارد به دلایل گوناگون مثل رکود و کساد تهیدستان مایل به عرضه نیروی کارشان هستند، اما تقاضایی برای این نیروی کار نیست. همچنین تهیدستان از سه نوع منبع حمایت در حدی که استانداردهای تاریخی متعارف برای نیل به یک سطح زندگی شناخته‌شده کفایت می‌کند نابرخوردارند. اولاً، حمایت‌های اجتماعی دولت به حد کفایت؛ ثانیاً، حمایت‌های نهادهای اجتماعی ضربه‌گیر موجود در جامعه مثل نهاد خانواده و محله؛ و ثالثاً، حمایت انواع نهادهای جامعه مدنی به حد کفایت. مصادیق تهیدستان شهری دستفروشان، فروشندگان دوره‌گرد، موتورسواران معیشتی، کارگران روزمزد فاقد ثبات کار، بخش‌های وسیعی از بیکاران، مهاجران روستایی فقزرده ساکن در شهرهای بزرگ، کارگران ناماهر، گدایان، کارتن‌خواب‌ها، کودکان کار، حاشیه‌نشینان شهری و نظایر آن هستند. بی‌بهره بودن از منابع قدرت مذکور وضعیتی است که بر پیشانی این تهیدستان رقم خورده است و خصلتی ساختاری دارد و به اختیار خود تهیدستان نیست. به همین قیاس، الگوی توزیع منابع قدرت یک وضعیت ایستا و ثابت و غیرمتحرک نیست و مستمراً از طریق تغییر حمایت‌هایی که ذکر شد تغییر

می‌یابد. به عبارت دیگر، وضعیت تهیدستان ساختاری است و خود تهیدستان در شکل‌گیری آن نقشی ندارند» (روزنامه/اعتماد، ۱۳۹۶/۷/۱۵).

تهیدستان شهری در نظر آصف بیات ویژگی‌هایی دارند مانند تفاوت‌های قومیتی، فرهنگی، زبانی، شغلی و غیره با جماعات مرکزی که سبب می‌شود رفته‌رفته تبدیل به یک «کاست» شوند (بیات، ۱۳۷۹). تهیدستان کسانی هستند که خواه از طبقه کارگر باشند و خواه از طبقه متوسط، به لحاظ زندگی کردن در دنیای مدرن و با ضوابط مدرن به غایت ناتوان‌اند (بیات و همکاران، ۱۳۸۳).

واژه‌های پرسامدی مانند تهیدست، حاشیه‌نشین، فقر، فرودست و نظایر آنها در اغلب کارهای آکادمیک و اظهارنظرهای صاحب‌نظران علوم اجتماعی به جای یکدیگر به کار می‌روند. از این رو، لازم است روشن شود که مابه‌ازای این مفاهیم در ایران چیست و هریک در پیوند با کدام «سرمایه» تعریف می‌شود. البته این واژه‌ها مرز روشنی با یکدیگر ندارند و دارای خصوصیات مشترک فراوانی هستند.

گاه «تهیدست» معادل واژه poor به کار رفته است (بیات، ۱۳۷۹؛ صادقی، ۱۳۹۸). بیات واژه subaltern را نیز به همین معنا به کار برده است (بیات، ۲۰۰۰). در متون انگلیسی غالباً از واژه poor برای این مفهوم استفاده شده است. برای واژه «فقر» عموماً در متون علوم اجتماعی از واژه<sup>۱</sup> poverty، و برای «حاشیه‌نشینی» از واژه<sup>۲</sup> slum استفاده می‌شود. در ادبیات جمهوری اسلامی نیز معمولاً واژه «مستضعفین» به جای «تهیدستان» به کار می‌رود که از ابتدای انقلاب به جهت کسب اقبال نظر تهیدستان و همچنین مقابله با ادبیات چپ‌گراها مورد استفاده قرار گرفته است (بیات، ۱۳۷۹). با بررسی مفهوم تهیدست به شناخت دقیق‌تری از موضوع می‌رسیم.

مانوئل کاستلز معتقد است تهیدستان یا فقرا (poor) و حاشیه‌نشینان را نباید

---

1 See Beall, 1993; Gunder Frank, 1965.

2 See Moitra, 1991; Davis, 2007.

یکی گرفت، بلکه تهیدستان در درون جامعه شهری ادغام شده‌اند. دقیق‌تر آنکه تهیدستان حاشیه‌ای شده‌اند، بدین معنا که به لحاظ اقتصادی استثمار، به لحاظ سیاسی سرکوب، به لحاظ اجتماعی بدنام، و به لحاظ فرهنگی طرد شده‌اند (صادقی، ۱۳۹۸). بیات تهیدستی را محصول مدرنیته می‌داند و معتقد است بوروکراسی و نهادهای مدرن نوعی نظام خاص اعمال می‌کنند که بسیاری از این مردمان از پس آن بر نمی‌آیند. مدرنیته یک هستی پرهزینه و مستلزم توانایی انطباق با انواع رفتارها و شیوه‌های زندگی است که برخی از عهده آن بر نمی‌آیند و در گروه تهیدستان قرار می‌گیرند (بیات، ۱۳۷۹). صادقی نیز تهیدستی را در پیوند با سیاست‌های تعدیل ساختاری، نولیبرالی و توسعه‌طلبی بازار فهم می‌کند. او همچنین در فصل نخست کتاب *زندگی روزمره تهیدستان شهری*، بین طبقه کارگر و تهیدستان این طور مرزگذاری می‌کند که طبقه کارگر طبقه مولد است، اما تهیدستان در فرایند تولید حضور ندارند و غالباً از طریق مشاغل غیررسمی امرار معاش می‌کنند (صادقی، ۱۳۹۸). پیتر لوید نیز نظر مشابهی دارد و معتقد است روند رشد نولیبرالیسم موجب گسترش حاشیه‌نشینی و تهیدستی می‌شود (لوید، ۱۳۹۳).

صادقی همچنین تأکید می‌کند: «در سال‌های اخیر، به صورت فزاینده، بخشی از طبقه متوسط شهری به صف تهیدستان پیوسته که دلیل عمده آن روندهای ضدونقیض گسترش بازار آموزش و انقباض بازار کار بوده است. شمار زیادی از کارمندان و تحصیل‌کردگان دانشگاهی تحت فشارهای اقتصادی به ناچار در مناطق فقیرنشین زندگی می‌کنند یا به مشاغل زیست‌معیشتی خیابانی روی آورده‌اند. علاوه بر این، می‌توان به اعضای ماهر طبقه کارگر و خرده بورژوازی اشاره کرد که پیشینه کسب‌وکار در بخش تولید و صنعت را دارند اما به دلایلی مانند اخراج یا ورشکستگی، موقعیت نسبتاً امن خود را از دست داده‌اند. این گروه‌ها کار و زندگی در نظام‌های اقتصادی و فرهنگی در حال مدرن شدن را که با نظم بازار و بوروکراسی توصیف می‌شود دشوار می‌یابند. بنابراین از این ترتیبات اجتماعی



خارج می‌شوند و به جست‌وجوی روابط و نهادهای بدیل خودمانی یا غیررسمی برمی‌آیند. قلمروهای حاشیه‌ای یا غیررسمی، شیوه زندگی یا زیست‌جهانی بدیل برای محروماندگان است تا در فاصله‌ای نسبی با نظم مدرن سرمایه‌داری امکان بقا یابند. تهیدستان با بنیان نهادن روابطشان بر دادوستد متقابل و اعتماد و مذاکره (و نه برداشت‌های مدرن از نفع شخصی و قواعد معین و قراردادهای)، حتی‌المقدور خارج از مرزها و محدودیت‌های دولت و نهادهای بوروکراتیک مدرن عمل می‌کنند. شمار عظیمی از فرودستان شهری اگر نخواهند به جست‌وجوی کسب حمایت از بستگان‌شان برآیند، ناچارند به "اقتصاد در هوای آزاد" یا کارهای زیست‌معیشتی خیابانی متوسل شوند. در اینجا فضای عمومی یک دارایی و سرمایه حیاتی برای افراد به شمار می‌آید تا به بقا ادامه دهند و زندگی خود را بازتولید کنند» (صادقی، ۱۳۹۸).

بنابراین تهیدستی، به رغم آنکه سرمنشأ اقتصادی دارد، بر ویژگی‌های اقتصادی تأکید ندارد و شاخص‌های آن براساس سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی است. واژه *subaltern* نیز گاه به همین مفهوم در نظر گرفته می‌شود (کوجات، ۲۰۱۶)، که البته برخی آن را به معنای «فرودست» نیز گرفته‌اند.

## ۲. فقر و تهیدستی در ایران

توسعه شهری در دهه‌های پایانی قرن بیستم به دلایلی مانند سرریز نیروی کار مناطق روستایی به شهر و ناکارآمدی سیاست‌های توسعه اقتصادی در دهه هشتاد به تدریج به نتایجی همچون انتقال کانون فقر از روستا به شهر و افزوده شدن بر تعداد گروه‌های آسیب‌پذیر، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، منتهی شد. از این پدیده با عنوان «شهری شدن فقر» یا «فقر شهری» یاد می‌شود (جواهری‌پور، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

به نظر می‌رسد در اعتراضات آبان ۹۸ محرومان، حاشیه‌نشینان، افراد طبقه متوسط سال‌های گذشته که به واسطه شرایط اقتصادی فرودست شده‌اند،

حقوق‌بگیران دولت، و افراد بیکاری که در جست‌وجوی کار ناموفق بوده‌اند جمعیت معترضان را تشکیل داده‌اند (راغفر، سایت ایرنا، ۱۳۹۸/۱۰/۱۱). بر این اساس منحصر کردن علل اعتراضات به افزایش قیمت بنزین یا اصرار بر توطئه خواندن روند حوادث پس از افزایش قیمت بنزین خطا است. علل و عوامل اعتراضات سال‌های اخیر، به‌ویژه اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸، را باید در مطالبات انباشته‌شده در طی سالیان پیش‌تر جست‌وجو کرد. افزایش سه برابری و یکباره قیمت بنزین قطعاً شوک جدی به طبقات ضعیف، کارگر، فرودست و طبقات متوسط وارد کرد اما این به معنای آن نیست که علت تامه اعتراضات را منحصرأً شوک ناشی از افزایش قیمت بنزین بدانیم.

ایران در دهه‌های اخیر با رشد چشمگیر مهاجرپذیری شهرها مواجه بوده است. مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر و رشد جمعیت شهری، در شرایطی که امکانات و تسهیلات برای زندگی متناسب با جمعیت وجود ندارد، نابرابری و فقر فزاینده را در شهرهای کشور رقم زده است. پس از جنگ، سیاست‌های جاری به این فقر و نابرابری دامن زد و به زندگی گروه‌های محروم به شدت آسیب وارد کرد.

### شکاف هزینه - درآمد خانوارهای شهری

مقایسه درآمد خانوارها با شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارها از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ گویای سرعت بیشتر افزایش قیمت‌ها نسبت به افزایش درآمد و کاهش قدرت خرید خانوارهای شهری است که حکایت از فقیرتر شدن فقیران و بیشتر شدن شکاف‌های اجتماعی دارد (جدول ۱ و ۲).

جدول ۱. متوسط درآمد سالانه یک خانوار شهری و روستایی برحسب انواع منابع تأمین درآمد (هزار ریال)

شرح	۱۳۸۰		۱۳۸۵		۱۳۹۰		۱۳۹۲	
	مبلغ	تغییرات	مبلغ	تغییرات	مبلغ	تغییرات	مبلغ	تغییرات
شهری	۲۵۸۳۲	+۰.۱۳۲	۶۵۵۰۹	+۰.۱۵۰	۱۳۰۳۰۱	...	۲۰۶۵۲۹	...
درآمد از حقوق‌گیری	۸۷۸۹	+۰.۱۷۵	۲۲۲۰۳	+۰.۱۷۷	۳۸۲۶۸	...	۶۱۲۲۰	...
بخش عمومی	۵۱۰۲	...	۱۱۸۶۰	...	۱۵۹۲۵	...	۲۲۶۵۲	...
بومی	۴۲۲۲	+۰.۲۸۰	۹۷۹۲	+۰.۲۰۹	۱۲۱۴۰	...	۲۰۲۳۲	...
غیر بومی	۷۸۱	+۰.۴۰۰	۲۱۱۶	+۰.۳۳۲	۲۷۹۵	...	۲۲۰	...
بخش تعاونی	۴۸	...	۱۱۶	...	۱۶۵	...	۱۵۱	...
بومی	۴۱	+۰.۱۹۳۲	۹۱	+۰.۱۹۵۱	۱۴۰	...	۱۳۲	...
غیر بومی	۷	+۰.۳۰۵۲	۲۵	+۰.۲۲۰۶	۲۵	...	۱۷	...
بخش خصوصی	۳۶۲۷	...	۱۱۲۲۷	...	۲۲۲۰۸	...	۲۶۵۱۶	...
بومی	۲۲۲۱	+۰.۲۲۶	۱۰۰۰۲۶	+۰.۲۰۹	۱۹۸۷۹	...	۲۲۷۹۱	...
غیر بومی	۳۱۶	+۰.۵۱۶	۱۱۹۱	+۰.۴۹۶۰	۲۳۲۹	...	۳۷۲۵	...
درآمد از مشاغل آزاد	۷۱۸۶	+۰.۲۶۲	۱۶۹۷۲	+۰.۲۴۴	۴۰۰۲۲	...	۳۴۱۷۲	...
کشاورزی	۷۷۵	...	۱۵۲۹	...	۱۳۹۸	...	۲۲۰۱	...
بومی	۷۲۱	+۰.۲۹	۱۲۸۷	+۰.۲۳۷	۱۲۲۶	...	۲۲۰۷	...
غیر بومی	۵۴	+۰.۲۰۳۹	۵۱	+۰.۱۲۶۵	۷۲	...	۹۴	...
غیر کشاورزی	۶۲۰۹	...	۱۵۲۴۳	...	۱۸۶۷۲	...	۳۱۷۷۱	...
بومی	۶۲۸۲	+۰.۲۷۷	۱۵۱۱۲	+۰.۲۶۲	۱۸۲۵۲	...	۳۱۲۹۱	...
غیر بومی	۱۲۶	+۰.۶۲۱	۳۰۹	+۰.۱۳۷	۴۲۲	...	۴۸۰	...
درآمدهای متفرقه	۹۸۵۹	+۰.۳۰۱	۲۵۳۳۴	+۰.۲۱۰	۷۱۹۴۲	...	۸۰۴۵۷	...
بومی	۳۸۲۰	+۰.۲۹۶	۱۱۲۲۲	+۰.۲۳۷	۲۲۰۰۶	...	۲۲۷۸۲	...
غیر بومی	۶۰۱۹	+۰.۲۱۲	۱۴۰۱۱	+۰.۲۶۵	۴۹۳۵۶	...	۵۷۶۷۲	...

ادامهٔ جدول ۱. متوسط درآمد سالانهٔ یک خانوار شهری و روستایی برحسب انواع منابع تأمین درآمد (هزار ریال)

شرح	۱۳۹۳		۱۳۹۲		۱۳۹۵		۱۳۹۶	
	مبلغ	تغییرات	مبلغ	تغییرات	مبلغ	تغییرات	مبلغ	تغییرات
شهری	۲۲۲۱۸	...	۲۷۸۸۷۲	...	۲۱۷۲۱۰	...	۲۲۲۱۸	...
درآمد از حقوق‌بگیری	۷۷۹۲۵	...	۹۲۲۲۲	...	۱۰۵۲۸۷	...	۱۲۲۰۲۲	...
بخش عمومی	۳۰۲۲۰	...	۲۲۵۲۰	...	۲۱۷۸۲	...	۲۹۰۸۲	...
بومی	۲۵۲۱۵	...	۲۸۹۷۲	...	۲۵۲۰۸	...	۲۱۳۰۱	...
غیربومی	۵۰۰۵	...	۵۵۲۷	...	۶۵۷۸	...	۷۷۸۲	...
بخش تعاونی	۱۸۲	...	۲۲۶	...	۱۹۸	...	۱۲۷	...
بومی	۱۵۴	...	۱۹۰	...	۱۱۲	...	۱۱۸	...
غیربومی	۲۹	...	۳۶	...	۲۶	...	۱۹	...
بخش خصوصی	۲۷۵۲۲	...	۵۸۲۷۶	...	۲۲۸۲۲	...	۷۶۸۲۲	...
بومی	۲۲۹۱۰	...	۵۲۵۲۰	...	۵۷۹۷۲	...	۶۵۲۰	...
غیربومی	۴۶۱۲	...	۵۹۲۶	...	۵۸۲۹	...	۷۲۲۲	...
درآمد از مشاغل آزاد	۲۲۲۲۲	...	۲۵۲۱۸	...	۵۲۲۲۲	...	۵۲۰۵۴	...
کشاورزی	۲۸۶۲	...	۳۱۲۵	...	۲۲۵۲	...	۲۲۱۲	...
بومی	۲۲۶۸	...	۳۰۲۰	...	۲۲۶۵	...	۲۰۹۵	...
غیربومی	۹۵	...	۷۵	...	۸۸	...	۲۱۹	...
غیرکشاورزی	۳۶۲۸۶	...	۲۲۲۲۲	...	۵۰۲۸۹	...	۵۲۲۲۵	...
بومی	۳۵۹۶۲	...	۲۱۸۰۷	...	۵۰۰۰۲	...	۵۲۲۱۱	...
غیربومی	۲۲۲	...	۲۲۶	...	۲۲۶	...	۵۲۲	...
درآمدهای متفرقه	۱۲۲۱۲۲	...	۱۲۰۲۲۲	...	۱۵۷۵۰۲	...	۱۸۱۷۷۷	...
بومی	۷۱۳۱۹	...	۸۰۸۸۲	...	۹۱۲۰۲	...	۱۰۷۶۶۲	...
غیربومی	۵۲۸۱۳	...	۵۵۲۲۱	...	۶۶۰۹۸	...	۷۴۰۵۲	...

منبع: سالنامهٔ آماری کشور، ۱۳۹۶

جدول ۲. شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای کل کشور در گروه‌های اصلی به تفکیک ماه (۱۳۹۵-۱۰۰)

شرح	کل		خوراکی و آشامیدنی‌ها		دخانیات		پوشاک و کفش	
	شاخص	درصد تغییر نسبت به سال قبل مشابه سال قبل	شاخص	درصد تغییر نسبت به سال قبل مشابه سال قبل	شاخص	درصد تغییر نسبت به سال قبل مشابه سال قبل	شاخص	درصد تغییر نسبت به سال قبل مشابه سال قبل
۱۳۹۰	۲۲۱۸	xx	۲۷/۲	xx	۲۹/۱	xx	۲۸/۷	xx
۱۳۹۲	۲۲۱۸	۷۴/۵	۲۷/۳	۲۲/۶	۸۲/۹	۵۸/۰	۲۲/۷	۲۲/۰
۱۳۹۳	۸۲/۳	۱۴/۶	۸۲/۸	۹/۶	۸۶/۷	۲/۲	۸۶/۶	۱۶/۰
۱۳۹۴	۱۲/۶	۱۱/۱	۹۳/۱	۵/۸	۸۹/۳	۲/۱	۹۴/۳	۸/۹
۱۳۹۵	۶/۹	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۷/۲	۱۰۰/۰	۱۱/۹	۱۰۰/۰	۶/۰
۱۳۹۶	۸/۳	۱۰۸/۳	۱۱۳/۳	۱۳/۳	۱۰۶/۹	۶/۹	۱۰۶/۱	۶/۱

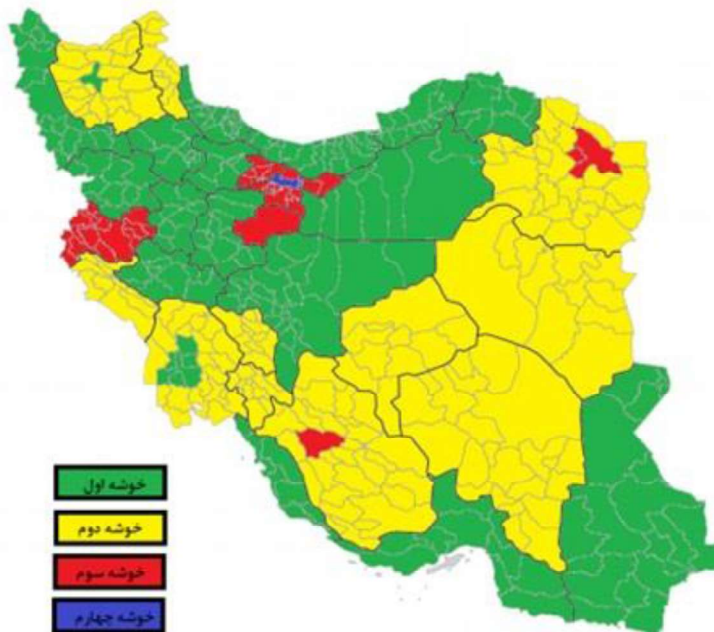
منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۶

در سال‌های مورد اشاره تورم و بیکاری، در کنار هزینه‌های بهداشت و سلامت و آموزش، و همین‌طور جمعیت خانوار از عوامل مؤثر در افزایش فقر بوده است. تحقیقات نشان می‌دهد پنج ویژگی اقتصادی و اجتماعی خانوار شامل افزایش جمعیت خانوار، پایین بودن سطح تحصیلات سرپرست خانوار، نداشتن شغل یا عدم فعالیت در بازار کار، و زن بودن سرپرست از عواملی است که احتمال فقیر شدن خانوار را افزایش می‌دهد (فاطمی اردستانی، ۱۳۹۶: ۷).

### خط فقر مطلق

فقر مطلق عبارت است از ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷). خط فقر مطلق عبارت است از میزان حداقل درآمد کافی برای تأمین نیازهای اساسی. برآورد خط فقر در تابستان ۱۳۹۷ نشان از کاهش قابل توجه قدرت خرید خانوارها دارد. براساس ارزیابی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۷) محاسبه خط فقر در سال ۱۳۹۵ از

روش «حداقل نیازهای اساسی» (با تکرار) و براساس هزینه سبد معادل تأمین ۲۱۰۰ کیلوکالری با استفاده از ضریب انگل (نسبت هزینه‌های خوراکی به کل) نشان داده بالاترین خط فقر ماهیانه متعلق به شهرستان تهران (آبی رنگ) است (نقشه ۳) که در سال ۱۳۹۵ برای یک خانوار چهار نفره دو میلیون و هفتاد و شش هزار تومان محاسبه و در تابستان ۱۳۹۷ در حدود دو میلیون و هفتصد و بیست و هشت هزار تومان برآورد شده است. نکته قابل توجه آنکه خط فقر تهران تنها در تابستان ۱۳۹۷ نسبت به بهار ۱۳۹۷ در حدود ۳۰۰ هزار تومان برای یک خانوار چهار نفره افزایش داشته که می‌تواند نشان‌دهنده قرار گرفتن افراد بیشتری در زیر خط فقر در فاصله یک فصل در سال ۱۳۹۷ باشد. با توجه به اینکه فقرا نسبت به سایر افراد جامعه سهم بیشتری از هزینه‌های خود را به گروه خوراکی تخصیص می‌دهند، پیش‌بینی شده با توجه به رشد قابل توجه شاخص قیمت برخی گروه‌ها نظیر گروه خوراکی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال‌های گذشته، خط فقر نیز در ادامه سال ۱۳۹۷ با مقدار رشد بیشتری روبه‌رو باشد. همچنین خط فقر معادل با شهریور ۱۳۹۷ نیز محاسبه و مقدار سرانه آن برای شهرستان تهران حدود یک میلیون و پنجاه هزار تومان و برای خانوار چهار نفره حدود دو میلیون و هشتصد و پنجاه هزار تومان برآورد شده است. بعد از تهران، با اختلاف نسبتاً زیادی (در حدود ۹۰۰ هزار تومان برای یک خانوار چهار نفره)، هشت شهرستان بزرگ کشور که جمعیت بالای یک میلیون نفر دارند قرار گرفته‌اند. در این شهرستان‌ها، خط فقر در تابستان ۱۳۹۷ یک میلیون و هشتصد و ده هزار تومان برای خانوار چهار نفره برآورد شده که نسبت به بهار ۱۳۹۷، افزایشی در حدود ۲۰۰ هزار تومان داشته است. باید توجه داشت که ۲۰۰ هزار تومان افزایش در هزینه سبد خط فقر رقم بسیار قابل توجهی برای فقرا است زیرا به طور معمول مشاغل این گروه‌های درآمدی در دسته مشاغل با بهره‌وری پایین و درآمد ثابت قرار دارد که به سختی افزایش درآمد در آنها رخ می‌دهد. همچنین بیشترین نرخ رشد خط فقر در تابستان ۱۳۹۷ نسبت به تابستان ۱۳۹۶ در خوشه سبز رنگ که در رده اول رقم خط فقر قرار دارد رخ داده است. خط فقر برای استان‌های موجود در این خوشه در تابستان ۱۳۹۷ به یک میلیون و چهارصد و هشتاد و نه هزار تومان رسیده که رشد ۲۵,۸ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل داشته است (جدول ۳).



منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸  
 نقشه ۳. خوشه‌بندی مناطق شهری کشور

جدول ۳. خوشه‌بندی مناطق شهری کشور

هرمزگان	بوشهر	کردستان	آذربایجان غربی	مرکزی	خوشه اول
قزوین	زنجان	همدان	اصفهان	گیلان	
خراسان شمالی	سمنان	لرستان	گلستان	مازندران	
	سیستان و بلوچستان	شهرستان اهواز	شهرستان اصفهان	شهرستان تبریز	خوشه دوم
یزد	ایلام	کرمان	آذربایجان شرقی	اردبیل	
فارس	خراسان رضوی	خوزستان	چهارمحال و بختیاری	خراسان جنوبی	
	کهگیلویه و بویراحمد				خوشه سوم
قم	شهرستان شیراز	البرز	کرمانشاه	تهران	
شهرستان گرج	شهرستان کرمانشاه	شهرستان مشهد			خوشه چهارم
	شهرستان تهران				

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸

در برآورد دیگری که قدری خوش‌بینانه‌تر از مطالعه پیشین است، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۹۵) تعداد خانوارهای فقیر در مناطق شهری را برابر با پنج میلیون و ششصد و چهل و شش هزار و هشتاد و شش خانوار گزارش کرده است (جدول ۴). بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که ۳۱،۱۵ درصد خانوارها زیر خط فقر قرار دارند.

جدول ۴. برآورد تعداد خانوارهای زیرخط فقر در جامعه شهری در سال ۱۳۹۵

خط فقر شهری سالانه	بودجه خانوار		سرشماری ۹۵	برآورد خانوارهای زیرخط فقر
	تعداد خانوارهای زیرخط فقر	تعداد خانوارهای شهری نمونه‌گیری شده		
۴۶،۴۱۲،۰۳۰	۱۵۳،۱۵۹،۶۹۹	۵،۸۵۹	۱۸،۱۲۵،۴۸۸	۵،۶۴۶،۰۸۶

نتایج برآورد تعداد خانوارهای فقیر روستایی در مطالعه مورد اشاره نشان داد تعداد این خانوارها برابر با یک میلیون و چهارصد و هشتاد و هشت هزار و نهصد و نود خانوار است (جدول ۵). به این ترتیب ۲۴،۵۳ درصد خانوارهای روستایی زیر خط فقر قرار دارند.

جدول ۵. برآورد تعداد خانوارهای زیرخط فقر در جامعه روستایی در سال ۱۳۹۵

خط فقر روستایی سالانه	بودجه خانوار		سرشماری ۹۵	برآورد خانوارهای زیرخط فقر
	تعداد خانوارهای زیرخط فقر	تعداد خانوارهای شهری نمونه‌گیری شده		
۲۶،۲۸۹،۶۰۵	۸۹،۲۸۲،۶۵۷	۲،۷۲۲	۶،۰۷۰،۵۲۷	۱،۲۸۸،۹۹۰

### خط فقر چندبعدی

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶)، شاخص فقر چندبعدی طی سال‌های برنامه اول تا پنجم توسعه محاسبه شده است. در این مطالعه، سه بعد آموزش (وضعیت سواد سرپرست خانواده و به مدرسه رفتن کودکان ۶ تا ۱۶ ساله)، سلامت (سوء‌تغذیه)، و استاندارد زندگی (دسترسی به برق،

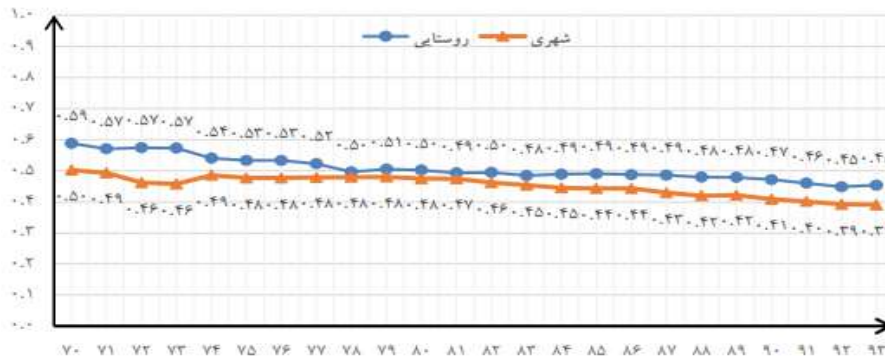


دسترسی به آب سالم، تراکم جمعیت، سوخت برای پخت و پز، و مالکیت دارایی) در محاسبه فقر چندبعدی در ایران در نظر گرفته شد (جدول ۶). نتایج این گزارش نشان می‌دهد که فقر چندبعدی در مناطق شهری در سال‌های اولیه افزایش یافته و از حدود ۲۷ درصد در سال ۱۳۷۰ به حدود ۴۱ درصد در سال ۱۳۷۳ رسیده که بیشترین میزان این شاخص برای خانوارهای شهری در طول سال‌های مورد بررسی است. شواهد نشان می‌دهد علت این روند اجرای سیاست‌های تعدیل در برنامه اول توسعه بوده است. در آن مقطع نرخ ارز و قیمت‌ها با جهش بزرگی افزایش یافت. در سال ۱۳۷۳، بیش از ۴۱ درصد خانوارها در ابعاد مختلف آموزش، سلامت و استانداردهای زندگی دچار فقر بوده‌اند. این شاخص در سال‌های بعد تا سال ۱۳۸۷ روند تقریباً ثابتی داشته است، اما از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ به استثنای سال ۱۳۸۹ روندی افزایشی داشته، به طوری که در سال ۱۳۹۳ به حدود ۳۲ درصد رسیده که علت آن می‌تواند تورم بالا و رکود در پی اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های اقتصادی باشد (نمودار ۱-۳).

جدول ۶. ابعاد فقر و نشانگرهای هریک در شاخص جهانی فقر چندبعدی

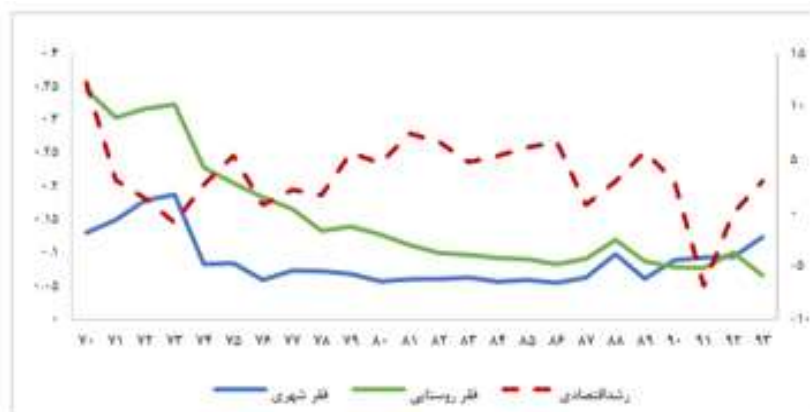
ابعاد فقر	نشانگر
تحصیلات	۱. سال‌های تحصیل: خانوار محروم تلقی می‌گردد اگر هیچ‌یک از اعضای خانوار ۵ سال تحصیلات اولیه را تکمیل نکرده باشند.
	۲. ثبت‌نام کودکان در مدرسه: اگر در خانوار کودکی در سن مدرسه (تا کلاس هشتم) باشد که به مدرسه نرود آن خانوار محروم تلقی می‌گردد.
سلامتی	۱. مرگ‌ومیر کودکان: خانوار محروم تلقی می‌گردد اگر در آن خانوار کودکی فوت کرده باشد.
	۲. تغذیه: خانوار محروم است اگر فردی در خانوار دچار سوء تغذیه باشد.
استانداردهای زندگی	۱. برقی: اگر محل سکونت خانوار برقی نداشته باشد آن خانوار محروم است.
	۲. سیستم دفع فاضلاب: خانواری محروم است که به سیستم دفع فاضلاب مناسب دسترسی نداشته باشد.
	۳. آب آشامیدنی: خانوار محروم به آب آشامیدنی بهداشتی دسترسی ندارد.
	۴. کیفیت محل سکونت: محل سکونت خانوار از مصالح نامرغوب و غیر مقاوم ساخته شده است.
	۵. سوخت برای پخت‌وپز: خانوار محروم از چوب، ذغال و یا فضولات حیوانات برای پخت‌وپز استفاده می‌کند.
۶. دارائی‌ها: خانوار محروم بیش از یکی از اقلام رادیو، تلویزیون، تلفن، دوچرخه، موتورسیکلت و یا یخچال را ندارد و همچنین مالک اتومبیل و وسایل نقلیه سنگین نیست.	

چهارم: تهیدستان شهری در اعتراضات آبان | ۶۱



منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸

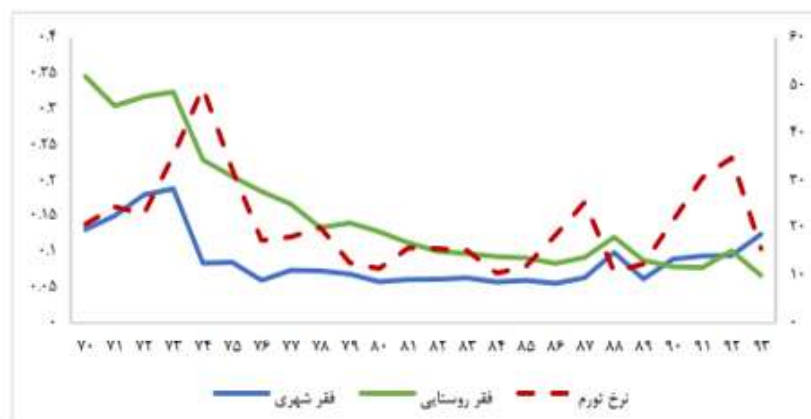
نمودار ۱. شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۷۰-۱۳۹۳)



منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸

نمودار ۲. روند تغییرات شاخص فقر چندبعدی روستایی و شهری و رشد اقتصادی (۱۳۷۰-۱۳۹۳)

(۱۳۷۰-۱۳۹۳)



منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸

**نمودار ۳. روند تغییرات شاخص فقر چندبعدی روستایی و شهری و تورم (۱۳۷۰-۱۳۹۳)**

وجود فقر در هر کشور زمانی نگران‌کننده‌تر خواهد بود که نرخ فقر در طول زمان و در دوره‌های اقتصادی مختلف کاهش نداشته باشد زیرا به این ترتیب افراد گرفتار در فقر نمی‌توانند با گذشت زمان از فقر خارج شوند. این امر پایداری فقر را موجب می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸). برخی از دلایل پایداری فقر در کشور عبارت‌اند از:

- عدم توجه به فراگیری رشد اقتصادی: رشد فراگیر به معنای فراهم کردن فرصت‌های برابر برای همگان در جهت مشارکت در ایجاد رشد اقتصادی و بهره‌مندی از مواهب رشد است. با افزایش رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری مولد، افزایش بهره‌وری نیروی کار، رفع تبعیض‌ها و خلق فرصت‌های اشتغال می‌توان به رشد فراگیر دست یافت؛
- نبود نظام متناسب‌سازی مهارت‌های مورد نیاز بازار با مهارت‌های آموزش داده شده در مراکز آموزشی رسمی و غیررسمی: تجمع بالای فقرا در شغل‌های نیازمند مهارت اندک یا بدون مهارت و نیز سهم بالای جوانان بیکار دارای تحصیلات بالا در میان فقرا حاکی از فقدان نظام ارزیابی

- مهارت‌ها و تشخیص نیازهای بازار کار است؛
- عدم توجه به کیفیت آموزش‌های رسمی و غیررسمی؛
- ضعف سازوکارهای نظارت و ارزیابی اثربخشی در طرح‌های حمایتی و اشتغال‌زایی؛
- نبود برنامه‌ریزی مرکزی در زمینه فعالیت‌های حمایتی، اشتغال‌زایی و کاهش فقر؛
- دسترسی نامتوازن به تسهیلات بانکی؛
- مهاجرت‌های نامناسب و برنامه‌ریزی نشده درون‌کشوری و برون‌کشوری؛
- بالا رفتن نرخ شهرنشینی؛
- خروج افراد متخصص و تحصیل کرده از کشور و ورود نیروی کار ساده و ارزان به کشور؛
- رشد جمعیت با سن بالای ۵۵ سال نیازمند خدمات بازنشستگی و بیمه‌ای؛
- نرخ رشد بالای جوانان در سن کار بیکار یا خارج از بازار کار؛
- افزایش ناگهانی و بی‌رویه نرخ ارز و انتظارات تورمی ناشی از آن؛
- عدم توجه به ارتقای سطح اقتصادی و اجتماعی مناطق در افزایش ضریب دسترسی به زیرساخت‌های اساسی؛
- عدم آینده‌نگری و برنامه‌ریزی مناسب برای کاهش اثرات نامطلوب برخورد با تکانه‌های خارجی احتمالی (همان).

### شاخص فقر چندبعدی

در جدول ۷ شاخص جهانی فقر چندبعدی برای استان‌های کشور محاسبه و گزارش شده است. در ستون آخر این جدول، استان‌ها از غنی به فقیر در سه گروه طبقه‌بندی شده‌اند. گروه ۱ غنی‌ترین استان‌های کشور و گروه ۳ فقیرترین‌ها هستند. در صدر استان‌های غنی، استان تهران و استان البرز قرار دارند و استان‌هایی نظیر کردستان، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان از فقیرترین مناطق کشور محسوب می‌شوند.

جدول ۷. شاخص فقر چندبعدي در استان‌های کشور

حقیقه	M <sub>0</sub>	A	H	استان
۱	۰.۰۳۳۱	۰.۳۴۳	۰.۱۰۸۳	مرگزی
۱	۰.۰۳۳۳	۰.۳۴۹۳	۰.۰۸۷۴۵	گیلان
۱	۰.۰۳۷۶۹	۰.۳۵۶۵	۰.۰۷۷۶	مازندران
۲	۰.۰۴۱۰۴	۰.۳۶۱۲	۰.۱۱۳۶	آذربایجان شرقی
۳	۰.۰۶۱۱۵	۰.۳۷۲	۰.۱۶۴۴	آذربایجان غربی
۲	۰.۰۳۶۵۲	۰.۳۶۲۹	۰.۱۲۸۲	کرمانشاه
۲	۰.۰۳۴۶۸	۰.۳۷۳۸	۰.۱۱۹۵	خوزستان
۲	۰.۰۳۳۳۳	۰.۳۶۶۱	۰.۱۱۵۶	فارس
۱	۰.۰۳۶۵۴	۰.۳۷۵۶	۰.۰۹۷۱۶	کرمان
۲	۰.۰۳۶۰۴	۰.۳۶۸۲	۰.۱۲۵۰	خراسان رضوی
۱	۰.۰۳۳۰۹	۰.۳۵۳۸	۰.۰۹۳۵۴	اصفهان
۳	۰.۰۵۳۱	۰.۴۰۳۸	۰.۱۳۱۵	سیستان و بلوچستان
۳	۰.۰۷۹۲۲	۰.۳۷۲۲	۰.۲۱۲۳	کردستان
۲	۰.۰۳۶۵۵	۰.۳۶۲۲	۰.۱۲۸۲	همدان
۲	۰.۰۳۷۲۴	۰.۳۷۱۹	۰.۱۱۲۷	چهارمحال و بختیاری
۳	۰.۰۳۷۹۱	۰.۳۶۸۴	۰.۱۳۰۱	لرستان
۳	۰.۰۵۲۵۵	۰.۳۴۹	۰.۱۵۰۶	ایلام
۳	۰.۰۶۳۷۳	۰.۳۶۸۸	۰.۱۷۳۸	کهگیلویه
۲	۰.۰۳۴۵۶	۰.۳۵۸	۰.۱۲۴۵	بوشهر
۳	۰.۰۵۴۴۸	۰.۳۷۳۳	۰.۱۵۰۹	زنجان
۱	۰.۰۳۷۸۸	۰.۳۶۲۱	۰.۰۷۰۰۲	سمنان
۱	۰.۰۳۴۶۱	۰.۳۶۸۱	۰.۰۸۸۶۱	یزد
۲	۰.۰۳۵۷۹	۰.۳۸۰۲	۰.۱۲۰۴	هرمزگان
۱	۰.۰۲۱۳۷	۰.۳۵۰۹	۰.۰۶۰۸۹	تهران
۳	۰.۰۵۳۲۸	۰.۳۶۲۹	۰.۱۵۳۶	اردبیل
۳	۰.۰۳۸۱۸	۰.۳۵۳۳	۰.۰۷۹۷۸	قم
۱	۰.۰۳۴۸۷	۰.۳۵۳۷	۰.۰۹۸۵۷	قزوین
۲	۰.۰۳۷۰۴	۰.۳۶۶۳	۰.۱۲۸۴	گلستان
۳	۰.۰۶۴۸۵	۰.۳۷۸۲	۰.۱۷۱۵	خراسان شمالی
۳	۰.۰۶۰۰۹	۰.۳۸۸۶	۰.۱۵۶۷	خراسان جنوبی
۱	۰.۰۳۴۹۱	۰.۳۴۹۷	۰.۰۷۱۲۳	البرز

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶

براساس گزارش مرکز بین‌المللی پژوهش فقر تاونسند (جدول ۸) میزان شیوع فقر با استفاده از دو مقدار ۴۰ و ۵۰ از شاخص محرومیت بهینه نشان می‌دهد خط فقر معادل‌سازی‌شده درآمد خانوار با محاسبه میانگین برای این گروه برابر با ۲,۱ میلیون نفر است. با +۴ خط فقر چندبعدي برابر با ۳۲ درصد می‌شود، در صورتی که با +۵ این نرخ به ۲۴ درصد از خانوارهای ایرانی کاهش می‌یابد. شیوع فقر در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری حدود سه برابر بیشتر است (گوردون و همکاران، ۲۰۱۷).

جدول ۸. نرخ های شایع فقر چندبعدی

غیرفقیر	فقیر	
۶۸	۳۲	فقر (۴+ و درآمد > ۱.۲ میلیون)
۷۹	۲۱	شهری (۴+ و درآمد > ۱.۲ میلیون)
۳۹	۶۱	روستایی (۴+ و درآمد > ۱.۲ میلیون)
۷۶	۲۴	فقر (۵+ و درآمد > ۱.۱ میلیون)
۸۷	۱۳	شهری (۵+ و درآمد > ۱.۱ میلیون)
۵۰	۵۰	روستایی (۵+ و درآمد > ۱.۱ میلیون)

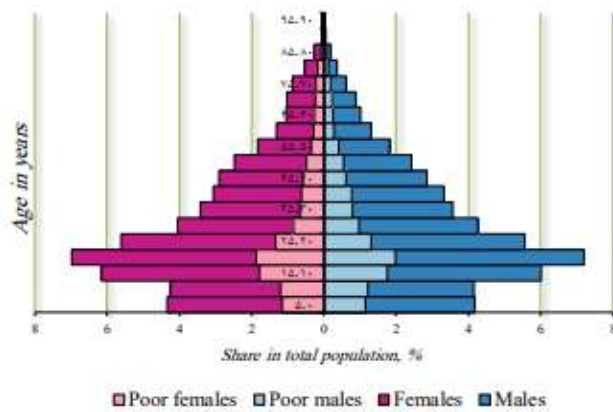
سنجۀ نهایی فقر خانوار شامل ۱۶ نماگر محرومیت و درآمد تعدیل شده معادل سازی شده خانوار است. اگر آستانه را ۴+ در نظر بگیریم، نرخ فقر ۳۲ درصد می شود. این سنجه های پیشنهادی واقعاً مناسب، دقیق و پایا برای داده های جمع آوری شده در سال ۱۳۸۴ هستند، اما جامعه ایران طی یک دهه گذشته تغییرات قابل ملاحظه ای کرده است به طوری که ضرورت دارد از داده های جدیدتر برای محاسبه یک تخمین مناسبتر و به روزتر از فقر چندبعدی در سطح خانوار استفاده شود (همان).

### فقرای جوان

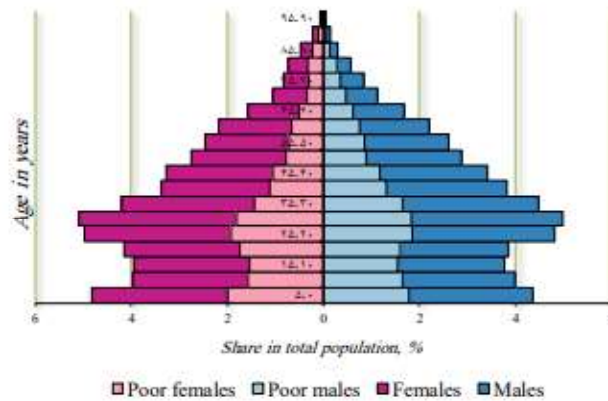
نمودار ۴ هرم سنی جمعیت و سهم فقرای هر گروه سنی را در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۳ ترسیم کرده است. در این نمودار، سهم مردان در جمعیت هر گروه سنی در سمت راست و سهم زنان در سمت چپ گزارش شده و نوار کم رنگ میانی نیز سهم فقرای هر گروه سنی را به تفکیک زن و مرد نشان می دهد. مقایسه این هرم در دو سال ابتدایی و انتهایی دهه مورد بررسی نشان می دهد که نرخ فقر در تمامی گروه های سنی افزایش قابل توجهی یافته است. مقایسه هرم سنی جمعیت در سال ۱۳۸۴ با هرم سنی سال ۱۳۹۳ نشان از تراکم جمعیت کشور در سنین ۲۰-۳۵ سالگی، که در واقع سن ورود به بازار کار است، دارد. علاوه بر این، سهم افزایش یافته کودکان کمتر از ۵ سال

در سال ۱۳۹۳ حاکی از ورود موج جدید کودکان متعلق به پدر و مادرهای جوان است. پدر و مادرهایی که اگر اکنون به شغل مناسب و درآمد مکفی دسترسی نداشته باشند، نمی‌توانند فرزندان خود را پرورش دهند و تنها بذر خانوارهای فقیر آینده را آبیاری می‌کنند.

۱۳۸۴



۱۳۹۳



منبع: عینیان و سوری، ۱۳۹۵

نمودار ۴. هرم سنی جمعیت و فقر

### ۳. تهیدستان، فقرا و اعتراضات آبان

گزارش‌ها نشان می‌دهد اعتراضات آبان در بخش‌های مختلف کشور پراکنده بوده است. استان‌های تهران و البرز با کمترین میزان فقر جزو کانون‌های اصلی اعتراضات به شمار می‌رفتند. در مقابل، در مناطقی مثل خراسان جنوبی که در ردیف فقیرترین استان‌های کشور است اعتراضات بسیار محدودتر بود. از این رو، اگرچه نقش گروه‌های فقیر و نابرخوردار در اعتراضات انکارناپذیر است، در همان حال نمی‌توان عوامل بروز اعتراضات را منحصر به فقر دانست، و نباید نقش عوامل دیگر نارضایتی از جمله نابرابری، تبعیض، و ویژگی‌های منطقه‌ای را نیز از نظر دور داشت. در فقیرترین مناطق نیز، علاوه بر عدم تأمین حداقل نیازها، سیاست‌هایی که طبقه محروم را تحت فشار قرار می‌دهد و فقدان زیرساخت‌هایی برای رهایی و برون‌رفت از شرایط دشوار می‌تواند تبیین‌کننده بروز شورش باشد.

«محرومیت نسبی» چارچوب جامع‌تری برای تحلیل اعتراضات در مناطق با فقر کمتر است. محرومیت نسبی احساس محرومیت ناشی از نابرابری و شکاف طبقاتی در جامعه است. بنا بر نظر راغفر: «رژه اشرافیت در تهران و شهرهای بزرگ، خود مهم‌ترین عامل ایجاد نفرت و شورش است. آمار و ارقام نشان می‌دهد که اتفاقات رخ داده در سال جاری، واکنش مردم به افزایش قیمت بنزین نیست، بلکه واکنش آنان به سه دهه سرکوب دستمزد نیروی کار، مخارج و سیاست‌های دولت، و رها کردن یک جریان اشرافی‌گری مبتذل در جامعه است که نابرابری را در بین مردم دامن زده است» (راغفر، سایت ایرنا، ۱۳۹۸/۱۰/۱۱).

به اعتقاد صاحب‌نظران، اعتراضات آبان ریشه در شکاف‌های سیاسی و اقتصادی دارد. حکمرانی تبعیض‌آمیز، ناکارا و غیرپاسخگو، و کندی توسعه همه‌جانبه از عوامل وقوع اعتراضات در جوامع است. حمیدرضا جلالی‌پور، جامعه‌شناس، در این زمینه می‌گوید: «عدم تأمین حداقل نیازها، در کنار سیاست‌هایی که مدام طبقه محروم را تحت فشار قرار می‌دهد و شکاف طبقاتی و نابرابری نتیجه آن است، بی‌آنکه راهی برای رهایی و برون‌رفت از شرایط وجود داشته باشد، جامعه را به



دلیل از دست دادن توانمندی، که ناشی از توزیع ناعادلانه و عدم دستیابی به منابع است، دچار قفل‌شدگی می‌کند که می‌توان آن را "تله فزایی فقر" نامید. در این شرایط، شورش و اعتراض پدیده‌ای قابل پیش‌بینی و ناگزیر است، پدیده‌ای که در آبان ۹۸ با فاصله نسبتاً کوتاهی از دی ۹۶ به وقوع پیوست. افزایش نرخ تورم، رشد قابل توجه گرانی، کاهش رشد اقتصادی، افزایش تعداد بیکاران، در کنار پدیده افزایش جمعیت که بخش زیادی از آن با اهداف اقتصادی به شهرهای بزرگ سرازیر می‌شود، در شرایطی که زیرساخت‌های لازم برای آن مهیا نشده است، به کلونی شدن مهاجران برحسب قومیت، زبان و غیره، افزایش نرخ بیکاری در شهر، گران شدن مسکن، و نهایتاً گسترده‌تر شدن محصولی نامبارک همچون فقر منجر شده است. پدیده‌ای که ظهور آن در مناطق شهری متأخر و نوظهور محسوب می‌شود» (سایت ایران آنلاین، ۱۳/۱۰/۱۳۹۸).

محسن گودرزی، جامعه‌شناس، در تبیین این وضعیت از مفهومی با عنوان «شهروند عاصی» یاد می‌کند: «شهروند عاصی شهروندی است که از وضعیت زندگی خود خسته شده، از شیوه اداره کشور و جامعه ناراضی است، و چشم‌اندازی برای زندگی خود نمی‌بیند. چنین وضعیتی برای او قابل تحمل نیست، همچنان که قدرتی هم برای تغییر وضعیت ندارد، و امیدی هم به اینکه نهادها و سیاست‌های رسمی بتوانند کاری برای بهبود وضعیت او بکنند نیست. شهروند عاصی شرایط موجود را نمی‌کند و می‌داند که چنین شرایطی را نمی‌خواهد. وقتی جمعیت معترض شعار می‌دهند: "مرگ بر گرانی" یا "مرگ بر فساد"، با خشم شرایطی را که در آن گرفتار شده‌اند نفی می‌کنند. شهروند عاصی از وضعیت جامعه و شرایط خود به ستوه آمده و در حالی که زندگی سختی را می‌گذراند، اخبار هرروزه درباره فسادهای کلان او را نسبت به وضعیت خود خشمگین‌تر و از شرایط اجتماعی سرخورده‌تر می‌کند. او فاصله زندگی خود و زندگی "دیگران" را می‌بیند. شهروند عاصی می‌بیند که تنها گروه یا قشر خاصی از بهترین فرصت‌های زندگی مثل شغل، درآمد و منزلت اجتماعی برخوردارند. شهروند عاصی ترکیبی از

احساس بی‌پناهی و استیصال را تجربه می‌کند. نه نهادها و سازمان‌های رسمی را در حل مشکلات کارآمد می‌بیند و نه خود می‌تواند گرهی از مشکلات خویش بگشاید. نه پناهی در نهادها می‌یابد و نه توانی برای حل مشکلات دارد. از این رو، فضای ذهنی و احساسی شهروند عاصی را می‌توان ترکیبی از سرخوردگی، به ستوه آمدن و خشم بیان کرد» (گودرزی، ۱۳۹۸).

بسیاری معتقدند که تهیدستان و حاشیه‌نشینان انبار باروتی برای حکومت‌ها هستند. در مقابل، عده‌ای بر این نظرند که بروز انتقادی این طبقات به گونه‌ای است که کمتر به صورت جنبشی به پیگیری مطالبات خود می‌پردازند و بیشتر سبکی از «پیشروی آرام» را دنبال می‌کنند (بیات، ۱۳۷۹). بیات این نوع اجتماعات را ترتیبات اجتماعی و زیست‌جهان‌های بدیل می‌داند. از دید بیات، تهیدستان در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ فاقد مکانیسم‌های نهادی بوده‌اند که از طریق آنها بتوانند تظلمات و شکایت‌های خود را به طبقات بالاتر و دولت تحمیل کنند؛ و در فقدان این توان، به پیشروی آرام و تلاش‌های فردی برای دور زدن دولت و طبقات فرادست در خلال زندگی روزمره روی آورده‌اند.

قلمروهای حاشیه‌ای یا غیررسمی، شیوه زندگی یا زیست‌جهانی بدیل برای محروم‌ماندگان است تا در فاصله‌ای نسبی با نظم مدرن سرمایه‌داری امکان بقا یابند. اما محدوده‌های حاشیه‌نشینی تماماً عرصه رنج و انقیاد نیست و می‌تواند مکانی برای اعمال قدرت باشد، و برای مردمی که نمی‌توانند از عهده جریان عادی زندگی برآیند، امکان بقا و رشد و ترتیبات اجتماعی بدیل فراهم آورد. ترتیبات حاشیه‌ای تهیدستان می‌تواند مکانی «ضد قدرت» هم داشته باشد. پس زیست‌جهان‌های حاشیه‌ای می‌توانند ترتیبات قدرت را در جریان اصلی متزلزل سازند زیرا تهدیدی دمامد برای حکومت‌مندی هستند (آزاد ارمکی و صادقی، ۱۳۹۵).

مالجو نیز در این خصوص اعتقاد دارد: «کنش اعتراضی نیازمند آگاهی طبقاتی است، و آگاهی طبقاتی هنگامی پدید می‌آید که افراد متعلق به یک طبقه اولاً به

اشتراک منافع و مصالح خودشان پی ببرند و ثانیاً متوجه شوند که منافع و مصالحشان، به دلیل تجربه‌های زیسته کمابیش مشابه، متفاوت با منافع و مصالح طبقات دیگر است. آگاهی طبقاتی به این معنا در ایران شکل نگرفته است، یعنی بخش زیادی از آگاهی طبقاتی تهیدستان شهری بازتاب تسلط و غلبه گفتمان اغیار است. اگر به این فقدان آگاهی فقدان فرصت‌های سیاسی برای تشکلیابی و مبادرت به کنش‌های دسته‌جمعی طبقاتی را اضافه کنیم، می‌بینیم که تهیدستان شهری قادر نبوده‌اند مهر منافع خودشان را بر تحولات اجتماعی و سیاسی بکوبند» (روزنامه اعتماد، ۱۳۹۶/۷/۱۵).

بنابراین به نظر می‌رسد در میان صاحب‌نظران توافقی درباره «پتانسیل جنبشی» (جنبش به معنای کلاسیک آن) در گروه‌های تهیدست شهری وجود ندارد. در واقع، کنش اعتراضی تهیدستان موکول به مداخله متغیرهای دیگری است. از این گذشته، ترکیب تهیدستان در ایران دستخوش تغییرات مهمی شده و باید «طبقات متوسطی» را که به لحاظ فرهنگی تعلق خود به طبقه متوسط را حفظ کرده‌اند اما به لحاظ معیشتی در گروه‌های فقیر قرار دارند جزو گروه‌های تهیدست محسوب کرد. افزایش دهک‌های زیر خط فقر تا دهک ششم و حتی هفتم نشان از سقوط بخش مهمی از طبقه متوسط به زیر خط فقر دارد. جنبش تهیدستان که آصف بیات و اندیشمندان بعدی از آن صحبت می‌کنند ریشه روستایی داشت، اما اکنون ریشه‌های روستایی تهیدستان به «ریشه‌های شهری» بدل گشته است. همچنین جنبش تهیدستان، به دلیل ورود طبقات متوسط به آن، به لحاظ فرهنگی متحول و بیش از گذشته از پتانسیل حرکت‌های جمعی برخوردار شده است. در حوادث آبان حضور «طبقه متوسط تهیدست‌شده جدید» انکارناپذیر است.

## پنجم؛ حاشیه‌نشین‌ها<sup>۱</sup> در اعتراضات آبان

با وجود ابهام درباره ماهیت و مفهوم حاشیه‌نشینی، بسیاری از صاحب‌نظران و تحلیلگران حاشیه‌نشینان را کنشگران اصلی اعتراضات آبان دانسته‌اند. علی‌میرزاخانی، تحلیلگر مسائل اقتصادی، ضمن مرور عوامل به وجود آمدن حاشیه‌نشینی در طی ۵۰ سال اخیر، تأکید دارد مناطق حاشیه‌ای محل اصلی اعتراضات آبان بوده است (روزنامه‌دنیای/اقتصاد، ۱۳۹۸/۹/۱۳). کمال اطهری، پژوهشگر مسکن و اسکان غیررسمی، نیز از «تله‌های فضایی فقر» می‌گوید: «در ادبیات نوین به سکونت‌گاه‌های غیررسمی "تله‌های فقر" می‌گویند که تله‌کاملاً انسان‌ساخت ناشی از شکست دولت است چون شکست بازار مسلماً در بخش مسکن و فرایند توسعه رخ می‌دهد. در اینجا شکست سیاست‌گذاری است که اجازه می‌دهد این شکست پیش‌بینی‌شده حتی اقتصاد نوکلاسیک طبقات کم‌درآمد جامعه را به تله‌های بیندازد؛ و وقتی ناامید از خروج از تله شدند، این‌چنین در مقابل آن واکنش نشان دهند» (روزنامه‌شرق، ۱۳۹۸/۹/۱۲).

### ۱. حاشیه‌نشینی چیست؟

حاشیه‌نشینی یکی از اساسی‌ترین مسائل دنیای امروز است. این موضوع در ایران نخستین بار در برنامه‌های عمرانی پنجم به مثابه یک مسئله وارد برنامه‌های توسعه شد و در سیاست‌های کلان به سامان‌دهی آن اشاره شد. مکاتب و نظریه‌های مختلف در تبیین و توضیح این مسئله هریک به عوامل خاصی مانند بافت

---

۱. کاربرد واژه «حاشیه‌نشینی» سال‌ها است که با تأکید بر توانمندی‌ها و قابلیت‌های گروه‌های فقیر مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران حوزه اسکان غیررسمی و مسکن قرار گرفته است. اما در جریان مباحث و گزارش‌های مرتبط با اعتراضات آبان این واژه بسیار مورد استفاده قرار گرفت و از همین رو ناچار شدیم برای ارجاع به آنها این واژه را به کار ببریم.

فیزیکی، ویژگی‌های ساکنان، امکان و سطح دسترسی به مسکن رسمی، مهاجرت، یا نظام سرمایه‌داری در ایجاد مناطق اسکان غیررسمی اشاره کرده‌اند. یکی از مسائل اساسی کشورهای در حال توسعه در دوران بعد از جنگ جهانی دوم رشد و گسترش شتابان و ناهمگون شهرنشینی بوده است. آهنگ رشد سالانه جمعیت شهری در اکثر این کشورها بین ۵ تا ۸ درصد در نوسان بوده است. در ایران نیز دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی چهار دهه اخیر موجب رونق بی‌سابقه شهرگرایی و شهرنشینی شده که حاشیه‌نشینی پیامد آن بوده است. مجموعه آمار حکایت از آن دارد که بین ۲۹ تا ۳۰ درصد جمعیت کلان‌شهرها و حتی بسیاری از شهرهای متوسط در سکونت‌گاه‌های نابسامان و همچنین در حاشیه شهرها اسکان یافته‌اند. این پدیده گواه توانمندی تهیدستان نامتشکل شهری است که برای بقای خود قدم به راه نهاده و بسیج شده‌اند و به مرور سکونت‌گاهی «خودرو» پدید آورده‌اند. آنان بخشی از جمعیت کشورند که بر اثر سیاست‌های کلان خارج از اراده خود مجبور به این گونه سکونت شده‌اند (ارباب، ۱۳۸۶: ۵۲).

حاشیه‌نشینی به نوعی شیوه زندگی اطلاق می‌شود که با سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت است و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مختص بافت زندگی معینی را به وجود آورده است. حاشیه‌نشین به کسی گفته می‌شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگونی نتوانسته جذب نظام اقتصادی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند.

پرویز پیران حاشیه‌نشینی را این گونه تعریف می‌کند: «مفهوم حاشیه‌نشینی به معنای اعم شامل تمام کسانی است که در محدوده اقتصاد شهر ساکن هستند، ولی جذب اقتصاد شهر نشده‌اند. این نوع اسکان ناظر بر محل اسکان بخشی از جمعیت شهری در جهان سوم است که خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و بر پایه قواعد و اصول خاص خود به دست ساکنان این گونه مکان‌ها ساخته شده است» (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۹۷).

طیف بسیار وسیع سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای در ایران سبب شده تا ارائه‌ی تبیینی که بتواند به طور جامع و کامل این نوع اجتماعات را پوشش دهد دشوار شود. ساخت جمعیت در این مناطق به شدت جوان است. بخش عمده‌ی اقتصاد این مناطق در قالب اقتصاد غیررسمی جای می‌گیرد. مشکلات اقتصادی باعث افزایش ترک تحصیل شده است و کودکان این مناطق به مشاغل مانند دستفروشی مشغول‌اند. از نظر فرهنگی، این مناطق بافت چندقومی و مهاجرپذیر دارند و امکانات فرهنگی مانند پارک و کتابخانه‌ی عمومی به‌ندرت در آنها دیده می‌شود. مشکلات بهداشتی (محیطی و فردی) مانند آب پرفشار و بعضاً گازکشی غیراستاندارد در این مناطق وجود دارد. این سکونت‌گاه‌ها عموماً در مناطق نامناسب از نظر جغرافیایی و فیزیکی مانند کنار رودخانه‌ها، حاشیه‌ی مسیرهای عبور قطار، نواحی صنعتی و نظایر آنها ساخته شده‌اند، از نظر بافت شهری و نوع معماری از دیگر نقاط شهری مجزا هستند، و واحدهای مسکونی کوچک با سرانه‌ی سکونت بالایی دارند (نقدی، ۱۳۹۲).

حاشیه‌نشینی به سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ی شهرها یا «زورآبادها و حلبی‌آبادها» محدود نمی‌شود و این نوع از اسکان امروزه به صورت‌های مختلفی درآمده است. در سال‌های گذشته، مسئله‌ی گورخوابی، ماشین‌خوابی، بام‌فروشی و نظایر آن در رسانه‌ها مطرح شده که می‌توان از آنها به عنوان انواع جدیدی از اسکان غیررسمی نام برد. روزنامه‌ی شهروند (۱۳۹۵/۱۰/۷) در گزارش ویژه‌ای در مورد «گورخوابی» به وضعیت بد معیشتی و رفاهی افرادی می‌پردازد که به دلیل فقدان سرپناه در سرما، به گورخوابی پناه برده بودند. خبرگزاری مهر (۱۳۹۶/۲/۶) نیز در گزارش مشابهی مسئله‌ی گورخوابی در گورستان آرامنه‌ی شرق تهران را مطرح می‌کند. خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۵/۱۰/۲۳) در گزارش دیگری از وضعیت هزار گورخواب در زاهدان می‌نویسد. همین خبرگزاری در آستانه‌ی نوروز ۹۶ (تسنیم،

از پدیده‌ای به نام «ماشین‌خوابی» به عنوان نوع دیگری از اسکان غیررسمی جدید گزارش می‌دهد: «این پدیده مربوط به رانندگان تاکسی<sup>۱</sup> است که سرپناه ندارند و شب‌ها را در خودروی خود استراحت می‌کنند، و به نوعی در ماشین خود زندگی می‌کنند.» روزنامه‌ی *ایران* (۱۳۹۷/۱۱/۲۷) نیز از نوع جدید دیگری از اسکان غیررسمی به نام «بام فروشی» خبر می‌دهد: «در برخی از مناطق ضعیف و کم‌برخوردار شهر تهران، مالکین قسمت پشت‌بام خود را به صورت یک اتاق به افرادی که معمولاً جزو دهک‌های پایین جامعه محسوب می‌شوند اجاره می‌دهند.» یکی دیگر از انواع حاشیه‌نشینی، سکونت در مناطق بافت فرسوده است. رئیس کمیسیون تحقیقات و آموزش شورای عالی استان‌ها در این خصوص می‌گوید: «در زمان حاضر ۱۱ میلیون ایرانی ساکن بافت‌های فرسوده شهری و ۹ میلیون نفر ساکن سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای هستند و در مجموع ۲۰ میلیون نفر در این سکونت‌گاه‌ها زندگی می‌کنند که ۲۵ درصد جمعیت کشور را شامل می‌شوند» (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۱/۲۳).

## ۲. حاشیه‌نشینی در ایران

ورود نفت به اقتصاد ایران و کاهش وابستگی به کشاورزی، انتقال اضافه جمعیت شهر به حاشیه‌ها، فقر در جامعه روستایی و شهرهای کوچک، فقدان قوانین روشن مرتبط با حریم‌های شهری و اجرا نشدن قوانین منطقه‌بندی ارضی، ضعف مدیریت شهری کشور در سامان‌دهی و جذب تازه‌واردان مهاجر، نبود خدمات مشاوره شهری در مورد ساخت و سازها، و ادغام روستاهای حریم شهرها در روند پوست‌اندازی شهری با بافت روستایی در متن شهری از عوامل شکل‌گیری مناطق اسکان غیررسمی بوده است. در بحث علل و عوامل حاشیه‌نشینی به مهاجرت، عدم تعادل فضایی شهر، یا عدم امکان خرید مسکن اشاره شده، اما نباید دلایل

۱. احتمالاً منظور مسافرکش‌های شخصی یا رانندگان شرکت‌های مسافری درون‌شهری مثل اسنپ است.

اساسی‌تر بروز این پدیده در ساختار اقتصاد سیاسی و الگوی برنامه توسعه را که منجر به انواعی از عدم تعادل‌ها می‌شود نادیده گرفت. عدم تعادل در بهره‌گیری از مواهب توسعه‌یافتگی منجر به تحرکات ناموزون جمعیت در سطح استان‌ها مانند مهاجرت از مناطق کمتر توسعه‌یافته به مناطق در حال توسعه یا توسعه‌یافته‌تر شده است (نقدی، ۱۳۸۹: ۸۶).

در شهرهای ایران، خاستگاه حاشیه‌نشینان را گروه‌های اجتماعی زیر تشکیل می‌دهد: مهاجران روستایی، خانوارهای آسیب‌پذیر یا فروپاشیده بر اثر فوت سرپرست، جمعیت روستاهای ادغام‌شده در بافت شهری که به دلیل فقدان سطح زندگی استاندارد شهری و قرار گرفتن در زیر خط فقر از گردونه اصلی خارج و به حاشیه‌نشینی یا اسکان غیررسمی رانده می‌شوند، ساکنان مناطق بافت فرسوده، و در مواردی مهاجران و پناهجویان خارجی. معاون معماری و شهرسازی وزارت راه و شهرسازی، در مصاحبه‌ای با پایگاه خبری این وزارتخانه در سال ۹۷ اشاره می‌کند که مناطق حاشیه‌نشین از مالکیت شخصی برخوردار نیستند و طبق مطالعات انجام‌گرفته ۸۹ درصد آنها برخلاف تصور همگان در محدوده شهری واقع شده‌اند و تنها درصد کمی از این نواحی در خارج از محدوده قانونی شهر مستقرند. همچنین مدیرکل دفتر ستاد ملی بازآفرینی شهری وزارت راه و شهرسازی، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری ایرنا در سال ۹۶ می‌گوید: «حدود ۳۰ درصد جمعیت شهری ایران در سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای ساکن هستند.»

در گزارش دبیرخانه ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار در آذر ۹۸ (جدول ۹) آمده که حدود ۲۱ میلیون نفر در مناطق حاشیه‌ای شامل سکونت‌گاه‌های غیررسمی، بافت‌های ناکارآمد میانی و بافت‌های تاریخی زندگی می‌کنند. از این جمعیت، حدود ۶ میلیون نفر در بافت‌های ناکارآمد، حدود ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در بافت‌های تاریخی، و حدود ۱۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر در سکونت‌گاه‌های غیررسمی اسکان یافته‌اند (شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۸). معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل شرکت بازآفرینی شهری ایران، با اشاره به اینکه بیش از



۲۵ درصد از مساحت کشور را بافت‌های فرسوده و ناکارآمد اشغال کرده است، می‌گوید ۲۰ درصد جمعیت کشور ساکن این بافت‌ها هستند که عموماً دهک‌های اول و دوم کم‌درآمد جامعه را شامل می‌شود. در محلات هدف بازآفرینی شهری، ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار واحد مسکونی شناسایی شده که کمتر از ۱۰ درصد آن نوسازی شده است. در ۵۴۶ شهر کشور نیاز به بازآفرینی بافت‌های فرسوده وجود دارد (سایت شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۸/۶/۲۶).

جدول ۹. ویژگی‌های محلات اسکان غیررسمی

تعداد واحد مسکونی	متوسط بعد خانوار (نفر) (۱۳۹۵ نفر)	جمعیت (نفر) (۱۳۹۵)	مساحت محلات (هکتار)	محل (تعداد مطالعه شده)	شهر (تعداد مطالعه شده)	گونه‌های محلات
۱,۶۹۶,۰۰۰	۳,۵	۵,۹۳۶,۳۷۷	۱۰۴,۵۵	۱۰۰۰	۴۶۵	ناکارآمد میانی
۷۸۸,۰۰۰	۳,۳	۲,۶۰۰,۷۱۹	۲۴,۱۴۱	۶۰۰	۱۷۵	تاریخی
۳,۲۵۶,۰۰۰	۳,۷	۱۲,۴۲۰,۰۰۰	۶۱,۶۷۵	۱۱۰۰	۱۱۰	سکونت‌گاه‌های غیررسمی
۵,۷۴۰,۰۰۰	۳,۵	۲۰,۹۵۷,۰۹۶	۱۴۰,۹۲۰	۲,۷۰۰	۵۴۳	جمع / متوسط

منبع: شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۸

### مهاجرت و حاشیه‌نشینی

یکی از عوامل بسیار تأثیرگذار بر مناطق حاشیه‌نشین در شهرهای ایران مهاجرت است. این مهاجرت‌ها اکثراً به «پیدایش» این سکونت‌گاه‌ها بازمی‌گردد، و باید توجه داشت که نحوه سکونت در اجتماعات غیررسمی و حاشیه‌ای ایران در حال تغییر است و به سمت اسکان‌نایابی پیش می‌رود. در این روند اسکان، مهاجرت

نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کند و نحوه سکونت در این سکونت‌گاه‌ها با جابه‌جایی ساکنین سایر محلات شهر به این مناطق همراه است. به عنوان نمونه می‌توان به کوی منبع آب اهواز اشاره کرد که تنها ۳۳,۸ درصد ساکنان این منطقه دارای منشأ مهاجرت روستایی هستند (ایران‌دوست و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۲).

### کودکان و حاشیه‌نشینی

کودکان نیز از جمله قربانیان فقر شهری‌اند. بسیاری از حقوق کودکان به دلیل زندگی در سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای و غیررسمی نقض می‌شود. میزان مرگ‌ومیر کودکان در این مناطق بالا است. مکان‌های امن بیرون از خانه برای اوقات فراغت کودکان وجود ندارد یا غیراستاندارد است. امکانات آموزشی و تحصیلی در این مناطق بسیار محدود و همراه با تبعیض جنسیتی است. قاچاق کودکان و آزار جنسی در این محلات وجود دارد و شاخص‌های سلامت و امکانات و خدمات بهداشتی بسیار پایین است. کودکان ساکن این مناطق به فقر تغذیه‌ای دچارند و بسیار زودتر از مناطق رسمی به بازار کار وارد می‌شوند. دختران در این سکونت‌گاه‌ها به دلایل فرهنگی و اجتماعی با محدودیت‌های بیشتری مواجه‌اند. کودک‌همسری، ترک تحصیل و خشونت ساختاری و جنسیتی در میان این گروه از کودکان شدت بیشتری نسبت به کودکان ذکور دارد. طبق شاخص‌های وزارت راه و شهرسازی، از هر ۱۱ میلیون نفر ساکن این مناطق، ۳,۲ میلیون نفر کودک‌اند. در بین شهرهای ایران، بدترین وضعیت این نوع سکونت‌گاه‌ها با بیشترین جمعیت شهری ساکن در آنها در سنندج، زاهدان، بندرعباس، کرمانشاه و اهواز دیده می‌شود، به طوری که کودکان این مناطق در معرض انواع خطرات محیطی قرار دارند و به زیرساخت‌های بهداشتی، تحصیلی و اوقات فراغت دسترسی ندارند (روشنفکر، ۱۳۹۷).

### ۳. حاشیه‌نشینی در استان‌ها<sup>۱</sup>

جمعیت حاشیه‌نشین کشور بین ۱۱ تا ۲۰ میلیون نفر برآورد شده است. این اختلاف آمار ناشی از احتساب یا عدم احتساب سکونت در مناطق بافت فرسوده است. جمعیت حاشیه‌نشین با احتساب ساکنان بافت‌های فرسوده حدود ۲۱ میلیون نفر و بدون احتساب آن حدود ۱۱ میلیون نفر است. جدا از مناطقی مانند معالی‌آباد شیراز که جزو مناطق حاشیه‌ای محسوب نمی‌شوند و اعتراضات آبان در آنها گزارش شده، بسیاری دیگر از شهرهای درگیر اعتراضات آبان از نقاط حاشیه‌ای و مناطق اسکان غیررسمی کشور محسوب می‌شوند. در ادامه به وضعیت حاشیه‌نشینی در استان‌های ایران می‌پردازیم.

**آذربایجان شرقی:** سطح مناطق حاشیه‌نشین و اسکان غیررسمی در تبریز، مرکز این استان، ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار برآورد شده است. بیش از ۴۰۰ هزار نفر از جمعیت ۲ میلیون نفری شهر در این محلات مستقرند که از شهر جدا نیستند و بخشی از بدنه اصلی کلان‌شهر تبریز محسوب می‌شوند. به گفته مدیرکل اداره راه و شهرسازی استان آذربایجان شرقی، ۴۸ هکتار از ضلع جنوبی حاشیه انوبان پاسداران و ۴۲ متری انقلاب درگیر معضل حاشیه‌نشینی است. البته این اعداد و ارقام در حالی مطرح می‌شود که یکی از اعضای شورای شهر تبریز گفته ارقامی که برای حاشیه‌نشینی ذکر می‌شود درست نیست چرا که چند سال است همین اعداد و ارقام ارائه می‌شود (سایت مهر، ۱۳۹۸/۴/۲). در این استان، شهر تبریز شاهد اعتراضات آبان بود.

**آذربایجان غربی:** فرماندار ارومیه تعداد سکونت‌گاه‌های غیررسمی در ارومیه را در حال حاضر ۲۵ منطقه و محله ذکر می‌کند. در این سکونت‌گاه‌ها جمعیتی در

---

۱. اگرچه موضوع این گزارش حوادث و اعتراضات آبان است، به جهت برجسته شدن نقش مناطق اسکان غیررسمی یا حاشیه‌نشین‌ها در اغلب اظهارنظرها، تصمیم گرفتیم با توضیح وضعیت متفاوت حاشیه‌نشینی در مناطق مختلف کشور تمرکز بیشتری بر نقش ساکنان این مناطق در اعتراضات داشته باشیم.

حدود ۲۵۰ هزار نفر زندگی می‌کنند که حدود ۲۰ درصد جمعیت ارومیه را شامل می‌شود. طبق گفته‌ی وی، وسعت مناطق حاشیه‌نشین ارومیه در حدود ۴۷۱ هکتار است که حدود ۴,۵ درصد از کل مساحت ارومیه را تشکیل می‌دهد (سایت ایسنا، ۱۳۹۸/۷/۱۰). خبرگزاری فارس نیز گزارش می‌دهد که ۶۰۰ هزار نفر در ۷۲ محله با وسعت ۳ هزار هکتار در مناطق حاشیه‌ای شهرهای آذربایجان غربی زندگی می‌کنند که بیش از ۲۰۰ هزار نفر از آنان در ارومیه در مناطقی همچون کشتارگاه، حاجی پیرلو، وکیل‌آباد، اسلام‌آباد، علی‌آباد، حسین‌آباد، شهرک پردیس و شهرک گل‌مان سکونت دارند. این خبرگزاری همچنین آمار سرپرست دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری آذربایجان غربی را نقل کرده که مربوط به همه‌انواع حاشیه‌نشینی (با احتساب اسکان غیررسمی) است: «۳۴۰ هزار نفر حاشیه‌نشین در ارومیه شناسایی شده که ۳۷ درصد جمعیت این شهرستان است» (سایت فارس، ۱۳۹۸/۴/۹). در آبان ۹۸ در این استان گزارش‌هایی از اعتراضات در شهرهای ارومیه و بوکان منتشر شد.

**اردبیل:** در استان اردبیل، ۱۱۴۵ هکتار منطقه حاشیه‌نشین وجود دارد که عمده این بافت‌ها مربوط به شهرهای اردبیل، پارس‌آباد و مشگین‌شهر است. به گفته‌ی معاون امور اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری اردبیل: «براساس آمارهای موجود، ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفری استان اردبیل حاشیه‌نشین هستند. از این تعداد تاکنون ۱۵ هزار و ۲۹۵ نفر در ۲۴ محله اردبیل، ۱۹ هزار و ۸۵ نفر در ۱۳ محله مشگین‌شهر، ۳۰ هزار و ۸۴۶ نفر در ۷ محله پارس‌آباد، ۲ هزار و ۵۰۰ نفر در ۲ محله خلخال، و ۹ هزار و ۳۲۱ نفر در ۳ محله شهر گرمی به عنوان اهالی این سکونت‌گاه‌ها شناسایی شده‌اند» (سایت ایسنا، ۱۳۹۸/۴/۴). گزارشی از اعتراض در این استان در آبان ۹۸ منتشر نشده است.

**اصفهان:** به گفته‌ی مدیرکل راه و شهرسازی استان اصفهان، جدای از آمارهای غیررسمی و اتباع خارجی، هم‌اکنون بیش از ۲۲۰ هزار نفر در وسعت ۵۲۵

هکتاری حاشیه‌های کلان‌شهر اصفهان ساکن هستند. به گفته رئیس کمیسیون امور اجتماعی و محیط زیست شورای اسلامی شهر اصفهان، ۶ منطقه حاشیه‌نشین و ۴۰۰ منطقه بحرانی در اصفهان وجود دارد (سایت صدا و سیما، ۱۳۹۸/۲/۱۷). در این استان، شهرهای اصفهان، فولادشهر، بهارستان و نجف‌آباد در آبان ۱۳۹۸ شاهد اعتراضات بودند.

**البرز:** معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار البرز خبر از وجود ۶۲ نقطه حاشیه‌نشین در البرز با بیش از ۹۰۰ هزار نفر جمعیت می‌دهد (سایت ایسنا، ۱۳۹۸/۹/۲۵). مناطق کرج، فردیس، هشتگرد، گوهردشت، مشکین‌دشت و گلشهر در آبان ۹۸ شاهد اعتراضات بودند.

**ایلام:** طبق آمارهای غیررسمی، هم‌اکنون ۹۰ هزار نفر از جمعیت مرکز استان ایلام در سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای زندگی می‌کنند و این تعداد هر سال افزایش می‌یابد. البته مسئولان استان می‌گویند حدود ۴۰ هزار نفر در این مناطق سکونت دارند که با توجه به جمعیت حدود ۲۰۰ هزار نفری ایلام، یک‌چهارم جمعیت این شهر حاشیه‌نشین هستند (سایت همشهری آنلاین، ۱۳۹۸/۵/۲۱). معاون سیاسی و امنیتی استاندار ایلام تعداد ساکنان مناطق حاشیه‌ای این استان را ۴۵ هزار نفر معادل ۹ درصد جمعیت استان ذکر کرده است (سایت شبستان، ۱۳۹۸/۷/۲۹). در این استان، شهر ایلام شاهد اعتراضات آبان بود.

**بوشهر:** از ۳۸ شهر استان بوشهر، ۱۲ شهر مناطق اسکان غیررسمی دارند. وسعت محلات حاشیه‌نشین این شهرها یک هزار و ۶۸۵ هکتار است و ۱۸۳ هزار نفر جمعیت در آنها ساکن‌اند. به عبارتی، ۳۰ درصد جمعیت ۱۲ شهر استان بوشهر در محلات اسکان غیررسمی و فرسوده شهری سکونت دارند که ۱۵ درصد مساحت این شهرها را تشکیل می‌دهند. بیشترین مناطق اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشین استان بوشهر در دو شهر بوشهر و برازجان واقع است. اسکان غیررسمی در مرکز استان بوشهر یعنی شهرستان بوشهر نیز ۶۶ هزار نفر جمعیت را شامل می‌شود (سایت تسنیم، ۱۳۹۸/۲/۱۸). در استان بوشهر، مناطق بوشهر، چغادک، جم و کنگان شاهد اعتراضات در آبان ۱۳۹۸ بودند.

**تهران:** چندی پیش مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران از افزایش نرخ حاشیه‌نشینی در پایتخت خبر داد (سایت اعتماد آنلاین، ۱۳۹۸/۶/۱۲). جمعیت نقاط حاشیه‌ای تهران براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۹۵ چنین است: اسلامشهر ۵۴۸ هزار و ۶۲۰، شهرستان قدس یا همان قلعه حسن خان ۳۱۶ هزار و ۶۳۶، ورامین ۲۸۳ هزار و ۷۴۲، ملارد ۳۷۷ هزار و ۲۹۲، شهریار ۷۴۴ هزار و ۲۱۰، رباط‌کریم ۲۹۱ هزار و ۵۱۶، بهارستان ۵۳۶ هزار و ۳۲۹، و پرند ۹۷ هزار و ۴۶۴ نفر. دو منطقه اسلامشهر و شهر قدس در تهران در اعتراضات آبان ۹۸ مشارکت بالایی داشتند. مطابق آمار منتشرشده، بیش از ۸۶۰ هزار نفر ساکن این مناطق هستند. در استان تهران، مناطق تهران بزرگ، شهرک اندیشه، بومهن، پرند، رباط‌کریم، شهریار، تهرانسر، ورامین، اسلامشهر، دماوند، ملارد، سلطان‌آباد، قدس و بهارستان شاهد اعتراضات آبان بودند.

**چهارمحال و بختیاری:** جمعیت ساکنان نقاط حاشیه‌نشین این استان ۱۶ هزار و ۴۰۰ نفر است (سایت ایسنا، ۱۳۹۷/۴/۲۴). گفته می‌شود که بخش عمده‌ای از این مناطق در شهرستان لردگان متمرکز است. مناطق مهدیه شهرکرد، محله فارسان، نقنه بروجن و وردنجان از دیگر شهرستان‌های درگیر حاشیه‌نشینی در استان چهارمحال و بختیاری است (رئیس‌عیسی‌آبادی و پورااعتمادی، ۱۳۹۸). گزارشی از وقوع یا عدم وقوع اعتراضات در آبان ۹۸ در این استان در دست نیست. **خراسان جنوبی:** استان خراسان جنوبی رتبه ۲۳ را در میان استان‌های ایران از نظر حاشیه‌نشینی در اختیار دارد و بر مبنای داده‌های موجود، ۵,۳ درصد جمعیت این استان در مناطق حاشیه‌ای سکونت دارند. جمعیت ساکنان مناطق حاشیه‌ای استان خراسان جنوبی ۳۵ هزار نفر برآورد شده که در ۶ محله در شهر بیرجند مستقر شده‌اند (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۶). در این استان، منطقه بیرجند شاهد اعتراضات آبان بود.

**خراسان رضوی:** مطابق گزارش شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۹ هزار و ۲۱۳ هکتار از مساحت این استان بافت فرسوده (شامل بافت ناکارآمد میانی یا فرسوده،

بافت تاریخی و سکونت‌گاه غیررسمی) است که این رقم حدود ۱۷ درصد از کل مساحت استان را تشکیل می‌دهد. بیشترین سهم سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای این استان متعلق به شهر مشهد با وسعت ۳ هزار و ۸۹۴ هکتار است که ۷۱ درصد از مساحت سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای کل استان خراسان رضوی را شامل می‌شود. براساس این گزارش، شهر خرو با ۳۶,۸ درصد بیشترین بافت فرسوده را در بین شهرهای استان به خود اختصاص داده است. شهرهای نیشابور با ۳۳,۵، سبزوار با ۳۲,۴ و خلیل‌آباد با ۳۱ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند (سایت وزارت راه و شهرسازی، ۱۳۹۷/۴/۶). گزارش‌های منتشرشده نشان می‌دهد شهرهای مشهد و نیشابور در آبان ۹۸ درگیر اعتراضات بودند.

**خراسان شمالی:** عمده آمارهای موجود از این استان مربوط به مرکز آن یعنی شهر بجنورد است که گفته می‌شود بیشترین جمعیت حاشیه‌نشین این استان را در خود جای داده است. عضو سابق شورای اسلامی شهر بجنورد خبر از اسکان ۷۰ هزار نفر از ساکنان مناطق حاشیه‌ای در حواشی این شهر می‌دهد (سایت تسنیم، ۱۳۹۸/۷/۱۹). مدیرکل دفتر اجتماعی و فرهنگی استانداری خراسان شمالی خبر از اسکان ۳۵ درصد از جمعیت بجنورد در مناطق حاشیه‌ای آن می‌دهد و می‌گوید این مناطق بیشترین تراکم حاشیه‌نشینی را به خود اختصاص داده است (سایت ایسنا، ۱۳۹۸/۵/۷). گزارشی از وقوع یا عدم وقوع اعتراضات آبان در این استان در دست نیست.

**خوزستان:** اواخر سال ۹۷ مدیرکل امور اجتماعی استانداری خوزستان گفت: «براساس برآوردهای انجام‌شده، ۸۵۰ هزار نفر در خوزستان جزو اقشار حاشیه‌نشین و کم‌برخوردار هستند» (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۱۰/۲۲). بنابراین جمعیت حاشیه‌نشین استان خوزستان از جمعیت استان‌های ایلام، خراسان شمالی، سمنان، خراسان جنوبی و کهگیلویه و بویر احمد بیشتر است. معاون امور عمرانی استاندار خوزستان نیز اعلام کرد: «مساحت بافت ناکارآمد شهری در خوزستان ۱۳ هزار و ۴۱۷ هکتار و مربوط به ۲۹ شهر استان است، و اگر مطالعات

سطح یک نیز در این راستا اعمال شود، قطعاً میزان بافت ناکارآمد شهری بسیار بیشتر خواهد بود» (سایت ایسنا، ۱۳۹۸/۵/۱۴). در این استان، شهرهای اهواز، آبادان، ماهشهر، بهبهان و امیدیه شاهد اعتراضات آبان بودند.

**زنجان:** مدیرکل امور اجتماعی استانداری زنجان معتقد است نزدیک ۷۰ هزار نفر در شهرهای این استان شامل زنجان، ابهر و قیدار در مناطق حاشیه‌ای ساکن هستند. به گفته وی، حاشیه‌نشینی در زنجان به معنای وجود حلبی‌آباد نیست، بلکه محل اسکان حاشیه‌نشینان فاقد حداقل استانداردهای محل سکونت است. گفتنی است که ۷۰ هزار نفر در ۷ منطقه حاشیه‌ای شهر زنجان زندگی می‌کنند که ۱۸ درصد از جمعیت کل استان را تشکیل می‌دهد، و ۲۲ هکتار از سکونت‌گاه سامان‌دهی نشده است (سایت دانا، ۱۳۹۷/۳/۲۹). مدیرکل راه و شهرسازی این استان آمار حاشیه‌نشینی زنجان را ۳۶۷ هکتار با ۶۵ هزار و ۹۷۷ نفر جمعیت و ۱۹ هزار و ۶۹۴ خانوار اعلام کرده که شهرهای زنجان، ابهر و قیدار را دربرمی‌گیرد. به گفته وی، ۷ سکونت‌گاه حاشیه‌ای شهر زنجان ۳،۸۴ درصد از مجموع مساحت ۶ هزار و ۱۷۰ هکتاری این شهر و ۱۲ درصد جمعیت شهری زنجان معادل ۵۲ هزار نفر را به خود اختصاص داده است. حسین‌آباد ابهر نیز با ۰/۶ درصد از مساحت این شهر محل اسکان ۱۱ هزار و ۸۹۸ نفر حاشیه‌نشین است که معادل ۱۱ درصد جمعیت ابهر است. این نسبت گویای سرانه‌های پایین است. مناطق حاشیه‌ای قیدار (کوی شریعتی) با ۲۸ هکتار مساحت به طور تقریبی نیم درصد مساحت شهر را دربرمی‌گیرد و ۳ درصد جمعیت شهری در این مناطق ساکن هستند. سکونت‌گاه‌های غیررسمی زنجان شامل اسلام‌آباد، نجف‌آباد، سایان، خاندیره، شهدا، فاطمیه و گوجیک‌آباد است (سایت ایرنا، ۱۳۹۸/۴/۲۷). در آبان ۹۸ گزارش‌هایی از اعتراضات در شهر زنجان منتشر شد.

**سمنان:** شهر سمنان ۴۵۰ هکتار، شاهرود ۴۳۶ هکتار، دامغان ۳۸۲ هکتار، گرمسار ۲۲۱ هکتار، شهمیرزاد ۱۴۱ هکتار، مهدی‌شهر ۱۰۸ هکتار، آزادان ۹۸ هکتار، ایوانکی ۹۷ هکتار، مجن ۹۶ هکتار، سرخه ۶۴ هکتار، بسطام ۵۸ هکتار،



کلاته خیج ۳۹ هکتار، درجزین ۳۲ هکتار، بیارجمند ۱۷ هکتار، و امیریه ۹ هکتار بافت فرسوده دارند. با توجه به جمعیت ۷۰۲ هزار نفری استان سمنان، ۱۸ تا ۲۰ درصد جمعیت استان در بافت فرسوده زندگی می‌کنند (سایت ایرنا، ۱۳۹۶/۵/۳). در این استان، شهر سمنان شاهد اعتراضات آبان بود.

**سیستان و بلوچستان:** مدیرکل راه و شهرسازی سیستان و بلوچستان جمعیت ساکن در مناطق حاشیه‌نشین استان را ۴۴۱ هزار و ۶۲۵ نفر عنوان می‌کند که به طور میانگین ۴۱ درصد جمعیت شهرهای استان را شامل می‌شود. این آمار به تفکیک هر شهر زاهدان ۴۴ درصد (۲۵۸ هزار و ۷۸۰ نفر)، زابل ۴۵ درصد، چابهار ۵۰ درصد، کنارک ۴۵ درصد، و ایرانشهر ۲۳ درصد است (سایت ایسنا، ۱۳۹۷/۴/۲۴). به گفته وی زاهدان، چابهار، زابل و ایرانشهر با ۴ هزار و ۲۵ هکتار محدوده شناسایی شده سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای استان را تشکیل می‌دهند، و زاهدان با یک هزار و ۲۶۰ هکتار بیشترین مساحت سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای استان را به خود اختصاص داده است. بعد از زاهدان، ایرانشهر با یک هزار و ۱۲۷ هکتار، چابهار با ۸۷۲ هکتار، و زابل با ۷۶۶ هکتار قرار دارند (سایت ایرنا، ۱۳۹۶/۱۱/۳). سرپرست فرمانداری چابهار نیز اظهار می‌دارد ۶۰ هزار نفر از جمعیت ۳۲۰ هزار نفری این شهرستان حاشیه‌نشین هستند (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۸/۲۴). در این استان، شهر زاهدان درگیر اعتراضات آبان بود.

**فارس:** در استان فارس ۳۰۰ هزار نفر حاشیه‌نشین هستند. جمعیت حاشیه‌نشین در شیراز مرکز استان ۲۰۰ هزار نفر است، یعنی بیش از ۱۰ درصد ساکنان کلان‌شهر شیراز حاشیه‌نشین هستند (سایت همشهری آنلاین، ۱۳۹۸/۱۰/۸). این جمعیت در ۴۰ منطقه اطراف شیراز به مساحت یک هزار و ۴۰۰ هکتار در مناطق جنوبی، جنوب غربی و جنوب شرقی شیراز زندگی می‌کند (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۴/۲۶). در این استان، مناطق شیراز، داراب، فسا، صدرا و کازرون شاهد اعتراضات آبان بودند.

**قم:** مدیرکل راه و شهرسازی قم وسعت محلات اسکان غیررسمی و بافت فرسوده

شهر قم را ۳ هزار هکتار معادل ۳۲ درصد مساحت این شهر برآورد می‌کند (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۹/۲۲). حدود ۱۶۳ هزار نفر از مردم قم در ۲۰۰ هکتار سکونت‌گاه غیررسمی استان سکونت دارند (سایت تسنیم، ۱۳۹۸/۴/۲۲). گزارشی از وقوع یا عدم وقوع اعتراضات در این استان در دست نیست.

**قزوین:** در شهرستان قزوین ۱۴ منطقه حاشیه‌نشین، در تاکستان ۵ منطقه، در آبیک ۳ منطقه، در شهرستان آوج یک منطقه، در الوند ۴ منطقه و در بوئین‌زهرا ۲ سکونت‌گاه حاشیه‌نشین وجود دارد (سایت ایرنا، ۱۳۹۸/۴/۱۸). در داخل بافت شهر قزوین نیز محله‌های لالوها، هادی‌آباد، کوی بهار، باغ نشاط، مغلوک، سلامگاه، آخوند، تبریز، دیمچ، کوی اداره غله، قملاق، گوسفندان میدان، شیخ‌آباد، آسیاب، و راه‌آهن از محلات درگیر اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی هستند. گزارش‌هایی از اعتراضات آبان در شهر قزوین منتشر شد.

**کردستان:** ۱۷ منطقه حاشیه‌ای در سنندج مرکز استان کردستان وجود دارد و ۱۶۸ هزار و ۳۳۶ نفر در این مناطق ساکن هستند. همچنین در شهرستان‌های بانه ۱۳ محله، سقز ۷ محله، مریوان ۵ محله، بیجار ۵ محله، قروه یک محله، دیواندره ۲ محله، و کامیاران یک محله حاشیه‌نشین شناسایی شده است که در مجموع ۲۴۰ هزار و ۹۱۵ نفر از جمعیت استان در این مناطق زندگی می‌کنند. اگر اطلاعات به‌روز و طبق برخی شاخص‌ها استانداردسازی شود، بسیاری از نقاط دیگر نیز حاشیه محسوب و به این آمار اضافه می‌شوند. در استان کردستان، حدود ۵۰ درصد از جمعیت یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفری در بافت‌های فرسوده اسکان یافته‌اند (سایت ایرنا، ۱۳۹۸/۶/۲۵). در این استان، مناطق سنندج و مریوان شاهد اعتراضات بودند.

**کرمان:** معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار کرمان تعداد کنونی مناطق حاشیه‌نشین این استان را براساس آمار فرمانداری‌های استان ۵۶ منطقه با ۶۲ هزار نفر جمعیت ساکن ذکر می‌کند (سایت ایسنا، ۱۳۹۸/۹/۴). در این استان، گزارش‌هایی از اعتراضات آبان در شهرهای کرمان، سیرجان، کیان‌شهر، رفسنجان و کهنوج منتشر شد.

**کرمانشاه:** به گفته مشاور سازمان امور اجتماعی کشور، کرمانشاه از نظر جمعیت ساکن در بافت‌های ناکارآمد شهری جایگاه دوم و از نظر وسعت این بافت‌ها جایگاه سوم را در ایران دارد. در همین زمینه یک کارشناس مسائل شهری عنوان می‌کند که حدود یک‌سوم جمعیت شهر کرمانشاه در حاشیه شهر و سکونت‌گاه‌های غیررسمی و نامتعارف زندگی می‌کنند. فرماندار کرمانشاه می‌گوید: «این روزها حاشیه‌نشینی در سکونت‌گاه‌های رسمی و غیررسمی در اطراف کلان‌شهر کرمانشاه به یک چالش جدی برای مدیران شهری و نهادهای فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است؛ ۳۳ درصد از جمعیت کرمانشاه در بافت فرسوده سکونت دارند، یعنی بیش از ۳۰۰ هزار نفر» (سایت ایسنا، ۱۳۹۷/۲/۲۴). دامنه اعتراضات آبان در شهر کرمانشاه بسیار گسترده بود. گزارش‌هایی نیز از اعتراضات در شهر جوانرود گزارش شد.

**کهگیلویه و بویر احمد:** مدیرکل امور اجتماعی استانداری کهگیلویه و بویر احمد در گفت‌وگو با ایسنا تأکید می‌کند که بیش از ۱۰ درصد جمعیت استان در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. به گفته وی: «طبق آمار ۸۰ هزار نفر در استان حاشیه‌نشین هستند، یعنی با توجه به جمعیت ۷۰۰ هزار نفری استان بیش از ۱۰ درصد جمعیت استان در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. بیشتر جمعیت حاشیه‌نشین این استان ساکن شهرهای یاسوج و گچساران هستند» (سایت ایسنا، ۱۳۹۸/۵/۱۶). در این استان، گزارش‌هایی از اعتراضات آبان در شهرهای یاسوج و گچساران منتشر شد.

**گلستان:** در این استان ۱۶,۴ درصد جمعیت حاشیه‌نشین هستند که ۵,۴ درصد بیشتر از متوسط کشوری است (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۵/۳). تاکنون بیش از ۶۲ سکونت‌گاه حاشیه‌نشین در گلستان شناسایی شده است که بیشترین فراوانی آن در شهرستان‌های گرگان و گنبد کاووس بوده است (سایت فارس، ۱۳۹۷/۵/۱۴). در این استان، شهر گرگان شاهد اعتراضات آبان بود.

**گیلان:** بیش از ۱۷۴ هزار نفر در مناطق حاشیه‌ای و سکونت‌گاه‌های غیررسمی

گیلان زندگی می‌کنند. شهرهای رشت و لنگرود و سپس تالش و بندر انزلی دارای بیشترین جمعیت حاشیه‌نشین در سطح استان گیلان هستند (سایت تسنیم، ۱۳۹۷/۹/۱). در آبان ۹۸ گزارش‌هایی از وقوع اعتراضات در شهر رشت منتشر شد. **لرستان:** در این استان ۹۰۱ هکتار محدوده بافت ناکارآمد میانی، ۸۰۷ هکتار سکونت‌گاه غیررسمی، و ۳۴۳ هکتار بافت تاریخی شناسایی و مطالعه شده است (سایت ایسنا، ۱۳۹۸/۱۰/۱۶). متأسفانه آماری از جمعیت ساکن در مناطق غیررسمی این استان در دست نیست. در آبان شهرهای خرم‌آباد و پلدختر شاهد اعتراضات نسبتاً گسترده به افزایش قیمت بنزین بودند.

**مازندران:** سهم استان مازندران از ساکنان مناطق حاشیه‌نشین کشور حدود ۱۴۰ هزار نفر است. این جمعیت در ۳۳ منطقه مختلف استان مازندران زندگی می‌کند (سایت مهر، ۱۳۹۸/۱۰/۱۵). دامنه اعتراضات آبان در این استان قابل توجه بود و گزارش‌هایی از تجمعات در شهرهای ساری، قائمشهر، بابل، عباس‌آباد و بهشهر منتشر شد.

**مرکزی:** کلان‌شهر اراک و پس از آن ساوه دو منطقه اصلی حاشیه‌نشین در این استان هستند. در اراک حدود ۱۵۰ هزار نفر از جمعیت ۶۰۰ هزار نفری شهر در مناطق حاشیه‌ای سکونت دارند. این سکونت‌گاه‌ها در اراک در کوی ولیعصر (چشمه موشک)، سجادیه (باغ خلج)، بخشی از کوی امام علی (ع) (فوتبال)، منطقه شهدای صفری، منطقه کوی ابوالفضل (ع)، و انتهای کشتارگاه واقع است (سایت ایرنا، ۱۳۹۶/۷/۱۶). آمارهای جدیدتر نیز نزدیک به همین داده‌ها و حاکی از آن است که ۲۰ درصد جمعیت ۵۹۰ هزار نفری شهرستان اراک در مناطق حاشیه‌ای ساکن هستند (سایت مهر، ۱۳۹۸/۲/۱۸). سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد ۲۳٫۵ درصد افراد ساکن در سکونت‌گاه‌های غیررسمی استان مرکزی بی‌سواد و ۱۱ درصد از ساکنان این مناطق دارای تحصیلات دیپلم هستند. همچنین ۸۴ درصد ساکنان مناطق غیررسمی استان مرکزی مهاجر و تنها ۱۱٫۵ درصد بومی هستند. براساس مطالعات، ۴۲ درصد از حاشیه‌نشینان اراک

کارگر ساختمانی و ۷۹ درصد نیز بیکارانی هستند که در گذشته شاغل بوده‌اند. همچنین ۷۱ درصد از ساکنان این مناطق فاقد بیمه درمانی و ۳۵ درصد خانواده‌ها عهده‌دار نگهداری از یک عضو معلول هستند (سایت ایرنا، ۱۳۹۵/۵/۳۱). از نظر مساحت، ۲۳ درصد از جمعیت شهر اراک در ۷ درصد از مساحت این شهر در مناطق حاشیه‌ای و ۱۹ درصد از جمعیت شهرستان ساوه در ۱۲٫۵ درصد از وسعت این شهرستان در مناطق حاشیه‌نشین ساکن هستند (سایت ایرنا، ۱۳۹۶/۷/۱۶). در این استان، مناطق اراک و ساوه شاهد اعتراضات آبان بودند.

**هرمزگان:** استان هرمزگان دارای ۲ هزار و ۳۹۱ هکتار بافت فرسوده شهری است که شهر بندرعباس بیشترین سهم را دارد و سکونت‌گاه‌های حاشیه‌ای آن ۴۳ درصد است (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۱۰/۱۱). براساس آمارها حدود ۲۵۰ هزار نفر در بافت‌های فرسوده بندرعباس زندگی می‌کنند. در آبان ۹۸ گزارش‌های محدودی از وقوع اعتراضات در شهر بندرعباس منتشر شد.

**همدان:** مناطق حاشیه‌نشین استان همدان عموماً در شهرک مدنی، فرهنگیان، قاسم‌آباد، جاده مزدقینه، شهید بهشتی و تپه پیسا واقع است (سایت ایرنا، ۱۳۹۵/۴/۱۳). متأسفانه آماری از جمعیت ساکن در مناطق غیررسمی همدان در دست نیست. گزارش‌هایی از وقوع اعتراضات آبان ۹۸ در شهر همدان منتشر شد. **یزد:** پنج منطقه حسن‌آباد، اسکان، کشتارگاه، میبد پایین و میبد بالا در استان یزد مناطق حاشیه‌نشین معرفی شده که سه منطقه در شهر یزد واقع است. برخی آمارها بیانگر وجود ۱۰۰ تا ۱۱۰ هزار نفر حاشیه‌نشین در استان یزد است (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۷/۲۶). در این استان، شهر یزد شاهد اعتراضات آبان بود.

جدول ۱۰. وضعیت استان‌های کشور از نظر وجود مناطق اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی و وقوع اعتراضات آبان ۱۳۹۸

استان	شهرهای دارای مناطق حاشیه‌نشین	شهرهای محل وقوع اعتراضات آبان	توضیح
آذربایجان شرقی	تبریز	تبریز	برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.
آذربایجان غربی	ارومیه	ارومیه، بوکان	به صورت دقیق مشخص نشده که در محلات حاشیه‌نشین ارومیه اعتراضات وجود داشته یا نه، اما ارومیه که حدود ۳۴۰ هزار حاشیه‌نشین در خود دارد شاهد اعتراضات بوده است.
اردبیل	اردبیل، پارس‌آباد، مشگین‌شهر	گزارش نشده است	
اصفهان	۶ منطقه حاشیه‌نشین و ۴۰۰ منطقه بحرانی	اصفهان، فولادشهر، بهارستان، نجف‌آباد	برخی از مناطق این استان که شاهد اعتراضات بوده حاشیه‌نشین نیست و برخی دیگر جزو مناطق حاشیه‌ای به شمار می‌آید.
البرز	۶۲ نقطه	کرج، فردیس، گوهردشت، مشکین‌دشت، گلشهر	طبق گزارشات به نظر می‌رسد که شهرهای حاشیه‌نشین استان البرز شاهد اعتراضات بوده‌اند.
بوشهر	بوشهر، برازجان	بوشهر، چفادک، جم، کنگان	مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.
تهران	اندیشه، پرنده، هشتگرد، آبیک، رباط‌کریم، رودهن، بومهن، اسلامشهر، شهر قدس، ورامین، ملارد، شهریار، بهارستان، بخش‌هایی از تهران بزرگ	تهران بزرگ، شهرک اندیشه، بومهن، پرنده، رباط‌کریم، شهریار، تهرانسر، ورامین، اسلامشهر، دماوند، ملارد، سلطان‌آباد، قدس و بهارستان	در تهران اکثر مناطقی که در اعتراضات فعال بوده‌اند جزو مناطق حاشیه‌نشین به شمار می‌آیند.

۹۰ | آتش خاموش؛ نگاهی به اعتراضات آبان ۹۸

	گزارش نشده است	لردگان، مهدیه، فارسان، نقنه بروجن، وردنجان	چهارمحال و بختیاری
مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.	بیرجند	بیرجند	خراسان جنوبی
مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.	مشهد، نیشابور	مشهد، شهر خرو، نیشابور، سبزوار، خلیل‌آباد	خراسان رضوی
	گزارش نشده است	بجنورد	خراسان شمالی
برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.	اهواز، آبادان، ماهشهر، پهپهان، امیدیه	۲۹ شهر	خوزستان
برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.	زنجان	زنجان، ابهر، قیدار	زنجان
	گزارش نشده است	سمنان، شاهرود، دامغان، شهمیرزاد، مهدی‌شهر، آرادان، ایوانکی، مجن، سرخه، بسطام، کلاته خیج، درجزین، بیارجمند، امیریه	سمنان
برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.	زاهدان	زاهدان، زابل، چابهار، کنارک، ایرانشهر	سیستان و بلوچستان
اکثر مناطق فعال در اعتراضات این استان جزو مناطق حاشیه‌نشین بوده‌اند.	شیراز، داراب، فسا، صدرا، کازرون	شیراز	فارس
برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.	قزوین	قزوین، تاکستان، آبیک، آوج، الوند، بوئین‌زهر	قزوین
	گزارش نشده است	۲۰۰ هکتار از مساحت و ۱۶۳ هزار نفر از جمعیت استان	قم
برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.	سندج، مریوان	سندج، بانه، سقز، مریوان، بیجار، قروه، دیواندره، کامیاران	کردستان

پنجم؛ حاشیه‌نشین‌ها در اعتراضات آبان | ۹۱

کرمان	۵۶ منطقه	کرمان، سیرجان، کیان‌شهر، رفسنجان، کهنوج	برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.
کرمانشاه	کرمانشاه	کرمانشاه، جواهرود	مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.
کهگیلویه و بویراحمد	یاسوج، گچساران	یاسوج، گچساران	مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.
گلستان	گرگان، گنبد کاووس	گرگان	برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.
گیلان	رشت، لنگرود، تالش، بندرانزلی	رشت	گزارشی از مناطق حاشیه‌ای این شهر در دست نیست.
لرستان	گزارش دقیقی در دست نیست	خرم‌آباد، پلدختر	
مازندران	۳۳ منطقه و ۱۴۰ هزار نفر ساکن	ساری، قائمشهر، بابل، عباس‌آباد، بهشهر	برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.
مرکزی	اراک، ساوه	اراک، ساوه	مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.
همدان	همدان	گزارش نشده است	
یزد	یزد	یزد	برخی مناطق حاشیه‌نشین این استان در اعتراضات فعال بوده‌اند.

در یک ارزیابی کلی می‌توان نتیجه گرفت، به‌جز برخی موارد استثناء، در اغلب مناطقی که اعتراضات آبان در آنها گزارش شده مناطق حاشیه‌نشین وجود داشته است. البته این بدین معنا نیست که همه مناطق حاشیه‌نشین در اعتراضات حضور داشتند.



#### ۴. حاشیه‌نشین‌ها در اعتراضات آبان ۹۸

جمعیت کثیری از مردم حاشیه‌نشین وضعیت معیشتی و رفاهی نامناسبی دارند. بر همین اساس دور از ذهن نیست که این جمعیت دست به اعتراض جمعی نسبت به وضعیت خود بزند. بسیاری از اهالی علوم اجتماعی و مسئولان کشوری معتقدند که متن اصلی اعتراضات آبان مناطق حاشیه‌ای و مهم‌ترین بازیگران و کنشگران وقایع آبان حاشیه‌نشینان بوده‌اند. هزارجریبی در مصاحبه با همکاران گزارش در همین خصوص می‌گوید: «این وقایع با حضور بیش از نیمی از مردم همراه بود که شامل طبقه متوسط و فرودست می‌شد و همچنین بخش‌های بزرگی از مردم که در این اعتراضات حضور فیزیکی نداشتند اما با آن همدل بودند. چنان‌که مشاهدات میدانی نشان می‌دهد، تجمعات در اکثر شهرهای کشور وجود داشت و نکته دیگر اینکه حاشیه‌های اقماری متن اصلی این اعتراضات بود. به‌جز در یکی دو شهر مثل شیراز، افراد معترض حاشیه‌نشینان و طبقات کم‌درآمد بودند. این نشان می‌دهد که ترکش‌های تصمیم‌بنزینی به طبقات ضعیف و متوسط برخورد کرده است. در بسیاری از تجمعات قبلی، مطالبات سیاسی مطرح بود و گروه‌هایی مانند احزاب در آنها حضور داشتند و کمتر شاهد کنشگری طبقات ضعیف بودیم. اما ماهیت اعتراضات آبان تغییر کرده و اقشار ضعیف و کم‌درآمد را درگیر خود کرده بود. تنها حاشیه‌نشینان در آبان ۹۸ معترض نبودند و گروه‌های دیگری نیز درگیر بودند. گروه‌هایی که اصطلاحاً چیزی برای دست دادن ندارند شروع‌کننده چنین اعتراضاتی هستند. روند فعلی در حال افزودن به جمعیت این اقشار و گروه‌ها است. جمعیت افرادی که چیزی برای دست دادن ندارند رفته‌رفته بیشتر شده است. ادامه این روند باعث می‌شود ساکت‌ها هم دیگر ساکت نمانند.»

وی همچنین درباره نسبت جمعیتی حاشیه‌نشینان و تهیدستان کشور می‌گوید: «پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اخیراً طبقه متوسط در کشور یا نداریم یا بسیار ضعیف است. ما مسامحتاً دو طبقه داریم. طبقه مرفه که با اندکی اغماض ۱۰

درصد از جامعه را شامل می‌شود و حدود ۹۰ درصد امکانات را در اختیار دارد، طبقه دیگر هم سایر مردم هستند که شامل اکثریت با کمترین امکانات می‌شود. حاشیه‌نشینان، ساکنان شهرک‌های خوابگاهی، بیکاران و نظایر آنها جزو این قشر محسوب می‌شوند. جمعیت بیکاران حدود ۳۰ درصد از جامعه امروز را شامل می‌شود که بخش مهمی از آنها فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند. هر نوع اتفاقی در کشور رخ بدهد، ۱۰ درصد مرفه جامعه زندگی لوکس خود را دارد و از بحران‌ها تأثیر نمی‌گیرد. اما به محض اینکه کوچک‌ترین نوسان اقتصادی در کشور رخ می‌دهد، شاهد اعتراضات اکثریت مردم هستیم. این نوع گرانی‌ها و بی‌برنامگی‌ها به طبقات متوسط ضربه بزرگی زده است. حتی استادان دانشگاه‌ها هم به سمت فقر رفته‌اند و نمی‌توان آنها را به سادگی طبقه متوسط اقتصادی نامید.»

به گفته عباس عبدی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر مسائل اجتماعی: «عمق و گستره اعتراضات در شهرهای اطراف تهران مثل شهریار، قدس، اسلامشهر و جاهای دیگر به طور نسبی گسترده‌تر از سایر نقاط کشور بوده است.» وی در ادامه می‌افزاید: «یک علت روشن آن، ویژگی حاشیه‌ای بودن این شهرها نسبت به تهران است. علت اصلی اعتراضات ساکنان این مناطق اقتصادی است، ولی علت خشونت آن را می‌توان در "بی‌صدا" بودن آنان دانست. مردم حاشیه‌نشین فاقد صدا در عرصه عمومی بوده‌اند. نه رسانه‌ها بازتاب‌دهنده واقعیت آنان بودند، نه حکومت و دولت توجهی عملی به آنها داشتند، و نه گروه‌های سیاسی آنان را نمایندگی می‌کردند. در نتیجه هنگامی که فرصتی پیدا کردند، جز شورش و تخریب راه دیگری پیش روی آنان نبود. این رفتار طبیعی گروه‌هایی است که در شرایط عادی بی‌صدا هستند.»

عبدی برخی عوامل شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین و همچنین ویژگی این مناطق را این طور توضیح می‌دهد: «جریانی شبه طبقه در دهه‌های اخیر در حاشیه شهرها شکل گرفته و ناشی از مهاجرت‌های صورت‌گرفته‌ای است که من

آن را جریان حاشیه‌نشینی نوع سوم و چهارم نامیده‌ام. عدم پاسخ‌گیری مناسب فرهنگی، انسداد اجتماعی، و زندگی همراه با ناهنجاری‌ها، منجر به شکل‌گیری گروه قابل توجهی شده که می‌تواند دست به رفتارهایی با قدرت تخریبی بالا بزند و رفتارهای وندالیستی از خود بروز می‌دهد و سلاح سرد و گرم با خود حمل می‌کند. این قشر استعداد هدایت و مورد سوءاستفاده قرار گرفتن زیادی دارد» (روزنامه شهروند، ۱۳۹۸/۹/۹).

به برخی از محدوده‌های شهری که از ده‌ها سال قدمت برخوردارند، نمی‌توان عنوان «حاشیه» داد. در پیرامون تهران و برخی شهرهای دیگر، سکونت‌گاه‌هایی شکل گرفته که همگی دارای شهرداری، طرح تفصیلی جامع و غیره هستند و در چارچوب قوانین و مقررات رسمی در حال گسترش‌اند. جریان رشد این سکونت‌گاه‌ها به لحاظ وضعیت اجتماعی و همچنین فرم کالبدی در حال تغییر است. برای مثال، منطقه‌ای را که بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارد، سازوکار اجتماعی خود را دارد و دارای دینامیسم داخلی است نباید با مفاهیم و چارچوب‌های قدیمی مثل «حاشیه» و «حاشیه‌نشینی» بررسی کرد. باید به دنبال مفاهیم جدیدی بود که این گروه‌ها را توضیح دهد. در این مناطق مهاجرت از شهر مادر به پیرامون شکل گرفته و ترکیب جمعیتی این مناطق از بافت جمعیتی شهر تبعیت کرده و تنوع زیادی در آن وجود دارد. به همین دلیل جوامع محلی خاصی در این مناطق پیرامونی شکل گرفته است. در عین حال متوسط سنی جمعیت این محدوده‌ها جوان‌تر از شهرها است و افراد شاغل درآمد کمتری دارند. نکته جالب توجه این است که میزان بیکاری در این مناطق نسبت به شهر مادر کمتر است چرا که یکی از انگیزه‌های سکونت در این محدوده‌ها دسترسی به بازار کار است و افراد ساکن این مناطق چندمهارتی هستند تا بتوانند از عهده سبد معیشتی خانوار برآیند. همان‌طور که در این محدوده‌ها فضای اجتماعی خاصی وجود دارد، فضای اقتصادی آنها نیز خاص و متمایز از شهرها است. گوردزی یکی دیگر از صاحب‌نظران اجتماعی است که معتقد است ترکیب

معترضان آبان با اعتراضات قبلی تفاوت‌هایی دارد. او در مصاحبه با همکاران گزارش می‌گوید: «براساس اطلاعاتی که از رسانه‌ها گرفته‌ایم، به نظر می‌رسد که چند نکتهٔ متفاوت نسبت به قبل وجود داشته است. اول، اعتراضات در شهرهای محروم در آبان ۹۸ بیشتر از گذشته بوده و خشونت و شدت اعتراضات نیز افزایش داشته است. بنابراین می‌توان حدس زد گروه‌های محروم و کمتر برخوردار در این ماجرا مشارکت بیشتری داشته‌اند. اما در بین اینها گروه دیگری هم هست که براساس مشاهدات پراکنده می‌توانم تصدیق کنم که در اعتراضات حضور داشته است. این فرض از طریق گفت‌وگو با ساکنان این مناطق به دست آمده و نیازمند مطالعهٔ دقیق‌تر است و آن اینکه در این مناطق با یک "جمعیت نیت"<sup>۱</sup> سروکار داریم. جمعیت جوانی که شاغل نیست، مشغول تحصیل علم و همچنین فن نیست، آینده‌ای برای خود متصور نیست، و زندگی او وابسته به دیگران است. این جمعیت در برخی مناطق به‌ویژه مناطق حاشیه‌ای مانند جنوب غربی تهران حضور مهمی داشته است. من حدس می‌زنم با ورود این جمعیت از روز دوم اعتراضات، میزان خشونت و تخریب افزایش پیدا کرد. در طبقات اجتماعی مختلف "جمعیت نیت" متفاوت است. در برخی مناطق ممکن است سازمان‌یافتگی خاصی نیز از طریق حضور افراد در محل‌هایی مانند قهوه‌خانه‌ها با فرهنگ‌های لوتی مسلک و غیره پیدا کرده باشند. در تحلیل اعتراضات، به نظر من باید هم گروه محروم را دید و هم گروه نیت را بررسی کرد.»

اکثر مناطقی که در اعتراضات آبان ایفای نقش کردند در ردیف مناطق محروم و «حاشیه‌نشین» قرار داشتند، اگرچه همهٔ مناطق حاشیه‌ای در اعتراضات فعال نبودند. در دهه‌های اخیر ترکیب جمعیتی مناطق حاشیهٔ شهرها تغییرات مهمی

---

۱. نیت (NEET) به جمعیتی گفته می‌شود که نه تحصیل می‌کنند، نه شاغل‌اند، و نه در حال آموزش هستند. حسن طایی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی و معاون سابق وزیر کار ایران، در گفت‌وگو با روزنامهٔ اعتماد (۱۳۹۴) خبر از وجود گروه ۴ تا ۱۰ میلیون نفری جمعیت نیت در ایران داده است.

داشته است. از جمله در حالی که این مناطق محل اسکان مهاجران روستایی بود که برای کسب معیشت راهی شهرها شده بودند، به تدریج گروه‌هایی از طبقه متوسط شهری که متناسب با شرایط اقتصادی فقیر شده بودند نیز برای کاهش مخارج زندگی به ویژه هزینه مسکن در این مناطق ساکن شدند. اسکان طبقه متوسط شهری در مناطق حاشیه‌نشین سبب تغییر برخی از ویژگی‌های فرهنگی این مناطق شد. بنابراین، برخلاف تصور، معترضان حاشیه‌نشین تنوع طبقاتی داشتند و شامل ترکیبی از طبقات کم‌درآمد و متوسط فقیر شده بودند که به لحاظ فرهنگی مؤلفه‌هایی از طبقه متوسط شهری را با خود داشتند.

## ششم؛ طبقه متوسط در اعتراضات آبان

در تحلیل اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ اغلب گزارش‌ها و ارزیابی‌های ناظران رسمی و مستقل حکایت از حضور طبقات فرودست شهری و حاشیه‌نشین‌ها داشت، اما در عین حال به تدریج شواهدی نیز در تأیید حضور طبقه متوسط شهری گزارش شد. برای مثال برخی صاحب‌نظران، با اشاره به تحولات جامعه شهری و مهاجرت بخشی از طبقه متوسط به حاشیه شهرها، ادعا کردند نمی‌توان ترکیب طبقاتی حاشیه شهرها را منحصر به گروه‌های مهاجر روستایی و فقرای شهری دانست. بر این اساس، گروه دوم تأکید داشتند آن بخش از طبقه متوسط که به دلیل شرایط اقتصادی به طبقه پایین ریزش داشته بخشی از جمعیت معترض را تشکیل داده است.

طبقه یکی از مفاهیم مبهم در علوم اجتماعی است که تعریف و مرزبندی دقیق آن کاری بس دشوار است. در طول تاریخ نظریه‌پردازی اجتماعی نیز در خصوص انواع و جایگاه طبقه در سلسله مراتب طبقاتی در جوامع صنعتی مناقشه‌های بسیاری وجود داشته است. با وجود این، نمی‌توان از کاربردهایی که در فهم و درک بهتر حیات سیاسی و اجتماعی دارد چشم پوشید. طبقه از یک سو برای نشان دادن نابرابری‌ها، تفاوت‌ها، و اختلاف سطح زندگی و امکانات در بین گروه‌های اجتماعی و افراد متعلق به هر طبقه به کار می‌رود و از سوی دیگر بررسی‌ها نشان می‌دهد که میان رفتار افراد و طبقه اجتماعی که بدان تعلق دارند ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، در بین افراد متعلق به طبقه خاص می‌توان الگوهای رفتاری مشابهی را در زمینه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جست‌وجو کرد که قابل تعمیم به کل آن طبقه است. در این میان، شناخت رفتار سیاسی - اجتماعی طبقه متوسط شهری به دلیل تمایل آن به کنشگری اجتماعی اهمیتی دوچندان دارد.

طبقه متوسط چه از منظر جامعه‌شناسی و چه از دیدگاه اقتصادی به دو معنا به

کار می‌رود. یکی به معنای خرده بورژوازی که مارکسیست‌ها به کار می‌برند. مارکس در این باره اشاره دارد که در جامعه سرمایه‌داری، علاوه بر طبقه سرمایه‌دار و کارگر، یک قشر اجتماعی دیگر نیز وجود دارد که وی آن را طبقه متوسط می‌نامد، یعنی کسانی که ابزار تولید گسترده ندارند و از نیروی کار خودشان هم استفاده می‌کنند و مشاغل آزاد، پیشه‌وران، و مدیران کارگاه‌های کوچک صنعتی را شامل می‌شوند. دیدگاه دوم ایده غیرمارکسیستی است. این گروه معتقدند با رشد اقتصاد آزاد، یک طبقه جدید که فرصت‌های مشترکی در روابط بازار دارند شکل می‌گیرد. این طبقه بین طبقات بالا و پایین جامعه قرار دارد و افراد متعلق به آن تحصیلات، سطح درآمد، سبک زندگی، جایگاه و آگاهی‌های اجتماعی کم و بیش یکسانی دارند. ماکس وبر و تاحدودی دوتوکویل از این منظر طبقه را مورد بحث قرار می‌دهند. از دید دوتوکویل، با توسعه اقتصادی و پیشرفت جامعه، طبقه متوسط ایجاد می‌شود که در سطح سواد و تمدن به طبقه بالای جامعه شبیه است و از ویژگی‌های شهرنشینی برخوردار است (فوزی و رضانی، ۱۳۸۸).

در تعریف بالا، طبقه متوسط یک کل یکپارچه در نظر گرفته شده، در حالی که با گسترش وسعت طبقه متوسط در جوامع، شاهد شکل‌گیری گروه‌های متعدد در درون طبقه متوسط هستیم که هر یک سبک زندگی، رفتار سیاسی و ویژگی‌های مشترک و در عین حال متفاوت با گروه‌های دیگر در درون طبقه متوسط دارند. اولین دسته‌بندی در طبقه متوسط، تقسیم آن به دو گروه قدیم و جدید است. جامعه‌شناسان برای طبقه متوسط جدید از آن رو که رهبران جامعه را تعلیم می‌دهند و با پرورش انسانی جدید موجب تغییر و دگرگونی می‌شوند اهمیت خاصی قائل‌اند. رالف دارندرف، از نظریه‌پردازان مکتب تضاد، نیز توجه خود را به طبقه متوسط جدید معطوف می‌دارد و در تبیین دیدگاه‌هایش در مورد طبقه متوسط جدید، این طبقه را به دو دسته تقسیم می‌کند. وی گروه اول طبقه متوسط جدید را حامیان طبقه سرمایه‌دار می‌پندارد، و گروه دوم طبقه متوسط

جدید را شکل توسعه‌یافته پرولتاریا می‌بیند و آن را بالقوه انقلابی یا متمایل به طبقه کارگر می‌داند (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۷۲). در تقسیم‌بندی دیگری به سه بخش نسبتاً مشخص در درون طبقه متوسط اشاره شده است. طبقه متوسط قدیم عبارت است از صاحبان سرمایه‌های کوچک، مالکان فروشگاه‌های محلی و کشاورزان کوچک. شمار افراد این دسته در طول قرن گذشته پیوسته کاهش یافته است، اما هنوز نسبت قابل توجهی از کل جمعیت شاغل را تشکیل می‌دهند. طبقه متوسط بالا اساساً از کسانی که دارای مشاغل مدیریتی یا حرفه‌ای هستند تشکیل شده است. این دسته شمار بسیاری از افراد و خانواده‌ها را دربرمی‌گیرد، اما تعمیم نگرش‌ها و دیدگاه آنان خطا است. بیشتر آنان شکلی از آموزش عالی را تجربه کرده‌اند و نسبت افراد دارای نظرات آزادمنشانه درباره موضوعات اجتماعی و سیاسی در بین آنان، به‌ویژه در میان گروه‌های حرفه‌ای و تخصصی، تقریباً بالا است. طبقه متوسط پایین گروهی به مراتب نامتجانس‌تر است و شامل افرادی می‌شود که به عنوان کارکنان دفتری، نمایندگان فروش، معلمان، پرستاران و دیگران به کار اشتغال دارند. بیشتر اعضای طبقه متوسط پایین، با وجود یکی شدن برخی شرایط کارشان با کارگران یقه آبی، معمولاً نگرش‌های اجتماعی و سیاسی متفاوتی با کارگران دارند (همان: ۷۵).

در ایران نیز با این دوگانه روبه‌رو هستیم. طبقه متوسط قدیم پیشینی‌تر از طبقه متوسط جدید است و آنچه این دو گروه را از یکدیگر متمایز می‌کند و کیفیت متفاوتی به هریک می‌بخشد تاریخچه شکل‌گیری آنها است. طبقه متوسط سنتی نتیجه تحولات دوران گذشته است و بیشتر در مالکیت، ارث و دستیابی به عناصر قدرت سیاسی تا حد زیادی ریشه در گذشته دارد و در شکل‌گیری طبقه‌ای ثروتمندتر از بقیه جامعه مثل شاهزادگان، بازاریان و برخی مالکان مؤثر بوده است. «می‌توان گفت طبقه متوسط قدیمی طبقه‌ای است مالک دارایی که عمدتاً بخش اقتصادی جامعه را در سطح کلان در کنترل خود دارد. این طبقه از معدود طبقاتی است که برخلاف سایر طبقات، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی



دست نخورده باقی مانده است و طبقه متوسط سنتی نامیده می‌شود» (سازگرا، ۱۳۸۲: ۷۸). اما طبقه متوسط جدید حاصل مدرنیزاسیون دوره پهلوی اول در ایران است که تاکنون نیز ادامه دارد و نتیجه آن را می‌توان گسترش شهرنشینی، گسترش ارتباطات، و تقویت و گسترش دولت و دیوانسالاری و ارتش دانست (همان: ۵). این طبقه محصول گسترش نظام آموزشی و شهرنشینی به‌ویژه از زمان مشروطه و تداوم آن در دولت پهلوی و محصول سیاست شهرنشینی و توسعه اقتصادی است. در حقیقت، هیچ کدام از این پدیده‌ها برخلاف طبقه متوسط جدید در غرب در رابطه مستقیم با تولید اقتصادی شکل نگرفته‌اند، بلکه منشأ آنها را می‌توان در رانت نفت یافت. زیرا درآمدهای نفتی همه تاروپود مناسبات اقتصادی - اجتماعی جامعه ایرانی را متأثر ساخته، و شکل‌گیری طبقات اجتماعی، تحولات آنها، مناسبات بین این طبقات، و ارتباط همه آنها با دولت را نیز تعیین کرده است. انحصار درآمدهای نفتی و استفاده از این منابع برای تأمین مخارج جاری دولت‌ها مناسبات بین گروه‌های اجتماعی و دولت را شکل داده، به نحوی که شکل‌گیری طبقه متوسط جدید از تجلیات آن است.

بر این اساس می‌توان طبقه متوسط در ایران را نه یک طبقه متوسط اقتصادی تولیدی که بهای سرمایه‌داری و دموکراسی را در کشورهای آزاد به دوش می‌کشد، بلکه یک طبقه متوسط فرهنگی و محصول گسترش تحصیلات آموزشی به مدد درآمدهای نفتی دانست. طبقه متوسط جدید در ایران یک طبقه متجانس نیست و فاقد ایدئولوژی مستقل و منافع طبقاتی معین است و اعضای آن دارای پایگاه‌های اجتماعی مختلف هستند که این امر مانع از آن شده که بتوانند طبقه مستقل و واحدی برای کنش‌های سیاسی - اجتماعی تشکیل دهند (ملک‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰). از این دیدگاه، طبقه متوسط طبقه‌ای مصنوعی و حاصل سیاست‌گذاری از بالا است که با تکیه بر دولت و درآمدهای نفتی شکل گرفته و این امر بر رابطه آن با دولت نیز تأثیر گذاشته است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به ماهیت طبقه متوسط جدید و رابطه آن با دولت آیا می‌توان آن را نیروی نوساز و جنبشی جامعه دانست؟

تمامی نظریات طبقه متوسط را نه یک کل یکپارچه، بلکه متشکل از گروه‌های اجتماعی متفاوت دانسته‌اند و برخی آن را به سه بخش طبقه متوسط بالا، متوسط و متوسط پایین تقسیم کرده‌اند. در عین حال ما شاهد دو نوع نظریه-پردازی در مورد طبقه متوسط جدید در کشورهای خاورمیانه از جمله ایران هستیم. گروه نخست نظریاتی هستند که تأکید دارند این طبقه وابستگی شدیدی به دولت دارد و فاقد توانایی حرکت در مسیر ایجاد تغییرات سیاسی - اجتماعی و منافع طبقاتی خود است. نظریات گروه دوم اشاره دارند به اینکه با وجود وابستگی طبقه متوسط به نظام‌های رانتی، شاهد شکل‌گیری گروه‌های متعدد در درون این طبقه هستیم که برخی به دلیل شیوه زندگی و شرایط اقتصادی - اجتماعی خود نیروی پیشرو هستند و می‌توانند نقش مهمی در ایجاد تغییرات اساسی جامعه داشته باشند.

برگر معتقد است طبقه متوسط در خاورمیانه را می‌توان بر مبنای منزلت، کارکرد، قدرت و درآمد تقسیم‌بندی کرد. او درآمد را که معیار اصلی شناسایی طبقه متوسط در جوامع غربی است در ردیف آخر قرار می‌دهد زیرا در نگاه او درآمد متغیر مهمی در خاورمیانه نیست. وی دو گروه طبقه متوسط را در خاورمیانه از یکدیگر تمییز می‌دهد: «اول، تجار و صنعتگران که خود گماشته هستند و نفوذ و درآمد آنان آنقدرها نیست که با ثروتمندان و قدرتمندان برابری کند. دوم، گروهی مختلط از صاحبان حرف، مشاغل و متخصصان همچون پزشکان، وکلا، مدیران، کارکنان و رؤسای ادارات، تکنیسین‌ها، مستخدمان و کارگران دولتی که اکثریت آنان حقوق‌بگیر هستند. این طبقات با هم طبقه متوسط را در جوامع خاورمیانه تشکیل می‌دهند» (دارابی، ۱۳۹۴: ۱۲).

برگر مدعی است رهبران طبقه متوسط به نفع منافع طبقاتی و طبقه‌شان عمل می‌کنند زیرا طبقه متوسط به خودی خود نفوذ اقتصادی و سیاسی بالایی ندارد. بخشی از این طبقه تابع آریستوکرات‌ها و ثروتمندان هستند، بخشی دیگر مانند رهبران چپ‌گرا در جهت تأمین منافع طبقات پایین و محروم فعالیت می‌کنند، و

بخش سوم را هم کارمندان و کارگزاران دولت تشکیل می‌دهند که به مراکز قدرت نزدیک ولی ابزار مطیع و بی‌اراده‌ای هستند. بنابراین به گفته برگر، طبقه متوسط در خاورمیانه فاقد قدرت اقتصادی و ایدئولوژی سیاسی است. البته طبقه متوسط را نمی‌توان از نفوذ بی‌بهره دانست. این طبقه دارای متخصصان، صاحبان شغل و حرفه، و مهارت‌ها و ایده‌های قابل توجهی است که نقش مهمی در صنعتی شدن خاورمیانه ایفا می‌کنند (همان: ۷).

هالپرن بین طبقه متوسط سنتی و جدید، و همچنین طبقه متوسط در غرب و در خاورمیانه تفاوت قائل است. در نگاه او، طبقه متوسط جدید خاورمیانه از طریق زوال نخبگان سنتی زمین‌دار به وجود آمده و از طبقه متوسط غرب که بعد از صنعتی شدن به وجود آمد و از آن نظم و دارایی‌ها دفاع می‌کند متمایز است و بنابراین از قدرتش نه برای دفاع از نظم و دارایی‌ها و اموال، بلکه برای ایجاد آنها — وظیفه و کاری انقلابی که تاکنون برعهده گرفته — بدون هیچ گونه تعهد مالی نسبت به هرگونه نظام خاصی استفاده می‌کند. همچنین به دلیل اینکه متعهد به ایده‌هایی نظیر تحرک اجتماعی عمودی و افزایش قدرت است، از نظر ایدئولوژیک متعهد به اصلاحات اجتماعی است (هالپرن، ۱۹۶۳: ۵۲، به نقل از دارابی، ۱۳۹۴: ۷). «هالپرن طبقه متوسط جدید در خاورمیانه را به مثابه نیروی انقلابی و اثباتی می‌بیند که به تدریج رهبری تمام مناطق خاورمیانه را به طور روزافزون به دست می‌گیرند. او معتقد است خاورمیانه پیش از اینکه وارد دوره ماشین شود، به دوره جدیدی به نام دوره اداری منتقل شده است. طبقه متوسط جدید نخستین طبقه-ای است که نتیجه این انتقال به عصر جدید است» (انصاری، ۱۳۷۴، به نقل از آب‌نیک، ۱۳۹۶: ۷۱).

ساموئل هانتینگتون یکی از نظریه‌پردازانی است که به بررسی طبقه متوسط در کشورهای در حال توسعه و نسبت این طبقه با ناآرامی‌های سیاسی در این کشورها پرداخته است. تعارض‌های داخلی شدید در کشورهای در حال توسعه پس از جنگ جهانی دوم ناشی از این واقعیت است که نهادهای سیاسی به آرامی

شکل می‌گیرند ولی تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی همچون شهری شدن، بالا رفتن سواد و آموزش و غیره از یک سو بر نهادهای سیاسی موجود فشار می‌آورد و از سوی دیگر باعث شکل‌گیری لایه و طبقه اجتماعی با انتظارات و توقعات جدید می‌شود (ازغندی و حسام قاضی، ۱۳۹۲: ۳۴). او این طبقه جدید را طبقه متوسط جدید می‌نامد. این طبقه بیشتر از افراد شهرنشین، تحصیل کرده و حقوق‌بگیر تشکیل شده که خواهان مشارکت در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی هستند. اما مطالبات این طبقه به دلیل فقدان توسعه سیاسی مناسب در این کشورها و نهادهای سیاسی و اجتماعی نظیر احزاب، صنوف، مطبوعات و رسانه‌های جمعی، مجلس و نهادهای قانون‌گذاری مستقل از حکومت که بتوانند انتظارات سیاسی طبقه جدید را پاسخ دهند برآورده نمی‌شود. این امر منجر به ایجاد شکاف بین توسعه اجتماعی و سیاسی می‌شود که نتیجه آن ظهور انواع بی-ثباتی‌هایی همچون طغیان‌های اجتماعی، انقلاب، شورش، کودتا و بحران‌های فزاینده است (زیباکلام و همکاران، ۱۳۸۹).

از دیدگاهی دیگر، گسترش صنعت، بوروکراسی و نظام سرمایه‌داری در کشورهای پیرامونی همچون ایران باعث شکل‌گیری طبقه‌ای جدید، یعنی طبقه متوسط با ویژگی‌های زیر شده است (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۴: ۶۰-۶۳):

- ۱) بیشتر اعضای این طبقه صاحب وسایل تولید نیستند و کارگزاران بخش خصوصی یا دولتی هستند.
- ۲) افراد این طبقه عمدتاً پیرو دخالت محدود در کارها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی‌اند و ویژگی‌های لیبرالی دارند.
- ۳) بخشی از این طبقه دارای گرایش‌های رادیکالی و خواهان دخالت کامل در تمامی کارها هستند.

از این منظر، طبقه متوسط متشکل از چهار قشر روشنفکران، حرفه‌ای‌ها، کارمندان و مدیران است. اولین قشر، یعنی قشر روشنفکران در کشورهای

پیرامونی به سه دسته تقسیم می‌شود. اولین گروه افرادی هستند که هوادار فرهنگ غرب‌اند و تنها راه نوسازی جامعه را پیروی از عناصر فرهنگی، علمی، فنی، اقتصادی و حتی ایدئولوژیک غرب می‌دانند. گروه دوم افرادی مخالف فرهنگ غربی هستند که معتقدند ورود فرهنگ غربی منجر به از خودبیگانگی و وابستگی کشورهای پیرامونی می‌شود و هویت این کشورها را از بین می‌برد. در نهایت گروه سوم معتقدند باید با فرهنگ غربی ارتباط داشت ولی بخش‌های مثبت و لازم آن را جذب و از ورود بخش‌های منفی جلوگیری کرد. دومین قشر حرفه‌ای‌ها هستند که از تحصیلات و وجهه اجتماعی بالایی برخوردارند، درآمد بالایی دارند، و امکان افزایش درآمد نیز بین آنان وجود دارد. این گروه از نظر سیاسی و ایدئولوژیک همگون نیستند، اما استقرار دموکراسی از طریق انقلاب یا اصلاح را قبول دارند. قشر سوم کارمندان و زاینده گسترش روابط صنعتی و نظام بوروکراسی در کشورهای پیرامونی هستند. تحصیلات افراد این قشر غالباً بین دیپلم و لیسانس و درآمدشان در حد میانه است. وجهه اجتماعی میانه‌ای دارند و به دلیل ثبات شغلی مورد پذیرش توده مردم هستند. گرایش‌های سیاسی آنان بیشتر لیبرالی، رادیکال و محافظه‌کارانه است. چهارمین و آخرین قشر مدیران هستند که پست‌های کلیدی و حساسی را در دو بخش خصوصی و دولتی به خود اختصاص داده‌اند، جزو اقشار با درآمد بالا هستند و علاوه بر دستمزد رسمی، منابع درآمد غیررسمی نیز دارند. بنابراین از توان اقتصادی بالایی برخوردارند. آنان معمولاً هوادار حفظ وضع موجود هستند و از سازمان بوروکراسی برای حفظ موقعیت خویش استفاده می‌کنند. این قشر واسطه میان طبقه پایین و سرمایه‌داران هستند (همان).

اشرف (۱۳۷۲) نیز با بررسی دقیق نهضت‌های سیاسی - اجتماعی سده اخیر، وجود دو جهت‌گیری و ایدئولوژی را در اعضای طبقه متوسط جدید آشکار می‌سازد:

(۱) افزایش مستمر نقش این طبقه در راه‌اندازی اعتراضات و رهبری

جنبش‌های سیاسی - اجتماعی

۲) حرکت دائمی از ایدئولوژی ملی‌گرایی متعادل یا افراطی به سوی ایدئولوژی چپ و افراطی.

از نظر وی، حرفه‌مندان آزاد از قبیل رؤسای دادگستری، قضات، پزشکان و مهندسان در رهبری نهضت‌های سیاسی و هدایت نیروهای ضدجنبش نقش فزاینده‌ای به عهده می‌گیرند. اشرف سه گروه را از طبقه متوسط نام می‌برد. گروه اول سیاسی نیستند و با حکومت همکاری دارند اما نسبت به وضعیت اجتماعی - سیاسی بدبین و بی‌اعتماد هستند. گروه دوم برای بهره‌مندی از شرایط فعالانه در سیاست مداخله می‌کنند و با گروه‌های حاکم ارتباط دارند. گروه سوم از حرفه‌مندان و روشنفکران منتقد تشکیل می‌شود که تعدادشان اندک است. گروه اول ایدئولوژی خاصی ندارد که در بین طبقه متوسط پایین کشش ایجاد کند، ولی گروه سوم در میان این طبقه نفوذ بالایی دارد (همان).

جیمز بیل اعضای طبقه متوسط جدید در ایران را به چهار گروه سربه‌زیران (followers)، مدافعان نظام (maneuvers)، تکنوکرات‌ها (technocrats)، و رادیکال‌ها یا مخالفان سرسخت (uprooters) تقسیم می‌کند (مطلبی، ۱۳۸۶: ۸۳). البته این تقسیم‌بندی به صورت تیپ ایده‌آل و برای فهم بهتر طبقه متوسط است. بیل تنها گروه رادیکال‌ها را نیروی تغییرخواه می‌داند و آن را از سه گروه دیگر جدا می‌کند و گروه‌های دیگر را به دلایل مختلف جزو حامیان نظام می‌داند. سربه‌زیران یا پیروان افرادی سازشکار و تابع قدرت هستند. آنان به دنبال قدرت کشیده می‌شوند و تمایل به قطب قدرت دارند و در مقابل آن نمی‌ایستند. مدافعان را در واقع می‌توان زیرکانی دانست که کارگزاران عالی‌رتبه حکومتی و نخبگانی هستند که به دلیل تحصیلات مدرن و مهارت‌هایی که دارند دارای قدرت مانور هستند و می‌توانند موقعیتی برتر به دست آورند. تکنوکرات‌ها از تحصیلات دانشگاهی و مشاغل علمی و تخصصی برخوردارند و هدف آنان فعالیت در زمینه‌ای است که برای آن تعلیم دیده‌اند. بیل اصطلاح اینتلیجنسیا را برای آنان

به کار می‌برد. در نهایت، رادیکال‌ها یا مخالفان سرسخت در واقع همان روشنفکران هستند. این گروه تنها دست‌اندرکاران خلق و انتقال آثار فرهنگی هستند و نقش نقادی در جامعه دارند. نویسندگان، دانشجویان، هنرمندان، استادان و معلمان این گروه را که با گروه‌های دیگر بیگانه هستند شکل می‌دهند (همان: ۸۴).

### ۱. شاخص‌های طبقه متوسط

برای شناخت و تمییز طبقات از یکدیگر شاخص‌ها و ملاک‌های مختلفی وجود دارد. برای مثال، رایت میلز طبقه متوسط جدید در امریکا را با سه معیار درآمد، دارایی و منزلت مشخص می‌کند. در ایران، اندیشمندان و جامعه‌شناسانی که در مورد طبقات اجتماعی کار کرده‌اند ملاک‌های متفاوتی برای شناسایی طبقه متوسط جدید در ایران به کار برده‌اند. برای مثال، توسلی ملاک‌هایی همچون تحصیلات عالی، دریافت حقوق، سبک زندگی مشابه، و اشتغال در پنج گروه شغلی: مشاغل علمی، فنی و تخصصی، مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری، کارکنان امور دفتری و اداری، کارکنان امور بازرگانی و فروشندگان، و کارکنان امور خدماتی را مطرح می‌کند (قاسمی و زارع‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۲-۷۳).

به طور کلی، با بررسی آرای مختلف در این زمینه، شاخصه‌های ذیل برای شناسایی و شناخت طبقه متوسط جدید در ایران مورد توجه قرار گرفت:

### - رشد شهرنشینی

رشد شهرنشینی دارای پیامدهایی است که منجر به ایجاد انتظارات جدیدی می‌شود که نظام سیاسی را به پاسخ‌گویی به آنها یا تغییر رفتار خود با مردم وامی‌دارد. این رشد از منظر جامعه‌شناختی با رشد طبقه متوسط جدید همراه است. جمعیت شهری کشور در سال ۱۳۵۵ در حدود ۱۶ میلیون نفر بوده که در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۵۹ میلیون نفر رسیده است. رشد جمعیت شهری کشور در دهه ۶۰ سیر صعودی داشته و این سیر ادامه پیدا کرده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶).

### - میزان باسوادی

رشد باسوادی از دوران پهلوی آغاز شد و بعد از انقلاب سرعت بیشتری گرفت. در سال ۱۳۳۲، باسوادان ۲۷ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند که این میزان در سال ۱۳۹۵ به ۹۴,۷ درصد رسیده است (سایت ایسنا، ۱۳۹۵/۱۲/۲۴). افزایش تحصیلات در هر کشور نوع نگاه افراد، مطالبات و خواسته‌های آنان، و همچنین نوع برداشت از مسائل اجتماعی و سیاسی را دستخوش تغییر می‌کند (عراقی، ۱۳۸۶: ۱۳). در کنار افزایش میزان باسوادی، شاهد رشد صعودی تعداد دانشجویان و دانشگاه‌های کشور هستیم. در سال ۱۳۷۸، تعداد دانشجویان در ایران به ۱,۵ میلیون نفر رسید که این تعداد در سال ۱۳۹۷ به ۳ میلیون و ۶۱۶ هزار نفر افزایش یافته است (سایت ایرنا، ۱۳۹۷/۱۰/۹). افزایش اعضای هیئت علمی و دانشجویان از این جهت اهمیت دارد که هرچه تعداد آنان بیشتر باشد، نقش مؤثرتری در تحولات سیاسی کشور ایفا می‌کنند. به گفته هانتینگتون، دانشجویان بیش از دیگران با جهان نوین آشنایی دارند و در ذهن آنان شکاف میان اصل نوین‌شدگی و تلاش برای تحقق آن در جامعه وجود دارد. دانشجویان و افراد تحصیل کرده این شکاف را بیشتر درک می‌کنند که منجر به افزایش مطالبات آنان از نظام سیاسی برای پیوستن به صف ملت‌های پیشرفته می‌شود (عراقی، ۱۳۸۶: ۸).

### - گسترش بوروکراسی دولتی

از دیگر شاخص‌های رشد طبقه متوسط جدید گسترش بوروکراسی دولتی است که در ایران روند صعودی داشته است. «در سال ۱۳۶۲، تعداد ۱,۲۱۷,۴۰۰ نفر در دستگاه‌های دولتی مشغول به کار بودند. این تعداد در سال ۱۳۸۰ به ۲,۳۲۸,۶۳۵ نفر رسید که آمار تعداد حقوق‌بگیران وزارت اطلاعات و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به دلیل محرمانه بودن و همچنین شرکت‌های تحت پوشش دستگاه دولتی را دربرنمی‌گیرد که اگر آن را حدود یک میلیون نفر در نظر بگیریم، به رقم تقریبی ۳,۵ میلیون نفر می‌رسیم» (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).



### - سبک زندگی مصرفی

در تعریف طبقه متوسط جدید باید به سبک زندگی افراد این طبقه توجه شود. برخی به میزان افزایش خرید اتومبیل و مسکن در ایران توجه کرده‌اند و برخی دیگر شیوه گذراندن اوقات فراغت را عامل مشخص کردن سبک زندگی این طبقه دانسته‌اند. رفتن به کلاس‌های زبان برای پیشرفت درسی و کاری یا رفتن به باشگاه ورزشی برای حفظ سلامت و شادابی و تناسب اندام، گرایش‌های رفتاری طبقه متوسط اجتماعی است (رفعت‌جاه، ۱۳۸۷).

### ۲. پیامدهای ظهور طبقه متوسط

ظهور و شکل‌گیری طبقه متوسط جدید پیامدهای متعددی برای جامعه به همراه دارد. در ایران دو عامل بر پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شکل‌گیری طبقه متوسط جدید برای جامعه تأثیر گذاشته است. از یک سو، طبقه متوسط نه به تبع شرایط اقتصادی بلکه با ایجاد نوسازی از بالا شکل گرفته است و از سوی دیگر، مشکلات متعددی در روند شکل‌دهی به طبقه متوسط در ایران وجود داشته است.

### پیامد اجتماعی

در ایران، از زمان رضاشاه با افزایش تعداد مدارس و افراد تحصیل کرده، و پس از انقلاب با افزایش تحصیلات عالی، جامعه تحصیل‌کردگان با مشکلات بسیار از جمله موج بیکاری در دهه ۱۳۷۰ و عدم توسعه سیاسی درگیر بوده است. از این رو، شاهد ایجاد شکاف بین انتظارات و توقعات افراد و توانایی نظام سیاسی در پاسخ‌گویی به این نیازها هستیم که چیزی جز نارضایتی از وضع موجود به دنبال ندارد. از سوی دیگر، افزایش روزافزون شهرنشینی کشور را با مسائلی همچون حاشیه‌نشینی، توزیع بی‌عدالتی، ناهمگونی فزاینده، و گسترش انواع بحران‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مواجه کرده است. در نهایت، سبک زندگی این

طبقه که خواهان رفاه بیشتر و برخورداری از امکانات مادی و تفریحی و ارتقای استانداردهای زندگی است نظام سیاسی را با وضعیتی پارادوکسیکال روبه‌رو ساخته چرا که برای نیل به توسعه نیاز به طبقه متوسط دارد و از سوی دیگر باید به نیازها و مطالبات این طبقه پاسخ دهد.

### پیامد اقتصادی

همان طور که در نظریات مختلف تصریح شده است، طبقه متوسط عامل اصلی حرکت جامعه به سمت دموکراسی و رشد اقتصادی است. این طبقه به دنبال سرمایه‌گذاری است و مهم‌ترین سرمایه‌گذاری آن در زمینه منابع انسانی است. از طرفی به دلیل تبعیت از ارزش‌های نو، و نه سنت‌ها، از فناوری و رشد جامعه حمایت می‌کند. اما شرایط سخت اقتصادی حاکم بر ایران و سیاست‌های نادرست طبقه متوسط را به سمت تهیدستی سوق داده است. ریزش این طبقه در طبقات پایین‌تر اقتصادی - اجتماعی می‌تواند از کنشگری آن در زمینه اقتصادی بکاهد و منجر به ایجاد نارضایتی گسترده در میان افراد آن شود. این نارضایتی می‌تواند به انواع مختلف کنشگری در بین این افراد با خرده‌فرهنگ مخصوص طبقه متوسط منجر شود و فضای سیاسی جامعه را تغییر دهد.

### پیامد فرهنگی

طبقه متوسط خودآگاهی و هویت یکپارچه و منسجم ندارد. بنابراین از نظر فرهنگی شاهد شکل‌گیری طبقات متوسطی در جامعه هستیم که پیش‌تر سعی در توضیح تیپولوژی آن داشتیم. هر لایه از این طبقه سبک زندگی، منزلت و فرهنگ خاص خود را دارد که نوع وابستگی و رفتار سیاسی متفاوتی را به دنبال می‌آورد. از سوی دیگر، گسترش رسانه‌های جمعی، چه از نوع قدیمی و چه از نوع جدید از دهه ۷۰، به گسترش فرهنگ طبقه متوسط جدید در جامعه منجر شده است.

### پیامد سیاسی

تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد طبقه متوسط در دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی بازیگر برتر بوده یا دست کم نقش مؤثری در آنها ایفا کرده است. افراد این طبقه عاملیت‌های مؤثری در فرایندهای اجتماعی و انگیزه‌های بالایی در پیوستن به جنبش‌های اجتماعی جدید دارند. مطالبات طبقه متوسط نه تنها اقتصادی بلکه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است و تلاش آن در جهت استقرار جامعه مدنی، دموکراسی و حقوق بشر و مشارکت سیاسی است (قاسمی و زارع‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۸-۸۲).

### ۳. طبقه متوسط در ایران

از دیدگاه هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۹) مهم‌ترین ویژگی‌های طبقه متوسط جدید در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران عبارت است از:

- این طبقه حاصل رابطه نفوذی غرب و دگرگونی در جامعه سنتی است.
- این طبقه عامل اصلی نوسازی و دگرگونی است.
- این طبقه به تجدید نظر در سنن و اعتقادات می‌پردازد.
- اعضای این طبقه از تحصیلات نسبتاً بالایی برخوردارند و به دنبال اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی هستند.
- اکثر اعضای این طبقه جذب کارهای دولتی می‌شوند و معمولاً در مقابل فروش نیروی فکر خود، مزد یا حقوق دریافت می‌دارند.
- هنگام بروز بحران یا تورم، اعضای این طبقه به شدت آسیب‌پذیر می‌شوند.
- در بسیاری از مواقع، برخی اعضای این طبقه امکان دستیابی به حاکمیت سیاسی را دارند.
- اعضای این طبقه خاستگاه اقتصادی - اجتماعی یکسانی ندارند.

با وجود این، امروزه نگاه به طبقه متوسط جدید ایران تغییر کرده و بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند طبقه متوسط فقیرتر شده و به طبقات پایین ریزش کرده

است. افزایش تحریم‌های اقتصادی، تورم فزاینده و بی‌سابقه به همراه افزایش نرخ بیکاری به‌ویژه در گروه‌های سنی جوان، و بیکاری نیروی کار منجر به تغییرات مهمی در وضعیت اقتصادی همه طبقات به‌ویژه طبقه متوسط شده است. اما سقوط طبقه متوسط به گروه‌های درآمدی پایین موجب نشد این طبقه از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خود فاصله بگیرد. در عین حال احساس محرومیت نسبی سبب شد تا طبقه متوسط، که راه‌های قانونی را برای دستیابی به حقوق خود مسدود می‌دید، به نافرمانی مدنی رو آورد و دست به کنشگری به اشکال مختلف بزند.

سیاست‌های دوران پهلوی موجب رشد طبقه متوسط شد. پس از انقلاب اسلامی، بحران‌های اقتصادی ناشی از وقوع انقلاب و جنگ، و تنش‌های سیاسی منجر به کاهش بازدهی اقتصادی و تولید شد که ضربه اقتصادی بزرگی به طبقه متوسط وارد آورد. با وجود این، در این سال‌ها شاهد شکل‌گیری طبقه‌ای هستیم که هرچند از نظر اقتصادی مدام در فشار بوده، از نظر فرهنگی و اجتماعی خاستگاه طبقه متوسط را رها نکرده است. بحران دسترسی به شغل برای جوانان تحصیل‌کرده و روند ناموفق توسعه سیاسی نوعی سرخوردگی در طبقه متوسط ایجاد کرده است.

براساس پیمایشی که ایسپا در سال ۱۳۹۷ انجام داده است، میزان رضایت افراد از شرایط زندگی خود از ۶,۳ در سال ۱۳۹۴ به ۳,۶ در سال ۱۳۹۷ رسیده است. «همزمان با اعتراضات دی ماه سال گذشته، پیمایشی در ۱۱ استان کشور از سوی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) انجام شد که نشان می‌داد تنها ۱۰ درصد جامعه از کلیت وضعیت موجود راضی هستند و ۹۰ درصد مردم احساس می‌کنند اوضاع خوب نیست» (سایت ایسپا، ۱۳۹۷/۶/۲۷). بر این اساس، برخی صاحب‌نظران از تضعیف طبقه متوسط سخن گفته‌اند. آنان معتقدند در اعتراضات آبان این طبقه متوسط پایین بوده که دست به اعتراض زده است (نشست آتش زیر خاکستر، ۱۳۹۸/۹/۲۵؛ روزنامه انتخاب، ۱۳۹۸/۹/۲).

بر همین اساس، مجاهدی از عمودی شدن طبقات سخن می‌گوید که بر اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ تأثیر گذاشته است. از نگاه او، شاهد ریزش طبقات به سمت پایین هستیم که منجر به بدشکلی طبقه میانی شده است: «زمانی که چنین اتفاقی می‌افتد مشاهده می‌کنند که شکل برخورداری، درآمد و طبقات آنان با طبقات سابق همخوانی ندارد و باید با تغییر شیوه زندگی با طبقات پایین خو گیرند. این ریزش در ایران نه فقط در طبقه پایین بلکه در طبقات متوسط نیز دیده می‌شود. این وضعیت در نهایت منجر به شکل گرفتن یک طبقه عمودی می‌شود که افراد آن شباهتهایی با هم دارند. ناراضی بودن از وضعیت فعلی و سرگشتگی در برابر سبک زندگی جدید که با گذشته متفاوت است و نیز تحرک پذیری و انتقال تحرک به دیگر لایه‌ها از ویژگی‌های این طبقه عمودی است» (نشست آتش زیر خاکستر، ۱۳۹۸/۹/۲۵).

افروغ نیز در این خصوص می‌گوید: «طبقه متوسط ما طبقه متوسط دیروز نیست و در حال سقوط به سمت حاشیه است چون قدرت اقتصادی‌اش در حال اضمحلال است. اعتراض طبقه متوسط از منظر اقتصادی معطوف به چشم‌اندازی است که ندارد. اما از منظر اجتماعی و سیاسی هم ما دیگر طبقه متوسط نداریم. ما یک طبقه حاکم داریم که تصمیم می‌گیرد و یک طبقه وسیع فرودست داریم که باید تبعیت کند. یعنی می‌خواهم بگویم حتی اگر ما به لحاظ اقتصادی هم طبقه متوسط داشته باشیم، با وجود این طبقه متوسط که مشارکت داده نمی‌شود، نخبه‌ای که به حساب نمی‌آید، و کارشناسی که اثری در تصمیمات ندارد، ما از کدام طبقه متوسط حرف می‌زنیم؟ حتی اگر به لحاظ اقتصادی هم طبقه متوسط ما سقوط نکرده باشد، که کرده، به لحاظ سیاسی و اجتماعی دیگر ما طبقه متوسط نداریم» (روزنامه انتخاب، ۱۳۹۸/۹/۲).

شواهد نشان می‌دهد طبقه متوسط چنان درگیر دغدغه‌های اقتصادی شده که با وجود حفظ ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، حل مسائل معیشتی را در اولویت قرار داده است. اگرچه بسیاری از صاحب‌نظران معترضان آبان را منحصر

به طبقات کم‌درآمد و گرسنگان کرده‌اند، برخی دیگر معتقدند طبقه متوسط نیز علاوه بر همدلی با اعتراضات در برخی از مناطق در اعتراضات مشارکت داشته است. طبقه متوسط تضعیف‌شده رفتارهای رادیکال و تغییرطلبانه دارد و در قالب جنبش جوانان، جنبش زنان و حتی اعتراضات در مناطق حاشیه‌نشین در اعتراضات آبان حضور داشته است. سقوط هرچه بیشتر طبقات متوسط منجر به ایجاد کنشگری اعتراضی در این طبقه شده است. بیات در این خصوص می‌گوید: «این دیدگاه که اعتراضات آبان نقطه تلاقی تهیدستان و طبقه متوسط بوده به تعبیری درست است. چنان‌که در جاهای دیگری اشاره کرده‌ام، طبقه متوسط فرودست (middle class poor) هم به لحاظ نظری و هم در واقعیت تشکلی پیوندی (hybrid) است یا در وضعیت اجتماعی متعارضی قرار دارد. اعضای این طبقه بسیاری‌شان تحصیل کرده و صاحب مدرک دانشگاهی هستند، شناخت نسبتاً بالایی از اوضاع دارند، از تکنولوژی و کارکرد شبکه‌های ارتباطی و اینترنت آگاهی بالایی دارند، و دارای علایق و آرزوهای طبقه متوسط مرفه هستند. ولی همین افراد از لحاظ اقتصادی به بخشی از فرودستان پیوسته‌اند، بسیاری از آنان بیکارند یا مشاغل کم‌درآمد، موقتی و با منزلت پایین دارند که اغلب هم ارتباطی با تخصص تحصیلی‌شان ندارد. همین وضعیت اقتصادی این افراد را مجبور کرده است که در محلات فقیرنشین و مجتمع‌های حاشیه‌ای سرپناهی برای خودشان مهیا کنند. عضو این طبقه اغلب به خوبی نسبت به وضعیت اطرافش آگاه است، می‌داند چه چیزهای خوبی در کشورش موجود است (اتومبیل شخصی، منزل، مسافرت، توانایی تشکیل خانواده و غیره)، و در عین حال احساس می‌کند چقدر از همه این چیزهای خوب محروم است. او تجسم این تعارضات اجتماعی و تبلور خشم اخلاقی است. از نظر سیاسی قابل توجه است که این فرد دنیای فقر و محرومیت و زندگی حاشیه‌ای و آرزوهای پایمال‌شده را به دنیای روشنفکری و دانشگاه و اینترنت و مصرف جهانی وصل می‌کند و همواره بین این دو جهان در گذر است. قبلاً هم گفته‌ام که طبقه متوسط فرودست با این ویژگی‌ها به بازیگر

مهم سیاسی تبدیل شده است که منحصر به ایران نیست. ولی کنترل سیاسی و فرهنگی در ایران شاید بیشتر از جاهای دیگر این طبقه را با نظم سیاسی کشور بیگانه کرده است» (بیات، ۱۳۹۸).

از دیدگاه آزاد ارمکی (روزنامه/یران، ۱۳۹۸ / ۱۰ / ۹) طبقه پایین فعال شده و اگر جنبش طبقه متوسط به سمت پایین سوگیری کند، نمی‌توان آن را کنترل کرد. در عین حال او معتقد است این طبقه، با وجود تضعیف اقتصادی، کماکان از نظر فرهنگی و علایق اجتماعی همان طبقه متوسط است و همان خواسته‌ها و دغدغه‌ها را دنبال می‌کند. ارمکی این گروه را طبقه متوسط پایین و بخش بالای طبقه پایین می‌داند. نقشی که وی برای طبقه متوسط قائل می‌شود شرکت در تظاهرات نیست، بلکه معتقد است اگر دولت با طبقه متوسط آشتی کند و به آن اجازه نقش‌آفرینی در جامعه را بدهد، شاهد بهبود وضعیت از طریق اصلاحات اجتماعی خواهیم بود. به عبارت دیگر، نقش طبقه متوسط را در پیامدهای این اعتراضات می‌داند که منجر به حضور پررنگ آن در حیات اجتماعی می‌شود. به طور کلی، آثار مطلوب یا زیان‌بار کنشگری طبقه متوسط می‌تواند نقش فرصت یا تهدید را ایفا کند. طبقه متوسط مهم‌ترین بستر دموکراسی‌خواهی است که می‌تواند تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای آن را برعهده بگیرد و تبعات آن را برای سایر شهروندان کاهش دهد. در عین حال این طبقه در طول تاریخ معاصر ایران نقش برجسته‌ای در دگرگونی‌های سیاسی داشته است.

## هفتم؛ جوانان در اعتراضات آبان

محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور، در ۲ آذر ۹۸ به دیدار بازداشت‌شدگان اعتراضات آبان رفت. در گزارش خبرگزاری فارس از این دیدار اشاره شده بود که اکثر بازداشت‌شدگان آبان را جوانان تشکیل می‌دادند (سایت فارس، ۱۳۹۸/۹/۳). شواهد بسیار نشان می‌دهد اکثریت افراد حاضر در اعتراضات آبان، دستگیرشدگان و جان‌باختگان جوانان با تحصیلات پایین، ساکن در نواحی حاشیه‌ای و بیکار بودند (سایت ایسپا، ۱۳۹۸/۹/۳۰). از این رو، شناخت نقش جوانان در اعتراضات آبان ۹۸ و میزان عاملیت آنان از اهمیت بسیار برخوردار است.

صاحب‌نظران نیز به حضور جوانان در اعتراضات آبان اشاره کرده‌اند و اختلاف اغلب در مورد میزان تحصیلات یا تعلق طبقاتی آنان بوده است. برای مثال از «طبقات جوان و تحصیل‌کرده» (کانال تلگرامی محمد مهدی مجاهدی، ۱۳۹۸/۹/۲) یا «جوانان بیکار» (سایت ایسپا، ۱۳۹۸/۱۰/۳) سخن گفته شده است. قاسمی سیانی در مصاحبه با همکاران گزارش می‌گوید: «افراد حاضر در اعتراضات آبان الزاماً دانشجوی نبودند. طبقه دانشجوی با عنوان جنبش جوانان نبودند ولی جوانان و زنان نقش مهم و مؤثری داشتند، و این نشان می‌دهد که جنبش جوانان یک جنبش فراگیر است که می‌تواند در هر جایی نقش خود را ایفا کند. جوانی که در اعتراضات آبان شرکت کرده ممکن است سرخورده باشد، فارغ‌التحصیل باشد، بیکار باشد. این جوان دغدغه‌اش از جنس لیبرالی و آزادی که در جنبش دانشجویی وجود دارد نیست، ولی جوان است و آگاهی دارد. جنبش جوانان از جاهایی است که دو مفهوم آگاهی و محرومیت به یک تلاقی رسیده‌اند. یعنی جوانان از وجود محرومیت در جامعه آگاه‌اند و رنج می‌برند و از هر فرصتی استفاده می‌کنند که اعتراضات خودشان را نشان دهند. در اعتراضات آبان ماه وجود و حضور این جوان‌ها حضور پررنگی بود. شاید بتوان گفت که موتور محرکه این اعتراضات بود. چون کسانی که جوان هستند، از لحاظ رادیکالیسم و تیپولوژی و



آگاهی متفاوت‌اند و آرمان‌گرایی هم دارند، اینها وارد صحنه می‌شوند و بقیه طبقات محروم هم وارد می‌شوند، مثل جوانی که فارغ‌التحصیل و بیکار است و پدرش کارگر است. یعنی به صحنه می‌آیند و طبقات محروم هم به نوعی دیگر درگیر اعتراضات می‌شوند.»

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، در نشست درباره نقش و حضور دانشجویان در اعتراضات آبان گفت: «دانشجویان بازداشت‌شده در اعتراضات اخیر در کشور ۹۵ نفر بودند» (سایت انتخاب، ۱۳۹۸/۹/۱۳). قرارگاه سایبری عمار نیز در یادداشتی (۱۳۹۸/۱۰/۳) اعلام کرد: «۱۱۶ نفر از نوجوانان و جوانان بازداشت‌شده از سوی وزارت اطلاعات به کانون اصلاح و تربیت فرستاده شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد میانگین سنی این افراد ۱۵ تا ۱۸ سال بوده است و هیچ ارتباط شبکه‌ای با اغتشاشگران نداشته و صرفاً به دلیل هیجانانگیز دوره نوجوانی و جوانی در میان آنان حاضر شده‌اند.»

آصف بیات، در مصاحبه با ماهنامه *ایران فردا*، با اشاره به ویژگی‌های جوانان آنها را واجد شرایط مناسب برای فعال شدن در اعتراضات آبان می‌داند. به گفته وی این بضاعت شامل «توانایی جسمی و انرژی دوییدن و ایستادن برای ماجراجویی، ضدیت با وضعیت موجود، بهره‌مندی از دانش تکنیکی، تعلق به محافل دوستی، و شاید مهم‌تر از همه عدم مسئولیت‌ساختاری است، به این معنا که یک جوان نه مسئولیت حفظ دیگران (مانند فرزند و وابسته) را دارد و نه کاملاً وابسته به دیگران است. یک فرد جوان از نوعی استقلال نسبی برخوردار است. مجموعه این ویژگی‌ها جوانان را بیشتر از اقلیت دیگر آماده درگیر شدن در جنبش‌های اعتراضی - انقلابی می‌کند». وی جنبش جوانان را دارای خواست‌ها و نارضایتی‌های متعدد می‌داند چرا که افرادی با جنسیت‌ها و طبقات و موقعیت‌های مختلف اجتماعی و روابط قدرت متفاوت در این جنبش حضور دارند. بنا بر نظر بیات، تلفیقی از احساسات و موسیقی و جوانی و هنر مورد نظر جوانان در اعتراضات وجود داشته است. علاوه بر این، به نظر وی در ایران، به دلیل سرکوب

غرایز و سلايق جوانی، بر نارضایتی‌های جوانان افزوده شده و به همین دلیل حضور جوانان در اعتراضات آبان ۹۸ چشمگیر بوده است (بیات، ۱۳۹۸). قاسمی سیانی، در مصاحبه با همکاران گزارش، حضور جوانان و جنبش جوانان در اعتراضات بعدی را بدیهی می‌داند: «لرنر می‌گوید چه کسی حامل توسعه در جوامع در حال توسعه خواهد بود؟ می‌گوید جوانان تحصیل کرده شهری. من فکر می‌کنم درست است که مطالبات اقتصادی است و طبقات، طبقات پایین جامعه هستند، ولی به دلیل رشد باسوادى در جامعه، رشد جوان‌های تحصیل کرده، رشد شبکه‌های اجتماعی، آگاهی‌هایی که وجود دارد، رسانه‌ها و رشد ارتباطات بین المللی، جوانان پیشگام هستند. هر جنبشی که به وجود بیاید، حال معطوف به آزادی باشد یا عدالت اجتماعی، پیشقراول این جنبش جوانان خواهند بود.» بنا بر نظر اغلب ناظران سیاسی و اجتماعی، جوانان نقش مهمی در تحولات آینده خواهند داشت. جنبش جوانان جنبش فراگیری است که می‌تواند در موقعیت‌های مناسب نقش خود را ایفا کند. جنبش جوانان قابلیت آن را دارد که حلقه وصل طبقه متوسط و طبقه محروم باشد.

### ۱. ویژگی‌های جنبش جوانان

جنبش جوانان گونه‌ای از جنبش‌های اجتماعی عام محسوب می‌شود. جنبشی که در ابتدا نگاه مثبتی به آن وجود نداشت، و حتی از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ نقش مؤثری برای این جنبش‌ها در گذار به دموکراسی قائل نبودند، اما از ۱۹۸۰ به بعد دیدگاه‌های مثبتی را به خود جلب کرد (غفاری و قاسمی سیانی، ۱۳۸۶). «جنبش اجتماعی جریان آگاهانه‌ای است که برای ایجاد تغییری مطلوب یا جلوگیری از تغییری نامطلوب به راه می‌افتد. بدیهی است که در همه اشکال جنبش اجتماعی، بنا به تعریف، میزانی از نفی شرایط موجود و میزانی از اعتراض نهفته است» (پیران، ۱۳۸۴). بلومر در تقسیم‌بندی جنبش‌های اجتماعی آنها را به سه دسته عام، خاص، و احساساتی و بیانی تقسیم می‌کند و جنبش جوانان را

در زمره جنبش‌های عام قرار می‌دهد. از نظر بلومر، جنبش‌های عام «تلاش‌هایی هماهنگ»، «دارای جهتی عام» و «با آهستگی» است که با «تأمل» به سمت جلو حرکت می‌کند؛ و این روند باعث می‌شود که «طولانی‌مدت و متداوم» باشد. از دیدگاه بلومر، این جنبش معمولاً «رهبری شناخته‌شده» ندارد و تجلی یک «اعتراض» یا ترسیم کلی نوعی «موجودیت آرمان‌شهری» در قالب ادبیاتی متنوع اما فاقد تعریف دقیق است. پس وی زمینه شکل‌گیری جنبش‌های عام را «تغییرات تدریجی و فراگیر در ارزش‌های مردم» می‌داند که می‌توان آن را نوعی جریان آهسته فرهنگی دانست که در طی آن، برداشت‌ها و ارزش‌های مردم در مورد خود، حقوق و امتیازاتشان دگرگون می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۷۹).

منظور از جنبش‌های خاص در دسته‌بندی بلومر آن گروه از جنبش‌های اجتماعی است که «هدف تعریف‌شده»، «رهبران شناخته‌شده» و «اعضای مشخص» دارند، به «خودآگاهی جمعی» رسیده‌اند، اعضا نسبت به جنبش نوعی «احساس وفاداری و تابعیت» دارند، و «نوعی تقسیم کار» در درون جنبش وجود دارد و افراد «موضع و منزلت خاص خود» را دارند. منظور از جنبش‌های احساساتی یا بیانی نیز آن دسته از جنبش‌های اجتماعی است که از نظر اهداف و غایات «محدودتر از جنبش‌های خاص» هستند، و به دنبال تغییر در نهادهای نظم اجتماعی یا سرشت عینی آن نیستند، بلکه «می‌توانند آثاری عمیق بر شخصیت افراد و سرشت نظم اجتماعی بگذارند»، مثل جنبش‌های مد (همان: ۸۱-۸۲).

به اعتقاد لوی، جامعه باید دائماً از بی‌نظمی‌هایی که در قالب جنبش‌های اجتماعی مطرح می‌شوند استقبال کند و خیزش‌ها، علاوه بر آنکه تازگی و انعطاف‌پذیری نظام گسترده‌تر را حفظ می‌کنند، تنها فرصت واقعی برای ابتکار در سیاست را فراهم می‌آورند (کلاندرمانز و راج باند، ۱۳۹۴: ۱۵۵). به گفته تیلی، کثرت اعتراض، رابطه‌ای غیرخطی با آزادی سیاسی دارد. وقتی مسئولان رویه انتخاباتی و روش‌های معناداری برای دسترسی ایجاد می‌کنند، به دلیل وجود مسیرهای کم‌هزینه‌تر و مستقیم‌تر در تأثیرگذاری، تعداد معدودی از اعضا دست به اعتراض

می‌زنند (همان: ۱۶۵). به نظر تارو، جنبش‌های اجتماعی شرکت‌کنندگان را با فعالیت سیاسی آشنا می‌کنند و بر نهادهای سیاسی تأثیر می‌گذارند و حتی فرهنگ سیاسی یک نظام را شکل می‌دهند. همچنین به نظر وی این جنبش‌ها، خصوصاً در مراحل ابتدایی خود، شدیداً تحت تأثیر شکاف‌های نظام سیاسی قرار دارند (همان: ۱۷۷).

بر این اساس، جنبش جوانان را می‌توان بیانگر تلاش‌های آگاهانه بخشی از جوانان جامعه به منظور شروع یا مقاومت در برابر تغییر نظم اجتماعی دانست، جوانانی که تحت تأثیر تحولات فرهنگی و ارزشی در جامعه و جهان، نگرشی جدید به حقوق شهروندی و امتیازات سیاسی و اجتماعی خود به دست آورده‌اند و برای رسیدن به آرمان‌شهر خود تلاش می‌کنند. بنابراین می‌توان ادعا کرد زمانی که نهادهای سنتی در برآوردن نیازهای مشروع و رو به رشد جامعه با مشکل مواجه شوند، و گروهی از جوانان منتقد از گرفتاری‌ها و مشکلات مشترکشان آگاه گردند و احساس کنند که می‌توانند اقداماتی در جهت کاهش آلام و مصیبت‌هایشان انجام دهند، جنبش جوانان شکل می‌گیرد. تضاد ادراکی بین نیازها و تمایلات جوانان و شرایط سیاسی و اجتماعی موجود ریشه‌های نارضایتی جوانان را فراهم می‌آورد (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸).

یکی از جنبش‌های مبتنی بر پیش‌روی آرام که با جنبش زنان و دانشجویان هم‌پوشانی دارد جنبش جوانان است (جلایی‌پور، ۱۳۹۱). در اکثر کشورها، چه در جوامع پیشرفته و چه در جوامع جهان سوم، دانشجویان و دانش‌آموزان در جنبش‌های جوانان محوریت داشته‌اند. اگر جنبش جوانان را کنشگر مهم دوره انتقال و جوانان را واجد نگرش‌های نو و توانایی‌های عینی سرشار بدانیم، جنبش جوانان را می‌توان عاملی پایدار و همیشگی در نوسازی و احیای جامعه دانست چرا که نسل جوان، برخلاف نسل بزرگسال که به سنت‌ها اهمیت زیادی می‌دهد و معمولاً از حافظان نظم اجتماعی موجود به شمار می‌آید، واجد عقاید و نظرات جدید است. در کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل استقرار و تثبیت نظام‌های

دموکراتیک و وجود کانال‌های رسمی اعتراض، معمولاً جنبش‌های جوانان شکل مسالمت‌آمیز و قانونی به خود می‌گیرد. اما در کشورهای توسعه‌نیافته، به دلیل فقدان سنت‌های دموکراتیک و ضعف نهادهای مدنی، اعتراض جوانان اکثراً خشونت‌بار است (غفاری و قاسمی سیانی، ۱۳۸۶).

در منازعاتی که بین طبقات مختلف و گروه‌های سیاسی گوناگون جامعه وجود دارد، جنبش جوانان به دلیل برخورداری از مطالبات فزاینده فرهنگی و سیاسی، با محافل فکری به‌ویژه روشنفکران پیوندی وثیق می‌یابد و می‌تواند بر معادلات فرهنگی و سیاسی جامعه تأثیرگذار باشد. در جنبش‌های جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان به لحاظ ارتباط با روشنفکران و اعتبار بیشتر و امکان سرکوب سخت‌تر محوریت بیشتری دارند. به بیان دیگر، برجستگی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی در جنبش‌های جوانان و حاکمیت عنصر «آگاهی» بر این جنبش‌ها باعث گردیده در جنبش‌های جوانان اکثر کشورها، چه در جوامع پیشرفته و چه در جوامع جهان سوم، دانشجویان و دانش‌آموزان محوریت داشته باشند. آنان با ارتباط اندام‌واری که با بخش‌های فکری جامعه دارند، هم از غنای فکری مناسب و هم از اعتبار کافی برخوردارند. وابستگی دانشجویان و دانش‌آموزان به طبقات مختلف اجتماعی حاشیه امنیتی مناسبی برای آنان به وجود می‌آورد، چرا که عقلانیت حکم می‌کند حکومت‌ها خود را با همه جامعه درگیر نسازند.

تأکید بر محوریت دانشجویان و دانش‌آموزان در جنبش جوانان به معنای نادیده گرفتن نقش سایر جوانان در این جنبش نیست، بلکه بدان معناست که اینان به دلیل برخورداری از ویژگی‌های فوق‌واجد استعدادهایی هستند که می‌توانند موتور محرکه این جنبش باشند و آن را رهبری کنند و به سرانجام برسانند و گرنه در همه جنبش‌های جوانان، جوانانی از سایر اقشار و طبقات جامعه نیز حضور دارند. جوانان بیکار از جمله مهم‌ترین گروه‌های جوانانی هستند که در شرایط خاص ممکن است به دانشجویان و دانش‌آموزان بپیوندند (فرای هولد، ۱۳۷۹: ۱۶۱-۱۶۲).

نتایج مطالعات در کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد موضوعاتی که جوانان به اعتراض درباره آنها پرداخته‌اند در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه متفاوت بوده است. به طور مثال، در دهه ۱۹۸۰ در اروپای غربی، ایالات متحده و ژاپن، مسائل مورد توجه جوانان را موضوعاتی همچون به‌کارگیری سیاسی و بیولوژیکی سلاح‌های هسته‌ای، تکنولوژی ساخت و تکثیر بمب اتمی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، و پیامدهای دور و نزدیک فعالیت دولت‌ها در این زمینه‌ها تشکیل می‌داده است؛ در حالی که مطالبات جوانان در مناطق امریکای لاتین، خاورمیانه، آفریقا و آسیا عمدتاً بر محور تقاضای آزادی‌های بیشتر، دموکراسی و حق تعیین سرنوشت بوده است (قاسمی سیانی، ۱۳۸۸).

## ۲. جنبش جوانان در ایران

جوانی جمعیت در ایران یکی از مسائل محوری جامعه است. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن، جمعیت ایران حدود ۸۳ میلیون نفر اعلام شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). ترکیب گروه‌های عمده سنی جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که ۴۹٫۱ درصد جمعیت کشور ۲۹ سال و کمتر، ۴۴٫۸ درصد بین ۳۰ تا ۶۵ سال، و ۶٫۱ درصد ۶۵ سال و بالاتر هستند. در این سرشماری، بیشترین سهم جمعیت به گروه سنی ۲۵ تا ۳۵ سال تعلق دارد که در واقع متولدین دهه ۱۳۶۰ را شامل می‌شود. برآوردهای جمعیتی در سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد حدود ۲۴٫۶ درصد جمعیت کشور زیر ۱۵ سال، و ۲۲ درصد یعنی حدود ۱۸ میلیون و ۲۶۹ هزار نفر جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال، و حدود ۴۷ درصد جمعیت کشور میانسالان ۳۰ تا ۶۴ سال، و ۶٫۴ درصد جمعیت افراد بالای ۶۵ سال هستند (سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۸/۵/۱۶).

براساس مطالعات انجام‌شده، ده ترس مهم جوان‌ها عبارت‌اند از: تحصیلات؛ بیکاری (۳۷٪)؛ امکانات کم برای ادامه تحصیل (۲۳٪)؛ مشکلات مربوط به تشکیل خانواده (۴۱٪)؛ احتمال وخامت اوضاع اقتصادی (۲۸٪)؛ ترس از شکست

در زندگی؛ ترس از مواجهه با خشونت؛ ترس از عدم نزول اجتماعی (مثل ترس جوان از اینکه درآمدی کمتر از پدر و مادرش داشته باشد)؛ ترس از شبکه‌های اجتماعی (موضوع حریم خصوصی و بی‌آبرویی و خطرهایی که برای اعضای خانواده وجود دارد و همچنین نقض حقوق انسانی)؛ و ترس از جنگ احتمالی (۴۳٪) (ذکایی، ۱۳۹۷). با توجه به شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران، به نظر می‌رسد این نگرانی‌ها در میان جوانان ایرانی بیشتر از جوانان بسیاری دیگر از کشورها است.

دغدغه‌ها و مشکلاتی مشابه این نگرانی‌ها زمینه‌ساز شکل‌گیری جنبش جوانان شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین زمینه‌ها و عوامل آن اشاره می‌شود.

### تغییر ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی جوانان

اینگلهارت در کتاب *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی* توضیح می‌دهد که بوروکرات‌ها یا تکنوکرات‌های امروزی چه ارتباطی با تحولات فرهنگی و جوانان دارند. از نظر او جوانان باید علیه ارزش‌های مسلط نسل گذشته شورش کنند. البته این شورش در ایران نامرئی است چون شکل دیگری از آن امکان ظهور ندارد (کاظمی، ۱۳۹۶).

طبق نظریه آگنیو، وقتی فشارهای ذهنی و عینی به حد خاصی برسد، جوان‌ها دست به کارهایی می‌زنند که راهبردها یا نقشه‌های زندگی آنان را تشکیل می‌دهد. ذکایی به چند راهبرد اشاره می‌کند:

- اول، راهبردهای جبرانی است. جوان‌ها در مقابل فشارها به راهبردهای سبک زندگی روی می‌آورند، یعنی همان خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی خاص جوانان. انتخاب سبک زندگی سالم‌ترین راهبرد جوان‌ها در برابر فشارهاست.
- دوم، راهبردهای گریز از واقعیت است. برخی از جوان‌های امروزی برای گریز از واقعیت جامعه به مواد مخدر پناه می‌برند. جوان‌ها

می‌گویند که دیگر از ایدئولوژی‌ها و آزمون و خطاهای ما خسته شده‌اند. آنها نمی‌خواهند موش آزمایشگاهی ما باشند. آنها فقط می‌خواهند در دنیای خودشان زندگی کنند. این در واقع نوعی گریز از واقعیت جامعه است.

- سوم، راهبرد انتقام است. راهبردی که جوان‌ها در بسیاری از کشورها، چه در امریکای دهه ۱۹۶۰ و جنگ ویتنام، چه در جنبش‌های دانشجویی اروپا، و چه در جامعه خودمان، به آن متوسل می‌شوند. از مصادیق راهبرد انتقام تخریب صندلی و در و دیوار اتوبوس‌ها پس از بازی فوتبال است. این را وندالیسم یا تخریب اموال عمومی نیز می‌گویند. اینها مثال‌های کوچک راهبرد انتقام است. اینها یعنی انتقام از دنیا و انتقام از نابرابری و بی‌عدالتی، که وقتی با تحجر و کج‌فکری مذهبی درآمیخته شود، به چیزی مثل داعش منجر می‌گردد. جامعه ما نیز مصون از این خشونت‌ها نیست. جامعه ما آستن انواع راهبردهای انتقام است چون ما به راه حل خوبی مثل راهبرد سبک زندگی اهمیت نمی‌دهیم (ذکایی، ۱۳۹۷).

در همین زمینه به گفته فاطمه صادقی: «آن نسلی که انقلاب کرد مطالبات و خیالاتی داشت که اساساً نسل جدید هیچ‌گونه ارتباطی با آنها برقرار نمی‌کند. این تغییر نسل خیلی جدی است. تغییر نسل تغییر ذهنیت را در پی داشته. آنچه در انقلابیون ۵۷ مظهر فساد بود و عمدتاً با آن ضدیت و دشمنی داشتند، امروز برای بسیاری از نسل‌های امروزی بی‌معنی است. مثلاً موسیقی غربی یکی از چیزهایی است که امروز جوانان دوست دارند، نه به این معنا که موسیقی ایرانی را دوست نداشته باشند ولی دوگانگی‌ای که در ذهن انقلابیون تحت عنوان غرب/اسلام، غرب/ما، بیگانه/خویش‌تن بود کم‌رنگ‌تر شده. در واقع، یکدست شدن فرهنگ‌ها باعث شده که نسل جدید توقعات و مطالبات دیگری داشته باشند و دنیا را متفاوت با پدر و مادرشان ببینند. بنابراین تغییر نسل مسئله‌ای کلیدی است. اما



ساخت کنونی حاکمیت نه تنها این را نمی‌بیند، بلکه با آن ضدیت هم دارد و سعی در تحمیل خودش دارد، ولی ممکن نیست. نتیجه تغییر نسل تغییر مطالبات اجتماعی است.»

پیمایش‌های ملی نیز تفاوت مورد اشاره صادقی را تأیید می‌کنند. محمدرضا جوادی یگانه، جامعه‌شناس، در این زمینه معتقد است: «در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (سال ۱۳۹۵) کسانی که با مبارزه با امریکا موافق بوده‌اند، از ۵۴٪ کل افراد جامعه، به ۳۴٪ متولدان دهه هفتاد کاهش می‌یابد. این بیانگر تفاوت اساسی جوانان با نسل‌های قبلی است. یکی از نکات جالب این است که طبق داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها (موج دوم و موج سوم)، همه ارزش‌های آرمانی — اگر این ارزش‌ها را به عنوان آرمان بپذیریم — بین سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ نزول کرده است. به علاوه، چیزی که شدیدتر نزول کرده آرمان آزادی قدس است که از ۸۸٪ به ۷۳٪ رسیده است. این خط آرمان آزادی قدس بیشتر از بقیه نزول کرده است. در مقایسه، مبارزه با امریکا از ۷۱٪ به ۶۰٪ رسیده است» (جوادی یگانه، ۱۳۹۶).

گفته شده جنبش جوانان در ایران حاصل گذار سبک زندگی جوانان از «پنهان‌سازی» و «زیرزمینی شدن» — به دلیل محدودیت‌های ساختاری در برابر جوانان — به «مصرفی شدن» — به مثابه نوعی مقاومت نمادین — و سپس «کنشگری» است. به این معنا جوانان از مرحله مقاومت نمادین عبور می‌کنند و با کنش آشکار، مقاومت و هویت خودشان را نشان می‌دهند که اتفاقات اخیر شاهی بر این تحول است (جنادله، ۱۳۹۶).

نتایج اغلب پیمایش‌های اجتماعی نشان می‌دهد معمولاً دیدگاه جوانان درباره اکثر جنبه‌های زندگی منفی‌تر از سایر اقشار جامعه است. برای مثال، نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها نشان می‌دهد جوانان نسبت به وضع موجود معترض و از آن ناراضی‌اند. از جمله در پاسخ به این سؤال که آیا حق افرادی که پول و پارتی ندارند پایمال می‌شود، پاسخ ۲۷ درصد جوانان و ۲۲ درصد دیگر گروه‌های سنی «کاملاً موافق» بوده است (جوادی یگانه، ۱۳۹۶).

### بی‌هویتی و آوارگی

عباس کاظمی، پژوهشگر علوم اجتماعی، نسل جوان را «نسل بی‌هویت و آواره» می‌داند که «احساس تعلق ندارد». وی با تأکید بر جوانان خاورمیانه و ایران، تجربه آنها را از آوارگی متفاوت می‌داند و می‌گوید: «جوانان ایران و خاورمیانه کسانی هستند که ظاهراً در وطن خودشان‌اند، ولی در واقع در وطن خودشان نیستند.» به نظر وی، جوان خاورمیانه‌ای در وطن خودش غریب است و حس می‌کند با جوانان دیگر جهان متفاوت است. به گفته کاظمی: «براساس نظرسنجی‌ها و پیمایش‌ها، تقریباً ۸۰ درصد جوانان ایرانی و ۸۰ درصد دانشجویان می‌خواهند از ایران بروند. درصد بسیار کمی از آنها این خواسته را به واقعیت تبدیل می‌کنند، ولی همه آنها قصد مهاجرت دارند» (کاظمی، ۱۳۹۶).

نسل جوان در فضای سومی که تلفیقی از فضای واقعی و مجازی است زندگی می‌کند که این فضای سوم آوارگی‌اش را نیز تشدید می‌کند ولی در عین حال باعث می‌شود که در دوگانه‌های موجود قرار نگیرد. در پیمایش سنجش سرمایه اجتماعی کشور، سهم جمعیت ۱۸ تا ۲۹ سال که به ایرانی بودن خود زیاد و خیلی زیاد افتخار می‌کنند (۷۲ درصد) کمتر از جمعیت ۵۵ سال به بالا (۷۸,۴ درصد) بوده است. همچنین در حالی که ۳۰,۲ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله تمایل زیاد و خیلی زیاد به مهاجرت به خارج از کشور داشته‌اند، تنها ۱۵,۱ درصد جمعیت ۵۵ سال به بالا چنین تمایلی را نشان داده‌اند (وزارت کشور، ۱۳۹۴).

### آموزش، سلامت و مسکن

مطابق نتایج پیمایش سنجش سرمایه اجتماعی کشور (وزارت کشور، ۱۳۹۴) شاخص پنداشت موفقیت نظام در حل مسائلی همچون آموزش، سلامت و مسکن در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال تفاوت معناداری با دیگر گروه‌های سنی دارد. برای مثال، تنها ۳۳,۲ درصد جوانان موفقیت نظام را در حل مشکلات سلامت زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند و مابقی میزان این موفقیت را کم و خیلی کم و

متوسط گزارش کرده‌اند. متناسب با این شاخص، ۳۴,۴ درصد پاسخگویان جوان موفقیت نظام را در نهاد آموزش و پرورش زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. در موج سوم پیمایش ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای ایرانیان (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴) ۶۰,۲ درصد جمعیت ۱۵ تا ۲۹ سال پاسخ‌دهنده میزان رضایت از وضعیت اقتصادی خود را کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند.

### اشتغال و بیکاری

براساس گزارش مرکز آمار ایران، میزان بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال در تابستان ۱۳۹۷ برابر با ۲۸,۲ درصد بوده که در مقایسه با سال ۱۳۹۶ (۲۶,۹ درصد) افزایش داشته است. این آمار در بهار ۱۳۹۸ برابر با ۲۳,۷ درصد، و میزان بیکاری در شهر بیشتر از روستا بوده است. نرخ بیکاری دختران جوان بسیار بیشتر از پسران گزارش شده و بیش از ۴۰ درصد برآورد می‌شود که معیشت جوانان را در معرض تهدید دائمی قرار داده است. حدود نیمی از کل بیکاران جامعه جزو قشر جوان اند و در حال حاضر لشکر بزرگی از بیکاران سرگردان جوان داریم که تعدادشان قابل توجه است و بخش بزرگی از آنها دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها هستند. اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر در فراهم آوردن شغل و فرصت‌های شغلی برای جمعیت جوان کشور دچار مشکل بوده، و به نظر می‌رسد نرخ بالای بیکاری در بروز اعتراض‌های اخیر مؤثر بوده است.

جوادی یگانه نیز می‌گوید: «جوان اولین ضربه را هنگام یافتن شغل و ازدواج می‌خورد. دو اتفاق مهم دوره جوانی به عنوان دوره گذار یافتن شغل و ازدواج است. این دو اتفاق یعنی "ثبات" در زندگی جوان. اما این دو اتفاق نه بر مبنای سواد و اخلاق و عمل صالح و تحصیلات، بلکه صرفاً بر مبنای پول پیش می‌رود. سربازی نیز معیار دیگری است که می‌تواند آموزنده باشد، اما الان صرفاً به دو سال اتلاف عمر و بیگاری تعبیر می‌شود. در زمینه ارتقای شغلی نیز باید پرسید که الان چه کسی بر پایه دانش و توانایی و سخت‌کوشی و کارآمدی خود ارتقای شغلی می‌یابد؟» (جوادی یگانه، ۱۳۹۶).

### احساس عدم امنیت

ارزیابی‌ها در زمینه احساس امنیت نشان می‌دهد که تنها یک سوم جمعیت ۱۸ تا ۲۹ سال موفقیت نظام را در تأمین امنیت زیاد و خیلی زیاد ارزیابی می‌کنند (وزارت کشور، ۱۳۹۴). در همین مطالعه ۲۹,۷ درصد از جوانان احساس امنیت زیاد و خیلی زیاد و در مقابل ۳۹,۸ درصد احساس امنیت کم و خیلی کم داشته‌اند. به‌ویژه احساس ناامنی مالی در میان جوانان بسیار بالا گزارش شده، به نحوی که تنها ۱۴,۶ درصد آنان احساس امنیت مالی بالا داشته‌اند و ۴۶,۷ درصد احساس امنیت مالی کم و بسیار کم را گزارش کرده‌اند.

در موج سوم پیمایش ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای ایرانیان (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴) ۲۸,۱ درصد جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله معتقد بوده‌اند که احزاب برای انتقاد کردن از شرایط کنونی از امنیت زیاد و خیلی زیاد برخوردارند. همچنین ۳۶,۱ درصد جوانان میزان محترم شمرده شدن آبرو و حیثیت افراد در جامعه (امنیت اخلاقی) را زیاد و خیلی زیاد و مابقی کم و خیلی کم و متوسط ارزیابی کرده‌اند.

### به رسمیت شناخته نشدن

آزاد ارمکی مشکل اصلی جوانان را در حوزه دین می‌داند. به گفته وی: «در متون دینی ما، پدیده‌ای به نام "جوانی" به رسمیت شناخته نمی‌شود. اگر رساله مراجع و حضرت امام را نگاه کنید، می‌بینید که در آنها مبحثی درباره جوانی یا مسائل جوانان وجود ندارد. در متون دینی ما فقط از "بلوغ" و "تکلیف" بحث می‌شود. به نظر من، در کل حوزه دینی ما، از جمله در فقه و عرفان، پدیده‌ای به نام جوانی وجود ندارد، و فقط موقعی از جوانی نام برده می‌شود که صحبت از نادانی و جهل و سادگی است... پس وقتی متخصصان دین در سیاست‌گذاری‌ها وارد می‌شوند، موضوع جوانی را به رسمیت نمی‌شناسند و درباره آن تفسیری ارائه نمی‌کنند، و طبیعتاً به جوان اجازه نمی‌دهند که در حوزه سیاست‌گذاری و کنش اجتماعی نقش مؤثری ایفا کند» (آزاد ارمکی، ۱۳۹۶).

### شکاف فزاینده میان جوانان و نظام

نگرش منفی نسبت به نهادهای حاکمیتی، که بخشی از اعتماد عمومی را نشان می‌دهد، در جوانان بیشتر از دیگر گروه‌های سنی است. «مطالعات متعدد نشان می‌دهد که جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله، در قیاس با دیگر گروه‌های سنی، به مدیریت‌ها و نهادهای کشور بدبین‌تر و بی‌اعتمادترند و ترس‌ها و نگرانی‌هایشان از آینده بیشتر است، زیرا با محدودیت فزون‌تری مواجه‌اند و بیشتر با این نهادها و مدیریت‌ها سروکار دارند. به علاوه، جوانان برای ساختن و پیش بردن آینده مطلوبشان با موانع اجتماعی و فرهنگی بیشتری مواجه هستند» (ذکایی، ۱۳۹۷).

براساس نظرسنجی‌های صورت گرفته، جوانان نسبت به آینده کشور بدبین‌تر از دیگر گروه‌های سنی هستند. بر مبنای پیمایش «سرمايه اجتماعی» (۱۳۸۵) حدود ۳۱ درصد جوانان معتقد بوده‌اند آینده کشور بدتر خواهد شد. نگرش جوانان در این سال معتقد بوده‌اند وضعیت کشور روز به روز بدتر می‌شود. به عبارت دیگر، در مقایسه با سال ۸۵، امید آنها به بهبود وضعیت کشور ۱۳ درصد کاهش پیدا کرده است. در آخرین پیمایش (۱۳۹۷) سهم جمعیت جوان که نسبت به آینده ناامیدتر شده‌اند به پایین‌ترین سطح رسیده، یعنی بیش از نیمی از آنان (۶۴٫۱ درصد) اظهار داشته‌اند وضعیت کل کشور روز به روز بدتر می‌شود.

علاوه بر علل و عوامل یادشده، حضور فعال و گسترده نسل جوان در فضای مجازی کمک شایان توجهی به رشد و تقویت جنبش جوانان کرده است. «نسل جدید در فضای سوم زندگی می‌کند و در فضایی ترکیبی (بین واقعیت و مجاز) متولد می‌شود. در این فضا هویت‌های پیوندی و هویت‌های خصوصی ایجاد می‌شود. البته هویت‌های سیالی که ثابت نیستند و دائماً تغییر می‌کنند. این هویت‌ها سیال‌اند چون براساس علائق‌اند. ثمره فضاهای خصوصی در رفتارهای نسل جوان در اوقات فراغت قابل مشاهده است» (کاظمی، ۱۳۹۶).

براساس نظرسنجی ایسپا «تنها ۲۲ درصد جوانان زیر ۳۰ سال اولویت اول

پیگیری اخبار خود را صدا و سیما معرفی کرده‌اند» (روزنامه/اعتماد، ۱۳۹۸/۱۱/۲۱)، یعنی مرجعیت خبری جوانان را رسانه‌های دیگر به عهده دارند. به گفته رئیس سابق مؤسسه اسپا، مرجعیت خبری در میان جوانان را تلگرام بر عهده دارد: «در سال ۱۳۹۴، حدود ۵۳,۵ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله اعلام کرده‌اند که عضو شبکه تلگرام هستند. این عدد در سال ۱۳۹۵ به ۷۷,۳ درصد رسیده است. در سال ۱۳۹۶ با تغییر چندانی روبه‌رو نبوده‌ایم و ۷۴,۵ درصد این گروه سنی اعلام عضویت در تلگرام کرده‌اند. اما با اعمال فیلتر برای تلگرام، میزان عضویت جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله در خرداد ۱۳۹۷ به ۶۹,۵ درصد کاهش یافته است.» دیگر رسانه مرجع در میان جوانان اینستاگرام است. براساس نظرسنجی‌ها «در سال ۱۳۹۴، فقط ۲۶,۴ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله اعلام کرده‌اند که عضو اینستاگرام هستند. در سال ۱۳۹۵ این میزان با افزایش روبه‌رو بوده و به ۴۳,۷ درصد رسیده است. در سال ۱۳۹۶ شاهد افت میزان عضویت به ۳۴,۷ درصد و در عین حال رشد عضویت در تلگرام بوده‌ایم. با اعمال فیلتر برای تلگرام، میزان عضویت جوانان این گروه سنی در اینستاگرام به ۵۴ درصد در خرداد ۱۳۹۷ رسیده است» (سایت اسپا، ۱۳۹۷/۴/۱۱).

بر این اساس، جنبش جوانان به یکی از جنبش‌های اجتماعی مهم در کشور تبدیل شده است. مشارکت مؤثر در فرایند پیروزی انقلاب اسلامی در دهه پنجاه، حضور چشمگیر در عرصه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور در دهه شصت، نقش‌آفرینی در تحولات سیاسی - اجتماعی دهه هفتاد به‌ویژه انتخابات سال ۱۳۷۶ به بعد، و حضور مؤثر جوانان در تحولات سیاسی - اجتماعی عمده کشور طی سال‌های اخیر نقشی انکارناپذیر برای آنان در اعتراضات آبان و تحولات پیش رو رقم زده است.



## هشتم؛ زنان در اعتراضات آبان

حضور زنان در اعتراضات آبان ۹۸ به اندازه‌ای گسترده بوده که خبرگزاری فارس در گزارشی آنان را لیدرهای معترضان لقب می‌دهد (سایت فارس، ۱۳۹۸/۸/۲۹). در ویدئوهای منتشرشده از این اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی حضور زنان به وضوح دیده می‌شود و بنا بر گزارش‌ها تعداد زیادی از جان‌باختگان نیز زنان و دختران هستند. با آنکه زنان در اغلب اعتراضات مردمی قبل و پس از انقلاب نقش فعال داشته‌اند، به نظر می‌رسد در اعتراضات یک دهه اخیر، به‌خصوص آبان ۹۸، حضور متفاوتی را تجربه کرده‌اند.

### ۱. جنبش زنان در ایران

زنان نه تنها در ایران، بلکه در تمام دنیا و در اغلب تحولات سیاسی و اجتماعی پیشگام بوده و نقش مؤثری داشته‌اند. برای مثال می‌توان به حضور گسترده زنان در پاکستان (۲۰۱۰) در اعتراض به عملیات نیروهای امنیتی در محله لیاری، در ترکیه (۲۰۱۳) در تظاهرات علیه دولت، در مقدونیه (۲۰۱۵) در اعتراض به دولت، در برزیل (۲۰۱۶) در تظاهرات علیه راست‌گرایان، در روسیه (۲۰۱۰) علیه دولت، در شیلی (۲۰۱۹) در اعتراض به افزایش قیمت بنزین، و در سودان (۲۰۱۹) علیه حکومت عمرالبشیر اشاره کرد. به طور کلی، پس از انقلاب شاهد اعتراضات زنان در جهت تحقق مطالبات و خواسته‌های خود بوده‌ایم، و زنان در اعتراضات و تحولات عمومی نقش فعالی داشته‌اند.

زنان در ایران از جمله گروه‌هایی هستند که همواره در معرض تبعیض‌های زیادی بوده‌اند. فاطمه صادقی، پژوهشگر حوزه زنان، در مصاحبه با همکاران گزارش بیان می‌کند: «زنان در ایران جزو گروه‌هایی هستند که رفتارشان بسیار عملگراست چون بعد از انقلاب همواره با زندگی روزمره سروکار داشته‌اند. زنان از اولین گروه‌هایی بودند که عوارض حاکمیت اسلامی مثل قانون خانواده یا حجاب را



کاملاً درک کردند. در واقع، از اولین گروه‌هایی بودند که در معرض سیاست‌های جدید قرار گرفتند. حتی می‌توان گفت بسیاری از گروه‌های سیاسی و حاکمیت برای سرکوب کردن زنان دست به دست هم دادند. به عنوان مثال، حتی اعتراضات زنان در مورد حجاب اجباری هم با سرکوب مواجه شد و احزاب سیاسی، از جمله احزاب چپ، زنان را به دلیل این اعتراضات سرزنش کردند. به همین دلیل به نظر می‌آید که زنان از اولین گروه‌هایی بودند که از اول انقلاب متوجه شدند نمی‌توان با احزاب سیاسی ائتلاف داشت و در واقع روی پای خودشان ایستادند. از طرف دیگر، حاکمیت هم خصلت ضد زن به خودش گرفته بود. از نظر ایشان، حضور زن‌ها در اعتراضات، نظم جنسیتی قراردادی را به چالش می‌گیرد. بنابراین، در این حضور و رهبری اعتراضات، وجه مقابله با تبعیض جنسیتی پررنگ‌تر از هر چیز دیگری است. برای جامعه‌ای که چهل سال شاهد انواع تبعیض جنسیتی در عرصه‌های مختلف بوده است، همین رهبری ولو کم‌رنگ اعتراضات نشان‌دهنده این است که چقدر حضور زنان با نظم قراردادی جنسیتی موجود در چالش است. بنابراین نفس حضور زنان به این معنی است که بسیاری از مطالبات جنبش زنان در ایران حتی در زنان عادی هم نهادینه شده، هرچند که ممکن است آنها خودشان را چندان متصل به بدنه جنبش زنان ندانند. به عنوان مثال، مطالبه رفع حجاب اجباری در حال تبدیل شدن به یک مطالبه گسترده است، یا مطالبه حضور زنان در عرصه اجتماع و اشتغال به مطالبه گسترده‌ای تبدیل می‌شود؛ و این روند ادامه خواهد داشت و پررنگ‌تر هم خواهد شد.»

## ۲. زنان در اعتراضات: از دی ۱۳۹۶ تا آبان ۱۳۹۸

حضور زنان در اعتراضات دی ۹۶ قابل توجه گزارش شد. در روز ۷ دی ۹۶، حدود ۱۰ هزار تن به خیابان‌های مشهد سرازیر شدند و علیه گرانی دست به اعتراض زدند. تعداد زنان در این اعتراض پرشمار و صدایشان رسا و حضورشان فعال بود. ویدئوی یک زن در دومین روز اعتراضات در همدان در حلقه مأموران که با

هشتم؛ زنان در اعتراضات آبان ۱۳۳۱

جسارت زیادی اعتراض می‌کرد در فضای مجازی بسیار مورد توجه قرار گرفت. البته، برخلاف شهرهای بزرگ‌تر، زنان در عکس‌ها و تصاویر اعتراضات دی ۹۶ در شهرهای کوچک حاضر نیستند. با این حال، در برخی از ویدئوهای منتشرشده صدای زنان شنیده می‌شود. در همین دوره، تصویر زنی در تهران در حال عبور از میان گاز اشک‌آور و دود و غبار به سرعت در فضای مجازی و در رسانه‌های دنیا به عنوان یکی از نمادهای اعتراضی تظاهرات منتشر شد (سایت بی‌بی‌سی، ۱۳۹۶/۱۰/۷). در همین حال و تنها یک روز پیش از شروع اعتراضات، ویدئوی دختری منتشر شد که در میدان انقلاب حجاب از سر برداشته و بر بالای سکوی ایستاده بود. او چند ماه بعد، اعتراضش را دومین بار بر گنبد فیروزه‌ای میدان انقلاب تکرار کرد و به زندان محکوم شد. زنان دیگری هم در بسیاری از شهرهای ایران این حرکت خاموش اما اعتراضی را تکرار کردند، و نام «دختران انقلاب» به سالیان طولانی مبارزه علیه محدود کردن زنان گره خورد.

در ۲۰ اردیبهشت ۹۷ نیز حضور معلمان زن در اعتراضات سراسری معلمان در ۳۲ شهر به پایین بودن حقوق، شرایط سخت زندگی، عدم دریافت بیمه و سایر مزایا، و پرداخت نشدن چند ماه حقوق معوقه بسیار جدی بود. همچنین زنان به طور گسترده در دو دور دیگر اعتصاب و تحصن معلمان و فرهنگیان در روزهای ۲۲ و ۲۳ مهر و ۲۲ و ۲۳ آبان ۹۷ حضور داشتند (سایت [women.ncr-iran.org](http://women.ncr-iran.org)، ۱۳۹۷/۱۰/۶). در همین مقطع و در دیگر اعتراضات، از جمله اعتصابات کارگران هفت تپه، زنان در کنار مردان حضور داشتند. زنان کارگر هفت تپه آغازگر اعتراض شش روزه در آذر ۹۷ بودند (سایت اتحاد، ۱۳۹۷/۹/۴). این شواهد نشان می‌داد که در آینده نیز زنان دوش به دوش مردان حضور فعالی در تحولات خواهند داشت.

گزارش‌های مربوط به اعتراضات آبان ۹۸ حاکی از حضور زنان است. تصاویری از حضور زنان در این اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد، از جمله زنی سفیدپوش، در وسط اتوبانی در تهران، جلوی اتومبیل‌ها را می‌گرفت و از آنها

می‌خواست به اعتراضات بپیوندند. زنی در خرم‌آباد از جمعیت معترض می‌خواست به اموال عمومی آسیب نزنند. زنی در نجف‌آباد اصفهان فریاد می‌زد: «زن‌هایی که سرپرست خانوارند و دستشان خالی است چه کار کنند؟ به داد مردم برسید رهبر! به داد مردم برسید مسئولین! به داد این زن‌هایی که سرپرست خانوارند برسید.» زنی روی یک پل عابر پیاده در تهران رو به اتومبیل‌ها فریاد می‌زد. زنی جلوی اتومبیل‌ها را می‌گرفت و از آنها می‌خواست توقف کنند. زنی در میان تشویق همگان از بلندی بالا می‌رفت تا تصویری را پایین بکشد. در بوشهر، زنان در یکی از تجمعات شرکت فعال و گسترده‌ای داشتند. در مشهد، زنان و جوانان در تظاهرات شعار می‌دادند.

آنچه ذکر شد گزارش‌های استخراج‌شده از ویدئوها و عکس‌ها و روایت‌های اعتراضات آبان است که در رسانه‌های غیررسمی و شبکه‌های اجتماعی منعکس شد. اما در رسانه‌های رسمی داخلی نیز گروهی از زنان به عنوان هدایت‌کنندگان اعتراضات معرفی شدند. خبرگزاری فارس چهارشنبه ۲۹ آبان در گزارشی از اعتراضات نوشت: «میدان‌داری و میدان‌داری ویژه زنان در اغتشاشات اخیر چشمگیر به نظر می‌رسد. در نقاط متعدد، به ویژه حومه تهران، زنان ظاهراً ۳۰ تا ۳۵ سال نقش ویژه‌ای در لیدری اغتشاشات به عهده دارند. مشاهدات خبرنگار صبح‌نو نشان می‌دهد که این زنان متحدالپوشش هریک وظیفه‌ای جداگانه دارند، یکی از شورش‌ها فیلم می‌گیرد، دیگری جلوی خودروها را می‌گیرد و دیگری با تحریک مردم، آنها را برای پیوستن به صف اغتشاش‌ها مجاب می‌کند. اینکه چرا در اغتشاشات اخیر، زنان به مهره میدان‌دار تبدیل شده‌اند، خود جای سؤال دارد. مهم‌ترین پاسخی که شاید بشود به این سؤال داد این است که حضور پررنگ زنان عاملی مهم در تحریک احساسات و عواطف و غیرت جامعه بوده که به طور هدف‌دار به مستمسک برخی جریان‌ات معاند جهت بسط اعتراضات تبدیل شده است» (سایت فارس، ۱۳۹۸/۸/۲۹).

خبرگزاری فارس در گزارش دیگری نوشت: «در رفسنجان، لیدر تجمعات دو

هشتم؛ زنان در اعتراضات آبان | ۱۳۵

دختر به همراه تعدادی مرد بودند که مردم را تشویق به شعار دادن و تجمع می کردند. . . . فیلمی منتشر شد که نشان می داد در کهگیلویه و بویر احمد، در تجمعی آرام، یک دختر جوان با جیغ و فریاد در میان جمعیت درصدد تحریک و همراهی مردم برای اعتراض بود» (سایت فارس، ۱۳۹۸/۱۰/۵). شامگاه چهارشنبه ۲۹ آبان، در بخش خبری ۲۰:۳۰ سیمای جمهوری اسلامی ایران، اعترافات یکی از زنان بازداشت شده پخش شد. در این برنامه ادعا شد که رهبری اعتراضات را زنان به عهده داشتند و بیگانگان هم از آنان حمایت مالی می کردند. زنی که در این فیلم «فاطمه داوند» معرفی شد با لهجه کردی اعتراف کرد که سال ۷۳ از خانه فرار کرده و به سلیمانیه عراق رفته، و سپس به «تشکیلات ضد انقلاب» پیوسته، و بعد هم برای هدایت اعتراضات به ایران منتقل شده است. در این فیلم ادعا شد که فاطمه داوند هنگام فرار از مرزهای غربی کشور دستگیر شده است. فیلم اعترافات بر این سناریو متمرکز بود که زنان از نظر عاطفی نقش مهمی در هدایت اعتراضات مردم خشمگین از بی عدالتی اجتماعی برعهده داشته اند و بیگانگان هم برای هدایت اعتراضات در جهت تخریب اموال عمومی، با سرمایه گذاری هایی از این زنان استفاده کرده اند (سایت [allianceofmesocialists.org](http://allianceofmesocialists.org)، ۱۳۹۸/۹/۲۲).

به طور کلی به نظر می رسد زنان در دهه های اخیر، به دلیل افزایش سطح تحصیلات، خواهان زندگی بهتری برای خود هستند اما نظام فاقد انعطاف و توانایی های لازم برای پاسخ گفتن به مطالبات آنان است. بیشتر زنان تحصیل کرده بیکار هستند. معاونت بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران در شهریور ۹۸ اعلام کرد که با وجود رشد یک هزار و ۸۰۲ نفری جمعیت فعال زنان در تابستان سال ۱۳۹۸ نسبت به فصل مشابه سال ۱۳۹۷، سهم زنان از کل جمعیت فعال در حدود ۲ واحد درصد کاهش یافته و به ۱۹٫۶ درصد رسیده، که البته این کاهش سهم به دلیل افزایش حدود ۳۸۷ هزار نفری جمعیت فعال مردان در طی این مدت است (سایت اقتصاد نیوز، ۱۳۹۸/۷/۱۷). زمانی که تلاش زنان برای کاهش

تبعیض‌های جنسیتی اثرگذار نیست، واکنش آنان متمایل به رادیکال می‌شود. افزایش فشارهای اقتصادی در کنار افزایش آگاهی جنسیتی به زنان فشار بیشتری وارد می‌کند. زنان هرچه تلاش می‌کنند با افزایش تحصیلات از چرخه تبعیض خارج شوند، به در بسته می‌خورند زیرا متناسب با استعدادها، قابلیت‌ها و تحصیلات خود دسترسی به فرصت‌ها ندارند. استقلال مالی می‌تواند اندکی وضعیت سخت زنان را بهبود بخشد، اما خشونت نظام‌دار مانع جهش و پیشرفت آنان می‌شود. از این رو، زنان در خیزش‌های اجتماعی برای احقاق حقوق خود به خیابان می‌آیند.

دسترسی برابر به شغل و دستمزد، بیمه، توقف آزار و تبعیض در محیط کار و فضای عمومی، سهم مساوی از شهر و امکانات شهری، کرامت انسانی، تغییر قوانین تبعیض‌آمیزی که بسیاری از زنان را مجبور به ادامه زندگی با مردان خشونت‌ورز کرده، اصلاح کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگ زن‌ستیز که از طریق نهادهای رسمی بازتولید می‌شوند فهرستی ناتمام از مطالبات فراوان زنان است. این مطالبات زنان را به تحرک و شوریدن علیه نظم موجود وامی‌دارد. البته بررسی شعارهای اعتراضات آبان حاکی از آن است که مطالبات مطرح‌شده در این شعارها خاص زنان نبوده و عمومیت دارد.

امیر محبیان، روزنامه‌نگار، در ارزیابی حضور زنان در اعتراضات آبان می‌گوید: «نکته دیگری که خودش را در این شرایط نشان داد نقش‌آفرینی جوانان و زنان بود... یکی از نکات نظرسنجی‌ها این است که هرچه از متن به حاشیه و به سمت جوان‌ترها و زنان برویم، مواضع رادیکال‌تر می‌شود. علتش هم این است که الان فشار اقتصادی به مقدار زیادی روی دوش زنان افتاده است. معمولاً در اعتراضات، زنان محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند و حتی عامل بازدارنده همسرانشان از شرکت در اعتراضات هم می‌شوند. اما مسئله در اینجا بدین شکل نبود و دلیل اصلی آن هم این است که فشار اقتصادی زنان را به حرکت درآورده است» (سایت ایرنا، ۱۳۹۸/۹/۲۸).

گسترش روزافزون بازار غیررسمی در سال‌های اخیر موجب شده تا زنان برای کسب معیشت ناچار به فعالیت در مشاغل غیررسمی شوند. مثل بسیاری دیگر از کشورها، شاغلان در بازار کار غیررسمی فاقد امنیت شغلی هستند و در معرض انواع سوءاستفاده قرار می‌گیرند زیرا کمترین نظارتی بر این بخش وجود ندارد. این امر بر نارضایتی زنان افزوده و مشوق جدی‌تری برای حضور آنان در اعتراضات خیابانی و جنبش‌های اعتراضی فراهم آورده است. مطالبات زنان منحصر به مسائل اقتصادی نیست و ابعاد اجتماعی و سیاسی نیز دارد. در شرایط ضعف جنبش زنان، آنان با حضور در کنش‌های اعتراضی، در کنار تلاش برای بلندتر کردن صدای اعتراض عمومی، تأمین مطالبات خود را نیز دنبال می‌کنند.

بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به اینکه زنان پس از انقلاب بیشترین تبعیض و نابرابری را تجربه کرده‌اند، این اعتراضات فرصت مناسبی است تا بتوانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند. لذا اگرچه در گزارش‌ها درباره اعتراضات آبان شواهدی از بیان مطالبات زنان در شعارها نیست، نفس حضور آنان در این تجمعات اعتراضی اهمیت دارد.



## نهم؛ پیامدها و آثار اعتراضات آبان

فارغ از اینکه معترضان آبان هدف به خصوصی غیر از اعتراض به گرانی بنزین داشتند یا نداشتند، و اهدافی که در سر داشتند چه بود، این حوادث پیامدها و آثار مشخصی برای تحولات آینده خواهد داشت. ابعاد گسترده و وسیع اعتراضات آبان ۹۸ که در زمان اندکی شهرهای زیادی را دربرگرفت بی تردید آثار و پیامدهای ماندگاری دارد. از دیدگاه بسیاری از صاحب نظران، همان طور که این اعتراضات حاصل سیاست‌ها و برنامه‌های پیش از خود بود، پس از خود نیز آثاری در حوزه سیاست، اقتصاد و اجتماع برجای خواهد گذاشت. برخی صاحب نظران با خوش بینی این پیامدها و آثار را نویدبخش آینده‌ای روشن تر می‌بینند که در نهایت می‌تواند ضرورت تغییر را به گوش مسئولان امر برساند. در مقابل، گروهی دیگر این حوادث را پیش‌لرزه‌های فروپاشی در آینده‌ای نامعین اما نه چندان دور می‌دانند. اعتراضات آبان و حوادث پس از آن آثار غیرقابل انکاری در سطوح فردی و اجتماعی خواهد داشت. هنوز ارائه جمع‌بندی همه‌جانبه از ابعاد پیدا و پنهان حوادث آبان بسیار دشوار است و رسیدن به ارزیابی دقیق‌تر نیازمند زمان بیشتر برای فاصله گرفتن از متن حوادث است. با وجود این نمی‌توان در سطح کلان در مورد تأثیر اعتراضات بر ارزش‌های بنیادینی که انسجام اجتماعی را شکل می‌دهند تردید کرد. به گفته دورکیم، تضعیف انسجام اجتماعی از هم‌گسیختگی را به دنبال دارد که بر روابط مردم و مردم، مردم و دولت، و مردم و نظام‌های اجتماعی آثار معینی خواهد داشت. «فروپاشی اجتماعی» اسم رمز چنین فرایندی است. بررسی ابعاد متفاوت پیامدهای اعتراضات آبان کمک بزرگی به فهم روند آینده جامعه ایران می‌کند. در ادامه، این آثار را مورد بحث قرار می‌دهیم.



## نظام سیاسی

در میان صاحب‌نظران، دو ارزیابی کاملاً متفاوت از آثار اعتراضات آبان بر سیاست داخلی وجود دارد. گروه اول ارزیابی خوش‌بینانه‌ای از آثار اعتراضات دارند. این افراد، با امید به آینده‌ای بهتر، این اعتراضات را تلنگری می‌دانند که حکومت را به سمت اصلاحات جدی، مبارزه قاطع با فساد، تأکید بر عدالت اجتماعی، و گرایش به افزایش کارآمدی در داخل هدایت خواهد کرد. آزاد ارمکی در این زمینه می‌گوید: «معتقدم حاکمیت و نظام سیاسی این صدا را شنیده و این خطر را درک کرده است. به عبارت دیگر، این بار نمی‌توان روشنفکران را متهم کرد که غریبی هستند و آنان را محدود کرد. این بار ماجرا، ماجرای یک اکثریت بزرگ است. طبقه متوسط محدود است و بخشی از آن در نظام بوروکراتیک قرار دارد، بنابراین می‌توان آن را کنترل کرد. اما بقیه جامعه را چطور؟ آنان مستقل هستند. به این ترتیب، معتقدم حاکمیت به طور طبیعی به این دغدغه خواهد رسید که در سوگیری جامعه و به رسمیت شناختن نیروهای اجتماعی، تغییر رفتاری مهم صورت دهد» (روزنامه/یران، ۱۳۹۸/۹/۹). در مقابل، برخی دیگر معتقدند این حوادث نه تنها آثار مثبتی بر سیاست داخلی ندارد، بلکه توافق برای واکنش منفی و تند نسبت به هر اعتراض یا کنش جمعی را تشدید می‌کند.

پیامدهای اقتصادی اعتراضات آبان یکی از عواملی است که در تحلیل‌های مختلف به آن اشاره شده است. رنانی در این زمینه می‌گوید: «حکومت همین مسیر کنونی را ادامه دهد، نتیجه‌ای جز فروپاشی اقتصادی و ونزوئلایی شدن اقتصاد ایران ندارد، و به دنبال آن هم شورش‌های اجتماعی و سیاسی خواهد آمد که احتمالاً خونبار خواهد بود و حتی ممکن است امکان مدیریت آنها از دست برود و به درهم‌ریزی و سقوط بینجامد» (رنانی، ۱۳۹۸). به نظر می‌رسد زیان مالی ناشی از اعتراضات و سرکوب متعاقب آن به تشدید مشکلات اقتصادی کشور منجر خواهد شد و درآمد حاصل از گران کردن بنزین نیز قادر نخواهد بود کسری بودجه را جبران کند یا اثر قابل توجهی بر اقتصاد بگذارد. دولت مجبور خواهد شد

نهم؛ پیامدها و آثار اعتراضات آبان ۱۴۱۱

با انتشار پول بدون پشتوانه و افزایش دوباره نرخ ارز، چرخه رکود - تورم اقتصاد و فشار بیشتر بر طبقات ضعیف و متوسط را تداوم بخشد.

نوع واکنش در برابر جمعیت ناراضی، علاوه بر پیامدهای محسوس مادی، اثرات انکارناپذیری بر باور و اعتماد مردم دارد. این فرایند می‌تواند در قالب اشکال مختلفی همچون خشونت، نفرت، عدم اعتماد و کاهش انسجام اجتماعی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. گودرزی در مصاحبه با همکاران گزارش در این باره می‌گوید: «خشم نه فقط متوجه مسئولان، که متوجه نهادهای بنیادی هم شده است. در ماه رمضان سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸، تعداد افرادی که به صراحت در نظرسنجی‌ها اعلام کرده‌اند که روزه نمی‌گیرند افزایش زیادی پیدا کرده است. بیشتر این افراد کسانی هستند که از شرایط موجود رضایت ندارند. این خشم و نارضایتی به تدریج به نهادها و ارزش‌های دیگر هم سرایت کرده است. این نکته را باید در نظر داشت که از سال ۱۳۵۴ که نتایج پیمایش‌ها در دست است، روزه همواره بالاترین میزان تقید را در بین رفتارهای دینی داشته و رقم آن به طور متوسط بالای ۷۰ درصد بوده است، در حالی که این بار به زیر ۵۰ درصد تنزل یافته است.»

تضعیف سرمایه اجتماعی ناشی از کاهش اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی از اثرات پایدار اعتراضات آبان است. هزارجریبی در مصاحبه با همکاران گزارش در این زمینه گفته است: «انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی و به طور کلی سرمایه‌های اجتماعی نظام آسیب دید. این موارد در طی سالیان و در طولانی مدت ترمیم خواهد شد. کشور و حاکمیت هر چقدر ثروت و قدرت داشته باشد، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند هیچ کاری از پیش ببرد. بنابراین اگر قرار است با همین مردم کار کنند، باید دل مردم را به دست بیاورند. اگر این روند با همین برنامه‌ها پیش رود، شاهد نتایج فجیع‌تری در حوزه‌های مختلف خواهیم بود. حوزه معیشت می‌تواند بر حوزه‌های فرهنگی و سیاسی اثر بگذارد و در نهایت دولت‌ها تضعیف می‌شوند.»

برخی صاحب‌نظران تشدید فشارهای بین‌المللی بر نظام سیاسی ایران را یکی دیگر از پیامدها و آثار اعتراضات آبان دانسته‌اند.

### مردم و جامعه مدنی

اعتراضات آبان آثار گسترده و قابل توجهی بر حوزه عمومی و جامعه مدنی داشته است. بیشتر صاحب‌نظران حضور طبقه متوسط در تحولات سیاسی - اجتماعی را امری مبارک ارزیابی می‌کنند. از این رو، برخی اشاره کرده‌اند که پس از تجربه اعتراضات آبان، طبقه متوسط فرصت خواهد یافت تا نقش مؤثرتری در آینده ایفا کند. به گفته آزاد ارمکی: «طبقه متوسط بازیگری جدیدی خواهد کرد، به این معنی که اتفاقات آبان را معنادار خواهد کرد. طبقه متوسط در ماجرای دی ۹۶ سکوت کرد، آن اتفاقات را توضیح نداد و پیش نرفت، اما اکنون موقعیتی است که وقایع اخیر را معنا کند تا بتواند بازی خود را تصحیح کند. چون در اتفاقات دی ۹۶، خود طبقه متوسط متهم می‌شد، اما اکنون تاحدودی از او عبور کرده و طبقه متوسط مجبور است بازی طبقه پایین را معنا و توصیف و مختصات آن را تشریح کند. بنابراین این امر یک گام به جلو خواهد بود و یک گام به جلو برداشتن طبقه متوسط امکان رادیکالیسم و ماندگاری امنیتی‌ها در عرصه سیاسی را تقلیل خواهد داد» (روزنامه/یران، ۱۳۹۸/۹/۹). وی معتقد است: «اگر جنبش دموکراتیک در ایران با بازیگری طبقه متوسط به سمت طبقه پایین سوگیری کند، دیگر نمی‌توان آن را جمع کرد. ما در حال نزدیک شدن به این مرحله هستیم» (همان). آزاد ارمکی برای تحقق سناریوی خود الزاماتی را مطرح می‌کند: «البته این امر الزاماتی هم دارد. یکی از الزامات این است که شاکله کلان جمهوری اسلامی باقی بماند، دوم اینکه امکان بازی از طبقه متوسط گرفته نشود. اگر در آینده اتفاقات دیگری بروز کند، ممکن است حوزه سخت قدرت طبقه متوسط را تنبیه کند، اما اگر این اتفاق نیفتد، طبقه متوسط وارد عرصه سامان‌دهی جامعه و سیاست خواهد شد. طبقه متوسط نمی‌خواهد به یک ویرانگری برسد و آنچه را به دست آورده از دست

نهم؛ پیامدها و آثار اعتراضات آبان ۱۴۳۱

بدهد، بلکه می‌خواهد آنچه را دارد با طبقه پایین به اشتراک بگذارد» (همان). اغلب صاحب‌نظران معتقدند اعتراضات آبان و نحوه برخورد با آن شکاف بی‌اعتمادی بین مردم و نظام سیاسی را عمیق‌تر کرده است. به گفته افروغ، دروغ‌هایی که دولت به مردم گفته و تضادهایی که در رفتار و گفتار دولت‌مردان وجود دارد مردم را بی‌اعتماد کرده و این روند ادامه‌دار است (روزنامه/اعتماد، ۱۳۹۸/۱۰/۴). بنا بر نظر امیدی، وقتی دیگران از بی‌اعتمادی مردم به نظام می‌گویند، روی دیگر آن، بی‌اعتمادی نظام سیاسی به مردم است. وی در مصاحبه با همکاران گزارش در این باره می‌گوید: «مسئله اصلی به نظر من بی‌اعتمادی نظام سیاسی به مردم است که باید ابتدا این مورد اصلاح و جبران شود. این بی‌اعتمادی در همه موارد خودش را نشان می‌دهد.»

یکی از بحران‌های اساسی که نظام سیاسی ممکن است با آن روبه‌رو شود و تبعات جدی در حوزه اقتدار آن خواهد داشت، بحران مشروعیت است. به گفته امیدی، این بحران در نظام سیاسی ایران وجود دارد و اقدامات دولت نیز در جهت کاهش آن نیست: «نظام بیش از کسری بودجه، کسری مشروعیت دارد و با این افزایش قیمت بنزین، این شکاف مشروعیت بین مردم و دولت عمیق‌تر خواهد شد. بنابراین برای حل مسائل آبان به دو مورد مشروعیت و منابع و در درازمدت در کنار این دو به کارایی نیاز است. اما متأسفانه اتفاقی که در بودجه ۹۹ افتاده چندان مناسب نیست.»

شرایط حاصل از اعتراضات آبان و سرکوب آن باعث بی‌ثباتی معیشتی و احساس ناامنی در بین مردم شده است. بنا بر نظر پیمان، چنین وضعیتی می‌تواند بر انسجام اجتماعی و چه بسا ادامه کنش‌های اعتراضی تأثیر بگذارد: «در درون جامعه، ناایمنی اجتماعی و اقتصادی با روند کاهش اعتماد به کارآمدی و سلامت اخلاقی کارگزاران حکومتی و امیدواری به اصلاحات از بالا ادامه می‌یابد. در صورتی که خلاء گفتمانی و راهبردی ادامه یابد، احساس ناامنی و بی‌ثباتی شرایط معیشتی و زیست اجتماعی و سیاسی در میان مردم بیش از پیش با حس یأس و

درماندگی همراه می‌گردد و تأثیرات مخرب آن بر سلامت و انسجام فرهنگی و اجتماعی و کنش‌های اجتماعی اعتراضی و تحول‌خواهی تشدید می‌گردد» (ایران فرد، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

علاوه بر موارد بالا، به نکات دیگری نیز به عنوان پیامدهای اعتراضات آبان اشاره شده است، از جمله:

- افزایش نارضایتی عمومی
- افزایش حضور جوانان در کنش‌های اعتراضی آینده
- رشد و تقویت جنبش‌های اجتماعی
- افزایش ناامیدی از توانایی نظام در حل مشکلات و خروج از بحران‌ها
- تقویت زمینه‌های فروپاشی اجتماعی
- افزایش تمایل به روش‌های خشونت‌آمیز اعتراض و مقاومت
- تقویت شبکه‌های اجتماعی

## دهم؛ چشم‌انداز آینده

دیدگاه‌های نه‌چندان متفاوتی دربارهٔ آینده و چشم‌انداز اعتراضات آبان وجود دارد. بسیاری از صاحب‌نظران هرگونه ارزیابی از آینده را موقوف به نحوهٔ برخورد نظام سیاسی با حوادث جاری و تداوم سیاست‌های فعلی یا تجدید نظر در آن کرده‌اند. به همین سبب در برابر سناریوی ادامهٔ وضع موجود، یعنی تداوم سیاست‌های کلان کنونی، نتیجه‌ای جز فروپاشی، انقلاب یا نوعی درهم‌ریختگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پیش‌بینی نشده است. افروغ با اشاره به مخاطرات تأخیر در واکنش مناسب نظام به اعتراضات می‌گوید: «من نگران این نیستم که فردا انقلاب می‌شود یا به تعبیر امام یک یوم الله اتفاق می‌افتد که اتفاقاً خوب است. اما انقلاب نمی‌شود. انقلاب سازمان‌دهی و رهبری دارد. ما هم با شناختی که از مردم ایران داریم، می‌دانیم که اگر انقلاب شود چه صبغه‌ای خواهد داشت. اما انقلاب نمی‌شود، بلکه کشور متلاشی می‌شود» (سایت جماران، ۱۳۹۸/۱۰/۴).

هاشم آقاجری، تاریخدان و فعال سیاسی، از زایش و تولدی نو در پی اعتراضات سخن گفته است: «شواهد به روشنی حاکی از این است که جامعهٔ ایران آبستن تحولاتی بزرگ است. تحولی که بر زایمانی نو از دل کهنه دلالت دارد و همچون زایمان طبیعی، هرچه به زمان تولد نزدیک تر می‌شویم، فاصلهٔ بین دردهای زایمان کمتر و کمتر و دردهای ناشی از آن بیشتر و بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد اصل زایمان گریزناپذیر است، آنچه جای پرسش و واریسی دارد چگونگی چنین زایمانی است، زایمانی طبیعی یا همراه با سزارین. عقلانیت سیستم می‌تواند گذار از کهنه به نو را به گذاری مسالمت‌آمیز، دموکراتیک و بدون خونریزی یا با حداقل آن تبدیل سازد و این امر جز با اتخاذ روش مذاکره – مصالحه از سوی سیستم با جامعه و راه حل سیاسی مبتنی بر یک همه‌پرسی ملی و دموکراتیک برای تعیین تکلیف و پیش‌شرط حل تمام بحران‌ها، یعنی بحران ساختار حقوقی – حقیقی میسر نیست. در غیر این صورت می‌توان گفت ۲۴ آبان ۹۸ نقطهٔ عطف و عزیمتی

است که سیستم مستقر را با سزارینی خونین در اشکال غیرقابل پیش‌بینی آن مواجه خواهد ساخت» (آقاجری، ۱۳۹۸).

قاسمی سیانی، در مصاحبه با همکاران گزارش، مخاطرات و تبعات اصرار نظام بر ادامه سیاست‌های کنونی را بسیار گسترده‌تر می‌داند و با وجود آنکه امکان مداخله‌های گوناگون برای کنترل وضع را فراهم می‌بیند، خاطرنشان می‌سازد: «اگر این جنبش اجتماعی به مطالباتش نرسد، با انرژی بیشتر، وسعت بیشتر، سطح و عمق کینه بیشتر، و حمایت‌های بیشتر بین‌المللی از لحاظ اجتماعی گسترده‌تر می‌شود.»

پاسخ اغلب صاحب‌نظران به این پرسش که آیا در آینده شاهد رفتارهای جمعی مشابه اعتراضات آبان خواهیم بود، مثبت است. در عین حال اشکال متفاوتی از کنشگری را در آینده پیش‌بینی می‌کنند و تبیین‌های متفاوتی از چگونگی رفتارهای اعتراضی آینده دارند. در ادامه به ویژگی‌های متفاوت اعتراضات آینده نیز اشاره می‌شود.

### تعمیق شکاف دولت - ملت

یکی از دستاوردهای معاهده‌ی وستفالی نهاد نوپای دولت - ملت بود که در حال حاضر اصلی‌ترین بازیگر روابط بین‌الملل و یگانه واحد نظام جهانی است و در تعریف عبارت است از مدل سیاسی که اقتدار آن برگرفته از ملت باشد (Mclean, 1996). نظام‌های سیاسی براساس میزان موفقیت خود در کسب مشروعیت از ملت می‌توانند شکاف بین دولت و ملت را کاهش دهند و در مقابل، متناسب با میزان نزاع بین دولت و ملت، شکاف فیما بین می‌تواند عمیق شود. به گفته‌ی حاتم قادری: «حکومت مرتب به شکل وحشتناکی خود را در مقابل مردم قرار می‌دهد و فاصله‌گذاری می‌کند و با تحکم و تعدی بیشتری با مردم صحبت می‌کند و حاضر نیست صدای آنها را بشنود» (سایت بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۹۸/۸/۳۰). از نظر او، تداوم این روند و عمیق‌تر شدن شکاف دولت - ملت

دهم؛ چشم‌انداز آینده | ۱۴۷

اثرات مشخصی بر اعتراضات آینده خواهد داشت: «حکومت مؤثر در ایران در حال از بین رفتن است ولی کسی حاضر نیست این نوع صداها را بشنود» (همان).

### کاهش تدریجی کارآمدی سرکوب

دستگاه سرکوب یعنی مجموعه‌ای از مؤسسات اطلاعاتی، امنیتی و نظامی که وظیفه آنها استقرار نظم و مقابله با تهدیدات داخلی کشور است و هریک از اجزای این دستگاه دارای عملکرد خاص خویش است و وظایف هریک مشخص و تحدید شده است (حاضری و صالح‌آبادی، ۱۳۸۳). سرکوب عموماً یکی از روش‌های کنترل در نظام‌های اقتدارگرا محسوب می‌شود که بنا به عللی از جمله شکست در یک جنگ، رشد قدرت نظامی گروه مقابل، تغییر سریع شخصیت‌ها، اختلال در سازمان‌دهی نیروهای نظامی و نیروهای دستگاه اجبار، و پیوند عاطفی عوامل دستگاه اجبار با مردم ممکن است همیشه از کارایی لازم برخوردار نباشد.

به گفته اکثر صاحب‌نظران، سرکوب حدی از پیشگیری را به همراه دارد اما با تداوم و تکرار سرکوب، از میزان اثربخشی آن کاسته خواهد شد. قادری می‌گوید: «اینکه فکر کنیم با جمع کردن معترضان از خیابان‌ها یا سرکوب می‌توانیم به وضعیت قبل برگردیم اشتباه فاحشی است که صورت گرفته است و دوباره این بحران با شدت بیشتری در جای دیگری و به گونه‌ای دیگر سرریز خواهد کرد» (سایت بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۹۸/۸/۳۰).

آقاجری نیز در این مورد می‌گوید: «سرکوب، اعتراضات را موقتاً پنهان می‌سازد اما به هیچ‌وجه حل نمی‌کند. با توجه به روند کنونی و فقدان هیچ‌گونه چشم‌انداز روشن برای حل و رفع علل ساختاری، به نظر می‌رسد که در آینده نیز همچون حال و گذشته باید منتظر فوران گسترده‌تر و عمیق‌تر جنبش‌های اعتراضی بود» (آقاجری، ۱۳۹۸).

### گسترش دامنه اعتراضات

براساس دیدگاه تارو، یکی از ویژگی‌های جامعه جنبشی گسترش، انتشار و نهادینه



شدن تدریجی اعتراضات است (Tarrow, 1994). هزارجریبی معتقد است در صورت عدم پاسخ‌گویی به مطالبات و حل علل و عوامل آن، اعتراضات بعدی دامنه گسترده‌تری خواهد داشت. وی در مصاحبه با همکاران گزارش تأکید دارد: «اگر اعتراضات و انتقادات مردم به همین شکل بدون پاسخ بماند، معلوم نیست که امواج بعدی اعتراضات در همین سطح باقی بماند. ممکن است امواج قبلی نیز روی هم انباشته شود و تبدیل به یک "طوفان اجتماعی" بشود. دولت‌ها قادر نخواهند بود طوفان‌های اجتماعی را کنترل یا خنثی کنند.»

### کاهش فاصله میان اعتراضات

در بررسی اعتراضات دهه‌های اخیر به‌ویژه از سال ۱۳۸۸ به این سو اغلب تلاش شده کنش‌های جمعی یک به یک و به صورت مجزا تحلیل شوند. اما قرار دادن همه این کنش‌های اعتراضی در یک بستر و شناخت توالی آنها ما را به درک عمیق‌تر تحولات نزدیک می‌کند. بر این اساس، ارزیابی از تحلیل زنجیره‌ای حوادث مورد اشاره بسیار اهمیت می‌یابد. رنانی با اشاره به اعتراضات سال‌های اخیر، به کاهش فاصله اعتراضات در آینده اشاره می‌کند و می‌نویسد: «فاصله اعتراضات دارد کم می‌شود. از اعتراضات ۷۸ تا ۸۸ ده سال طول کشید، از اعتراضات ۸۸ تا ۹۶ هشت سال، و از اعتراضات ۹۶ تا ۹۸ دو سال؛ و با توجه به حجم مشکلات و بحران‌ها در حوزه‌های مختلف، از این پس حکومت باید منتظر اعتراضات در فواصل کوتاه‌تر و کوتاه‌تر باشد» (رنانی، ۱۳۹۸).

به گفته ناصر فکوهی، مردم‌شناس و پژوهشگر اجتماعی: «چون علت‌ها، کنشگران و روش‌ها و سیاست‌ها همان‌هایی هستند و خواهند بود که بودند، چرخه ناآرامی‌ها هر بار با سرعت و شدت بیشتری بازخواهد گشت تا پاسخی قابل قبول یعنی اصلاح وضع موجود را بیابند» (روزنامه/پیران، ۱۳۹۸/۹/۴).

همچنین صادقی در مصاحبه با همکاران گزارش می‌گوید: «بسامد اعتراض‌ها بیشتر شده و در فاصله زمانی کمتری اتفاق می‌افتند. اعتراض‌های چند سال یک

دهم؛ چشم‌انداز آینده | ۱۴۹

بار الان هر دو سال یک بار یا چند ماه یک بار رخ می‌دهند. بنابراین احتمالاً این ویژگی در آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد و هر زمانی که فرصتی پیش بیاید، این اعتراضات به شکل جدیدی با بهانه‌های جدیدی بروز خواهند کرد. تا زمانی که به زمینه‌های اصلی اعتراضات رسیدگی نشود، کماکان این اعتراضات را خواهیم داشت.»

### پیوند و هم‌افزایی اعتراضات و جنبش‌های اعتراضی

کنش‌های اعتراضی که به هر دلیلی به نتیجه نمی‌رسند و جوانمرد می‌شوند تأثیرات غیرقابل انکاری بر چنته جنبش‌ها دارند و به هم‌افزایی و ارتقای جنبش‌ها کمک شایان توجهی می‌کنند. به نوشته رجایی، پژوهشگر علوم سیاسی، تداوم اعتراضات پراکنده و گسسته کنونی در آینده به هم‌افزایی و پیوند آنها با یکدیگر خواهد انجامید: «جنبش‌های اعتراضی پس از ۸۸ هنوز مابه‌ازای سیاسی خود را پدید نیاورده‌اند. اصلاح‌طلبی رسمی . . . نگران چشم‌اندازی است که پیوند احتمالی جنبش ۸۸ را با جنبش ۹۸ ممکن می‌داند. رادیکالیسم‌های کوچک و پراکنده را نیروهای امنیتی مهار خواهند کرد ولی رادیکالیسم کلان‌تری به صورت نیمه‌خفته تداوم خواهد داشت و این بار اصلاح‌طلبی رسمی و نیروی میانه‌باز قادر نخواهد بود به نفع حکومت آن را مهار یا مصادره کند» (رجایی، ۱۳۹۸).

### رادیکالیزه شدن و افزایش خشونت

همچنان که گر (۱۳۷۹) اشاره دارد، پیوندها و عوامل متعددی در افزایش یا کاهش خشونت‌های سیاسی نقش دارند. حجم تاریخی خشونت سیاسی، میزان موفقیت خشونت سیاسی در گذشته، کارایی رژیم در کاهش محرومیت نسبی، پاسخ‌های رژیم به معترضان ناراضی، و مشروعیت رژیم از عوامل مهم تعیین‌کننده میزان خشونت معترضان در اعتراضات بعدی هستند. اغلب صاحب‌نظران همه این عوامل را به سود خشونت بیشتر ارزیابی می‌کنند. افروغ در مورد افزایش

خشونت‌ها در آینده هشدار می‌دهد: «اگر ما فضای رادیکال داریم، و پیش‌بینی من این است که در فضای انتخاباتی هم این فضای رادیکالیزه را شاهد خواهیم بود، داریم به لحاظ بروز این دست حوادث خشونت‌بار وضعیت مستعدتری پیدا می‌کنیم چون برای ریشه‌ماجرا فکری نکرده‌ایم. همان قدر که این حوادث اخیر نسبت به دی ۹۶ خشونت‌بارتر بود، اگر فکری نکنیم، حوادث بعدی خشونت بیشتری نسبت به امروز خواهد داشت» (سایت انتخاب، ۱۳۹۸/۱۰/۳).

شواهد بسیار نشان می‌دهد که اعتراضات و جنبش‌های اعتراضی دهه‌ی اخیر غیرخشونت‌آمیز بوده و اغلب از گرایش به رادیکالیسم پرهیز شده است. به نظر جلالی‌پور، در آینده احتمال رادیکالیزه شدن اعتراضات افزایش خواهد یافت: «اگر اوضاع به همین صورت پیش برود، ما در آینده هم جنبش‌های اعتراضی خواهیم داشت و این جنبش‌های اعتراضی می‌تواند به شورش‌های کوچک و بزرگ تبدیل شود» (سایت ایران آنلاین، ۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

### تداوم و تشدید بحران‌های اقتصادی

راغفر، در مصاحبه با همکاران گزارش، برای سال آینده افزایش فقر و بیکاری را پیش‌بینی می‌کند. به گفته‌ی وی: «با روند چند ساله‌ای که طی شده است، بخش قابل توجهی از طبقه‌ی متوسط به طبقه‌ی پایین فرو ریخته و هم زمان، با افزایش هزینه‌های زندگی و عدم تناسب رشد دستمزدها، فاصله‌ی بین طبقات بیشتر شده و طبقات متوسط بیشتری فقیر شده و به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند؛ و این روند ادامه پیدا خواهد کرد و با رشد بیکاری در جامعه همراه خواهد بود.»

وی معتقد است که در صورت ادامه یافتن وضع موجود، در آینده با تداوم افزایش تورم و گرانی و بالا رفتن قیمت کالاها مواجه خواهیم بود: «در سال‌های آینده و به خصوص سال آینده، ما افزایش شدید تورم را همراه با رکود باز تجربه خواهیم کرد. نزدیک به دوازده سال است که عملاً این رکود تورمی را تجربه کرده‌ایم و در سال‌های اخیر هم شدتش بیشتر شده است. برای حل مسئله کمبود منابع ارزی و

دهم؛ چشم‌انداز آینده | ۱۵۱

ریالی در کشور به نظر می‌رسد دولت هیچ گزینه دیگری جز توسل به افزایش قیمت حامل‌ها و ارز در نظر نگرفته. در بودجه ۹۹ هم تأکید اصلی بر افزایش مالیات‌ها است، آن هم نه طیف گسترده‌ای از مالیات‌ها، بلکه بیشتر از مصرف‌کنندگان و مردم مالیات گرفته خواهد شد، و افزایش قریب به یقین قیمت حامل‌های انرژی و ارز یک امر ناگزیر خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد که ما سال آینده مشکل خیلی حادتری از امسال خواهیم داشت.»

هرچند صاحب‌نظران دیدگاه‌های متفاوتی درباره ترکیب طبقاتی معترضان دارند و به طیفی از طبقات فقیر و کم‌درآمد تا متوسط اشاره می‌کنند، در همان حال پیش‌بینی می‌شود با تشدید بحران‌های اقتصادی و تداوم اعتراضات، شرایط برای حضور طبقات مختلف اجتماعی در اعتراضات آینده مهیا شود، و به‌ویژه با افزایش احتمال حضور دانشجویان دانشگاه‌ها در اعتراضات، امکان پیوند گروه‌های ناراضی در طبقات کم‌درآمد و متوسط بیش از پیش فراهم شود.



## یازدهم؛ توصیه‌ها

توصیه‌های مطرح‌شده در این بخش ترکیبی است از نظرات کسانی که به نحوی دربارهٔ اعتراضات آبان اظهار نظر کرده و در نهایت راهکارهایی برای برون‌رفت از بحران پیشنهاد کرده‌اند؛ از این رو، از وزن و جایگاه واحدی برخوردار نیستند.

### ۱. توصیه به نظام و مسئولین

توصیه‌های صاحب‌نظران به نظام عمدتاً رادیکال و متضمن اصلاحات ساختاری و تجدید نظرهای اساسی در سیاست‌های کلان است. در پس اغلب این توصیه‌ها تحلیلی است مبتنی بر وجود بحران‌های ساختاری که خروج از آن جز با اصلاحات بنیادی متصور نیست. بخشی از توصیه‌ها نیز به سیاست‌ها دربارهٔ افزایش قیمت حامل‌های انرژی به‌ویژه بنزین مربوط است که از ورود به آن در این گزارش صرف‌نظر شد. در ادامه، مهم‌ترین توصیه‌ها به نظام و دولت ارائه می‌شود.

### - بازخوانی انتقادی گذشته

به گفتهٔ افروغ، حکومت باید به بازخوانی انتقادی عملکرد گذشتهٔ خود بپردازد: «معتقدم بخش‌های مختلف حاکمیت با توجه به این اتفاقات باید به سرعت یک بازخوانی انتقادی از عملکرد و رویهٔ عمل خود در قبال جامعه داشته باشند و واقعیت‌های مسلمی را بپذیرند که سال‌هاست نادیده گرفته‌ایم» (سایت انتخاب، ۱۳۹۸/۹/۲).

### - بازیابی سرمایه اجتماعی

هزارجریبی، در مصاحبه با همکاران گزارش، با اشاره به اینکه اعتراضات نشان می‌دهد مردم در معادلات و تصمیم‌گیری دولت‌ها جایی ندارند، توصیه می‌کند که راه‌هایی برای بازیابی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شود، مثلاً: «از مردم دربارهٔ

تصمیم‌های اساسی نظرسنجی شود. از مردم استفاده ابزاری می‌شود و مردم با درک این موضوع آینده خوبی را برای دولت‌ها و حاکمیت‌ها رقم نخواهند زد. حاکمیت باید تمام توان خود را به کار بگیرد که سرمایه‌های اجتماعی از دست‌رفته را بازیابی کند.»

### - آغاز اصلاحات بنیادی و ساختاری

افروغ، با بازخوانی انتقادی حوادث آبان، ضرورت اصلاحات بنیادی ساختاری و اقتصادی را مورد تأکید قرار می‌دهد: «پایان اعتراض‌ها پایان ماجرا نیست، بلکه اتفاقاً باید آغاز چاره‌جویی باشد. کشور امروز به اصلاحات بنیادی در بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله نظام بانکی، بودجه، صندوق‌های بازنشستگی، حامل‌های انرژی و غیره نیاز دارد و تردیدی نیست که برای زخم‌های عمیق در بدنه بوروکراسی کشور باید فکری جدی کرد» (سایت انتخاب، ۱۳۹۸/۹/۲).

جالب آنکه جلایی‌پور که مواضع سیاسی متفاوتی با افروغ دارد نیز اصلاحات ساختاری را برای کنترل اوضاع در آینده ضروری می‌داند: «عوامل ساختاری که منجر به اعتراضات ۹۶ و ۹۸ شد همچنان در جامعه وجود دارد و ایران می‌تواند در بزنگاهی دیگر با وقایع مشابه روبه‌رو شود. مگر اینکه حاکمیت بدون تأخیر به اصلاح سیاست‌های خارجی و داخلی و شنیدن صدای معترضان و مطالبات شهروندان و کاهش ناراضی‌تری بپردازد تا با کمک نیروهای جامعه مدنی و بازسازی اعتماد و افق‌گشایی در جامعه، نقشه خشونت‌طلبان متکی به نیروهای ایران‌ستیز را خنثی کند» (روزنامه ایران، ۱۳۹۸/۹/۴).

### - توجه به وضعیت معیشتی مردم

همان‌طور که پیش‌تر توضیح داده شد، وقوع بخش قابل توجهی از اعتراضات آبان در مناطق حاشیه‌ای شهرها و محلات فقیرنشین توجه عمومی را به وضعیت معیشتی نامطلوب فرودستان جلب کرد. بر این اساس، اغلب صاحب‌نظران بر

ضرورت بازبینی برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی به سود این طبقات تأکید قابل توجهی دارند. فکوهی با اشاره به اینکه سال‌هاست جامعه‌شناسان نسبت به وضعیت نابسامان کنونی هشدار می‌دهند، تأکید می‌کند: «به نظر جامعه‌شناسان، بهتر شدن شرایط لزوماً باید برای اکثریت مطلق مردم و نه گروهی از مرفه‌ترین اقشار جامعه انجام بگیرد، و در درجه اول شامل وضعیت معیشتی بهتر و سپس آزادی‌ها و فضای سیاسی بهتر و بیشتر از جمله برای حق اعتراض باشد» (روزنامه‌ی *ایران*، ۱۳۹۸/۹/۴).

اعتراضات آبان نشان داد دهک‌های پایین جامعه شرایط دشواری از نظر معیشتی دارند. هاشمی، جامعه‌شناس، می‌گوید: «دولت و سایر قوا و دستگاه‌های مختلف باید نسبت به موضوع رضایت مندی اجتماعی توجه بیشتری داشته باشند و تدابیر لازم را برای تقویت امید و اعتماد اتخاذ کنند . . . دولت باید اهتمام و توجه بیشتری داشته باشد و برای تأمین نیازهای رفاهی به‌ویژه برای دهک‌های پایین جامعه برنامه‌ریزی جدی‌تری داشته باشد . . . بنابراین اولویت اصلی دولت‌مردان و مسئولان کشور در شرایط کنونی باید بر حمایت از محرومان و دفاع از اقشار نیازمند جامعه متمرکز شود» (روزنامه‌ی *ایران*، ۱۳۹۸/۹/۴).

### - تشکیل دولت حل منازعه

دلاوری، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تشکیل «دولت حل منازعه» را برای عبور از بحران توصیه می‌کند و می‌گوید: «اگر می‌خواهیم که زندگی کنیم، باید همدیگر را بپذیریم. این رویکرد راه حل است. باید این شکل از دولت همه مسائل قبل را هم حل کند. باید تمرکز این دولت بر حل منازعات موجود و شناسایی حوزه‌ها و زمینه‌های منازعه‌خیز باشد، یعنی همه حوزه‌هایی که در آن بحران وجود دارد. حوزه‌هایی هست که باید برایش سیاست‌گذاری شود. دولت حل منازعه، دولت نوساز یا دولت نوگرا هم هست. در زندگی اجتماعی عقلانیت وجود دارد. این شکل باید در دولت باشد و سامان با پذیرش همه باشد.



دولت حل منازعه باید یک سازه حقوقی باشد» (کانال تلگرامی انجمن علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۸/۹/۲۱).

### - به رسمیت شناختن مخالفان و پذیرش حق اعتراض مردم

بسیاری از صاحب‌نظران نیز با استناد به اصل ۲۷ قانون اساسی تأکید دارند که راهپیمایی و اعتراض طبق قانون اساسی آزاد است و اگر شرایط و امکانات راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز تحت نظارت کلی نیروی انتظامی فراهم می‌شد و این نیرو حفاظت از راهپیمایان را به عهده می‌گرفت و مانع ورود عوامل خودسر و غیرمسئول یا مأمور و مخرب به صفوف اعتراض‌کنندگان قانونی می‌شد، تظاهرات و راهپیمایی به خشونت نمی‌گرایید و جان و سلامت معترضان حفظ می‌شد. هزارجریبی در مصاحبه با همکاران گزارش می‌گوید: «می‌شد اعتراضات آبان را شنید و مطالبات مردم را پاسخ داد. می‌شود تصمیمی را که فشار عظیمی بر بخش بزرگی از مردم وارد می‌آورد برگرداند. چه کسی گفته که نمی‌توان از اشتباه برگشت؟ جامعه ایران بسیار جامعه منطقی و صبوری است. اگر حرف دولت صحیح باشد واکنش مثبت و در برابر حرف اشتباه دولت واکنش منفی نشان می‌دهد. در اسلام هم صحبت از همدلی و همراهی با مردم است. اگر بحث دین‌داری هم به موضوع اضافه شود، توقع تقید بیشتری از سمت حاکمیت می‌رود.»

هاشمی دو اقدام را در واکنش به حوادث آبان لازم و ضروری می‌شمارد: «ابتدا باید فرایندهای عملی و اجرایی اعتراض فراهم شود، یعنی مکان لازم برای ابراز اعتراض به شکل عینی و میدانی یا امکان اعتراض به شکل رسانه‌ای، و از طرف دیگر هم روند کسب مجوزهای قانونی تسهیل شود تا هم افرادی که نسبت به موضوعی اعتراض دارند بدانند چه مسیری را باید طی کنند تا امکان اعتراض آنها به یک رخداد یا مصوبه یا قانون در جامعه فراهم شود و هم نهادهای انتظامی بتوانند وظیفه خود را انجام بدهند و برای حفظ امنیت اعتراضات قانونی اقدام کنند و از طرف دیگر مانع قانون‌شکنی و بی‌انضباطی در جامعه شوند» (سایت ایرنا، ۱۳۹۸/۹/۲۵).

### - میانجی‌گری نخبگان برای رفع بحران

مجاهدی، با اشاره به شرایط حاصل از اعتراضات آبان، نخبگان را به میانجی‌گری برای حل بحران دعوت می‌کند. او این توصیه را خطاب به کسانی که «نخبگان ارگانیک» می‌نامد مطرح می‌کند و میانجی‌گری آنان را برای حصول توافق و رفع بحران میان جامعه و حاکمیت ضروری می‌داند. منظور وی از «نخبگان ارگانیک» کسانی است که فارغ از میزان سواد و تحصیلات و منزلت اجتماعی، در درون یک صنف یا گروه حرفه‌ای و معیشتی مرجعیت دارند، مانند چهره‌های شاخص سندیکایی. به نظر او، این گروه از نخبگان می‌توانند کوشش کنند که سوءفهم‌های متقابل میان حاکمیت از یک سو و گروه‌های حرفه‌ای و اصناف و اقشار مردم از سوی دیگر کاهش یابد تا حاکمیت به جای سر باز زدن از به رسمیت شناختن اعتراضات، با صداقت و هوشمندی سراغ نخبگان ارگانیک برود، سخنان و خواسته‌های ایشان را بشنود، و از ایشان بخواهد که از مرجعیت مؤثر خود برای کاهش تنش‌ها استفاده کنند (کانال تلگرامی محمدمهدی مجاهدی، ۱۳۹۸/۹/۲).

### - به رسمیت شناختن جنبش‌ها

توصیه‌ی قدری برای بهبود شرایط، به رسمیت شناختن جنبش‌ها است: «تنها کاری که حکومت باید بکند این است که این جنبش‌های اجتماعی را به رسمیت بشناسد و قادر باشد یک سامان مجددی از قدرت سیاسی و اقتصادی را در بین مردم به رسمیت بشناسد... حکومت در کلیت خود در سیاست‌گذاری تجدید نظر کند» (سایت بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳۹۸/۸/۳۰).

### - اصلاح نظام برنامه‌ریزی

الگوی توسعه و برنامه‌ریزی در ایران عمدتاً متمرکز و از بالا به پایین بوده است، به همین دلیل برنامه‌های توسعه فارغ از محتوا و هدف و برخی دستاوردهایشان اکثراً موفق نبوده و فاجعه‌های انسانی و اقتصادی بسیاری به بار آورده‌اند. این فرایند

برنامه‌ریزی متمرکز در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی منجر به شکاف‌های عمیق بین جامعه و نهادهای مدنی در یک سو و حاکمان و متولیان امور در سوی دیگر شده، نابرابری‌ها را افزایش داده، و با ایجاد منابع رانتی جدید بی‌عدالتی را گسترش داده است. تجربه این شکاف‌ها و بی‌عدالتی‌ها به تدریج منجر به واکنش‌های سرسختانه‌ای از جانب مردم شده است. رحمانی در این زمینه می‌گوید: «متأسفانه متولیان و حکمرانان جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر، بدون توجه به تجربه‌های تاریخی برنامه‌ریزی‌های بالادستی در عرصه‌های معیشتی و اجتماعی زندگی مردم، باز هم همان الگوی تکراری بی‌توجهی به مردم و نهادهای مدنی را در مراحل شناسایی مسئله، تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، اجرا و در نهایت نظارت تکرار کرده‌اند. مسئله بنزین یکی از این مقولات است. برنامه‌هایی که بدین صورت اجرا شده‌اند همیشه منجر به التهاب‌های بزرگی در جامعه ایرانی شده‌اند. دلیل این مسئله، بیش از آنکه اقتصادی باشد، فرهنگی و روانی است. در این برنامه‌ریزی‌های افزایش ناگهانی قیمت بنزین که به تجربه منجر به زلزله‌ها و آشفتگی‌هایی در زندگی جاری مردم می‌شود، نه تنها امیدی به فواید و منابع عمومی برنامه نیست، بلکه نوعی کم‌توجهی سیاسیون و متولیان امور به مردم نیز حس می‌شود» (روزنامه ایران، ۱۳۹۸/۹/۴).

### - تلاش برای ایجاد وفاق ملی

با توجه به کلیت شکاف میان قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی در ایران، برخی صاحب‌نظران توصیه می‌کنند حکمرانی باید از بنیان دگرگون شود به نحوی که قدرت حکمرانان تعدیل و نقش مردم تقویت گردد. افروغ می‌نویسد: «در ارتباط با مورد خاص اعتراضات اخیر... باید اجازه داد مردم اعتراضات مدنی خود را مطرح کنند و به آنها گوش سپرده شود. یا مردم قانع شوند یا تغییری در سیاست‌ها ایجاد شود. باید باب نقد گشوده باشد و همگان بی‌محابا حرف‌های خود را بر زبان برانند. این امر یعنی استفاده از ظرفیت‌های مدنی» (سایت انتخاب، ۱۳۹۸/۹/۲).

## - اصلاح نظام بانکی و مالیاتی

راه‌حل حسین راغفر، اقتصاددان، برای بهبود شرایط، در مصاحبه با همکاران گزارش، اصلاح نظام بانکی و مالیاتی است: «ما باید دو دسته اصلاحات داشته باشیم. یک دسته اصلاحاتی است که باید در نظام مالیاتی صورت بگیرد و از کسانی که به‌خصوص در دو سال گذشته برنده سیاست‌های دولت‌ها بوده‌اند مالیات بگیرند، و بسیاری از تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی حذف شوند. یک بخش هم اصلاح نظام بانکی است. نظام بانکی باید برای فعالیت‌هایی مانند واردات خودروی لوکس مالیات وضع کند و سود آنها را کم کند و آن وقت این منابع درآمد مالیاتی را به سمت بخش‌های تولیدی هدایت کند تا فعالیت تولیدی مقرون به‌صرفه‌تر بشود. در همه دنیا این اقدام را انجام می‌دهند، یعنی از فعالیت‌های نامولد مالیات می‌گیرند تا سود آنها را کاهش دهند و منابع را به سمت تولید پیش ببرند و سود فعالیت‌های تولیدی را افزایش دهند، آن وقت خود به خود سرمایه از آن محل به سمت منابع پرسودتر حرکت خواهد کرد. در کوتاه مدت هم دولت باید مالیات بگیرد. ما محاسبه کردیم که نزدیک به ۷۵۰ هزار میلیارد تومان ظرفیت‌های کسب و کار در کشور وجود دارد که اصلاً شناسایی نشده و سراغش هم نمی‌روند. یعنی کل بودجه دولت به علاوه مبالغ هنگفت تری می‌تواند فقط از طریق مالیات تأمین شود، ضمن اینکه این منابع به طور کلی به تصحیح رفتار بخش‌های نامولد اقتصادی می‌انجامد. باید سود فراوان فعالیت‌هایی مثل خرید و فروش سکه و ارز که شغل ایجاد نمی‌کند کم شود. همچنین لازم است درآمدها هم به صورت یارانه و یارانه‌های دستمزد به پیمانکاران و تولیدکنندگان منتقل شود تا بتوانند نیروی کار استخدام کنند.»

## ۲. توصیه به مردم و جامعه مدنی

با آنکه اکثر صاحب‌نظران تأکید دارند که برای بهبود وضعیت و خروج از بحران، این دولت و حاکمیت است که باید اصلاحات ساختاری را آغاز کند، در عین حال

گروهی از آنان نیز توصیه‌هایی به معترضان و مردم ناراضی دارند. تأکید اظهاری در این زمینه قابل تأمل است: «نباید تنها دولت مخاطب باشد بلکه جامعه مدنی هم باید مخاطب قرار بگیرد. بنابراین یا دولت به این گفتمانی که ما به عنوان یک برنامه گفتمان جایگزین بدان اشاره داریم توجه می‌کند و از فروپاشی خود جلوگیری می‌کند یا در صورت عدم توجه، راه این جامعه بسیار پردرد و رنج‌تر خواهد شد» (سایت ایرنا، ۱۳۹۸/۱۰/۹).

در ادامه، به مهم‌ترین توصیه‌های صاحب‌نظران به جامعه مدنی و ناراضیان اشاره می‌شود.

#### - یافتن ظرفیت‌های ممکن برای تعامل

برخی صاحب‌نظران به معترضان هشدار می‌دهند که راه برون‌رفت از شرایط کنونی جست‌وجوی راه‌هایی برای تعامل با دولت و حاکمیت است. برای مثال، به گفته دلآوری، باید به دنبال حل مسئله بدون نگاه منجی‌گرایانه رفت. وی می‌گوید: «فقط از راه یک فضای تعاملی می‌توان به یافتن راه‌ها از بیراهه‌ها رفت. نباید به دنبال ناجی بلکه باید به دنبال پتانسیل حل مسئله گشت» (کانال تلگرامی انجمن علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۸/۹/۲۱).

#### - بازگشت نخبگان و روشنفکران به مسئولیت اجتماعی خود

ضرورت تقویت نقش گروه‌های مرجع، متخصصان مسائل اجتماعی و اقتصادی، و سازمان‌های جامعه مدنی از جمله انجمن‌های علمی در افزایش آگاهی‌های اجتماعی و اثرگذاری بر فرایند حوادث یکی دیگر از توصیه‌های صاحب‌نظران است. کاظمی در این زمینه می‌گوید: «جامعه‌شناسی نباید خود را محدود به پیش‌بینی‌های بعد از وقوع کند، بلکه باید راهی عملی پیش روی مردم بگذارد و به جای نقش پیشگو، نقش روشنفکر عملگرا را بازی کند. حلقه مفقوده تأمل جامعه‌شناسان نه مردم و نه دولت بلکه جماعت پرنفوذ نخبگان و روشنفکران

یازدهم: توصیه‌ها | ۱۶۱

است. آنها باید ابتدا در باب انقطاع میان روشنفکران و نخبگان بیندیشند. این جماعت پراکنده و عمدتاً افسرده اگر به کار بیفتند می‌توانند در حرکت جامعه مؤثر افتند . . . ما در قبال جامعه مسئولیم» (کانال تلگرامی عباس کاظمی، ۱۳۹۸/۹/۲۵).

#### - استفاده از ظرفیت‌های قانونی

«اعتراض حق مردم است» تکیه کلام اغلب صاحب‌نظران در خصوص حوادث آبان است. آنان به معترضان توصیه می‌کنند که با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی از این حق استفاده کنند. برای مثال، افروغ می‌گوید: «اکنون نیز باید ظرفیت‌های قانونی پساوقوع مجدداً طرح شود. بلافاصله مردم تقاضای راهپیمایی کنند و معترضین بتوانند اعتراضات خود را طرح کنند. لذا الان هنوز فرصتی وجود دارد که مردم بیایند و اعتراضات بحق و قانونی خودشان را مطرح کنند، آنچه باید قبل از وقوع رخ می‌داد. اتفاقاً الان می‌توانند مسائل دیگری را هم در اعتراضات خود بیان کنند» (سایت نسیم آنلاین، ۱۳۹۸/۹/۶).

#### - پیگیری حقوق بدون رادیکالیسم و با پرهیز از خشونت

بسیاری از صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌کنند در آینده احتمال رادیکالیزه شدن اعتراضات افزایش خواهد یافت، و لذا برخی توصیه می‌کنند که معترضان باید مانع از رشد رادیکالیسم شوند.



## سخن آخر

شورش، اعتراضی است به یک سیاست یا برنامه خاص اما جنبش، علاوه بر اعتراض به سیاست و برنامه خاص، چشم‌انداز و آینده کمابیش روشنی را نیز ترسیم می‌کند. لذا جنبش در مقایسه با شورش ماهیتی ایجابی دارد. اما میان این دو کنش جمعی یعنی شورش و جنبش تفاوت‌های مهم دیگری هم هست. از جمله این تفاوت‌ها، تداوم در حرکت است. هر جنبشی عموماً با شورش آغاز می‌شود. ولی عوامل متعدد دیگری از جمله تداوم اعتراض و شکل‌گیری منظومه‌ای از مطالبات، که تصویر آینده بهتر را می‌سازد، می‌تواند شورش را به جنبش تبدیل کند.

در اعتراضات آبان ۱۳۹۸، وجوه سلبی اعتراض را به روشنی می‌بینیم اما تبدیل این اعتراض به جنبش نیازمند حضور نیروی اجتماعی است که آن را سازمان‌دهی کند. حاصل آنکه می‌توان نتیجه گرفت اعتراضات آبان بیشتر شورش بود تا جنبش.

طبقاتی وارد یک کنش اعتراضی می‌شوند که انگیزه لازم را برای آن داشته باشند. افزایش قیمت بنزین براساس مطالعات متعدد زندگی طبقه فرودست را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعاتی که در ایران انجام شده نشان می‌دهد بعد از هر بار افزایش قیمت انرژی به‌ویژه بنزین، هزینه خانوارهای دهک اول تا ششم جامعه دچار تغییر می‌شود. به این ترتیب که خانوارهای کم‌درآمد ناچار می‌شوند از هزینه تفریح، آموزش و مسکن بکاهند و هزینه خوراک و حمل و نقل را افزایش دهند، لذا از کیفیت زندگی آنان بسیار کاسته می‌شود. در اعتراضات دی ۹۶ شاهد حضور فرودستان بودیم، اما از آن زمان تا آبان ۹۸ جمعیت تهیدستان به شدت افزایش پیدا کرد و جمعیت بیشتری نگران عواقب سیاست‌های اقتصادی از جمله افزایش قیمت بنزین برای معیشت و زندگی‌شان شدند. بنابراین، علاوه بر شوک ناشی از افزایش قیمت بنزین، نارضایتی‌های پیشین نیز انگیزه‌های قدرتمندی برای



اعتراض فراهم کرد. بالا بودن نرخ تورم، بیکاری و پایین بودن احساس امنیت انسانی، همهٔ اقشار جامعه به‌ویژه گروه‌های سنی جوان را مستعد اعتراض و شورش می‌کند.

این تصور که فرودستان فقط حاشیه‌نشینان شهری هستند خطا است. با توجه به افزایش فقر و نابرابری در سال‌های گذشته، فقرای جامعه (فرودستان) جمعیتی بسیار بیشتر از حاشیه‌نشینان شهری را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، حاشیه‌نشینی شهری تعریف کاملی برای کسانی که دچار فقر مسکن هستند نیست. مطابق برخی برآوردها حدود ۱۱ تا ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ایران در سکونت‌گاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند. تمام کسانی که در محدودهٔ اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند در شرایط اسکان غیررسمی یا به تعبیر نه‌چندان دقیق حاشیه‌نشینی به سر می‌برند. منحصراً کسانی که به دلیل جاذبهٔ شهرنشینی و رفاه شهری، زادگاه خویش را رها کرده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار در شهرها کشانده شده‌اند حاشیه‌نشین نیستند، بلکه بخش مهمی از ساکنان مناطق حاشیهٔ شهرها را کسانی تشکیل می‌دهند که قبلاً ساکن مراکز شهری بوده‌اند اما به دلیل هزینهٔ بالای مسکن ناچار شده‌اند به مناطق پیرامون شهرها با مسکن ارزان‌تر بروند. ساکنان مناطق اسکان غیررسمی در سکونت‌گاه‌های غیرمتعارف در کنار ساکنان بافت اصلی شهر زندگی می‌کنند. سکونت‌گاه‌های غیررسمی نظام‌های اجتماعی پیچیده و پویایی هستند که در معرض تغییرات پیوسته قرار دارند. در مناطق حاشیه‌نشین چهرهٔ فقر به شدت نمایان است. در اعتراضات آبان ۹۸ طبقهٔ فرودست نقش پررنگی در اعتراضات داشت، اما این اعتراضات در متن و بافت اصلی شهرهایی مانند شیراز و اصفهان هم گزارش شد. در این اعتراضات، علاوه بر طبقات محروم جامعه، جوانان هم نقش پررنگی داشتند. پس در واقع ما از یک سو با شورش معیشتی ناشی از شوک افزایش قیمت بنزین سروکار داشتیم و از سوی دیگر با جنبش جوانان که به طور کلی از وضع موجود به شدت ناراضی‌اند.

جنبش جوانان شهری تلاش‌های ناهماهنگی است که جهتی عام دارد و به آهستگی و همراه با تأمل به آن سو حرکت می‌کند. جنبش جوانان طولانی‌مدت و مداوم است. این جنبش معمولاً رهبری شناخته‌شده‌ای ندارد و تبلور یک اعتراض یا ترسیم کلی نوعی موجودیت آرمان‌شهری اما فاقد تعریف دقیق است. از حیث جمعیت‌شناختی، منظور از جوانان افراد در بازه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال هستند. در غالب جنبش‌های جوانان و جوانان شهری، دانشجویان و دانش‌آموزان محوریت دارند.

در میان جنبش‌های اجتماعی، جنبش جوانان به دلیل ماهیت دموکراسی‌طلبانه واجد اهمیت ویژه‌ای در مباحث گذار به دموکراسی است. در همه کشورهای، جنبش‌های جوانان به دنبال گسترش حقوق شهروندی، تثبیت حق تعیین سرنوشت، و استقرار نظام‌های سیاسی دموکراتیک هستند. دموکراسی اساس مطالبات جوانان را تشکیل می‌دهد. دموکراسی‌خواهی هسته مرکزی مطالبات نسل جوان است که گاه ضد استعماری، گاه ضد استبدادی و گاه به شکل مبارزات سیاسی - اجتماعی در درون نظام سیاسی دموکراتیک است. از منظر جامعه‌شناختی، جنبش جوانان متکی به طبقه خاصی نیست و دانشجویان و دانش‌آموزان محور اصلی جنبش را تشکیل می‌دهند. آنها به دلیل در اختیار داشتن وقت کافی، ارتباط و تعامل نزدیک با اندیشه‌ها و تفکرات نو، و برخورداری از اعتبار و منزلت در میان مردم از ویژگی‌های مناسب‌تری برای ایفای نقش جدی‌تر در میان جوانان و انسجام‌بخشی به یک جنبش اجتماعی در راستای گذار به دموکراسی برخوردارند. جنبش جوانان ترکیبی است از طبقات فرودست و متوسط با دغدغه‌های خاص خود، اگرچه این موضوع به معنای نادیده گرفتن انگیزه‌های اقتصادی قوی برای اعتراض نیست.

اگرچه طبقه متوسط در حال حاضر با دغدغه‌های معیشتی جدی روبه‌رو است، این دغدغه‌ها باعث نمی‌شود خصلت‌های سیاسی و فرهنگی خود را کنار بگذارد. به همین دلیل در ارزیابی اعتراضات اخیر نمی‌توان به کل نتیجه گرفت که در همه

جا تمایل به خشونت بالا بوده است. برای مثال، خاموش کردن اتومبیل کنشی کاملاً مدنی است که در روزهای اول اعتراضات شاهد آن بودیم. اما برخورد بسیار خشنی که با این اعتراضات صورت گرفت باعث شد واکنش‌های خشونت‌آمیز در حدی بیشتر از آنچه انتظار می‌رفت بروز کند.

معترضان آبان ۱۳۹۸ را ترکیبی از طبقات کم‌درآمد و فرودست و طبقه متوسط تشکیل می‌دادند. مطالبات مطرح‌شده در شعارها ترکیبی بود از مطالبات هر دو طبقه. اگرچه اعتراضات دی ۹۶ از نوع جنبش نان بود، اعتراضات آبان ۹۸ تنها به اعتراضات معیشتی محدود نبود و مطالبات سیاسی هم در آن گزارش شد. ضمن اینکه اگرچه انگیزه آغازین هر کنش اعتراضی را موضوع و محرک خاصی (مثل افزایش قیمت بنزین) شکل می‌دهد، هیچ تضمینی نیست که در ادامه اعتراضات مطالبات دیگر مطرح نشود. در اعتراضات آبان، نقطه شروع کنش‌ها بالا رفتن قیمت بنزین بود ولی در ادامه معترضان شعارهای سیاسی هم سر دادند.

فرهنگ سیاسی کلیت جامعه ایران در سال‌های گذشته مدنی‌تر شده است. در حافظه جمعی مردم هنوز راهپیمایی سکوت بیست و پنجم خرداد ۸۸ جنبش سبز زنده است. جامعه ایران به خوبی آموخته که بیان اعتراض به صورت مدنی و غیرخشونت‌آمیز فوایدی بسیار بیشتر و هزینه‌هایی بسیار کمتر از اعتراضات خشونت‌آمیز دارد. حرکت‌هایی مثل خاموش کردن اتومبیل در خیابان یا نشستن مردم برخی شهرستان‌ها در خیابان شکل‌های کاملاً مدنی اعتراض است. انتخاب این روش‌های نافرمانی خشونت‌گریز در شرایطی است که تمام ساختارهای قانونی، سیاسی و مدیریتی حاکم بر کشور در دهه‌های اخیر به شدت مردم را به سمت خشونت سوق داده‌اند. از این رو، اگر هم خشونت از جانب بخش‌هایی از معترضان بروز کرده، واکنشی بوده به اجرای سیاست سرکوب. با این وجود نمی‌توان منکر این شد که در سال‌های اخیر، به دلیل وضعیت نابسامان اقتصادی - اجتماعی، روند خشونت در جامعه ایران رو به افزایش بوده است. در این سال‌ها، بر میزان خشونت‌های بین فردی و خشونت‌های خانگی افزوده شده است. خشونت

ساختاری فراگیرترین، شدیدترین و ماندگارترین نوع خشونت است و سطوح دیگر خشونت از جمله خشونت فردی، خانوادگی و حتی جمعی تابعی هستند از خشونت‌هایی که ساختارها بر جوامع تحمیل می‌کنند. تصویب قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان، اقلیت‌ها و سایر گروه‌های محروم، یا مقاومت ساختارها در برابر تغییر قوانین تبعیض‌آمیز، خشونت را در سراسر جوامع بازتولید می‌کند. سیاست‌های ناعادلانه اقتصادی، ضد توسعه، رانتیر و کاهنده رفاه عمومی، نظام مبتنی بر فساد و تبعیض، فقر و نابرابری فزاینده را که مولد خشونت فرادستان علیه فرودستان است تقویت می‌کند. سیاست‌های خارجی تنش‌زا مولد احساس عدم امنیت عمومی است و به مهاجرت اجباری تحصیل‌کردگان و طبقه متوسط منجر می‌شود تا آنها را در معرض انواع خشونت‌ها در آن سوی مرزها قرار دهد.

آیا جامعه‌ای که هر شب با نگرانی از جنگی قریب‌الوقوع به خواب می‌رود در معرض خشونتی نظام‌مند نیست؟ آیا خشونتی فراگیرتر از تورم ساختاری که هر روز فشار و استرس بیشتری بر مزدبگیران طبقات متوسط و فقیر تحمیل می‌کند می‌توان سراغ گرفت؟ آیا خشونت را جز در چهره کودکان خیابانی، زباله‌جمع‌کن و آنها که به جای حضور در کلاس درس ناچارند تمام روز را در کارگاه‌های آجرپزی، شیشه‌گری و امثال آن بگذرانند می‌توان یافت؟ آیا خشونتی تلخ‌تر از درد زن اخراج‌شده از کارگاه کارفرمای حریص می‌توان مجسم کرد؟ آیا خشونتی مخرب‌تر از زندگی روزمره کارگران و زحمتکشانی که هر روز با اضطراب از دست دادن کار یا پرداخت نشدن حقوق آخر ماه از خواب برمی‌خیزند می‌توان سراغ گرفت؟ آیا خشونتی بی‌پروا تر و شرم‌آورتر از خون بر برف شتک‌زده کولبران هست؟ بر این اساس، ملتی قربانی رسوخ خشونت ساختاری در همه ابعاد زندگی است، اما باز هم با هوشیاری تمام پرهیز از خشونت را معیار و مبنای تلاش‌های خود برای ایجاد زندگی بهتر قرار می‌دهد.

بی‌تردید اعتراضات آبان و پس از آن اعتراضات به ساقط شدن هواپیمای اوکراینی آخرین کنش‌های اعتراضی نسبت به وضعیت کنونی نیست. اغلب ناظران اجتماعی

و سیاسی معتقدند در آینده‌ای دور یا نزدیک بار دیگر شاهد اعتراضات مشابه خواهیم بود. از این رو، مهم‌ترین توصیه برای کاهش تنش‌ها و پیشگیری از اعتراضات آینده شروع اصلاحات ساختاری به منظور خروج از بحران‌های کنونی است.

## منابع

- آبنیکی، حسن. (۱۳۹۶). «بررسی مشارکت سیاسی در طبقه متوسط جامعه ایران». پژوهش سیاست نظری ۲۱: ۵۷-۸۳.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۹۶). نشست بررسی مفهوم جوانی. مؤسسه رحمان (۳ مهر).
- آزاد ارمکی، تقی و علیرضا صادقی. (۱۳۹۵). «خودمانی‌سازی بازار؛ تهیدستان و سیاست معاش». توسعه محلی (روستایی - شهری) ۸ (۱): ۲۷-۵۶.
- ارباب، پارسا. (۱۳۸۶). «حاشیه‌نشینی: ابعاد و جوانب». مسکن و محیط روستا ۱۱۹: ۵۲-۶۵.
- ازغندی، علیرضا و روزان حسام قاضی. (۱۳۹۲). «ایستار ذهنی طبقه متوسط جدید و نقش آن در توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران». مطالعات سیاسی ۲۲: ۲۹-۴۴.
- ایران دوست، کیومرث، محمد اعظمی و روح‌اله تولایی. (۱۳۹۳). «شاخص‌های تعریف و تعیین سکونت‌گاه‌های غیررسمی در ایران». مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای ۲۱: ۴۳-۶۰.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو.
- بیات، آصف. (۱۳۷۹). سیاست‌های خیابانی: جنبش تهیدستان در ایران. ترجمه اسدالله نبوی. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- بیات، آصف. (۱۳۹۸). «طغیان طبقه متوسط فرودست». ایران فردا ۵۷ (اسفند).
- بیات، آصف، کمال اطهاری و اعظم خاتم. (۱۳۸۳). «چانه‌زنی با مدرنیته». کتاب ماه علوم اجتماعی ۸۱: ۶-۱۳.
- پیران، پرویز. (۱۳۷۹). فقر در ایران. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- پیران، پرویز. (۱۳۸۴). «فقر و جنبش‌های اجتماعی در ایران». رفاه اجتماعی ۱۸: ۱۷-۶۲.
- جلایی‌پور، حمیدرضا. (۱۳۹۱). «لایه‌های جنبشی جامعه ایران: دو جنبش کلان و ده جنبش خرد اجتماعی». پژوهشنامه علوم سیاسی ۷ (۴): ۳۵-۸۸.
- جنادله، علی. (۱۳۹۶). نشست تغییرات سبک زندگی و خلیقات جوانان. مؤسسه رحمان (۲ بهمن).
- جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۹۵). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.
- جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۹۶). نشست تغییرات سبک زندگی و خلیقات جوانان. مؤسسه رحمان (۲ بهمن).
- جواهری‌پور، مهرداد. (۱۳۸۱). «چالش جهانی فقر شهری». رفاه اجتماعی ۶: ۱۲۷-۱۴۷.
- حاضری، علی محمد و ابراهیم صالح‌آبادی. (۱۳۸۳). «ساختار دستگاه سرکوب و فروپاشی رژیم شاه». مجله جامعه‌شناسی ایران ۵ (۳): ۵-۲۷.
- دارابی، علی. (۱۳۹۴). «طبقه متوسط جدید و توسعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی». مطالعات توسعه اجتماعی ایران ۸ (۱): ۷-۲۰.
- دلاپورتا، دوناتلا و ماریو دیانی. (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.

- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۹۷). نشست تأملی در رنج‌های جوان امروز ایرانی. مؤسسه رحمان (اول مرداد).
- رجب‌زاده، احمد و محمدرضا طالبان. (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی: مطالعه‌ای بین‌کشوری». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی* ۵۶ و ۵۷: ۹۹-۵۳.
- رفعت‌جاه، مریم. (۱۳۸۷). «فرار از آزادی (فراغت و فرهنگ عامه)». *خردنامه همشهری* ۲۸.
- رنانی، محسن. (۱۳۹۸). «آینده ایران در دستانی لرزان». دسترسی در:  
<http://www.renani.net/index.php/texts/notes/521-renani-article2-150>
- روزنامه اعتماد. ۱۳۹۶-۰۷-۱۵. دسترسی در:  
<http://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/88194>
- روزنامه اعتماد. ۱۳۹۸-۰۹-۱۰. دسترسی در:  
<http://www.etemadnewspaper.ir/fa/main/Page/1429/1/>
- روزنامه اعتماد. ۱۳۹۸-۱۰-۰۴. دسترسی در:  
<https://www.magiran.com/article/3993814>
- روزنامه اعتماد. ۱۳۹۸-۱۱-۲۱. دسترسی در:  
<http://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/139261>
- روزنامه ایران. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:  
<http://www.iran-newspaper.com/Newspaper/Page/7210/1/527563/0>
- روزنامه ایران. ۱۳۹۸-۰۹-۰۴. دسترسی در:  
<http://www.iran-newspaper.com/Newspaper/Page/7212/1/527767/0>
- روزنامه ایران. ۱۳۹۸-۰۹-۰۹. دسترسی در:  
<https://www.magiran.com/article/3982895>
- روزنامه دنیای اقتصاد. ۱۳۹۸-۰۹-۱۹. دسترسی در: [bit.ly/2RyrlMh](http://bit.ly/2RyrlMh)
- روزنامه شهروند. ۱۳۹۸-۰۹-۰۹. دسترسی در:  
<http://www.shahrvandonline.ir/author/abbasabdi>
- روستایی، مریم. (۱۳۹۵). «زندگی در گور». روزنامه شهروند (۷ دی).
- رئیسی عیسی‌آبادی، شهاب و مسعود پوراعتمادی. (۱۳۹۸). «بررسی جامعه‌شناختی آسیب‌ها و انحرافات حاشیه‌نشینی در استان چهارمحال و بختیاری». *دانش انتظامی چهارمحال و بختیاری* ۲۶: ۱۲۰-۹۳.
- زیباکلام، صادق، داوود افشاری و عبدالله اصلان‌زاده. (۱۳۸۹). «علل روی کار آمدن خاتمی (دولت اصلاحات ۱۳۷۶) براساس نظریه توسعه نامتوازن ساموئل هانتینگتون». *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی* ۲ (۳): ۷۶-۵۱.
- سازگرا، پروین. (۱۳۸۲). بررسی سبک زندگی قشر دانشگاهی و بازاربان سنتی: طبقه متوسط جدید و قدیم. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- سایت allianceofmesocialists. ۱۳۹۸-۰۹-۲۲. دسترسی در: <https://b2n.ir/266293>
- سایت BBC. ۱۳۹۷-۱۰-۰۷. دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/iran-46695836>

## منابع ۱۷۱

- سایت [women.ncr-iran.org](http://women.ncr-iran.org). ۱۳۹۷-۱۰-۰۶. دسترسی در: <https://b2n.ir/614259>
- سایت اتحاد. ۱۳۹۷-۰۹-۰۴. دسترسی در: <https://b2n.ir/099736>
- سایت اعتماد آنلاین. ۱۳۹۸-۰۶-۱۲. دسترسی در:
- <https://etemadonline.com/content/337280>
- سایت اعتماد آنلاین. ۱۳۹۸-۱۰-۰۴. دسترسی در:
- <https://etemadonline.com/content/367388>
- سایت اقتصاد نیوز. ۱۳۹۸-۰۷-۱۷. دسترسی در: <https://b2n.ir/917440>
- سایت الف. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: <https://www.alef.ir/news/3980902033.html>
- سایت امتداد. ۱۳۹۸-۰۹-۱۰. دسترسی در: [plink.ir/MlrAR](http://plink.ir/MlrAR)
- سایت انتخاب. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: [entekhab.ir/0029jK](http://entekhab.ir/0029jK)
- سایت انتخاب. ۱۳۹۸-۰۹-۱۳. دسترسی در: [entekhab.ir/002AHh](http://entekhab.ir/002AHh)
- سایت انتخاب. ۱۳۹۸-۱۰-۰۳. دسترسی در:
- <https://www.entekhab.ir/fa/news/519640/>
- سایت ایران آنلاین. ۱۳۹۸-۱۰-۱۳. دسترسی در: <http://www.inn.ir/news/527215>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۵-۰۴-۱۳. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82136044>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۵-۰۵-۳۱. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82196480>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۶-۰۵-۰۳. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82609688>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۶-۰۷-۱۶. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82689071>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۶-۱۱-۰۳. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82805536>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۰۱-۲۳. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82884619>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۰۴-۲۶. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82973511>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۰۵-۰۳. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/82981483>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۰۷-۲۶. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83070601>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۰۸-۲۴. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83100258>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۰۹-۲۲. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83133403>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۱۰-۰۹. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83151920/](http://www.irna.ir/news/83151920/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۱۰-۱۱. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83155752>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۱۰-۱۱. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83155379>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۷-۱۰-۲۲. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83168183>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۴-۱۸. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83389122>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۴-۲۷. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83400730>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۶-۲۵. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83475972>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۷-۱۳. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83503998>



- <https://www.irna.ir/news/83534864> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۱۴. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558246> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۵. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558337> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۵. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558675> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558918> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558496> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558953> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558772> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558473> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558768> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83558708> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559115> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559084> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559097> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- [www.irna.ir/news/83566090/](https://www.irna.ir/news/83566090/) : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۶. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559323> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559841> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559926> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559757> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559825/> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559453> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559298> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559965> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559873> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559588> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559708> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559592> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559917> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83560125> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83560171> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83560252> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83560114> : سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۷. دسترسی در:



- <https://www.irna.ir/news/83562480>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562741>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562328>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562461>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562160>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562064>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562497>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562654>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562085>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562675>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562555>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562858>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562832>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562453>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562667>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562383>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562118>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562844>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562226>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562252>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562139>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83562827>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83563613>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83563429>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83563280>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83563927>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۲۹. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83559348>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۳۰. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83564144>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۳۰. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83564290>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۳۰. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83564351>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۳۰. دسترسی در:
- <https://www.irna.ir/news/83564307>: سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۸-۳۰. دسترسی در:
- [www.irna.ir/news/83564093/](http://www.irna.ir/news/83564093/): سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۱. دسترسی در:

- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83562804>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83563052>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83565475>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83565023/>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83565068>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83565248>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83564723/](http://www.irna.ir/news/83564723/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83564935/](http://www.irna.ir/news/83564935/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83565024/](http://www.irna.ir/news/83565024/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83566059/](http://www.irna.ir/news/83566059/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۳. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83565271/](http://www.irna.ir/news/83565271/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۳. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83566901/](http://www.irna.ir/news/83566901/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۴. دسترسی در: <http://www.irna.ir/newspaper.com/Newspaper/Page/7212/1/527767/0>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۴. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83566669/](http://www.irna.ir/news/83566669/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۴. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83567926/](http://www.irna.ir/news/83567926/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۴. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83567988/](http://www.irna.ir/news/83567988/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۵. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83566737/](http://www.irna.ir/news/83566737/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۷. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83562939/](http://www.irna.ir/news/83562939/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۹. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83573860/](http://www.irna.ir/news/83573860/)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۲۵. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83557600>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۲۵. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83567229](http://www.irna.ir/news/83567229)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۲۸. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83600253>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۰۹-۳۰. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83601163>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۱۰-۰۱. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83602116>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۱۰-۰۹. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83613986>
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۱۰-۰۹. دسترسی در: [www.irna.ir/news/83613591](http://www.irna.ir/news/83613591)
- سایت ایرنا. ۱۳۹۸-۱۰-۱۱. دسترسی در: <https://www.irna.ir/news/83614517>
- سایت ایسپا. ۱۳۹۷-۰۴-۱۱. دسترسی در: <http://ispa.ir/Default/Details/fa/1930>
- سایت ایسپا. ۱۳۹۷-۰۶-۲۷. دسترسی در: <http://ispa.ir/Default/Details/fa/1963>
- سایت ایسپا. ۱۳۹۷-۰۹-۱۴. دسترسی در: <http://ispa.ir/Default/Details/fa/2001>
- سایت ایسپا. ۱۳۹۸-۰۹-۳۰. دسترسی در: <http://ispa.ir/Default/Details/fa/2157>

- سایت ایسپا. ۱۳۹۸-۱۰-۰۳. دسترسی در: <http://ispa.ir/Default/Details/fa/2159>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۵-۱۲-۲۴. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/95122415945/>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۷-۰۲-۲۴. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/97022413144>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۷-۰۴-۲۴. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/97042412636>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۷-۰۴-۲۴. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/97042412950>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۰۴-۰۴. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98040402129>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۰۵-۰۷. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98050703530>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۰۵-۱۴. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98051406848>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۰۵-۱۶. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98051608196>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۰۷-۱۰. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98071007625>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۴. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98090402461>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۰۹-۰۵. دسترسی در: [www.isna.ir/news/98090402247](http://www.isna.ir/news/98090402247)
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۰۹-۲۵. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98092518837>
- سایت ایسنا. ۱۳۹۸-۱۰-۱۶. دسترسی در: <https://www.isna.ir/news/98101612015>
- سایت بی بی سی فارسی. ۱۳۹۸-۰۸-۳۰. دسترسی در: <https://www.facebook.com/bbcpersian/posts/10156971416142713>
- سایت تسنیم. ۱۳۹۵-۱۰-۲۳. دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/10/23/1294794>
- سایت تسنیم. ۱۳۹۵-۱۲-۱۳. دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/12/13/1344178>
- سایت تسنیم. ۱۳۹۷-۰۴-۱۹. دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/04/19/1771247>
- سایت تسنیم. ۱۳۹۷-۰۹-۰۱. دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/09/01/1881756>
- سایت تسنیم. ۱۳۹۸-۰۲-۱۸. دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/02/18/2007150>
- سایت تسنیم. ۱۳۹۸-۰۴-۲۲. دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/04/22/2053312>
- سایت تسنیم. ۱۳۹۸-۰۷-۱۹. دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1398/07/19/2112157/>
- سایت جماران. ۱۳۹۸-۱۰-۰۴. دسترسی در: <https://www.jamaran.ir/fa/tiny/news-1316266>
- سایت حزب ندای ایرانیان. ۱۳۹۸-۰۹-۰۲. دسترسی در: <http://nedayeiranian.org/fa/news/280>

## منابع ۱۷۷

- سایت دانا. ۲۹-۰۳-۱۳۹۷. دسترسی در: <https://www.dana.ir/news/1375778.html>
- سایت شبستان. ۲۹-۰۷-۱۳۹۸. دسترسی در: <http://shabestan.ir/detail/News/845227>
- سایت شرکت بازآفرینی شهری ایران. ۲۶-۰۶-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <http://www.udrc.ir/5983>
- سایت شرکت بازآفرینی شهری ایران. ۲۶-۰۶-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <http://www.udrc.ir/5981>
- سایت شرکت بازآفرینی شهری ایران. ۲۶-۰۶-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <http://www.udrc.ir/5982>
- سایت شرکت بازآفرینی شهری ایران. ۰۲-۰۹-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <http://www.udrc.ir/6045>
- سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۱۶-۰۵-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <https://sccr.ir/News/5028/1>
- سایت شهرآرا. ۲۰-۰۹-۱۳۹۸. دسترسی در: <https://shahraranews.ir/0002yL>
- سایت صدا و سیما. ۱۷-۰۲-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <http://www.iribnews.ir/fa/news/2420271>
- سایت فارس. ۰۳-۱۱-۱۳۹۶. دسترسی در: <http://fna.ir/a3sioe>
- سایت فارس. ۱۴-۰۵-۱۳۹۷. دسترسی در:
- <https://www.farsnews.com/news/13970513000791>
- سایت فارس. ۰۹-۰۴-۱۳۹۸. دسترسی در: <https://www.farsnews.com/azarbaijan-gharbi/news/13980409001122>
- سایت فارس. ۲۹-۰۸-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <https://www.farsnews.com/news/13980829000379>
- سایت فارس. ۰۳-۰۹-۱۳۹۸. دسترسی در: <http://fna.ir/ddo4aw>
- سایت فارس. ۰۵-۱۰-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <https://www.farsnews.com/tehran/news/13981005000726>
- سایت مهر. ۰۶-۰۲-۱۳۹۶. دسترسی در:
- <https://www.mehrnews.com/news/3962203>
- سایت مهر. ۱۸-۰۲-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <https://www.mehrnews.com/news/4611990>
- سایت مهر. ۰۲-۰۴-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <https://www.mehrnews.com/news/4648858>
- سایت مهر. ۱۵-۱۰-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <https://www.mehrnews.com/news/4817176>
- سایت نسیم آنلاین. ۰۶-۰۹-۱۳۹۸. دسترسی در:
- <https://nasimonline.ir/Content/Detail/2340686>

- سایت وزارت راه و شهرسازی. ۱۳۹۷-۰۴-۰۶. دسترسی در:  
<http://news.mrud.ir/news/55155>
- سایت همشهری آنلاین. ۱۳۹۸-۰۵-۲۱. دسترسی در:  
<https://www.hamshahrionline.ir/news/451154>
- سایت همشهری آنلاین. ۱۳۹۸-۱۰-۰۸. دسترسی در:  
<https://www.hamshahrionline.ir/news/474031>
- سایت یورونیوز. ۲۰۲۰-۰۱-۱۴. دسترسی در:  
<https://farsi.euronews.com/2020/01/14/naser-hadyan-to-euronews-trump-and-rohani-could-meet-soon-despite-solaimani-assassination>
- سایت یورونیوز. ۱۳۹۸-۰۸-۲۸. دسترسی در:  
<https://farsi.euronews.com/2019/11/18/abbas-abdi-to-euronews-in-the-current-situation-no-one-is-able-to-lead-the-protesters>
- شرکت بازآفرینی شهری ایران. (۱۳۹۸). *گزارش آذرماه دبیرخانه ستاد ملی بازآفرینی شهری پایدار*. صادقی، علیرضا. (۱۳۹۸). *زندگی روزمره تهیدستان شهری*. تهران: نشر آگاه.
- عراقی، غلامرضا. (۱۳۸۶). «طبقه متوسط جدید و تأثیرات آن در دوره پس از انقلاب اسلامی». *علوم سیاسی* ۳۸.
- عینیان، مجید و داوود سوری. (۱۳۹۵). «فقر و نابرابری، رفتار پس‌انداز خانوار، تورم دهک‌ها». مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، معاونت پژوهشی، دفتر طرح‌های پژوهشی. دسترسی در: <https://www.magiran.com/paper/2049316>
- غفاری، مسعود و علی اصغر قاسمی سیانی. (۱۳۸۶). «خاستگاه جنبش جوانان در ایران». *پژوهش علوم سیاسی* ۴: ۱۳۹-۱۶۴.
- فرای هولد، میثانلا فون. (۱۳۷۹). *جوانان در جهانی متغیر*. سازمان ملی جوانان. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فوزی، یحیی و ملیحه رضانی. (۱۳۸۸). «طبقه متوسط جدید و تأثیرات آن در تحولات سیاسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران». *مطالعات انقلاب اسلامی* ۱۷: ۱۱-۲۷.
- قادری، حاتم. ۱۳۹۸-۰۸-۳۰. دسترسی در:  
<https://www.facebook.com/bbcpersian/posts/10156971416142713/>
- قاسمی، صفت‌الله و رسول زارع‌زاده. (۱۳۹۲). «پیامدهای (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی) ظهور طبقه متوسط جدید در ایران». *آفاق امنیت* ۱۸: ۶۷-۹۶.
- قاسمی سیانی، علی اصغر. (۱۳۸۸). «نقش جنبش جوانان در گذار به دموکراسی: تهمیدات نظری». *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه* ۲: ۹۹-۱۲۱.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۹۴). *شبکه‌های خشم و امید: جنبش‌های اجتماعی در عصر اینترنت*. ترجمه مجتبی قلی‌پور. تهران: نشر مرکز.
- کاظمی، عباس. (۱۳۹۶). *نشست جوانان و فراغت حقیقی و مجازی*. مؤسسه رحمان (۴ دی).

## منابع | ۱۷۹

- کانال اطلاع‌رسانی انجمن اندیشه و قلم. ۱۳۹۸-۹-۲۷. دسترسی در: [bit.ly/36Zbkn9](http://bit.ly/36Zbkn9)
- کانال اطلاع‌رسانی ایران فردا. ۱۳-۱۰-۱۳۹۸. دسترسی در: <https://t.me/iranfardamag>
- کانال تلگرامی انجمن علوم سیاسی ایران. ۲۱-۰۹-۱۳۹۸. دسترسی در: [https://t.me/IPS\\_A](https://t.me/IPS_A)
- کانال تلگرامی روزآروز. ۲۵-۹-۱۳۹۸. دسترسی در: [https://t.me/roozArooz\\_media](https://t.me/roozArooz_media)
- کانال تلگرامی عباس کاظمی. ۲۵-۰۹-۱۳۹۸. دسترسی در: <https://t.me/Varijkazemi>
- کانال تلگرامی علی نجات غلامی. ۰۳-۱۰-۱۳۹۸. دسترسی در: <http://t.me/Alinejatgholami23>
- کانال تلگرامی محمدرضا اسلامی. ۱۰-۱۰-۱۳۹۸. دسترسی در: <https://t.me/solseghalam/1654>
- کانال تلگرامی محمد مهدی مجاهدی. ۰۲-۰۹-۱۳۹۸. دسترسی در: <https://t.me/MMMojahedi>
- کلاندرمانز، برت و کانی راج باند. (۱۳۹۴). *بنیادهای نظری در جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی*. ترجمه نودر امین صارمی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- گر، تد رابرت. (۱۳۷۷). *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گودرزی، محسن. (۱۳۹۸). «شهروند عاصی». *اندیشه پویا* ۶۳.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- لوید، پیترو. (۱۳۹۳). *طبقه کارگر و تهیدستان شهری در جهان سوم*. تهران: نشر آشیان.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۴). *نابرابری و قشربندی اجتماعی*. شیراز: دانشگاه شیراز.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). *سالنامه آماری، شاخص‌های قیمت (فصل ۲۲)*. دسترسی در: [https://nnt.sci.org.ir/sites/apps/yearbook/year\\_book\\_doc/96-99-22.pdf](https://nnt.sci.org.ir/sites/apps/yearbook/year_book_doc/96-99-22.pdf)
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶). *سالنامه آماری، شاخص‌های هزینه و درآمد خانوار (فصل ۲۱)*. دسترسی در: [https://nnt.sci.org.ir/sites/apps/yearbook/year\\_book\\_doc/96-99-21.pdf](https://nnt.sci.org.ir/sites/apps/yearbook/year_book_doc/96-99-21.pdf)
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری. (۱۳۹۶). *مسئله‌شناسی راهبردی توسعه در خراسان جنوبی*.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶). *اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران و نگاهی به تجارب جهانی کاهش فقر*. دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1039870>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶). *چرا فقط برخی کشورها موفق به رشد تولید و فرار از فقر می‌شوند؟ (با تأکید بر تجربه چین)*. دسترسی در: <http://www.majlis.ir/fa/report/show/1039191>
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۷). *برآورد خط فقر ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۷*. دسترسی در: <http://www.majlis.ir/fa/report/show/1090439>



- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۸). دلایل فقر پایدار در ایران و پیشنهادهایی برای خروج از فقر. دسترسی در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1239214>
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۱). درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- مطلبی، مسعود. (۱۳۸۶). «نقش و کارکرد سیاسی طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران». *جامعه‌شناسی* ۸: ۷۹-۱۰۲.
- ملک‌پور، حمید، مسعود مطلبی و سید علیرضا ازغندی. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه دولت و طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی ۱۳۷۶-۱۳۸۴)». *رهیافت انقلاب اسلامی* ۴۴: ۷۹-۱۰۰.
- مؤسسه رحمان. (۱۳۹۷). *وضعیت اجتماعی کودکان در ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۵)*. تهران: نشر آگاه.
- نادری، احمد و آریاسپ دلورانی. (۱۳۹۶). «روند معناسازی در تقابل تهیدستان شهری و دولت: مطالعه شهر تهران ۱۳۴۵-۱۳۵۸». *بررسی مسائل اجتماعی ایران* ۸ (۱): ۱-۲۱.
- نش، کیت. (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن سیاست و قدرت*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- نشست آتش زیر خاکستر. کانال اطلاع‌رسانی انجمن اندیشه و قلم. ۲۵-۹-۱۳۹۸. دسترسی در: [bit.ly/36Zbkn9](http://bit.ly/36Zbkn9)
- نقدی، اسداله. (۱۳۸۹). «مهاجرت و حاشیه‌نشینی در ایران». *جمعیت* ۱۱۹: ۸۵-۱۰۴.
- نقدی، اسداله. (۱۳۹۲). *حاشیه‌نشینی: تئوری‌ها، روش‌ها، مطالعات موردی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- نگهداری، ابراهیم، خسرو پیرایی، غلامرضا کشاورز حداد و علی حقیقت. (۱۳۹۳). «برآورد خط فقر مطلق و نسبی براساس رویکرد صرفه‌ناشی از مقیاس با مدل استون - گیری (مطالعه موردی خانوارهای شهری ایران، دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰)». *برنامه‌ریزی و بودجه* ۱۹ (۱): ۳-۳۰.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. (۱۳۹۷). *درآمدی بر موضوع حاشیه‌نشینی در ایران*. تهران: مؤسسه پیام‌رسان حکمت و اندیشه.
- هادیان، ناصر. (۱۳۹۱). «مفهوم انقلاب و تحولات جهان عرب». *فصلنامه سیاست* ۴۲ (۴): ۲۰۵-۲۲۲.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی. (۱۳۸۹). «بررسی نظری در شناخت طبقه متوسط (با تأکید بر طبقه متوسط جدید در ایران)». *علوم اجتماعی* ۵۰: ۶۷-۸۹.
- هولندر، ادوین پل. (۱۳۷۸). *روان‌شناسی اجتماعی: رهبری و قدرت تأثیر ارتباط جمعی بر افکار عمومی و فعالیت سیاسی*. ترجمه احمد رضوانی. مشهد: به‌نشر.
- هی‌وود، اندرو. (۱۳۹۱). *سیاست*. ترجمه عبدالرحمن عالم. تهران: نشر نی.
- Bayat, Asef. (2000). "From Dangerous Classes to Quiet Rebels: Politics of Urban Subaltern in the Global South". *International Sociology* 15(3): 553-557.

## منابع | ١٨١

- Davis, M. (2007). *Planet of Slums*. London: Verso.
- Mclean, Iain.(1996). *Oxford Concise Dictionary of Politics*. Oxford: Oxford University Press.
- Spivak, G. C. (1988). "Can the Subaltern Speak?". in C. Nelson and L. Grossberg (eds.), *Marxism and the Interpretation of Culture*. Basingstoke, England: Macmillan Education UK.
- Tarrow, Sidney G. (1994). *Power in Movement: Social Movements and Contentious Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tilly, Charles. (1978). *From Mobilization to Revolution*. London: Addison, Wesley.

جمعه ۲۳ آبان ۱۳۹۸ خبر سهمیه بندی سوخت و افزایش قیمت بنزین اعلام شد. در پی آن، پیام‌هایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که مردم را به حضور در خیابان‌ها و خاموش کردن اتومبیل‌ها در اعتراض به این تصمیم فرامی‌خواند. به تدریج از غروب روز جمعه، تجمعات اعتراضی در برخی شهرها برپا شد. روز بعد، شنبه ۲۴ آبان اعتراضات خیابانی در شهرها شدت گرفت. این اعتراضات اگرچه نتوانست تأثیری در کاهش قیمت بنزین داشته باشد، تبعات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای داشت. علت اعتراضات چه بود؟ چگونه اعتراضات محدود اولیه به سرعت و در سطح ملی گسترش یافت؟ معترضان چه کسانی بودند؟ آیا از لحاظ سطح خشونت بین این اعتراضات و اعتراضات پیش از آن در دی ۱۳۹۶ تفاوت معناداری بود؟ ماهیت اعتراضات چه بود؟ آیا اعتراضات مقدمه خونین انقلابی بود که به شکست منتهی شد یا شورش کور و خشونت‌آمیز مردم ناراضی و هیجان‌زده کوچک و بازار بود؟ آیا اعتراضات سرآغاز جنبش اعتراضی تهیدستانی بود که فشار معیشت از آستانه تحمل‌شان عبور کرده بود؟ آیا احتمال سربرآوردن مجدد اعتراضات فروکش کرده وجود دارد؟

این گزارش مدعی آن نیست که به همه سئوالات مورد اشاره پاسخ داده بلکه تلاش کرده در چارچوب محدودیت‌ها در دسترسی به منابع و دیگر محدودیت‌ها به بخشی از این سئوالات پاسخ دهد.

